

ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

فهرست ۲۵ ساله مجله

و

با آثاری از:

ایرج پارسی نژاد

زهرا طاهری

حشمت مؤید

محمد استعلامی

رضا صابری

روزبه قهرمان

جلال متینی

ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران
وزبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

مدیر

جلال متینی

نقد و بررسی کتاب

زیر نظر: حشمت مؤید

بخش انگلیسی

زیر نظر: ویلیام ال. هنووی، دانشگاه پنسیلوانیا

هیأت مشاوران
پیتر چلکوسکی، دانشگاه نیویورک
جلال خالقی مطلق، دانشگاه هامبورگ
راجر سیوری، دانشگاه نورتو
حشمت مؤید، دانشگاه شیکاگو

مشاوران متوفی
ذبیح الله صفا، استاد ممتاز دانشگاه تهران
محمد جعفر محبوب، دانشگاه تربیت معلم تهران

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.

نقل مطالب «ایران شناسی» با ذکر مأخذ مجاز است. برای تجدید چاپ تمام
یا بخشی از هر یک از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.

تمام نامه ها به عنوان مدیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

The Editor: Iranshenasi

P.O.Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A

تلفن: ۲۵۶۴-۲۷۹ (۳۰۱)

فکس: ۲۶۴۹-۲۷۹ (۳۰۱)

بهای اشتراک:

در ایالات متحده آمریکا، با احتساب هزینه پست:

سالانه (چهار شماره) ۴۸ دلار، برای دانشجویان ۳۸ دلار، برای مؤسسات ۹۰ دلار

برای سایر کشورها هزینه پست به شرح زیر افزوده می شود:

با پست عادی ۱۸ دلار

با پست هوایی: کانادا ۱۶/۵ دلار، اروپا ۳۷ دلار، آسیا و آفریقا و استرالیا ۴۱ دلار

حروفچینی کامپیوتری و تنظیم: مؤسسه انتشاراتی «بیج»، واشنگتن دی. سی.

فهرست مندرجات

ایران شناسی، دوره جدید
سال هیجدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۵

فهرست ۲۵ ساله مجله

بخش فارسی

مقاله

- | | | |
|-----|--|----------------|
| ۵۸۹ | «المملكة العربية الایرانیة» (۱) | جلال متینی |
| | دفتر عقل و آیت عشق. زنان در عرصه حدیث و | زهره طاهری |
| ۶۰۵ | تصوف از سده چهارم تا ششم هجری | روزبه قهرمان |
| | ناشنویان از نگاه شاعران ایران (مروری گذرا | |
| ۶۲۲ | به جایگاه ناشنویان در اشعار فارسی) | |
| ۶۴۱ | نیل سنج | رضا صابری |
| | غرّه باصره ناصیه چشم اناام (؟!) و نقدی همراه | محمد استعلامی |
| ۶۴۹ | با ستایش بر سخن خاقانی | |
| ۶۵۹ | مقدمه ای بر نوع شهر آشوب در شعر فارسی | حشمت مؤید |
| ۶۶۷ | نقد شعر صوفیه | ایرج باری نژاد |
| | «محکوم به اخراج از دانشگاه»: (خاطرات | جلال متینی |
| ۶۷۸ | سالهای خدمت (۲) | |

نقد و بررسی کتاب

- | | | |
|-----|---|-----------|
| ۶۹۷ | رساله قدسیه طریقت صدیقان، تألیف بهمن
گازرپور | حشمت مؤید |
|-----|---|-----------|

گفتنی و انتشارات فارسی

- | | | |
|-----|----------------------|---------|
| ۷۰۱ | معرفی ۱۲ کتاب و مجله | ج. م. ۰ |
|-----|----------------------|---------|

فهرست ۲۵ ساله مجله

۷۱۶	مقاله ها
۷۵۰	برگزیده ها
۷۵۴	نقد و بررسی کتاب
۷۶۴	ایران شناسی در غرب
۷۶۷	گلگشتی در انتشارات فارسی
۷۸۵	خاطرات
۷۸۵	اسناد تاریخی
۷۸۷	خبرهای ایران شناسی
۷۹۰	طرح
۷۹۱	نکته ها
۷۹۳	نامه ها و اظهار نظرها

بخش انگلیسی

خلاصه مقاله های فارسی به انگلیسی

فهرست ۲۵ ساله مجله

ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی
دوره جدید

زمستان ۱۳۸۵ (۲۰۰۷ م.)

سال هیجدهم، شماره ۴

جلال متینی

«المملكة العربية الإيرانية» (!)

از آغاز پادشاهی آغا محمد خان قاجار و تأسیس سلسله قاجاریه در سال ۱۱۵۸ خورشیدی / ۱۷۷۹ میلادی تا به امروز (۲۰۰۷/۱۳۸۵) تقریباً دو بیست و بیست و هشت سال می گذرد. در این دوران، قاجاریه ۱۴۶ سال بر ایران حکومت کردند، دو پادشاه پهلوی ۵۳ سال، و جمهوری اسلامی تا کنون ۲۸ سال. روزی که آغا محمدخان زمام امور را به دست گرفت، وسعت ایران به مراتب بیش از ایرانی بود که رضاشاه پهلوی از آخرین پادشاه قاجاری تحویل گرفت. در دوران قاجاریه تمامیت ارضی ایران چندین بار مورد تجاوز دولتهای مقتدر انگلیس و روسیه تزاری قرار گرفت و این دو دولت به علت ضعف پادشاهان این سلسله بخشهایی قابل ملاحظه از کشور ما را در قفقاز و شرق ایران جدا ساختند،^۱ و چیزی نمانده بود که خوزستان جنوبی یعنی منطقه نفتخیز ایران هم رسماً به آن سرزمینها

پیوند که رضاخان سردار سپه رئیس الوزرا، در آخرین سال پادشاهی احمدشاه علی رغم مخالفت علنی انگلیس و کارشکنی اقلیت مجلس پنجم به ریاست سید حسن مدرس مجتهد معروف، به حکومت خزل، شیخ دست نشاندۀ انگلیس در خوزستان، پایان داد و خوزستان و نفت آن را به ایران بازگردانید.^۲ محمد رضاشاه، هنگامی به سلطنت رسید که انگلیس و شوروی ایران را در جنگ دوم جهانی اشغال کرده بودند. اشغال ایران بیش از ۵ سال به طول انجامید. سرانجام در کنفرانس پوتسدام (۲ اوت ۱۹۴۵ / ۱۲ مرداد ۱۳۲۴) دولت‌های شوروی و انگلیس و امریکا موافقت کردند که ایران هر چه زودتر از نیروهای متفقین تخلیه شود. دولت ایران نیز به استناد «پیمان اتحاد بین ایران و شوروی و انگلیس» مورخ ۹ بهمن ۱۳۲۰ / ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ یادداشت‌هایی به آن دو دولت ارسال داشت که بر طبق پیمان سه کشور، متفقین باید نیروهای خود را تا شش ماه پس از پایان جنگ از ایران خارج کنند. دولت شوروی از این امر سر باز زد و در حالی که ارتش سرخ قدرت مطلق را در آذربایجان و ایالات شمالی ایران در دست داشت، به طور غیر مستقیم با تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان به ریاست سید جعفر پیشه‌وری به تجزیه آذربایجان از ایران دست زد، ولی دولت ایران تسلیم نشد و به شورای امنیت سازمان ملل متحد از شوروی شکایت کرد و در نتیجه پافشاری ایران و حمایت بی دریغ امریکا، آذربایجان به ایران بازگشت.^۳ در همین دوره پادشاهی محمد رضاشاه، در مورد حفظ تمامیت ارضی ایران، دو اقدام مهم دیگر نیز علی رغم مخالفت انگلیس و عراق و کشورهای عربی انجام پذیرفت. نخست آن که در سال ۱۳۵۰ / ۱۹۷۱ نیروهای نظامی ایران وارد جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک در خلیج فارس شدند. این سه جزیره متعلق به ایران بود ولی انگلیس در دوره قاجاریه آنها را تصرف کرده بود. بدین ترتیب بود که ایران حاکمیت قانونی خود را در این جزایر و در تنگه هرمز به دست آورد. ولی این اقدام با واکنش شدید محافل عربی و دولت عراق مواجه گردید.^۴ دیگر آن که ایران، بر طبق بند دوم قرارداد الجزیره مورخ ۱۳۵۳ / ۱۹۷۵ عراق را وادار ساخت که خط مرزی تالوگ را در شط العرب - که روش متداول بین المللی است - به نفع ایران به رسمیت بشناسد. صدام حسین - دشمن سرسخت ایران ناگزیر در کنفرانس الجزیره در برابر شاه ایران تسلیم شد* و بر این موضوع صحه نهاد.^۵ ولی البته ایران در این سالها نتوانست در برابر مصر و عراق و دیگر کشورهای عربی

* ناگفته نماند که ایران در زمان پادشاهی رضاشاه به هنگام امضای عهدنامه مرزی عراق در سال ۱۳۱۶ / ۱۹۳۷ کوشید موضوع خط تالوگ را در شط العرب اساس مذاکره قرار دهد، ولی انگلیس و عراق جدید التاسیس خط تالوگ را تنها در حدود چهار مایل شط العرب، در محدوده کوچک مقابل آبادان، به عنوان مرز دو کشور پذیرفتند.^۵

و پشتیبانان آنها درباره تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی کاری از پیش برد. اگر اشتباه نکنم این کار را جمال عبدالناصر آغاز کرد. گرچه خود او پیش از درگیری با محمد رضاشاه، این آبراه را به مانند دیگر عرب زبانان بارها و بارها «خلیج الفارسی» خوانده بود. محیط طباطبایی نوشته است که «من به سخنرانیهای جمال عبدالناصر از رادیو بارها گوش داده ام و این تکیه گاه کلام او را که «من المحيط الاطلسی الی الخلیج الفارسی» باشد مکرر شنیده ام... رادیو صوت العرب قاهره کراراً سرود مهیجی را که یک مصراع آن همان عبارت «من المحيط الاطلسی الی الخلیج الفارسی» باشد نشر می داد...»^۱ دولت ایران در آن زمان در اثبات نادرستی عنوان خلیج عربی چند کنفرانس تشکیل داد، مقاله ها و کتابهای متعدد در این باب در ایران چاپ شد. و به عنوان عکس العمل در برابر این اقدام کشورهای عربی، از طرف دولت ایران به ایرانیانی که در کنفرانسهای خارجی شرکت می کردند دستور داده شد اگر کسی در کنفرانس در ضمن سخنان خود به جای خلیج فارس، خلیج عربی به کار ببرد، اعتراض کنید و از جلسه خارج شوید، و نیز به مسؤولان گمرک در خلیج فارس امر اکید شد که از تخلیه کالاها به مقصد ایران، در صورتی که در اسناد مربوط به حمل کالا «خلیج عربی» نوشته شده باشد، خودداری کنید. مقصود آن است که در این باب دولت ایران آنچه در توان داشت انجام داد، ولی متأسفانه کاری از پیش نتوانست برد.

و اما در جمهوری اسلامی: آیت الله خمینی پس از پایان دوران تبعید خود در ترکیه و عراق و فرانسه، و در راه بازگشت به ایران، هنوز در هوا بود و پایش به خاک ایران نرسیده بود که به طور ضمنی اعلام کرد برای «ایران» وطن ما مطلقاً ارزشی قائل نیست، چه او در هوا پیمای در پاسخ خبرنگاری امریکایی که از او پرسید اینک که پس از سالها تبعید به ایران بازمی گردید چه احساسی دارید؟ پاسخ داد: «هیچی!» و بعد همین که زمام امور کشور را در دست گرفت رسماً اعلام کرد «انقلاب اسلامی» را به دیگر کشورها صادر خواهد کرد. در ضمن وی با گروگانگیری کارکنان سفارت امریکا در تهران، و شعار «امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند»، به جنگ امریکا رفت. از طرف دیگر صدام حسین که چند سال پیش در مسئله شط العرب از سوی ایران سخت زخمی شده بود، یکی دو موضوع کوچک را بهانه قرار داد و بر قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره و حق حاکمیت ایران در شط العرب خط بطلان کشید و به ایران حمله برد و جنگی را آغاز کرد که به مدت هشت سال به طول انجامید، جنگی که از آن به عنوان طولانی ترین جنگ در قرن بیستم در تمامی جهان

نام برده شده است. امریکا و برخی از کشورهای غربی برای آن که «صدور انقلاب اسلامی» آیت الله به «صدور نفت» لطمه ای وارد نسازد، عراق را حتی به سلاح شیمیایی مجهز کردند، نخستین جنگ موشکی در جهان بین عراق و ایران در همین زمان به راه افتاد. از ضایعات این جنگ در این جا سخنی نمی گویم. ولی همین که ایران در خردادماه ۱۳۶۱ توانست خرمشهر و بخشهای اشغال شدهٔ ایران را از مهاجمان عراقی پاک سازد، شورای امنیت با صدور قطعنامه ای، آتش بس و بازگشت به مرزهای بین المللی را تصویب کرد. در ضمن کشورهای نفتخیز عربی نیز حاضر شدند بیش از یک صد میلیارد دلار خسارات جنگ را به ایران بپردازند. ولی آیت الله که مطلقاً به ایران نمی اندیشید و به قول خودش می خواست از راه کربلا به قدس برود! این پیشنهاد را که صد در صد به نفع ایران بود نپذیرفت و با شعار عجیب و نوظهور «جنگ رحمت الهی ست» به جنگ ادامه داد! در این جنگ هشت ساله زیانهای جانی و مالی فراوان به ایران وارد شد. از جمله در حدود یک میلیون از هموطنان ما در میدانهای جنگ کشته، مجروح، و یا معلول شدند و شهرهای بسیار ویران گردید که هنوز روی آبادانی ندیده اند. به علاوه عدهٔ قابل توجهی از ساکنان استانهای غربی و جنوبی ایران - که میدان جنگ بود و یا در تیررس موشکها و هواپیماهای عراقی قرار داشتند - به دیگر استانها گریختند. ولی سرانجام روزی فرا رسید که آرزوهای آیت الله در فتح عراق و رفتن به بیت المقدس از کربلا بر باد رفت. آن گاه بود که گفت جام زهر را نوشیدم و به جنگ پایان می دهم. به جنگ پایان داد بی آن که ایران بتواند دیناری خسارت به دست آورد. در حقیقت او جام زهر را شخصاً نوشید. او جام زهر را در کام هموطنان ستم دیدهٔ ما ریخت. ناگفته نماند که در این جنگ حتی یک تن از خاندان آیت الله خمینی «فرمانده کل قوا»، و دیگر آیات عظام کشته نشدند، در حالی که خانواده های بسیاری بودند که هر یک چند تن از افراد خود را در این جنگ از دست دادند.

از طرف دیگر آیت الله خمینی همین که با تأیید کامل همهٔ گروههای سیاسی و مذهبی از جبههٔ ملی و حزب توده و سازمان مجاهدین خلق مسعود رجوی و فدا بیان خلق گرفته تا فدا بیان اسلام و نهضت آزادی مهندس بازرگان و غیره به عنوان «رهبر» زمام امور ایران را به دست گرفت، در هر فرصتی که پیش می آمد، ایران، ملت ایران و تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران را مورد حمله قرار می داد که از آن جمله است:

ملی گرایی، اساس بدبختی ماست. اینها نقشه هایی ست که مستعمرین کشیده اند. ما چقدر

سبلی خوردیم از این ملیت، اینها بروند گم شوند. اینها باید خجل باشند.^۷

این حسابهایی که پیش مردم عادی مطرح است که ما ایرانی هستیم و برای ایران چه باید بکنیم. این حسابها درست نیست. این قضیه ای که شاید صحبتش در همه جا هست که به ملت و ملیت کار داشته باشند، این یک امر بی اساس است در اسلام، بلکه متضاد است با اسلام.^۸ از مسائلی که طراحان استعمار و عمال آنها طرح کرده اند و تبلیغ می کنند قومیت و ملیت است.^۹ خیلی باید توجه داشته باشید که به اسم ایران و به اسم کشور ایرانی شیاطینی نخواهند شما را منحرف کنند از اسلام عزیز. هر فساد که هست از ملیت و ملت گرای است. بدانید که طرح این مسائل از باب تفرقه است.^{۱۰}

بدیهی ست وقتی آیت الله «ایرانی» بودن را متضاد با اسلام اعلام کند، پامنبریهایی ریز و درشتش نیز در این زمینه داد سخن می دهند، چنان که حجت الاسلام موسوی خوئینیها معاون وقت مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با روزنامه کیهان گفت:

اصلاً مسأله میهن با مسأله اسلام دو موضوع متضاد است که با هم جور در نمی آید. «ملی» یعنی چه؟ بنده به عنوان یک مسلمان چه انگیزه ای دارم که وطن منهای اسلام را نجات بدهم؟^{۱۱} و حجة الاسلام کربوبی در زمانی که نماینده مجلس شورای اسلامی بود، در خطبه نماز جمعه و در مقابله با مهندس مهدی بازرگان اظهار داشت:

در خیانت شما [مهندس بازرگان] همین بس که نوشته اید: انقلاب «ملی» ایران به ثمر نرسیده، و صراحة در دو جای نامه خود کلمه «ملی» را به کار برده اید. خیانت به تاریخ می کنید... در قسمت دیگری از نامه خود می نویسید فلان شخص فردی میهن پرست است. خجالت نمی کشید؟ مردم شعار اسلام را داده اند و حالا که سفره باز شده شما می آید و اسم ملی و میهن را روی آن می گذارید؟ این سخن امام امت است که فرموده: مردم ما باید جلوی آنها بی را که دم از ملیت می زنند بگیرند.^{۱۲}

اظهارات آیت الله خمینی در این گونه موارد برای آشنایان تاریخ ایران بسیار عجیب می نمود. بعضی می گفتند چگونه ممکن است کسی «ایرانی» باشد، و رهبر کشور ایران هم باشد ولی ایران و ملت ایران و ایرانی بودن را خوار بشمارد. امروز بیش از بیست کشور مسلمان در جهان وجود دارد، ولی فرمانروایان هیچ یک از آنها از این حرفها نمی زنند. چرا او در سخنانش به امریکا و ایران و ایرانی بودن یکسان حمله می برد. برخی از افراد بدبین نیز از خود می پرسیدند که آیا این بار دست بیگانگان و دشمنان ایران از آستین یک ایرانی بیرون آمده است! اما در سالهای بعد آیت الله مهدی حائری یزدی، خویش و شاگرد و دوست آیت الله خمینی در مصاحبه با «طرح تاریخ شفاهی ایران» مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، به طور غیر مستقیم از این راز پرده برداشت:

«... عرض کردم جد ایشان [آیت الله خمینی] آقا سید احمد بوده که از کشمیر* آمده است به ایران، آمده است به خمین و در خمین آن جا سکنی گزیده و عرض کنم که از علمای خمین شده.» و در پاسخ به این سؤال که «ایشان واقعاً اهل کشمیر بودند، هندی نبودند؟» گفته است: «نخیر، تا آخرش هم اصلاً زبانشان، لهجه شان لهجه هندی و کشمیری و اینها بوده. فارسی درست حرف نمی زده، با کمتر حرف می زده است. خلاصه روان نبوده در فارسی.» بعد افزوده است وی یک فرزند داشت به نام آقا سید مصطفی که آیت الله خمینی و آقای پسندیده و آقا سید نورالله هندی، وکیل دادگستری پسران او بودند. «تخلص آقای خمینی هم خودش هندی ست، یعنی در اشعارش تخلصش هندی ست، هرچند که در شناسنامه مصطفوی ست.»^{۱۳}

حائری یزدی در مورد تحصیلات آیت الله خمینی هم گفته است:

تحصیلات ایشان فقط و فقط در قم در پیش مرحوم پدر ماست [حاج شیخ عبدالکریم حائری] و غیر از این چیز دیگری نیست. بلکه فقط در رشته عرفان پیش آقای شاه آبادی درس خواندند. وقتی که پدرم از اراک می آید به قم برای تأسیس حوزه علمیه قم، آقای خمینی اول می رود به اراک پیش ایشان. بعد با ایشان در معیت سایر طلاب و محصلین ایشان می آید به قم...^{۱۴}

در ضمن این واقعیت را از یاد نبریم که در حوزه های علمیه ایران و عراق، زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران تدریس نمی شد. اطلاعات طلاب عموماً درباره زبان فارسی در همان حدی بود که در مکتبخانه مختصری فارسی خوانده بودند و یا با افراد خانواده و اهل محل و همدرسان خود به فارسی سخن می گفتند و از تاریخ ایران هم چیزی نمی دانستند. آنها در حوزه، پس از فرا گرفتن مقدمات زبان عربی به خواندن کتابهای فقه و امثال آن به زبان عربی نزد مدرسان مشغول می شدند. به این جهت کاملاً طبیعی به نظر می رسد که آیت الله خمینی - که پدر بزرگش هم از هند به ایران مهاجرت کرده بوده - و کمی زبان فارسی می دانسته است - به ایران دلبستگی نداشته باشد.

مبارزه با ملیت و ایران و ایرانی بودن، نخست در کتابهای درسی مطرح گردید و حکومت اسلامی به مغزشویی کودکان و جوانان ایرانی پرداخت و همه جا نه فقط اسلام را به جای ایران قرار داد بلکه اسلام را بر ایران برتری داد. چنان که از جمله در کتاب درسی انگلیسی سال اول دوره راهنمایی تحصیلی (چاپ ۱۳۶۱) در سبب آموزش زبان انگلیسی ذکر شده است که انگلیسی را یاد می گیریم: «... تا انقلاب اسلامی کشورمان را که

* تا چند سالی پس از پایان جنگ دوم جهانی، که شبه قاره هند به هندوستان و پاکستان و بنگلادش و کشمیر تقسیم نشده بود، تمام شبه قاره به نام «هند» خوانده می شد.

طرفدار ملتهای اسیر و محروم است به آنان بشناسانیم. تا فرهنگ اسلامیان را که کتاب خدا، سنت پیامبر و روش امامان علیهم السلام است... برای توده مستضعف جهان ترجمه کنیم...» کتابهای درسی در سراسر ایران از این نظر به دقت «پاکسازی» شد حتی از داستانهای شاهنامه فردوسی.^{۱۵} شیر و خورشید نشان رسمی ایران از پرچم ایران حذف گردید و به جای آن علامتی شبیه به کاندا، علامت سیکهای هند را قرار دادند با ۲۲ الله اکبر.^{۱۶} نام جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران هم به جمعیت هلال احمر، مانند کشورهای عربی، تغییر داده شد. مشروطه و رجال مشروطه مورد اهانت قرار گرفتند^{۱۷} هم در کتابهای درسی، هم در سالهای بعد از جمله در برنامه «هویت» رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی.^{۱۸} تاریخ ایران پیش از اسلام از جهات مختلف مورد حمله قرار گرفت. آیت الله پیش از انقلاب نیز از ایرانیان پیش از اسلام با الفاظ رکیک یاد کرده بود و اینک که به قدرت رسیده بود البته به صراحت بیشتر درباره آنان سخن می گفت:

تاریخ مملکت را عوض کرده اند به تاریخ گبرها. این خیلی جنایتش بالاتر از کشتارهایی است که شده است، تبدیل کرده اند به تاریخ آتش پرستها. به همان گیرهای متعددی آدمکش قهار که صحبت از بان ایرانیم می کردند و از شوون ایرانیت.^{۱۹}

و بدین ترتیب تاریخ پیش از اسلام ما از هر طرف به شدت مورد حمله قرار گرفت. از جمله شخصی را به نام حقیقی یا مستعار ناصر پورپیرار به میدان آوردند. وی کتابی به نام تأملی در بنیان تاریخ ایران در ۴ جلد تألیف کرد و در جلد اول آن بر تمام آراء و تحقیقات خاورشناسان جهان درباره زردشت و اوستا و اهورامزدا و دوازده قرن فرمانروایی هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان خط بطلان کشید. این پژوهنده نامدار! تاریخ حقیقی ایران را در دوران دو هزار ساله پیش از هخامنشیان می داند که با سقوط ساسانیان و برآمدن اسلام حیات تازه ایران آغاز گردیده است!^{۲۰}

وی درباره هخامنشیان نوشته است: «قومی که به سفارش و پشتیبانی یهود در تاریخ ایران به نام نهایی هخامنشیان برآمدند... به هیچ روی ایرانی نبوده اند.»^{۲۱} «به معنای درست، تاریخ هخامنشیان برگ تازه ای از تاریخ یهود است و اگر هخامنشیان را یکی از «اسباط» بدانم سخنی به گزاف نگفته ام...»^{۲۲} به علاوه پورپیرار چند بار نیز از رادیو و تلویزیون ایران آراء نادرست خود را برای مردم سراسر ایران بازگفت. علی لاریجانی رئیس وقت رادیو و تلویزیون و برگزیده آیت الله خامنه ای نیز در یکی از سخنرانیهایش در یکی از دانشگاهها اظهار داشت ایرانیان پیش از اسلام وحشی و حتی بیسواد بودند. محمد صادق الحسینی معاون وزارت ارشاد در زمان ریاست جمهوری خاتمی نیز در مقاله ای در

روزنامه شرق الاوسط نوشت: «کوروش خونخواره ای جبار بود همچون جرج بوش که دنیای کهن را ویران کرد و امپراطوری عظیم بابل را در عراق امروز برانداخت.»^{۲۳} آیت الله احمد جنتی نیز در خطبه نماز جمعه ۸ خرداد ۱۳۷۷ خود به صراحت گفت: «مرزهای ارزشهای اسلامی مرزهای خداست که صدها مرتبه از مرزهای خاکی مهمتر است.»^{۲۴} در چنین اوضاع و احوالی آشکار است که آیت الله و پیروانش هرگز به فکر حفظ تمامیت ارضی ایران نبوده اند. بی توجهی آنها در حفظ چهاردیواری میهن ما تا به امروز آن چنان است که می پنداری عملاً در صف دشمنان ایران قرار دارند و یا دشمن از روز اول این مأموریت را به آنان داده بوده است.

اگر ایران، در دوران قاجاریه و پهلوی، با قدرتهای بزرگ زمان یعنی انگلیس و روسیه تزاری و دولت شوروی دست به گریبان بود و یا عراق در اواخر دوران پهلوی ها عرض وجود می کرد، در دوره حکومت آیت الله خمینی و جانشینانش این «کشورهای فسقلی» (mini states) جدید التاسیس مسلمان آذربایجان، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی هستند که به راستی حکومت اسلامی آیت الله ها را دست انداخته اند؛ کشورهایی که از عمرشان بیش از پنجاه سال هم نمی گذرد. دریغ از این که حکومت اسلامی در این مدت در برابر تعرض آشکار آنها به تمامیت ارضی ایران حتی یک اعتراض کتبی کرده باشد. تصور نشود حضرات نمی دانند که باید به دولتهای خارجی که در امور داخلی ایران دخالت می کنند، اعتراض کرد. حکومت اسلامی به این موضوع واقف است چنان که تاکنون چند بار به دلایلی دانشجویان بسیجی و لباس شخصی ها را برای اعتراض به انگلیس به مقابل سفارت آن دولت در تهران گسیل داشته است. آنان یک بار شیشه های آن سفارتخانه را شکستند و از جمله شعار می دادند: «بوش تو را می کشیم» (چرا بوش؟)، و یا همین مهاجمان را به محل بیلاقی آن سفارتخانه در قلعهک فرستاد و در آن جا شعار می دادند: «بوش تو را می کشیم، بِلر تو را هم می کشیم.» و یا سفارتخانه های چند کشور اروپایی را، پس از چاپ تصاویر پیامبر اسلام در روزنامه های شان، به آتش کشیدند. ولی در موارد متعددی که به آن اشاره خواهیم کرد جمهوری اسلامی - در دوران رهبری آیت الله خمینی و خامنه ای و ریاست جمهوری رفسنجانی، خاتمی، و احمدی نژاد - در برابر گستاخی کشورهای جدید التاسیسی که از آنها نام بردم سکوت کرده است.

برخی از موارد سکوت جمهوری آیت الله ها را در برابر این کشورهای همسایه بر می شمارم:

۱- جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۷ تاکنون، هر ساله کنگره ای به نام «کنگروه

جهانی آذربایجانها» در یکی از کشورهای جهان تشکیل می دهد به منظور تشکیل کشور واحد آذربایجان و تجزیه آذربایجان ایران. از جمله این کنفرانس در سال ۱۹۹۸ در شهر واشنگتن تشکیل شد و با پیام حیدر علی اف رئیس جمهوری وقت آن کشور افتتاح گردید. در آن کنگره نقشه آذربایجان واحد - پس از الحاق آذربایجان ایران به جمهوری آذربایجان - در معرض دید همگان قرار داده شد. این موضوع را با هشدار به جمهوری اسلامی با دو نقشه مربوط، در ایران شناسی چاپ کرد.^{۲۵}

۲- المار محمد یاراف وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان در مرداد ۱۳۸۳ به ایران آمد. وی حامل دعوتنامه ای بود برای خاتمی رئیس جمهوری اسلامی. این مرد در کنفرانس مشترک خبری با شرکت کمال خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به صراحت گفت: ما اقلیت بزرگ آذربایجانی در ایران داریم که روابط خوبی با ایرانیها دارند. یعنی وی تمام ساکنان آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل و دیگر ترک زبانان ایران را تبعه آذربایجان سابق شوروی دانست. کمال خرازی و جمهوری اسلامی نه تنها به گستاخی وی اعتراضی نکردند، بلکه محمد خاتمی و وزیر امور خارجه اش به آذربایجان رفتند. در مدت چند روزی هم که در آذربایجان بودند، خاتمی در سخنرانیهای بی سر و ته خود به سخنان بی شرمانه المار محمد یاراف اشاره ای هم نکرد.

وی در این سخنرانیها از جمله اظهار داشت: «برای من که دغدغه دیرین زندگی ام، طی راه دشوار مردم سالاری ست...»، «همه ما در جهانی به سر می بریم که بیش از همیشه نیازمند صلح، امنیت و عدالت است...»، «دموکراسی پاسخی ست به این پرسش که چگونه تصمیمهای کلان سیاسی ساخته می شود و باید ساخته شوند...»، «ما در پی تحقق محیطی سرشار از دوستی و همزیستی و عاری از ستیز و ناامنی هستیم...»، «آذربایجان سرزمین زیبایی، سربلندی و مهوروزی ست، کوههای بلند، مردمان مهربان و فرهنگ پر از راز و رمز آن از دور دست تاریخ تا به امروز، گفتنیها داشته است و دارد...»

به قول هموطن عزیز شمالی ام، پس از خواندن متن کامل سخنرانیهای رئیس جمهوری «اصلاح طلب» در جمهوری آذربایجان، آی مرا خنده نگرفت!

البته آقای خاتمی بی توجه به سخنان المار محمد یاراف، رئیس جمهوری آذربایجان را به ایران دعوت کرد و از وی در کاخ سعدآباد پذیرایی به عمل آورد.^{۲۶}

۳- در کتابهای درسی جمهوری آذربایجان به پیروی از سیاست کلی آن کشور نسبت به هفت استان ایران: اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی، قزوین، همدان، بخشی از کردستان و زنجان ادعای ارضی شده است. به علاوه در این کتابها از ایران با کلمات

اشغالگر و ظالم و... نام برده شده است.^{۲۷}

۴- چندی پیش به مناسبت پنجاه و نهمین سالگرد فروپاشی فرقه دموکرات آذربایجان، مراسم کتاب سوزان به دست جدایی طلبان پان ترکیست در تبریز انجام شد که در آن کتابهایی مانند شاهنامه فردوسی، زندگی نامه کوروش، دیوان حافظ، مثنوی مولانا جلال الدین، بوستان و گلستان سعدی و دیوان فارسی شهریار همراه با پرچم ایران به آتش کشیده شد.^{۲۸}

۵- در تمام دوران جمهوری اسلامی، خلیج عربی از سوی کشورهای عرب جایگزین نام خلیج فارس شده است. حتی در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی، شرکت کنندگان در کنفرانس این آبراه را که سازمان ملل متحد نیز به نام Persian Gulf می شناسد، خلیج العربی Arabian Gulf خواندند و میزبانان نجیب به آنها از گل نازکتر هم نگفتند. این را می گویند «نجابت اسلامی»! یا «تسامح اسلامی» (!) و بدین ترتیب جمهوری اسلامی عملاً به کشورهای منطقه اعلام کرده است که می توانند این آبراه را خلیج عربی بخوانند بی آن که جمهوری اسلامی حتی از آنان گله کند که از صدها نمونه آن، این چند مورد را ذکر می کنم:

در سال ۱۹۸۰ در بحرین دانشگاهی با نام خلیج العربی افتتاح شده است. نمایندگیهای آژانس های مانند الخلیج، طیران الخلیج، ساندویچ خلیج، کافی شاپ خلیج، در کشورهای واقع در ساحل خلیج فارس به وجود آمده اند. خیابانی در کویت به نام خلیج العربی نامگذاری شده است.^{۲۹} در سال جاری ظروف غذای حجاج ایرانی در مکه با عبارت خلیج العربی منقوش بوده است به مانند دو سال پیش. و نیز امارات متحده عربی تیمی را با عنوان Arabian Gulf به مسابقات بین المللی راگبی فرستاده است.^{۳۰}

از یاد نبریم که این امارات متحده عربی که برای آیت الله ها شاخ و شانه می کشد مرکب از ۶ شیخ نشین حقیر است با جمعیت کمتر از دو میلیون که ۸۰ تا ۹۰ درصد آن غیر عربند. امارات متحده عربی نه فقط خلیج فارس را خلیج عربی می خواند و جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی را ملک پدری خود می داند، بلکه با چاپ نقشه ای در دفتر شاگردان مدارس خود، استانهای خوزستان و هرمزگان و بوشهر و حتی بخشهایی از استان سیستان و بلوچستان - یعنی تمام مناطق شمالی خلیج فارس و دریای عمان را - با عنوان «عربستان» از ایران جدا ساخته است.^{۳۱}

این فقط تمامیت ارضی ایران نیست که با تأیید ضمنی آیت الله ها، ملعبه دست کشورهای جدید التاسیس مسلمان قرار گرفته است، آثار تاریخی ایران به خصوص آثاری

که متعلق به پیش از اسلام است نیز از آسیب این حکومت اسلامی در امان نمانده است که جای بحث آن در این جا نیست، زیرا تاکنون در چند مقاله دیگر به آنها پرداخته ام. از سوی دیگر در چند سال اخیر در امریکا کنفرانسهایی در زیر نظر بعضی از امریکاییان سرشناس و با حضور کسانی که خود را نماینده یکی از «اقلیتهای قومی ایران» می دانند تشکیل می شود و در آنها مسأله تجزیه ایران به طور علنی مطرح می گردد. چنان که در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ کنفرانس «ایران ناشناخته، موضوعی دیگر برای فدرالیسم» به توسط مایکل لدین مدیر American Enterprise Institute در شهر واشنگتن تشکیل شد با حضور به اصطلاح نمایندگان از آذربایجان، کردستان، خوزستان، و بلوچستان. می گویند مایکل لدین از افراطی ترین و مؤثر ترین اعضای این مؤسسه است. مؤسسه ای که به نظر برخی در سیاستهای کاخ سفید بسیار اثرگذار است. و نیز در تاریخ ۲۸ مه ۲۰۰۶ «اطلاعیه مشترک جبهه ملل برای حق تعیین سرنوشت، اعلام حمایت و همبستگی با قیام ملت ترک آذربایجان» با امضای کنگره جهانی آذربایجانیها (ترکهای آذربایجان جنوبی)، حزب استقلال آذربایجان، اتحاد انقلابیون کوردستان،* جبهه عربی برای آزادی احواز، حرکت ملی ترکمنستان ایران، جبهه دموکراتیک مردمی ملت عرب احواز، و با شعار «سرنگون باد دولت اشغالگر ایران» منتشر گردیده است با این مقدمه:

انسانهای آزاده سراسر جهان، سازمانهای مدافع حقوق بشر، نیروهای مبارز تحت ستم ملی (ایران)، رژیم های ارتجاعی و اشغالگر ایران که بیش از هشت دهه با زیر پا گذاشتن تمام قوانین بین المللی ساده ترین حقوق انسانی و طبیعی ملل غیر فارس را مصادره نموده، تمام خواسته های به حق و انسانی آنان را به شیوه های وحشیانه ای سرکوب نمودند. این رژیم ها که از طریق سیاستهای فاشیستی در طول بیش از هشت دهه سعی در محو هویت ملی تمام ملل غیر فارس را داشتند همه روزه مرتکب جنایات جدیدی می شوند که در اثر آن تعدادی از انسانهای هویت طلب را که برای حقوق انسانی و ملی خود مبارزه می کنند زیر چکمه های شوونیسم کور خود سرکوب می نمایند.^{۳۲}

در این اطلاعیه، در تمام موارد به سرکوب این «اقلیتها» در «هشت دهه» اخیر تأکید شده است. چرا هشت دهه؟ مبدأ این تاریخ بر می گردد به برآمدن رضاخان و برچیدن حکومت خزعل شیخ دست نشانده انگلیس و میرزا کوچک خان جنگلی و امثال آنها. و یا Ralph Peters تحلیلگر نظامی سابق ایالات متحده امریکا در مقاله ای زیر عنوان

* تأکیدها همه از نویسنده این سطور است.

«مرزهای خونین» که در مجله «نیروهای مسلح وزارت دفاع امریکا» چاپ شده است، به صراحت اظهار نظر می کند که

مرزهای بین المللی هیچ گاه همیشگی نبوده اند و این نهایت بی عدالتی و بی انصافی ست که با کشیدن حصارها و مرزهای مصنوعی میان آزادی و فشار، مدارا و بی رحمی، جنگ یا صلح ایجاد کرد.

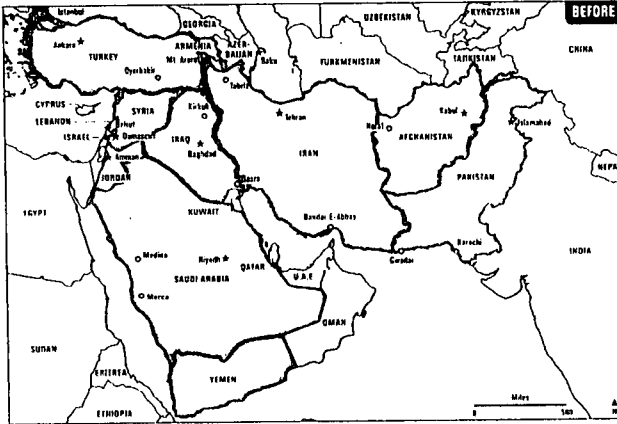
وی این مرزهای ناعادلانه را در خاورمیانه و آفریقا نشان می دهد که توسط خودخواهان اروپایی به وجود آمده است و بدین جهت وی نقشه جدیدی برای خاورمیانه ارائه داده است، البته فقط به منظور ایجاد صلح و صفا در منطقه!^{۳۲} ادعای او درباره تشکیل کشورهای سوریه و لبنان و عراق و اردن و عربستان سعودی و یمن و شیخ نشینهای واقع در خلیج فارس درست است، زیرا پس از شکست دولت عثمانی در جنگ اول جهانی بود که دولت‌های فرانسه و انگلیس، این کشورها را با مرزهای موجود به وجود آوردند، ولی ایران در همان زمان و قرن‌ها پیش از آن وجود داشته و دارای «مرزهای خونین» نیز نبوده است. ما در سرمقاله این شماره ایران شناسی، نقشه خاورمیانه را در اوضاع و احوال موجود، همراه با نقشه پیشنهادی و خیالی آقای پیترز، برای آگاهی خوانندگان چاپ می کنیم.

در این نقشه از جمله، کشور عراق به سه کشور و یک دولت شهر (بغداد) تقسیم شده، و بخشهایی از ایران نیز ضمیمه آذربایجان و کردستان و... گردیده است!^{۳۲}

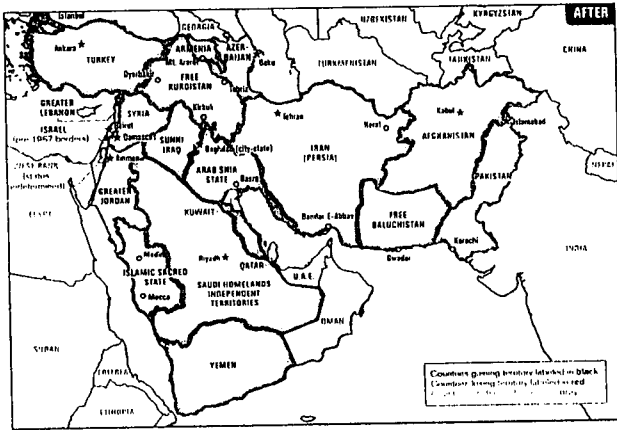
جمهوری اسلامی ایران از کوششهای مایکل لدین و رالف پیترز و دیگران، حداقل به توسط نمایندگان خود در امریکا آگاه است ولی تا به حال دیده نشده است که نسبت به تشکیل این گونه کنفرانسها اعتراضی شده باشد و یا سیاست بافان جمهوری اسلامی به مقاله‌ها و کتابهایی از این نوع پاسخی داده باشند.

ناگفته نماند که به عقیده برخی، جمهوری اسلامی در این سالها، به سهم خود، عملاً نقش جاده صاف کن را برای پیاده کردن طرح امریکایی «خاورمیانه بزرگ» برعهده گرفته است. زیرا به دعوای بی پایه جمهوری آذربایجان که آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل و کردستان و کرمانشاه و همدان و زنجان و قزوین و حتی کرج باید به آن جمهوری ملحق گردد اعتراضی نکرده است. در برابر کشورهای عربی که نام خلیج فارس را تغییر داده اند سکوت کرده است، سکوتی حاکی از رضایت کامل. اقدام امارات متحده عربی را در تغییر نام خوزستان و تمام استانهای واقع در شمال خلیج فارس و دریای عمان به «عربستان» نادیده گرفته است. برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ، در محدوده ایران، باقی می ماند یکی جدا ساختن بلوچستان ایران و دیگری بخشی به نام ترکمن صحرا، که

البته بزرگواری جمهوری اسلامی بدان حد است که تجزیه آنها را نیز از خاک ایران مهم نمی داند.



نقشه خاورمیانه در شرایط موجود



نقشه خاورمیانه پس از تغییر مرزهای موجود، به نقل از کتاب *Never Quit the Fight*، نوشته رالف پیترز

بدین ترتیب تنها چیزی که باقی مانده است، تغییر نام کشور ماست که ظاهراً مقدمات آن فراهم شده، ولی اعلام رسمی آن البته مستلزم گذشت زمان است. تعجب نفرماید. جمهوری اسلامی سرگرم مسائل مهمتری ست و بدین جهت نمی تواند وقت خود را صرف موضوعهای پیش پا افتاده و بی ارزشی از این گونه بکند. آنها پس از آن که از کربلا به بیت المقدس رفتند! که نرفتند. اینک درصددند اسرائیل را از نقشه جهان پاک کنند

همان طوری که سالها پیش جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر اسرائیل را جارو کرد و به دریا ریخت! اینک جمهوری اسلامی در صدد است با یاری فلسطینی ها و شیعیان لبنان اسرائیل را سر به نیست کند و البته بعد نوبت به امریکا و انگلیس هم خواهد رسید. چه به یاد دارم که در یکی از رژه های نظامی که در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی «اصلاح طلب» در تهران برگزار شد، در حالی که او در کنار پاسداران و بسیجیان عالی مقام ایستاده بود، موشکی را از برابر جایگاه عبور دادند که بر روی آن به فارسی نوشته شده بود: «ما امریکا را زیر پا می آوریم.»

و اما تغییر نام کشور ما:

در مراسم گشایش بازیهای آسیایی دوحه [در قطر] ۲۰۰۶... از سوی مقامهای برگزارکننده مسابقات، هم ابوریحان بیرونی و ابن سینا عرب معرفی شدند و هم خلیج فارس، خلیج العربی خوانده شد و هم از ایران برای نخستین بار به عنوان یک کشور عربی نام برده شد.

«به گزارش خبرنگار «بازتاب ورزشی»، در مراسم اهدای مدالهای وزن ۱۰۵+ وزنه برداری بازیهای آسیایی دوحه، گوینده زن عرب، از جمله «الجمهورية العربية الایرانية» به جای «جمهوری اسلامی ایران» برای معرفی کشورمان استفاده می کند.» در حالی که در این مراسم، حداقل تنی چند از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مقامات دیگر حضور داشته اند.^{۳۳}

جمهوری اسلامی بر طبق سنت مرضیه خود نه تنها مطلقاً به امارات متحده عربی در این موضوع اعتراضی نکرد، بلکه بیست روز بعد، احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی در گفتگو با وزیر امور خارجه امارات متحده عربی در تهران گفت: «روابط جمهوری اسلامی ایران با امارات متحده مهم و راهبردی ست.»، عبدالله بن زاید آل نهیان وزیر امور خارجه امارات متحده عربی نیز «روابط قوی و گسترده با ایران را باعث افتخار امارات دانست»، و منوچهر متکی وزیر امور خارجه احمدی نژاد نیز اظهار داشت: «کشور برادر امارات به هیچ کشوری اجازه نمی دهد علیه منافع جمهوری اسلامی ایران حرکتی انجام دهد».^{۳۴}

با این مقدمات، بعید نیست که عنوان «الجمهورية العربية الایرانية» نیز به «الجمهورية العربية العجمية» تغییر داده شود تا همان طور که آیت الله ها نقش شیر و خورشید را از پرچم ایران زدودند، نام «ایران» هم از عنوان رسمی کشور ما حذف گردد.

یادداشتها:

- ۱- دکتر هوشنگ طالع، تاریخ تجزیه ایران، دفتر یکم: تلاش نافرجام برای تجزیه آذربایجان، انتشارات سمرقند، رشت، ۱۳۸۵، پیوست شماره ۱، ص ۳۱۶-۳۱۷.
- ۲- جلال متینی، «رضاخان سردار سپه و نجات خوزستان (۱۳۰۳/۱۹۲۴-۱۹۲۵)»، ایران شناسی، سال ۱۵، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۲)، ص ۱-۴۳؛ «سردار سپه - اقلیت مجلس پنجم و مسأله تجزیه خوزستان»، ایران شناسی، سال ۱۵، شماره ۲ (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۲۱۷-۲۶۰.
- ۳- _____، «بر آذربایجان چه گذشت؟»، ایران شناسی، سال ۸، شماره ۳ (پائیز ۱۳۷۵) ص ۴۴۱-۴۶۲.
- ۴- متوجهر پارسادوست، ریشه های تاریخی اختلافات ایران و عراق، «قرارداد الجزیره»، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۹، ص ۳۹۹-۴۲۳.
- ۵- _____: همان کتاب، به ترتیب ص ۲۶۱ و ۲۰۲.
- ۶- محیط طباطبایی، «خلیج فارس و خلیج عربی»، مجله یغما، سال ۱۵، مهر ۱۳۴۱، ص ۳۰۵-۳۰۷.
- ۷- «در کنگره آزادی قدس، حسینیه جماران، ۱۸ مرداد ۱۳۵۹»، به نقل از شجاع الدین شفا، توضیح المسائل، پاسخهایی به پرسشهای هزار ساله درباره تشیع دین و تشیع دکانداران دین، پاریس، امرداد ۱۳۶۲، ص ۸۶۳.
- ۸- «در ملاقات با خانواده امام موسی صدر، ۶ شهریور ۱۳۵۸»، همان مأخذ و همان صفحه.
- ۹- «پیام به مناسبت آغاز فصل حج، ۲۱ شهریور ۱۳۵۹»، همان مأخذ و همان صفحه.
- ۱۰- «خطاب به افسران نیروی هوایی، ۱۹ بهمن ۱۳۵۹»، همان مأخذ، صفحه ۸۶۴.
- ۱۱- «روزنامه کیهان، ۲۱ مرداد ۱۳۶۱»، همان مأخذ، ص ۸۶۲.
- ۱۲- «خطبه نماز جمعه، تهران، ۱۶ مهر ۱۳۶۱»، همان مأخذ، ص ۸۶۴-۸۶۵.
- ۱۳- خاطرات مهدی حائری یزدی، ویراستار: حبیب لاجوردی، طرح تاریخ شفاهی ایران، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، امریکا، ۱۳۸۰، ص ۸۸-۹۰.
- ۱۴- همان، ص ۹۱.
- ۱۵- جلال متینی، «کتابهای درسی در جمهوری اسلامی ایران»، ایران نامه، سال ۳، شماره ۱ (پائیز ۱۳۶۳)، ص ۲۵-۱.
- ۱۶- _____، «زدودن نقش شیر و خورشید از پرچم ایران و انتخاب نقشی شبیه «کاندا» علامت سیک ها به جای آن»، ایران شناسی، سال ۱۳، شماره ۲ (تابستان ۱۳۸۰)، ص ۴۶۷-۴۷۲؛ «آرم جمهوری اسلامی ایران با توضیحاتی عالمانه و شگفت انگیز»، ایران شناسی، سال ۱۳، شماره ۳ (پائیز ۱۳۸۰)، ص ۶۹۶-۷۰۰.
- ۱۷- رک. - یرنویس شماره ۱۵.
- ۱۸- _____، «گرمی بازار افترا»، ایران شناسی، سال ۱۰، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۷)، ص ۱-۲۴.
- ۱۹- «سخنرانی برای گروهی از ایرانیان در پاریس، ۴ آبان ۱۳۵۷»، به نقل از: شجاع الدین شفا، توضیح المسائل، ص ۸۶۳.
- ۲۰- جلال متینی، «تحریف تاریخ ایران به توسط بیگانگان و جمهوری اسلامی ایران»، ایران شناسی، سال ۱۳، شماره ۲ (تابستان ۱۳۸۰)، ص ۲۴۳-۲۷۲. درباره ناصر پوربیرار، ص ۲۸۵ به بعد.
- ۲۱- ناصر پور بیرار، تأملی در بنیان تاریخ ایران. دوازده قرن سکوت، کتاب اول: برآمدن هخامنشیان، نشر

- کارنگ، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۳۵۱.
- ۲۲- همان، ص ۱۸۱.
- ۲۳- علیرضا نوری زاده، «عراقیان ایرانی نما»، مجله روزگار نو، پاریس، به نقل از روزنامه شرق الاوسط، لندن؛ «خرقه پوشان دگر مست گذشتند و گذشت» (درباره سوابق زندگی محمد صادق الحسینی)، کیهان، لندن، شماره ۹۳۹، ۳ بهمن ۱۳۸۱.
- ۲۴- به گزارش ایرنا [خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران]، اطلاعات بین المللی، شماره ۹۸۰، ۱۱ خرداد ۱۳۷۷.
- ۲۵- جلال متینی، «اران قفقاز در صدد بلع آذربایجان»، ایران شناسی؛ سال ۱۰، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۷)، ص ۱۴۰-۱۴۷.
- ۲۶- _____، «شاهکار وزیر امور خارجه و رئیس جمهوری ایران»، ایران شناسی، سال ۱۶، شماره ۳ (پائیز ۱۳۸۳)، ص ۳۹۹.
- ۲۷- «جمهوری آذربایجان و ادعای مالکیت بر هفت استان ایران»، مجله خواندنی، سال ۴، شماره ۳۲ (خرداد ۱۳۸۵)، ص ۳۵.
- ۲۸- پایگاههای الکترونیکی از جمله «تبریز نیوز» به قلم پیمان پاک مهر، به نقل از «نورالدین غروی»: «گلستان در آتش».
- ۲۹- پایگاه الکترونیکی «مرز پرگهر»، مورخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶.
- ۳۰- سایت تحلیلی خبری بازتاب، ۱۸ آذر ۱۳۸۵.
- ۳۱- روزنامه کیهان هوایی، شماره ۱۰۵۷ مورخ ۲۶ آبان ۱۳۷۲. رک. جلال متینی، «هان، ای ایرانیان، ایران اندر بلاست»، ایران شناسی، سال ۵، شماره ۳ (پائیز ۱۳۷۲)، ص ۴۶۳-۴۶۹.
- ۳۲- از جمله رک. حشمت رئیسی (گفتگو با) «اتحادهای هوشمند بر بستر پابندی به تمامیت ارضی کشور، وفاداری به یکپارچگی ملت والتزام به حقوق بشر»، مجله تلاش، سال ۶، شماره ۲۷ (آبان ۱۳۸۵)، ص ۱۲-۱۹؛ عدلان پارسا: «حفظ ایران، اکنون بر هر چیز مقدم است»، همان مجله و همان شماره، ص ۲۰-۲۲.
- در سایت خبری تحلیلی بازتاب، مورخ ۱۷ تیر ۱۳۸۵ در زیر عنوان «نقشه رویایی امریکایی برای خاورمیانه فردا!» آمده است که «سایت خبری کردستان پست» با مد نظر قراردادن کردستان و ترکیه تجزیه شده، یکی از این نقشه ها را پیش و پس از اصلاحات مد نظر امریکایی ها نشان داد. در این نقشه استعماری بخشهای مهمی از خاک ایران به کشورهای آذربایجان، کردستان، و عراق شیعی پیوند خورده و تنها بخشی از کویرهای افغانستان به شرق ایران متصل شده است. (نقشه مذکور از کتاب *Never Quit the Fight* نوشته رالف پیترز که در چهارم جولای در امریکا منتشر شده، اقتباس شده است).
- ۳۳- سایت خبری تحلیلی بازتاب، ۱۸ آذر ۱۳۸۵.
- ۳۴- اطلاعات بین المللی، شماره ۲۹۹۵ مورخ ۲۱ دی ۱۳۸۵.

دفتر عقل و آیت عشق

زنان در عرصه حدیث و تصوف از سده چهارم تا ششم هجری

در برابر خیل عظیم مردانی که در ساخت و گسترش فرهنگ اسلامی نقشی داشته اند، شمار زنان بسیار اندک است، با این همه اشاره های پیدا و پنهان متون کهن فارسی - و تألیفات عربی مورخین و صوفیان ایرانی - به حضور زنان عالم و صوفی در سراسر تاریخ ایران بعد از اسلام بسیار قابل تأمل است. با در نظر گرفتن این اصل که ثبت نام و احوال این زنان در تاریخ، خواه ناخواه، بستگی به نظر و خواست صاحبان قلم داشته است، که معمولاً هم در تذکره های خود از آنان نشانی به دست نمی دهند، گزارشهای کوتاه و اشارات پراکنده تعداد معدودی از تذکره نویسان، صوفیان، و مورخان به حضور زنان عالم و صوفی، نشانه اهمیت حضور و مطرح بودن آنان در جامعه عصر خویش است و می تواند تا حدی روشنگر موقعیت اجتماعی آنان باشد. از متون به جا مانده از تذکره نویسان ایرانی، تنها رساله ای که به زنان اختصاص یافته کتاب ذکر النسوة المتعبدات ابو عبدالرحمن سلمی (ف. ۴۱۶ هـ.) است که در آن سخنان هشتاد زن عالم و صوفی خراسان و بین النهرین در چهار سده نخستین هجری ثبت شده است.

سلمی این تذکره را به طور مستقل، و نه به عنوان بخشی از طبقات الصوفیه، در احوال زنان صوفی نوشته و عبدالرحمن جامی هم که ذکر شماری از آنان را در فصل «فی ذکر النساء العارفات الواصلات الی مراتب الرجال» در بخش آخر نفحات الانس آورده، استقلال این متن را تصریح کرده است.^۱ این تذکره که تصور می شد همچون بسیاری دیگر از نوشته های سلمی از بین رفته باشد، در سال ۱۹۹۱ میلادی در یک مجموعه خطی رساله های سلمی در

کتابخانه دانشگاه ریاض یافته شد و در سال ۱۹۹۳ در قاهره به چاپ رسید.^۲

بنا به گزارش سلمی، در دو سده نخستین هجری زنان بسیاری در حلقه زاهد- صوفیان بین النهرین حضور داشته اند و در سده سوم و چهارم نیز سرزمین خراسان مرکز صوفی- بانوانی بوده است که از تجارب روحانی خویش سخن می گفته و صدق و فتوت را تعلیم می کرده اند. نام بسیاری از این زنان در هیچ یک از منابع موجود دیگر ثبت نشده است. اشاره به این نکته ضروری است که گرچه در طول تاریخ تصوف شمار زنان صوفی در برابر صوفیان مرد بسیار ناچیز بوده است، در چهار سده نخستین هجری حضور هشتاد زن صوفی که سلمی نامشان را در این تذکره ثبت کرده،^۳ نه تنها اندک نیست بلکه در برابر صد و سه مرد صوفی که ذکرشان را در کتاب دیگر خود طبقات الصوفیه آورده است، بسیار قابل توجه است؛ و اختصاص دادن یک رساله مستقل به زنان در اواخر سده چهارم هجری نشانه مطرح بودن آنان در این عرصه است.^۴

در متون صوفیه نیز می توان به طور پراکنده نشانهای زنانی را یافت که در گمنامی و بی نشانی از تجربیات روحانی خویش سخن گفته اند. این زنان که سخنانشان مایه شگفتی صوفیان شده و گاه سرمشق آنها در سیر و سلوک گشته است، همگی بی نامند و صوفیان معمولاً در سفرهای خویش با آنها روبه روبرو شده اند و به اعتبار مکان دیدار که ساحل نیل، بادیه، کعبه، و یا بیابانی در بسطام بوده، نشانی گم و سخنی بزرگ از آنها نقل کرده اند. از میان نزدیک به دویست و بیست زن زاهد و عالم و صوفی که شرح حال و سخنانشان در صفة الصوفیة ثبت شده است نزدیک به نیمی بی نام و نشانند و به اعتبار اقوالشان مورد ذکر قرار گرفته اند.

پس از تذکره ابو عبدالرحمن سلمی که در آن چند و چون حضور زنان در عرصه تصوف و علوم اسلامی چهار سده نخستین هجری نگارش یافته،^۵ از سده پنجم تا هفتم در ادب فارسی منبع قابل ذکری که در آن بتوان نشان دقیق و جامعی از زنان عالم و صوفی یافت به جا نمانده است. در این دو قرن که اوج شکوفایی تصوف و نگارش متون صوفیه بود، مشایخ و علمای صوفیه در رساله های معتبری چون رساله قشیریه، کشف المحجوب، و تذکره الاولیاء به تدوین مبانی اعتقادات و تعالیم تصوف و ذکر حالات و اقوال صوفیان پیشین پرداختند.^۶ از این دوره هیچ گونه رساله مستقلی که در مورد زنان عالم و صوفی نگارش یافته باشد در دست نیست و ذکر زنان منحصر به اشاراتی به رابعه عدویه باقی مانده است، اما در متون تاریخی گزارشهای پراکنده و مختصری از زنان آمده است که نشانگر گوشه هایی از حضور آنان در عرصه تصوف و علوم اسلامی این عصر است.

کتابهایی چون السیاق لتاریخ نیشابور، تاریخ جرجان، تاریخ نیشابور، و التحبیر فی المعجم الکبیر نام شماری از زنان عالم این عصر را ثبت کرده اند که مشخصاً در سماع و روایت حدیث، که رایج ترین و مهمترین علم این دوران محسوب می شد، دست داشته اند و در میان آنها نام زنان صوفی انگشت شمار است. عبدالغافر فارسی (ف. ۵۲۹ هـ.) نام بیست و دو تن از زنان عالم نیشابور را در سیاق ثبت کرده است که بعداً به آنها اشاره خواهد شد. حمزه سہمی (ف. ۴۷۲ هـ.) و حاکم نیشابوری (ف. ۴۰۵ هـ.) نیز گزارشهایی از زنان عالم نیشابور و گرگان سده چهارم و پنجم هجری را در کتابهای خود ثبت کرده اند که می تواند تا حدی روشنگر حضور زنان در عرصه علوم دینی این عصر باشد. در این کتابها چون هدف نویسندگان ذکر سلسله راویان حدیث و یا ثبت نام بزرگان علم و دین یک شهر و ناحیه خاصی بوده، طبیعتاً اشاره ای به شرح حال و یا سخنان این زنان نشده است.

حمزه سہمی در کتاب تاریخ جرجان نام دوازده تن از زنان را در سلسله راویان حدیث اهل گرگان آورده است. نام این زنان به طور کامل، به همراه کنیه و نام همسر و پدر، ذکر شده است و تنها اسم یک زن - فاطمه فارسی - بدون ذکر وابستگان نسبی و سببی او آمده است، که احتمالاً نشانه این است که این زن از خاندانهای شناخته شده اهل علم و حدیث نبوده است و به همین دلیل ذکر نام پدر و یا همسر او ضروری محسوب نمی شده. دو تن از این زنان، فاطمه طبرزیه و ام کلثوم دختر ابراهیم هزار با عنوان واعظ و صوفی نام برده شده اند که نشان می دهد به غیر از سماع و روایت حدیث، زنان در حیطه های دیگر علوم اسلامی، از جمله تصوف، نیز دست داشته اند.^۷

حاکم نیشابوری هم نام زنانی را که مشایخ حدیث او بوده اند در کتاب تاریخ نیشابور ثبت کرده است. زنانی که بیشتر در سماع حدیث دست داشته اند و در میان آنها خدیجه دختر قاضی نیشابور به حسن خط و تبحر در زبان عربی نیز شهرت داشته است.^۸ در دوره میانه اسلامی شمار زنان مجتهد و راوی حدیث در شهرهای اصفهان، ری، خراسان، همدان، طبرستان، و سجستان نیز بسیار قابل توجه بوده است و عبدالکریم سمعانی (ف. ۵۶۲ هـ.) فصلی از کتاب خود را به آنان اختصاص داده است و نام بیش از شصت تن از زنانی را که خود شاگرد آنان بوده و از آنان سماع حدیث کرده و اجازه نقل حدیث گرفته، همراه با شرح مختصری از زندگیشان در کتاب التحبیر فی المعجم الکبیر ثبت کرده است. نام این زنان به ترتیب الفبایی، به همراه کنیه، نام خاندان، و شهر محل زندگی شان به طور دقیق آمده، تاریخ تولد و وفات آنها ذکر شده، و در برخی موارد به سفرهای آنان و یا وقایع زندگیشان هم اشاره ای شده است.

از گزارشهای عبدالکریم سمعانی در التحییر چنین بر می آید که برخی از این زنان تحت تعلیم افراد خاندان خود سنت سماع و روایت حدیث را پی گرفته بودند و برخی دیگر در مکتب علمای به نام عصر تحصیل علم کرده بودند. ام‌الخیر فاطمة نیشابوری (ف. ۵۳۳هـ.) از جمله این زنان بود که کتاب صحیح و غریب الحدیث را نزد عبدالغافر فارسی آموخته بود و آنها را نسخه برداری کرده بود، در کلاس تدریسی که برای زنان داشت کتاب اربعین و امالی را تدریس می کرد، و عبدالکریم سمعانی نام او را در زمرة مشایخ حدیث خود ثبت کرده است.^۱ از زنان دیگری که نامشان در شمار مدرسین علوم اسلامی آمده است عین الشمس بزانی اصفهانی ست که کتاب معجم مغربی را تدریس می کرد، و فاطمة اصفهانی که کتاب فوائد را تدریس می کرد،^۲ فاطمة جوزدانی نیز از زنان عالم اصفهان است که در عصر خود در تدریس المعجم کبیر و المعجم صغیر طبرانی و کتاب الفتن نعیم بن حماد مروزی استاد مسلم بود.^۳

بسیاری از زنان عالمی که نامشان در التحییر آمده است، از جمله ام انس فارسی نیشابوری، دختر عبدالغافر فارسی، دردانه نیشابوری، آزرمة اصفهانی، جوهر ناز تیمی، حورستی سرخسی، سعیده شحامی، شریفه فراوی نیشابوری، ام عزیز اسفراینی، ام رضی مینهی، ام الرجاء بردخواستی، ام الفتوح مروزی، و جمعة اصبهانی به تدریس علوم اسلامی اشتغال داشتند و از علمای عصر خود به شمار می آمدند و صاحب تألیفات بودند و سمعانی بارها اشاره کرده است که روایات، احادیث، و کتابهایی را که می آموختند، خود نسخه برداری می کردند. برخی از این زنان به دلیل وابستگی به خاندان صوفیان نیشابور، به تعالیم صوفیه آشنایی داشتند و با صوفیان در ارتباط بودند که از میان آنان می توان ام الفضل مروزی، عایشه مروزی، عایشه نیشابوری، زنان خاندان ابوالقاسم قشیری، و ام عبدالله نیشابوری را - که مشخصاً نامش به عنوان صوفی ثبت شده است^۴ - نام برد.

در بررسی شمار زنان خاندانهای بزرگ مذهبی نیشابور و ارتباط سببی - نسبی بین آنها در دوران قبل از حمله مغول، Richard Bulliet با اشاره به این نکته که از میان بیست و دو زنی که نامشان در السیاق لتاریخ نیشابور آمده است مجموعاً چهارده زن از چهار خاندان بزرگی بوده اند که نقشهای کلیدی در حوزه دین و سیاست نیشابور داشتند و به هم وابسته بودند، این سؤال را مطرح می کند که آیا شمار زنان عالم نیشابور منحصر به همین بوده، و یا این که مؤلف تنها به ثبت نام زنان خاندان خود، وابستگان آنان، و خاندانهایی که با آنها در ارتباط بوده اند اکتفا کرده است.^۵

در بررسی چگونگی حضور زنان در عرصه علوم دینی نبا بد نادیده گرفت که در دوران

قبل از حملهٔ مغول که نیشابور برای چندین سده از بزرگترین مراکز علم جهان اسلام به شمار می‌رفت، علم آموزی زنان در خاندانهای بزرگ این شهر رایج بوده و آنچه عبدالغافر فارسی در کتاب خود ذکر کرده است می‌تواند نمایانگر گوشه‌ای از حضور زنان در این عرصه باشد. در هر صورت این احتمال را نمی‌توان نادیده گرفت که ممکن است نام برخی از زنان عالم، که در حلقهٔ خانواده و آشنایان مؤلف سیاق نبوده‌اند، از قلم افتاده باشد. با نگاهی به گزارش زندگی زنانی که نامشان در التّحییر آمده است نیز می‌بینیم که هدف سمعانی مشخصاً ثبت نام زنانی بوده است که از آنان حدیث آموخته و در این چهارچوب قاعدهٔ نام علمای زنی که مشایخ حدیث او نبوده‌اند، ذکر نشده است. با در نظر گرفتن این نکته که ذکر نام این زنان بستگی کامل به تصمیم و خواست مؤلفین داشته - برای نمونه ابونعیم اصفهانی در نوشتن تاریخ خود، کتاب ذکر اخبار اصفهان، که آن هم چون تاریخ نیشابور و سیاق و تاریخ گرگان به ثبت اعلام یک منطقهٔ خاص پرداخته است، اصلاً اشاره‌ای به نام زنان نکرده است - شاید اگر در خاندانهای دیگر نیز اهل قلمی نام زنان عالم خاندان خود و وابستگان آنها را ثبت کرده بود، امروز منابع بسیاری در زمینهٔ کمیّت و کیفیت حضور زنان در عرصهٔ تصوف و علوم اسلامی در دست بود.

حلقهٔ زنان صوفی در خاندان قشیری

گزارشهای مختصر و پراکنده‌ای از حلقه‌ای از زنان صوفی خراسان در خاندان علما و صوفیان قرن پنجم در دست است که نشانهٔ حضور ناپیدای زنان در این عرصه است. این حلقهٔ بزرگ از یک سو به خاندان سلمی و عبدالغافر فارسی و از سوی دیگر به خاندان ابوعلی دقاق (ف. ۴۰۵ هـ.) و ابوالقاسم قشیری (ف. ۴۶۵ هـ.) وصل است. از زنانی که نامشان در کتاب السیاق لتاریخ نیشابور آمده است، بیش از نیمی وابستهٔ خاندان بزرگ عبدالغافر فارسی - پدر بزرگ مؤلف سیاق که با او همنام است - و ابوالقاسم قشیری بوده‌اند و سرحلقهٔ آنان فاطمه ام البنین (ف. ۴۸۰ هـ.) دختر ابوعلی دقاق است.

ابوعلی دقاق از صوفیان بزرگ نیشابور و پیرو مکتب با یزید بسطامی بود. او را از آن جمله مشایخ صوفیه دانسته‌اند که طریقتشان منحصر به علوم ظاهر و طریق زهد و روش خانقاه نمی‌شد. فاطمه نخستین فرزند ابوعلی دقاق بود و به قول بدیع الزمان فروزانفر «چون پدرش در آن تاریخ پسری نداشت بدین دختر اقبال عظیم کرد»،^{۱۴} و امکانات تعلیم و تربیت او را به کمال فراهم ساخت. او علوم دینی و آیین صوفیه را در محضر پدر و ابوعبدالله بن باکویه آموخت و از هفت تن از مشایخ دیگر از جمله ابونعیم اسفراینی و ابوعبدالله حاکم و ابوالحسن علوی و ابومسلم رازی و ابوالقاسم قرشی نیشابوری سماع حدیث کرد، تا جایی که

خود «جامع جمیع فضایل» گشت و به وعظ و تدریس پرداخت. فاطمه با ابوالقاسم قشیری که از شاگردان و مریدان پدرش بود ازدواج کرد و تا سالهای آخر عمر به تدریس و تعلیم اشتغال داشت. او که به حرّه دقایقه نیز معروف بود، از «زنان برجسته خراسان قرن پنجم است»^{۱۵} که نه تنها مدرس مریدان پدرش بود، بلکه بسیاری از زنان نیشابور را - که نام برخی از آنها در سیاق آمده است - تحت ارشاد و تعلیم داشت و به آنان علوم اسلامی عصر را تدریس می کرد.^{۱۶}

حضور این زن عالم و صوفی که از مفاخر روزگار خود به شمار می رفت،^{۱۷} در خاندان قشیری، تأثیر بسیاری در گسترش تصوف در میان زنان این خاندان بزرگ داشت. با وصلت یکی از دختران قشیری با یکی از پسران خاندان فارسی، این دو خاندان خویشاوندی سببی یافتند و فاطمه در رأس هرم تعلیم و تدریس زنان این دو خانواده بزرگ و وابستگان آنها قرار گرفت و سرسلسله زنانی گشت که متون تاریخی نام آنان را در شمار علمای نیشابور ثبت کرده اند. گرچه فاطمه قبل از ازدواج با ابوالقاسم قشیری در خانه پدر هم مجلس وعظ و تدریس داشت، اما موقعیت اجتماعی قشیری، که از سوی مادر نیز به خاندان سلمی وابسته بود،^{۱۸} او را در مرکز خاندانهای بزرگ نیشابور قرار داد و حضورش به عنوان یک مدرس زن در فراگیری علوم صوفیان را بر روی زنان گشود.

ابوالقاسم قشیری یکی از مشایخ بزرگ تاریخ تصوف است که در عصر خود نفوذ و قدرت بسیار داشت. در جوانی از زادگاه خود فوجان به نیشابور رفت و به جرگه مریدان و شاگردان ابوعلی دقاق درآمد و در مکتب او به فراگیری آداب صوفیان و سیر و سلوک پرداخت. از جمله تألیفات او رساله قشیریّه است که در بیان عقاید صوفیان و شرح حال و نقل سخنان مشایخ و شرح اصطلاحات و تعبیرات صوفیه، یکی از مهمترین و معتبرترین متون تاریخ تصوف است. فاطمه نه تنها برای زنان خاندان خود و خاندان علمای نیشابور، که برای مریدان قشیری هم مجلس وعظ و روایت حدیث داشت و به آنها کتابهایی در زمینه تعالیم صوفیه و فقه تدریس می کرد.^{۱۹}

نکته بسیار قابل توجه این است که مجالس تدریس فاطمه صرفاً خاص زنان نبود و نام مردان بسیاری در سیاق و کتابهای دیگر تاریخی ثبت شده است که از شاگردان او بوده اند. بدیع الزمان فروزانفر نام بیست تن از شاگردان او را در مقدمه رساله قشیریّه آورده است که بسیاری از آنان از صوفیان و محدثین و ادیبان و محشمان نیشابور بوده اند، از جمله ابوعلی کندری (ف. ۵۳۸هـ.) از محدثین و صوفیه نیشابور، فضل الله کاتب طوسی (ف. ۵۴۳هـ.) از خاندان خطبای طوس، ابوسعید محمد فزّی (ف. ۳۵۹هـ.) از محدثین نیشابور،

ابوالکارم کاتب طبرانی (ف. ۵۳۲هـ.) از علمای نیشابور، عبدالرحمن صیرفی مؤدب (ف. ۵۳۳هـ.)، ابوالفتح هروی (ف. ۵۳۰هـ.) از مشایخ حدیث، قاضی ابومحمد منیعی از محتشمان خراسان، و ابوالفضل مؤذن (ف. ۴۹۴هـ.) از فقهای نیشابور.

فاطمه تعلیم فرزندان و نوه های خویش را نیز به عهده داشت. پسرش ابوسعید عبدالواحد قشیری (ف. ۴۹۴هـ.) که به مدت پانزده سال خطیب جامع منیعی نیشابور بود و در نظامیه نیشابور تدریس می کرد و از مشایخ صوفیه بود، از مادرش سماع حدیث کرده بود. نام بسیاری از نوادگان فاطمه نیز در شمار شاگردان او آمده است، از جمله عبدالوهاب صیرفی نیشابوری (ف. ۵۵۴هـ.) که استاد حدیث بود و ابوعبدالله حاکم - مؤلف تاریخ نیشابور - از او استماع حدیث کرده است، محمد صیرفی مؤدب (ف. ۵۳۳هـ.) که ادیب و مدرس علوم ادبی بود، عبدالرزاق عبدالله (ف. ۵۳۱هـ.) که از مشایخ حدیث سمعانی بود، عبدالملک عبدالواحد (ف. ۵۵۰هـ.)، و هبة الرحمن عبدالواحد (ف. ۵۴۶هـ.) که از مشایخ صوفیه، استاد سمعانی، و خطیب نیشابور بود و نه تنها در محضر فاطمه استماع حدیث کرده بود، بلکه در مجالس تدریس خود کتابهای علوم اسلامی را به روایت از او تدریس می کرد.^{۲۰}

فاطمه تا آخرین سالهای عمر خود در نیشابور به تدریس و تعلیم اشتغال داشت. در شمار شاگردان او همچنین نام ام سعد از خاندان بزرگ شحامی که همه راویان حدیث بودند، و عایشه (ف. ۵۴۹هـ.) دختر ابونصر صفار که از خاندان بزرگ علما و محدثین بود نیز آمده است. عایشه صفار در زمان وفات فاطمه نه ساله بود و این نشان می دهد که این زن تا آخرین سالهای زندگی خود کار تدریس را رها نکرده بود و احتمالاً عایشه صفار آخرین شاگرد او بوده است. یکی از دختران فاطمه، امه الرحیم کریمه (ف. ۴۸۶هـ.) که از زنان دانشمند این عصر در نیشابور به شمار می رفت، نیز در مجلس مادرش علوم دینی را آموخته بود. کریمه هم چون مادر در محیط تربیتی صوفیه پرورش یافت و ابوالقاسم قشیری، خود کتاب مسند نسوی را به او تدریس کرد. کریمه نیز مجلس تدریس داشت و بعضی از مشایخ نیشابور از او حدیث روایت کرده اند. او با اسماعیل بن عبدالغافر فارسی ازدواج کرد و عبدالغافر فارسی - مؤلف کتاب السیاق لتاریخ نیشابور - فرزند اوست.

در حلقه بزرگی که از زنان عالم و صوفی بر محور حضور فاطمه ام البنین تشکیل شده بود، شمار زنان خاندان قشیری بیش از خاندانهای دیگر نیشابور است. اینان سنت تدریس زنان را در قرن پنجم و ششم هجری ادامه دادند و از میان آنان می توان از امه الغافر دردانه (ف. ۵۳۰هـ.)؛ امه القاهر جوهر (ف. ۵۳۰هـ.)، کریمه ملقب به امه الرحیم (ف. ۴۸۷هـ.)،

حرّه (ف. ۵۳۴ هـ)، امة الله جلیله (ف. ۵۴۱ هـ) و ساره نام برد. خارج از حلقهٔ خاندان فارسی، یکی از برجسته ترین زنان عالم این عصر که نامش در سیاق آمده است کریمهٔ مروزیه است که صحیح بخاری را تدریس می کرد و خطیب بغدادی - مؤلف کتاب تاریخ بغداد - و عبدالغافر فارسی از شاگردان او بودند.^{۲۱} به جز گزارشهای عبدالغافر فارسی در المسیاق لتاریخ نیشابور، یکی دیگر از منابعی که گزارش مختصری از زنان عالم خاندان قشیری به دست می دهد، التجیر است که در آن سمعانی چند تن از آنان را در شمار استادان حدیث خود نام برده و شرح مختصری از زندگیشان را ثبت کرده است.^{۲۲}

از این گروه زنان صوفی، عالم، و راوی حدیث که بی تردید همه با تعالیم و اصول صوفیه آشنا بودند و برخی از آنان مجلس وعظ و تدریس داشتند، فقط نامی باقی مانده است و از اقوال و سخنان آنان اثری به جای نیست. به همین دلیل شناخت عقاید و آراء آنان به طور مستقیم امکان پذیر نیست. سرسلسلهٔ این زنان، فاطمه ام البنین، پرورش یافتهٔ محیط تربیتی مکتب پدرش، ابوعلی دقاق، و مدرّس آراء همسرش، ابوالقاسم قشیری بود، و از آن جا که زنان دیگر این خاندان نیز همه تحت تعلیم و ارشاد او پرورش یافته بودند و می توان گفت که اساس دیدگاه آنان بر تعالیم این دو صوفی استوار بوده است. عبدالغافر فارسی در شرح مختصری که از فاطمه ام البنین در سیاق آورده است، در اشاره به تمام علوم و فضایی که این زن از اساتید خود، و مشخصاً پدرش آموخته بود، تصریح می کند که ابوعلی دقاق «اعتقادات و آداب صوفیه» را به او آموخته بود؛^{۲۳} و همچنین از کریمه، دختر ابوالقاسم قشیری، با عنوان «عارف» نام می برد که با در نظر گرفتن عناوینی که برای زنان دیگر به کار گرفته است، کاملاً نشانهٔ گرایش بیشتر این زن به تعالیم عرفا می باشد. همچنین با در نظر گرفتن سیستم آموزشی این دوران که فرزندان تحت تعلیم و تربیت پدر و مادر، اساتید معتبر، و همچنین خواهر و برادرهای بزرگتر از خود قرار می گرفتند، می توان گفت که فراگیری تعالیم و اصول اعتقادی صوفیه شامل همهٔ زنان خاندان قشیری می شده، و عبدالغافر فارسی در شرح کوتاهی که از زندگی کریمه نوشته است به این سیستم آموزشی اشاره کرده است.^{۲۴}

قشیری از صوفیان شافعی و اشعری مسلک بود که «به شیوهٔ محدثین تمام روایات و کلمات و حکایات صوفیان را با سلسلهٔ سند، که طریق اثبات صحت آنها در آن عهد به شمار می رفت، آموخته بود.^{۲۵} و قدرت و نفوذ این جهانی و تعصبی که در مذهب شافعی داشت طریقت صوفیانهٔ او را از طریقت عارفانی چون بایزید بسطامی و شبلی و حتی ابوعلی دقاق متمایز می ساخت و شاید به همین دلیل زنان خاندان او بیشتر به سماع حدیث و

روایت آن شناخته شده اند، در حالی که فاطمه ام البنین تعالیم صوفیه را از کودکی تحت ارشاد پدرش آموخته بود و بی تردید علم او منحصر به حدیث نبوده است و آشنایی اش با آراء صوفیان او را در ردیف مهمترین شاگردان ابوعلی دقاق قرار می دهد. رساله قشیری به یکی از معتبرترین متون صوفیه در تعالیم و آداب صوفیان و نقل اقوال و احوال آنان است، اما در آن قشیری هیچ گونه اشاره ای به زنان عالم و صوفی خاندان خود نکرده است و اگر گزارشهای سمعانی، عبدالغافر فارسی، و چند اشاره پراکنده دیگر در متون صوفیه به دست ما نرسیده بود، نام زنان عالم این خاندان باقی نمی ماند.

محمد بن منور نیز در کتاب اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید (تالیف ۵۷۴ هـ.) روایتی آورده است که به رفت و آمد «کدبانو فاطمه» به مجلس ابوسعید ابوالخیر (ف. ۴۴۰ هـ.) اشاره دارد^{۲۶} و مؤید این نکته است که این زن در حلقه صوفیان دوران خود نه تنها شناخته شده بود، بلکه از اهمیت و اعتبار بسیاری نیز برخوردار بوده است. فاطمه ام البنین در زمان خود موقعیت و جایگاه مهمی به عنوان زنی عالم و صوفی داشته و حضور او در مجالس ابوسعید ابوالخیر امری قابل ذکر بوده است. اشاره اسرار التوحید به این که فاطمه به طور ناشناس به خانقاه ابوسعید می رفته است، از یک سو نشانه آن است که این زن برای مریدان شیخ ابوسعید شخصیت کاملاً شناخته شده ای بوده است و به همین دلیل نام او در روایات مربوط به شیخ - تا زمانی که محمد بن منور آنها را جمع آوری و باز نویسی کند - باقی مانده است، و از سوی دیگر نشانه موقعیت کاملاً متمایز او از زنان دیگری است که به طور مدام و به صورت مرید به مجالس ابوسعید می رفته اند.

خراسان در قرن پنجم یکی از بزرگترین مراکز علمی جهان اسلام به شمار می آمد و در میان مراکز علمی آن روزگار در قلمرو سرزمینهای اسلامی از لحاظ فرهنگی و نشر علوم و معارف و ادبیات کمتر شهری با نیشابور برابری می کرد. به دلیل وجود مدارس و کتابخانه ها و خانقاههای معتبر، در این شهر امکانات تعلیم و تعلم و سیر و سلوک برای اهل علم و طریقت از همه جهت فراهم بود. حضور همزمان چند تن از مشایخ بزرگ طریقت در این شهر، از جمله ابوالقاسم قشیری و ابوسعید ابوالخیر که هر دو صاحب رباط و خانقاه بودند، به مجالس صوفیه رونق خاصی بخشیده بود و «مجالس درس و بحث و نظر و وعظ همه روز دایر بود و مردم گروه گروه در این مجالس حضور می یافتند.»^{۲۷} از گزارشهای اسرار التوحید چنان بر می آید که زنان نیز در مجالس هر دو صوفی حضور می یافتند.

طریق دو صوفی بزرگ این عصر، ابوالقاسم قشیری و ابوسعید ابوالخیر، تفاوتی بنیادین با هم داشت، قشیری به عنوان یک محدث و فقیه در مذهب شافعی تعصب بسیار

داشت و از صوفیانی نبود که ورای تعلیمات مسجد و مدرسه می اندیشیدند و اسیر رسوم و حدود ظاهر نمی شدند.^{۲۸} با این همه، موقعیت علمی زنان خاندانش نشان این است که تعصب او شامل حیطه تعلیم و تربیت زنان در حوزه علوم اسلامی و رفت و آمد آنان به مجالس صوفیه نمی شد، کما این که تعلیم دخترانش را خود به عهده داشت و زنان نیز به مجالس او راه داشتند. اما پرهیز از بردن نام زنان عالم خاندانش در تألیفات خود احتمالاً از پابندی او به ظواهر شریعت سرچشمه می گرفته است. در مقابل، ابوسعید ابوالخیر نه محدث بود، نه فقیه. عارف بود و اهل تساهل، و مبنای تعالیم خود را بر اخلاص نهاده بود.^{۲۹} با پیروان ادیان و مذاهب و فرقه های گوناگون سر سازگاری داشت و از استناد کردن به اقوال زنان نیز پرهیز نداشت. گزارشهای برخوردها و گفتگوهای او با زنان در اسرار التوحید آمده است و بر اساس یکی از همین روایتها، حتی تشریف زن به طریقت او جایز بوده است و زنان صوفی از دست همسر او خرقه می گرفته اند.

مریدان زن در خانقاه ابوسعید

بنا بر روایات اسرار التوحید در مورد شرکت زنان در مجالس و خانقاههای ابوسعید، در طریقت او فضای گسترده تری برای حضور زنان وجود داشت. ابوسعید ابوالخیر از مشایخ بزرگ و صوفیان صاحب حال تصوف خراسان است که وارث آراء اهل ملامت بود، به با یزید بسطامی ارادتی خاص داشت و خرقه خود را از دست ابوعبدالرحمن سلمی گرفته بود که تنها تذکره نوشته شده در مورد زنان صوفی از اوست. بی تعصبی دیدگاههای مذهبی او در دوران تعصبهای فرقه ای و ستیزه اصحاب مذاهب، یکی از پدیده های شگفت این عصر است.^{۳۰} محمد بن منور در شرح حال شیخ ابوسعید اشاراتی به حضور زنان در مجالس او دارد و در اقوال باقی مانده از او هم ذکر زنان یافت می شود. نخستین همسر شیخ نیز با طریقت و تعالیم او در ارتباط بوده و احتمالاً سر حلقه « پوشیدگان » طایفه صوفیان محسوب می شده است. در مقدمه اسرار التوحید، دکتر شفیع کدکنی در مورد این زن می نویسد:

همسر نخستین وی [ابوسعید] که مادر بوطاهر است خود نیز در تصوف و طریقت سلوکی داشته و زانی را که بر دست شیخ توبه می کرده اند و به عالم معنی روی می آورده اند، این همسر ابوسعید، خرقه می پوشانیده است.^{۳۱}

گزارش اسرار التوحید در مورد خرقه گرفتن زنی نیشابوری به نام ایشی نیلی از همسر ابوسعید از موارد نادر روایات متون صوفیه است، و اشاره به این که شیخ این زن را نزد همسر خود می فرستد تا به او خرقه بپوشاند و خرقه پوشی زن که پس از آن « به خدمت پوشیدگان این طایفه » مشغول می گردد، همه نشانه هایی از حضور حلقه ای از زنان صوفی

در طریقت ابوسعید ابوالخیر دارد. از عبارت «پوشیدگان این طایفه» که اشاره به زنان صوفی ست شاید بتوان گفت که در حلقهٔ مریدان شیخ ابوسعید زنان نه تنها به طور عام حق حضور در مجالس او را داشتند، بلکه به طور خاص حق تشرف به طریقت را نیز داشته اند و به نشانهٔ درآمدن به سلک طایفهٔ صوفیان، خرقة نیز می گرفته اند، اما نه از خود شیخ بلکه از همسر او.^{۳۲}

شیخ ابوسعید در اقوال خود به تجربیات روحانی زنان صوفی و مصاحبت با آنان نیز اشاراتی دارد، از جمله در روایتی از او آمده است که زنی صوفی به نام بی بی یک سیار از مرو به دادخواهی نزد او آمده و گفته بود: «مردمان دعا می کنند که ما را یک نفس به ما باز مگذار. سی سال است که می گویم که مرا یک طرفه العین به من باز گذار تا بینم که من کیم یا من خود هستم، هنوز اتفاق نیفتاده است.»^{۳۳} ابوسعید ابوالخیر در این روایت به تجربهٔ روحانی زنی اشاره می کند که با سلوک عرفانی خود را تا مرحله کمال پیموده و یا از شمار مجذوبین واصل است. در تعریف مقامات تصوف، مرحله ای که سالک به شناخت حق نائل می شود، مرحله ای ست که خود جزئی از حقیقت کل می گردد و همه «او» می شود و «منیت» از میان بر می خیزد، «واصل گشتن» یا به عبارت صوفیان «فناء فی الله»، از دیدگاه بسیاری از عرفا مرحلهٔ نهایی سلوک سالکان و جذبهٔ مجذوبان است. بیان حال این زن در حقیقت نشانهٔ رسیدن او به جایگاهی ست که تمام جهد و سلوک صوفیان برای وصول به آن است. با این که متون صوفیه اشارات مکرر به تجربیات روحانی مشایخ صوفیه در مرحلهٔ وصال دارند، روایاتی از این دست در مورد زنان کمتر یافت می شود و آنچه هم گهگاه و به اشاره از سخنان زنان آمده است مورد استناد صوفیان دوران بعد قرار نگرفته است.

اسرار التوحید اشارات دیگری نیز به حضور زنان در مجالس ابوسعید دارد، در حکایتی آمده است که وقتی شیخ در نیشابور مجلس می گفت و از مجلسیان خواست که در ازای دستارچه ای، سیصد دینار نیشابوری به خواجه حسن مؤدب بدهند که وام خود را بپردازد، پیرزنی سیصد درهم را در «وجه گفت شیخ» نهاد و از او خواست که در حقش «دعای دلخوشی» کند، که به تجربه کمیابی آن را دریافته بود، شیخ در پاسخ گفت:

چرا جاه و کلاه نخواستی و ضیاعی و عقاری نخواستی؟ به دل خوشی چون افتادی که هفتاد سال

است که تا ما پس زانورا حصار گرفته ایم و بوی این حدیث، هنوز بوی این حدیث به مشام ما

نرسیده است.^{۳۴}

روایاتی از این دست نه تنها نشانهٔ حضور زنان در خانقاه و شرکت در خیرات و میراث

مجالس شیخ ابوسعید است، بلکه از تجربیات و دریافتهای روحانی آنان نیز حکایت می‌کند. دریافت ابوسعید این است که این زن از مرحله «جاه و کلاه و ضیاع و عقار» خواستن در گذشته است و در جستجوی همانی است که شیخ در طول هفتاد سال تأمل و تفکر در جستجوی آن بوده؛ و پرسش شیخ در عبارت «به دلخوشی چون افتادی!» گویای آن است که رسیدن به مرحله چنین درک و دریافتی کار هر مرید خردی نیست.

روایت دیگری در اسرار التوحید اشاره به گفتگوی زنی به نام صاینه دارد با یکی از عرفای همعصر شیخ ابوسعید به نام خواجه مظفر حمدان که عارفی بوده است خانقاه دار و «در سخن گفتن چیره دست و استاد.»^{۳۵} در این گفتگو که سخن از مقامات صوفیه می‌رفته، «صاینه در فنا سخن می‌گفت و خواجه مظفر در بقا. خواجه مظفر را سخن صاینه خوش آمد. گفت: هر که موافق تو، موافق حق و هر که مخالف تو، مخالف حق.»^{۳۶} سخن گفتن صاینه از فنا با عارفی سخنور که محمد بن منور از او با عنوان احترام آمیز «استاد ابوحمد» یاد می‌کند،^{۳۷} و متقاعد کردن او در برحق بودن گفته‌هایش، نشانه آگاهی عمیق این زن به تعالیم صوفیه، و نیز چیرگی اش در سخن است.

گرچه ابوالقاسم قشیری خود در نوشته‌هایش هیچ گونه اشاره‌ای به زنانی که در مجالس او حاضر می‌شدند نکرده، محمد بن منور در گزارشهای خود به آنان اشاره کرده و روایتی نیز در مورد یکی از مریدان قشیری نقل کرده است. در این روایت آمده است که در نیشابور پیرزنی حجره‌ای داشت بالای خانقاه شیخ «چنان که هر روزه شیخ ما را می‌دید اما پیوسته به مجلس استاد بلقاسم قشیری شدی و هرگز به مجلس شیخ نیامدی و استماع او نکردی.»^{۳۸} با این که این زن از مریدان شیخ ابوسعید نیست و از حجره خود که بالای خانقاه شیخ است قدمی در خانقاه نمی‌نهد و در عوض به مجلس امام قشیری می‌رود، و در پایان روایت هم راضی به شرکت در مجالس شیخ نمی‌شود، محمد بن منور ذکر او را از قلم نینداخته است.

حضور زنان از هر طبقه‌ای در خانقاههای آن عصر کاملاً رایج بوده است، و به غیر از اشارات عام در این مورد، روایاتی از رفت و آمد زنان خاندانهای سرشناس نیشابور به مجلس شیخ ابوسعید نیز در اسرار التوحید آمده است. روایتی به نقل از «کدبانو ماهک دختر خواجه حمویه که از امرای میهنه و مرید خاص شیخ بود،»^{۳۹} نشان می‌دهد که این زن نیز همچون پدرش از مریدان شیخ ابوسعید بوده است و شیخ در حین مجلس گفتن با او گفتگو می‌کرده و تعالیم خود را به او باز می‌نموده است:

یک روز شیخ ما ابوسعید قدس الله روحه العزیز مجلس می‌گفت در میهنه بر در مشهد مقدس

عمرها الله. و آن روز شیخ ما صوفی سرخ پوشیده بود و دستاری سپید در سر بسته و روی سرخ. سخن می گفت. و من [کدبانو ماهک] در او نظاره می کردم. با دل خود گفتم که آیا خداوند را سبحانه و تعالی در جهان هیچ بنده ای هست چون شیخ ما و از وی نیکوتر؟ چون این اندیشه به خاطر من بگذشت، شیخ روی سوی من کرد و گفت: «ماه! مه اندیش آنچه می اندیشی. اگر خواهی که بدانی بنگر تا ببینی.» و اشارت بدان درخت کرد که بر در مشهد مقدس هست... من بنگریستم، جوانی دیدم در پای آن درخت ایستاده سیاه و خشک و ضعیف بر ضد حالت شیخ نیک بشویده و سخن شیخ استماع می کرد. من در وی می نگریستم. با خود می اندیشیدم که این چه جای دارد که شیخ مرا بدو اشارت می کند. من در این تفکر بودم که شیخ گفت: ماه! باز آیی. «من با خود آمدم. شیخ گفت: «آن را که می بینی یک تار موی وی به نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی تر از دنیا و آخرت و هر چه در دنیا و آخرت است. نگر که آنک می اندیشی نیز نیندیشی که خداوند را بندگاند؛ یکی را به رنگ طاوس دارد و یکی را به رنگ کلاغ.»^{۴۱}

نگاه کدبانو ماهک به ابوسعید ابوالخیر، نگاه یک مرید است به مرادش. آن گونه که او را «شیخ ما» می نامد و بی مثالش می داند و هیچ بنده ای را در جهان برابر و برتر از او نمی یابد رسم ارادت مریدان است به مرادشان؛ و نگاه شیخ ابوسعید نیز نگاه یک شیخ است به مریدش، آن گونه که او را اشارت به دگرگونه اندیشی می کند و تعالیم عرفانی خود را مبنی بر این که ظاهر انسانها را نمی توان ملاک قضاوت ارزش انسانی آنها قرار داد، بر او شرح می کند. در روایت دیگری محمد منور روایتی آورده است در مورد دوزن از مریدان شیخ ابوسعید که در سرای میکائیلیان نیشابور می زیستند و در ازای پیراهن و ردای او جفتی دستنبند و گردنبد خود را که هر کدام شصت دینار قیمت داشت به شکرانه دادند.^{۴۲}

اشارات دیگر اسرارالتوحید حاکی از آن است که به جز هنگام مجلس گفتن شیخ نیز رفت و آمد زنان و دختران به خانقاه شیخ مجاز بوده است. از جمله روایتی در مورد دخترکی علوی که فقیر بود و نزد شیخ به خانقاه او در نیشابور رفت و شیخ او را نزد خود بنشانند و به مریدان خویش گفت: «این پوشیده از فرزندان پیغامبر ماست که شما دعوی دوستی او می کنید و به وقت صلوات دادن بر وی، آوازه‌های خویش بلند می کنید. اکنون برهان دعوی خویش بنمایید.» و خود جامه از سر برکشید و بدان دخترک داد.^{۴۳}

مختصر این که از اشاره‌های پراکنده‌ای، هرچند مختصر، که در گوشه و کنار متون صوفیه و منابع تاریخی از زنان عالم و صوفی رقم خورده است، می توان دریافت که عرصه علوم اسلامی و تصوف در سده پنجم و ششم هجری خالی از حضور زنان نبوده است و نه تنها سنت تعلیم و تعلم زنان در طول این دوران ادامه یافته، بلکه شرکت آنان در مجالس صوفیه نیز رایج

بوده است؛ اما برخلاف دوره قبل که ابوعبدالرحمن سلمی نام و نشان زنان عالم و صوفی را در تذکره ذکر النسوة المتعبدات الصوفیات گرد آورده بود، در این دوره کتاب مستقلی در مورد آنان تدوین نشده است.

ابوسعید ابوالخیر و ابوالقاسم قشیری نماینده دو مکتب متفاوت در تاریخ تصوف این عصرند که یکی مکتب اهل قال و دیگری وابسته تجربیات اهل حال بود. این دو صوفی بزرگ همعصر در طریقت خویش تفاوت‌های بنیادین داشتند. ابوسعید در مجالس خود دیدار و گفتگوی زنان را نقل می‌کند، از بدنام‌ترین و رانده شده‌ترین‌ها که زن مطربه روی گشاده ای ست در بازار نیشابور، تا بی بی یک سیاری که عارفی ست واصل و سرگردان. از زنان زاهدی که برای فیض بردن به مجالسش می‌آیند و در خیرات و میرات خانقاهش شرکت می‌کنند تا دخترک علوی فقیری که به در یوزگی سراغ شیخ او را می‌گیرد. روایات این دیدارها و گفت و شنودها را سه نسل از مریدانش سینه به سینه نقل می‌کنند تا توسط نواده اش محمد نور در دهه های آخرین قرن ششم نگاشته می‌شود. گرچه همیشه این احتمال وجود دارد که مریدان کلامی چند بر اقوال و کردار مرشد و قطب طریقت خود بسته یا از آن کاسته باشند، آنچه از برخورد و گفتگوهای شیخ ابوسعید در مورد زنان نقل شده است، گزارشهایی خالی از هرگونه اغراقی ست و به شرح کرامات که معمولاً اغراق گونه است نمی‌ماند.

قشیری، با این که خود تدریس زنان خاندانش را به عهده داشت و همسرش را در تدریس شاگردانش سهیم کرده بود، اما در نوشته هایش به حلقه بزرگ زنان عالم و صوفی ای که در خاندانش به تعلیم و تعلم اشتغال داشتند، حتی همسرش که در مکتب تعالیم ابوعلی دقاق تربیت شده بود و از مدرسین معتبر نیشابور بود، اشاره ای نکرده است و اگر عبدالعافر فارسی شرح مختصر زندگی زنان خاندان او را ثبت نکرده بود، آنان نیز به خیل زنان صوفی و عالمی می‌پیوستند که نام و نشانشان در تاریخ تصوف گم شده است. نکته قابل بحث در گزارشهای باقی مانده از این دوران این است که در هر دو جریان عمده تصوف این عصر زنان به صورت مرید حضور داشته اند و در مکتب قشیری که علم دین آموختنی ست نه دریافتنی، زنان به مقام استادی و مدرسی نیز رسیده اند، منتها سر حضورشان را باید در حدیث دیگران جست. با در نظر گرفتن گزارشهای پراکنده ای که از زنان عالم‌ری و اصفهان و نیشابور در کتابهای تاریخی و تذکره های همین عصر آمده است می‌توان به این جمع بندی رسید که ناپیدایی حضور زنان در عرصه های علوم اسلامی و تصوف در این دوره ناشی از فقدان حضور آنان نبوده، بلکه معلول ابا داشتن بسیاری از صوفیان و مورخین از بردن

نام، بازگویی کلام، و گزارش احوال آنان بوده است.

دانشگاه مطالعات خارجی توکیو

زیرنویسها:

۱- جامی، عبدالرحمن، فحاحات الانس من حضرات القدس، تصحیح مهدی توحیدی پور، تهران، (۱۳۳۶؟)، ص

۶۱۵.

۲- ابوعبدالرحمن سلمی، ذکر النسوة المتعبدات الصوفیات، تحقیق الذکاتور محمود محمد الطناحی، قاهره، ۱۹۹۳/۱۴۱۳. در سال ۱۹۹۹ خانم R. E. Comell متن عربی این کتاب را همراه با ترجمهٔ انگلیسی آن تحت عنوان *Early Sufi Women* چاپ کرد. با آن که مترجم در مقدمهٔ مفصلی که بر این کتاب نوشته، اطلاعاتی در مورد سلمی، کارهای او، و مکاتب فکری اسلام در عصر او به دست می‌دهد، اما به نظر می‌رسد که در تقسیم بندی زنان صوفی تأکید را صرفاً بر مکتب زهد در دو ناحیهٔ بصره و سوریه گذاشته و در ضمن تصور کرده است که خواجه عبدالله انصاری رسالهٔ ذکر النسوة المتعبدات الصوفیات را به عنوان بخش آخرین طبقات الصوفیه به فارسی درآورده است، و جامی را هم، بدون درنظر گرفتن این که زادگاه و محل زندگیش ولایت جام بوده است، از صوفیان افغانستان دانسته است. نگاه کنید به مقدمهٔ Comell, R. E., *Early sufi Women*, Louisville, KY, 1999, p. 22, 23.

۳- کتاب ذکر النسوة المتعبدات الصوفیات شامل هشتاد و دو مدخل است، اما ذکر چهارتن از زنان صوفی دو بار آمده است، و از طرفی نام خواهران ابوسلیمان دارانی و خواهران بشر حافی هر کدام زیر عنوان یک مدخل آمده است، بنا بر این مجموعهٔ زنان صوفی که ذکرشان در این کتاب آمده است به هشتاد می‌رسد.

۴- شرح حال بسیاری از زنان عالم و صوفی سده‌های نخستین هجری در کتاب صفة الصفوه نیز آمده است که ابن جوزی (ف. ۳۳۸ هـ.) در گزارشهای مربوط به تعدادی از آنان از منابع قدیمی و مخصوصاً کتاب سلمی استفاده کرده است. نگاه کنید به: ابن جوزی، ابوالفرج، صفة الصفوه، تصحیح و تحشیه ابراهیم رمضان و سعید اللحام، بیروت، ۲۰۰۲، المجلد الثاني.

۵- برای اطلاع بیشتر در مورد زنان صوفی چهار سدهٔ نخستین هجری نگاه کنید به مقاله «از زاهد- صوفیان بین النهرین تا صوفیان خراسان»، زهرا طاهری، ماهنامه کتاب ماه ادبیات و فلسفه، تهران، سال هشتم، شمارهٔ ۸، اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۱۸-۳۷.

۶- گرچه این دوره، دورهٔ تکفیر صوفیه و عناد با اصول عقاید آنان از سوی متشرعین بود، و عین القضاة همدانی، طغرائی، و شیخ اشراق جان بر سر عقاید خود باختند، اما شرایط اجتماعی صوفیه به طور کلی چندان نامطلوب نبود، و بسیاری از مشایخ طریقت به ترویج تعالیم خود می‌پرداختند و «در خانقاهها و روابطهای خود آزادانه به تربیت سالکین و سماع و وجد و رقص و تذکیر همت می‌گذاشته‌اند.» نگاه کنید به: صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، ص ۲۲۷-۲۲۸.

۷- السهمی، ابوالقاسم حمزة بن یوسف، تاریخ جرجان، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۷ هـ./ ۱۹۶۷ م.، چاپ دوم، ص

۵۸۶-۵۹۰.

۸- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، تاریخ نیشابور، ترجمهٔ محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۹۳، ۱۹۶.

۹- سماعی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد، التبحیر فی المعجم الکبیر، وضع حواشیه خلیل المنصور، بیروت، ۱۹۹۷/۱۴۱۸، ص ۲۵۶. بنا بر گزارش سماعی، ام‌الخیر فاطمة نیشابوری کتاب صحیح از مسلم بن حجاج، کتاب غریب

الحديث از ابوسليمان خطابی، كتاب اربعين از حسن بن ابوعباس، كتاب امالي از حاكم ابوالحافظ را تدریس می کرده است.

- ۱۰- سمانی، همان، ص ۲۵۷. فاطمة اصفهانی كتاب فوائد العيار و كتاب فوائد ابوبكر مقری را تدریس می کرد.
- ۱۱- همان، ص ۲۲۷-۲۵۷.
- ۱۲- سمانی، همان، ص ۲۲۷-۲۵۷.
- ۱۳- Bulliet, Richard. Women and the Urban Religious Elite in the Pre-Mongol Period., *Women in Iran*, ibld, p. 68-79.
- ۱۴- قشیری، ابوالقاسم، ترجمه رساله قشیری، ترجمه ابوعلی عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۱، مقدمه، ص ۴۹.
- ۱۵- اسرارالتوحید، جلد دوم، ص ۷۱۶.
- ۱۶- Frye, Richard N., *The Histories of Nishapur*, London, 1965, first manuscript, p. 122, 125; Bulliet, Richard. Women and the Urban Religious Elite in the Pre-Mongol Period., *Women in Iran*, ibid, p. 68-79
- ۱۷- ترجمه رساله قشیری، مقدمه فروزانفر، ص ۴۹.
- ۱۸- قشیری از طرف مادر و ابنة خاندان سلمی ست و مادر او دختر محمد استوایی سلمی بود. نگاه کنید به مقدمه ترجمه رساله قشیری، ص ۱۴-۱۵.
- ۱۹- از جمله کتابهایی که فاطمه به شاگردان قشیری تدریس می کرد عیون الاجوبه فی فنون الاسؤلة تألیف ابوالقاسم قشیری، وصفة الزاهدین و مبانی الزهد و المعاملات تألیف ابوسعید بن الاعرابی بود. نگاه کنید به مقدمه فروزانفر بر ترجمه رساله قشیری، ص ۶۲.
- ۲۰- همان، ص ۴۹-۵۹، ۶۰-۶۱.
- ۲۱- در مجموعه ای که Richard Frye تحت عنوان *The Histories of Nishapur*، کپی نسخه های خطی سیاق عبدالغافر فارسی و تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری را افست کرده است، شماره صفحات قدیمی حفظ شده است. در نسخه ای که من در دسترس دارم شماره بعضی از صفحه ها پاک شده یا بسیار کمرنگ و ناخواناست. ذکر کریمه مروزیه در صفحات ۱۲۵ و ۱۲۶ منتخب سیاق آمده است که شماره صفحه ۱۲۶ پاک شده است.
- ۲۲- التخییر، ص ۲۲۷-۲۵۷.
- ۲۳- *The Histories of Nishapur* همان، بخش السیاق لتاریخ نیشابور، احتمالاً باید صفحه ۱۲۳ باشد. (شماره صفحه پاک شده است).
- ۲۴- همان، ص ۱۲۶.
- ۲۵- ترجمه رساله قشیری، ص ۴۴.
- ۲۶- محمد بن منور، اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۸۰.
- ۲۷- ترجمه رساله قشیری، ص ۱۷.
- ۲۸- همان، ص ۴۴-۶۴.
- ۲۹- اسرارالتوحید، مقدمه دکتر شفیعی کدکنی، ص هشتاد و شش.
- ۳۰- همان، ص سی و شش، چهل و یک- چهل و دو، هشتاد و دو - هشتاد و سه.

۳۱- همان، ص بیست و نه.

۳۲- همان، ۷۳-۷۴.

۳۳- همان، ص ۲۵۹.

۳۴- همان، ص ۲۱۵-۲۱۶.

۳۵- همان، ص ۷۲۴.

۳۶- همان، ص ۲۷۸.

۳۷- همان، ص ۲۷۴.

۳۸- همان، ص ۲۱۵.

۳۹- همان، ص ۳۲۵، ۳۳۹.

۴۰- همان، ص ۱۸۵.

۴۱- همان، ص ۲۷۷-۲۷۸.

۴۲- همان، ص ۲۶۹.

ناشنوایان از نگاه شاعران ایران (مروری گذرا به جایگاه ناشنوایان در اشعار فارسی)

تقدیم به پدر بزرگوارم «محمد قهرمان»

فرهنگ ناشنوایان (Deaf Culture) که شامل تاریخ، حکایتها، ارزشها، گرایشها، معیارها، و زبانهای اشاره ناشنوایان می باشد، در سالهای اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته و جزو پایه مطالعات ناشنوایی (Deaf Studies) درآمده است. سطح بالای فقدان آگاهی نسبت به اصول و ریشه های اطلاعات مربوط به ناشنوایی نه تنها در ایران و بلکه در دنیا، جزو جنبه های بارز و برجسته جامعه ناشنوایان (Deaf Community) به حساب می آید که با آن از سایر جوامع آشکار مشخص می شوند. انتقال رسوم و عقاید رایج از نسلی به نسل دیگر در تمام جوامع دیده می شود و این البته در جامعه ناشنوایان از اهمیت خاصی برخوردار است چون تقریباً نود درصد از کودکان ناشنوا از والدین شنوا متولد می شوند که از فرهنگ و تاریخ ناشنوایان هیچ آگاهی ندارند و همچنین با زبان اشاره که زبان اول ناشنوایان محسوب می شود، به هیچ وجه آشنا نیستند. بنابراین جامعه ناشنوایان شامل مدرسه ناشنوایان و انجمن ویژه ناشنوایان به عنوان محلهایی شناخته می شوند که همان وظیفه والدین شنوا را به عهده می گیرند و باعث پیوند دادن این گونه کودکان با میراث ناشنوایان (Deaf Heritage) در زمینه های گوناگون همچون زبانی، فرهنگی، تاریخی، و هنری می شوند.

کودکان در مدرسه ناشنوایان توسط ده درصد از کودکانی که صاحب والدین ناشنوا هستند، با زبان اشاره آشنا می شوند و آن را به کار می برند در حالی که این زبان را از والدین شنوای خودشان فرا نگرفته اند.^۱

همچنین آنان در بزرگی، از طریق انجمن ویژه ناشنوایان با میراث و تاریخ خودشان در قالب فیلم، کتاب، و مقاله آشنایی می یابند و احساس غرور و هویت مستقل پیدا می کنند. در نهایت، بسیاری از کودکان شنوا و افراد علاقه مند که دنیای ناشنوایان را برای اولین بار کشف می کنند، به شدت مجذوب این گونه مواد اطلاعاتی خواهند شد. زیرا از این طریق، با ویژگیهای ناشنوایان به خوبی آشنا می شوند و ارتباط آنان با ناشنوایان میسر می گردد.^۲

با توجهی که محققان بزرگ غربی نسبت به مطالعات ناشنوایی داشته اند، شعبات و فروع زیادی در آن پیدا شده است، از جمله شعر شناسی، واژه شناسی، تمبر شناسی^۳ و غیره. شعبه شعر شناسی ویژه ناشنوایان، فقط با اشعاری که موضوع، شکل، و محتوای آن درباره ناشنوایان می باشد، سرو کار دارد.

به نظر می آید که نخستین اشاره درباره ناشنوایان ایران که به دستمان رسیده، به صورت شعر باشد. زیرا در جامعه ای با سنتهای شفاهی، شعر به سبب آهنگ و نظم ویژه اش نه تنها ریشه دارتر، بلکه ماندگارتر و فراگیرتر است. به راستی هم بی جهت نگفته اند که تأثیر یک بیت شعر مناسب گاهی در دل و مزاج ایرانیان عاطفی و شعر دوست از صدها نوشته بیشتر است.

اگر شاعران پیشین به همان اندازه که به وصف اسب، شمشیر، قصر، و بزم ممدوحان خود پرداخته اند، از احوال مردم نیز سخن می رانند امروز با وجود گذشت قرن‌ها از راز دل نیاکان خویش آگاه تر بودیم و خود را به آنان نزدیک تر می یافتیم. در شعر که آینه اخلاق و افکار عامه به شمار می آید، نگاه فرهنگ و جامعه در آن روزگار در مورد بسیاری از اصطلاحات ناشنوایی همچون لالی و کری منعکس شده است که از نظر جامعه شناسی تاریخی و نیز برای مطالعه فرهنگ ناشنوایان دارای اهمیت زیادی است.

تعداد اشعار ویژه ناشنوایان کلاً بسیار کم است و از لحاظ محتوا به سه دسته تقسیم می شود:

۱) حکایتی:

اولین دسته دارای سه قسمت می باشد:

الف - طنزی مانند اشعار انوری و قانانی؛ ب - پندی مانند شعر مولوی تحت عنوان «به عیادت رفتن کر بر همسایه رنجور خویش»؛ ج - اخلاقی مانند شعر سعدی تحت عنوان «حاتم اصم».

(۲) وصفی: با الهام از حال و احوال و ویژگیهای ناشنویان مانند اشعار صائب و سایر شعرای سبک اصفهانی.

(۳) خطابی: مانند اشعار دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی و محمد قهرمان. صورتهای مشابه این گونه اشعار در ادب و فرهنگ اقوام دیگر هم دیده می شود. زیرا طبایع و اطوار ناشنویان در همه جا یکسان و همانند است.

۱- حکایتی

الف - طنزی

انوری گاه از زبان قشرهای پایین جامعه هم در شعر خویش استفاده کرده است که در آن نمونه زیبای طنز هم می توان دید، مثل قطعه «گفتگوی پیرزن لالی تمبیدست با شاگرد حصیری برای خریدن حصیر در تابستان.» این قطعه که در کمال استادی سروده شده است، در زمینه ناشنویان، ارزشهای تاریخی و اجتماعی و حتی هنری خویش را حفظ کرده است.

<p>از خانه به بازار همی شد، زَنکی لال بر دل بگذشتش که: «اگر نیست مرا مال آخر نبود کم ز حصیری به همه حال» حاصل شده از کدیه، به جوجو، نه به مثقال نی از لُلُخ وز کُکُتَب وز نَنَنَنال؟» گفتش: «بروای قجبه چونین به سخن لال! تا نرخ پیرسی تو به دی ماه رسد سال!»</p>	<p>گویند که در طوس، گه شدتِ گرما بگذشت به دکانِ یکی پیرِ حصیری تا چون دگران نطع خرم بهر تنعم بنشست و یکی کاغذکی چکسه برون کرد گفتا: «دَدَدَه گز حَصَصیری سَرَه را چند؟ شاگردِ حصیری چو ادای سخنش دید تدبیر نمد کن، به نمدگر شو، از یراک</p>
---	---

توجه به ساختار همین قطعه و نحوه طبیعی زبان و واژگان عادی کوچه و بازار از قبیل «چکسه» و «لُوخ» و جمله معترضه «حاصل شده از کدیه، به جوجو، نه به مثقال» (جو کوچکترین واحد سنجش بوده و هر مثقال برابر چندین جو بوده است) و گفتگوی بسیار طبیعی به زبان لالها که کلمات را با تکرار هجاهای سازنده، ادا می کنند نهایت تسلط انوری را بر زبان طبیعی گفتار نشان می دهد که استادانه لحن زبان گوینده را که زنی لال است، تقلید کرده است. البته باید افزود که پیرزن خریدار حصیر، الکن بود ولی حصیر فروش دست بالا را گرفته و به اغراق او را لال خوانده است چون سخنانش چندان واضح و مفهوم نبوده است.

قاآنی شاعر مداح قرن سیزدهم هجری - که مدتی در شیراز به تدریس عروض و شرح دیوان خاقانی و انوری می پرداخت - به تقلید از انوری قطعه «گفتگوی پیرمرد با طفل» را

سروده است. نمک و زیبایی شعر در این است که هر دوی آنها، الکن و لال هستند. البته قآنی به اشتباه، لال را به معنی الکن گرفته است زیرا پیرمرد و کودک، هر دو لکنت زبان داشته اند و به اصطلاح در سخن گفتن زبانشان می گرفته است. چون اگر آنان لال بودند، نمی توانستند جز با اشاره با یکدیگر سخن بگویند.

پیرکی لال، سحرگاه، به طفل الکن می شنیدم که بدین نوع همی راند سخن
 کای ز زلفت صمصمجم شاشاشام تاریک
 وی ز چهرت شاشاشام صمصمجم روشن
 تتترباکیم و پیش ششهد للبت
 طفل گفتا: مَمَن را تتو تقلید مکن
 می می خواهی مُمُشتی به ککلت بزئم
 پیر گفتا که ووالله که معلوم است این
 به هفتاد و هشتاد و سه سال است افزون،
 طفل گفتا: خُخُدا را صمصمدبار ششکر
 مَمَن هم گگگنگم مِمِثل توتوتو
 که که زادم مَن بیچاره ز مادر الکن
 که که گنگ و لالالم بـ بخلاقِ ز من
 که برستم ز جهان از مملال و ز محن
 توتوتو هم گگگنگی مِمِثل مَمَن!^۱

قآنی جز اغراق آمیز کردن لحن گنگی، یا به عبارت بهتر، شور آن را در آوردن، هیچ کاری نکرده است. در صورتی که در شعر انوری، خواننده با آن پیرزن لال و فقیر احساس نوعی همدلی و تأثر عاطفی می کند و از بیرحمی شاگرد حصیرباف - که به محرومی از صنف و طبقه خودش، این گونه ظالمانه برخورد می کند - دلش می سوزد.

البته نکتهٔ بارزی که در شعر قآنی دیده می شود و شعر انوری از آن محروم است، این است: «انعکاس احساس درونی کودک لال» که می گوید خدا را صدبار شکر می کنم که از رنج تنهایی ناشی از بی زبانی و نقص شنوایی رهایی یافتم چون همزبان و همانند خود یعنی پیرمرد لال را پیدا کردم!

در تذکرة الشعراء مطربى سمرقندی که در سال ۱۰۱۳ هجری تألیف شده و مربوط به شاعران ماوراءالنهر (ترکستان) است، مؤلف دربارهٔ شاعری به نام ضربی سمرقندی نوشته است: «... خالی از فهمی نبود و خود را در عداد شعرا می نمود و گنگیات را نیکو می گفت و این مطلع از آن جمله است:

اگر گر گُرد نَد نَد ترحم حُم به حالَم لم
 رخ زرزردِ خود خود را به پایش یش بمالم لم»^۲

نمونهٔ مشابه این شیرینکاریها در آثار شعرای معروف ایران بسیار نادر است و باید انوری و قآنی را در این سبک، تا حدی مبتکر دانست و قطعات شعر این دو تن، ارزش مطالعه دربارهٔ آشنایی با فرهنگ ناشنوایان را دارد.

واژهٔ گنگ به طور کلی به معنای درمانده از سخن به کار می‌رود. سنائی این واژه را به صورتی قابل توجه به کار برده است:

در سخن دُر بیایدت سفتن ورنه گنگی به از سخن گفتن
گنگ اندر حدیث و در آواز به که بسیار گوی بیهوده تاز^۷
کسی که گرفتگی زبان دارد اگر حرف بزند، بهتر از کسی است که بسیار می‌گوید و سخنانش نامعقول و غیر منطقی است.

چنین اصطلاحی در بعضی از لهجه‌های محلی از جمله مشهدی دیده می‌شود، مثلاً: می‌گویند فلانی گنگلاس است. یعنی گنگلاسی (بریده بریده) حرف می‌زند که در زبان امروری لکنت زبان خوانده می‌شود. این مفهوم در مصرع‌ای از بیدل به زیبایی آمده است:

در محفلِ کری چند، فریادِ لال کردم^۸
در مجلسی که با شرکت چند ناشنوا برپا شده بود، مانند لالها سخنانی نامفهوم بر لب آوردم. چون آنان صدای مرا نمی‌شنیدند، ناچار من هم گنگلاسی حرف زدم.

نمونهٔ خوبی در مورد لکنت زبان، در بوستان سعدی دیده می‌شود:

جوانی هنرمند و فرزانه بود که در وعظ چالاک و مردانه بود
نکونام و صاحب‌دل و حق پرست خط عارضش خوشتر از خط دست
مگر لکتی بودش اندر زبان که تحقیق معجم نکردی بیان
قوی در لغت بود و در نحو چست ولسی حرف ابجد نگفتی درست
یکی را بگفتم ز صاحب‌دلان: که دندان پیشین ندارد فلان
برآمد ز سودای من سرخ روی: کز این جنس بیهوده دیگر مگوی
تو در روی همان عیب دیدی که هست ز چندان هنر چشم عقلت بیست!^۹

یعنی زبان‌ش دچار لکنت بود و در سخن الکن می‌نمود به قسمی که حروف معجم را نمی‌توانست به روشنی ادا کند.

مولوی به زیبایی چنین حال - بریده بریده حرف زدن - را به خواب مثل می‌زند. چه بسا شخص در خواب ببیند که با کسی گفتگویی کند غافل از آن که هم‌گوینده اوست و هم‌شنونده. در واقع خود می‌گوید و خود می‌شنود. به عبارت دیگر، تمام صحنه‌ها که در رؤیا اتفاق می‌افتد، جلوه‌های مختلف روح انسان است که گاه به صورت خودمان می‌آید و گاه به صورت دیگری. در واقع خود می‌گوییم و خود می‌شنویم.

چیز دیگر مانند اما گفتنش با تو، روح القدس گوید بی‌منش
نی، تو گویی هم به گوش خویشتن نی من و، نی غیر من، ای هم تو من

همچو آن وقتی که خواب اندر روی
توز پیش خود، به پیش خود شوی
بشنوی از خویش و، پنداری فلان
با تو اندر خواب گفته ست آن نهان
تو یکی تو نیستی ای خوش رفیق
بلکه گردونی و دریای عمیق
آن تو زفت که آن نهصد تو است
قلزم است و غرقه گاه صد تو است^{۱۱}

هر خموشی که ملولت می کند
نعره های عشق آن سومی زند
تو همی گویی: عجب! خامش چراست؟
او همی گوید: عجب! گوشش کجاست؟!
من ز نعره کر شدم، او بیخبر
تیز گوشان زین سمر هستند کر
آن یکی در خواب نعره می زند
صد هزاران بحث و تلقین می کند
این نشسته پهلوئی او بیخبر
خفته خود آن است و کر، زان شور و شر^{۱۲}

شاعری ناشناخته، با الهام از اندیشه والای مولوی - درک و تجسم صدای منقطع در
عالم خواب - بیت بسیار زیبایی با استفاده از واژه گنگ و اشاره صریح به ناشنوا سروده
است:

من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر
من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش^{۱۳}
من گنگی هستم که خوابی دیده است و مردمی که در دور و بر او هستند، همه کردند. در
نتیجه، نه من می توانم خواب خود را بیان کنم و نه آنان می توانند بشنوند (چون یک طرف
باید سخن بگوید تا طرف دیگر بشنود).

مقیم مشهدی (شاعر عصر صفوی) با تأثیر پذیری از شعر فوق، چنین می سراید:

گردون کر است و شکوه به زیر لبم گم است
چون گنگ خواب دیده، به لب مطلم گم است^{۱۴}
آسمان کر است و چون نمی شنود، به حرف من توجهی نمی کند. به همین سبب، شکایت
من از او - که بیفایده است - در زیر لبم گم می شود. شبیه گنگی (ناشنوایی) هستم که
خوابی دیده و از بیان کردن آن عاجز است. در نتیجه، سخنی که می خواهم بگویم از لبم
سرنمی زند و از میان می رود.

نوشته زیر در شاهکار صادق هدایت - بوف کور - هم آمده است که نوعی تأثیر
پذیری از مضمون «گنگ خواب دیده» را نشان می دهد: «صدای آب مانند حرفهای
بریده بریده و نامفهومی که در عالم خواب زمزمه می کنند به گوشم می رسد.»^{۱۵}

حسین منزوی - شاعر غزلسرای معاصر - در کتاب مجموعه شعر خویش از شوکران و
شکر با استفاده از معنی شعر همان شاعر ناشناخته - که خود نیز متذکر آن شده - چنین
زیبا سروده است:

من سازِ رگ بریده، و آوازِ ناشنیده هم خوابدیده گنگم، هم گنگدیده خوابم^{۱۵} درست گفته اند که ادبیات، جهان محاکات است. بنابراین شاعری که هیچ گاه دامن لب را به می نیالوده است، می تواند به دقیق ترین نحوی عالم مستان را محاکات کند و گنگ خوابدیده ای به زبان بی زبانی حتی برای کران حکایتها داشته باشد.

ب - پندی

مولوی در تفسیر کلام الهی که در آیات ۱۰۳ - ۱۰۴ سوره کهف آمده است، حکایت بلند «به عیادت رفتن کر بر همسایه رنجور خویش» را آورده که از بیت ۳۳۶۰ دفتر اول آغاز می شود. تفاوت عمده شعر مولوی با اشعار انوری و قآنی در نبودن و نداشتن صورت طنزی به معنای تصویر هنری اجتماع فیضین می باشد، در عوض، از زبان پند بهره برده و در خاتمه، نتیجه گیری کرده است.

آن کسری را گفت افزون مایه ای
گفت با خود کر که «با گوش گران
خاصه رنجور و ضعیف آواز شد
چون بینم کان لبش جنبان شود
چون بگویم چونی ای محنت کُشم؟
من بگویم شکر، چه خوردی ابا؟
من بگویم صَح نوشت، کیست آن
من بگویم بس مبارک پاست او
پای او را آزمودستیم ما
این جوابات قیاسی راست کرد
گفت: «چونی؟» گفت: «مُردم» گفت: «شکر»
کاین چه شکر است او مگر با ما بدست؟
بعد از آن گفتش: «چه خوردی؟» گفت: «زهر»
بعد از آن گفت: «از طیبیان کیست او
گفت: «عزرائیل می آید بُرو»
کر برون آمد بگفت او شادمان
گفت رنجور «این عدو جان ماست

که «تورا رنجور شد همسایه ای»
من چه دریا بم زگفت ان جوان
لیک باید رفت آن جا نیست بُد
من قیاسی گیرم آن را هم ز خود
او بخواهد گفت: «نیکم یا خوشم»
او بگوید «شربتی یا ماشبا»
از طیبیان پیش تو؟ گوید فلان
چون که او آمد شود کارت نکو
هر کجا شد می شود حاجت روا
پیش آن رنجور شد آن نیکمرد
شد از این، رنجور پر آزار و نُکر
کر قیاسی کرد و آن کز آمدست
گفت: «نوشت باد»، افزون گشت قهر
کاو همی آید به چاره پیش تو؟
گفت: «پایش بس مبارک شاد شو»
«شکر کش کردم مراعات این زمان»
ما ندانستیم کاو کان جفاست...»^{۱۶}

در حکایت فوق، مولوی از مرد کسری یاد می کند که به عیادت همسایه رنجور می رود و چون می خواهد نقص جسمانی خود (یعنی فقدان قوه شنوایی) را پنهان دارد با جوابهای خطایی که از روی قیاس به گفتگویی که با بیمار دارد، می دهد موجب رنجش او و مایه

رسوایی خویش می گردد. با این همه، در عیادت پیش خود می پندارد که حق همسایگی به جای می آورد.

پیداست که آنچه در این سؤال و جواب ناموفق مایه طنز و ملامت می شود، نقص جسمانی نیست بلکه نقص نفسانی است که مرد کر را به مخفی کردن عیب خویش وادار می دارد تا قیاس نادرست وی را مورد نفرت و استهزای همسایه سازد. زیرا مولوی نقص جسمانی را غالباً همچون امری که در خور رحم و شفقت انسانی است، تلقی می کند حتی در باب آنچه به مثابه حدیث از رسول خدا نقل می کنند که فرمود «النَّاقصُ مُلْعُونٌ»، صریحاً خاطر نشان می سازد که این اشارت را باید به نقصان عقول که نقص غیر جسمانی است، تأویل کرد.

واژه گوش گران که در حکایت مولوی «به عیادت رفتن کر بر همسایه نجور خویش» دیده می شود، اشاره صریح به ناشنوایان دارد و به معنای این است که گوش به دلایلی همچون کهولت سن و بیماری، دیگر نمی تواند همانند سابق خوب بشنود لذا شخص به علت دشواری در درک صدا، احساس سنگینی گوش می کند.

به نظر می آید که واژه گوش گران ترجمه تحت اللفظی «ثقل سامعه» است و از لحاظ معنا، جدا از گوش کر است. همان طوری که ابوبکر ربیع بن احمد الاخوانی البخاری - مؤلف کتاب هدایة المتعلمین فی الطب - در مورد احتمال ناشنوایی بر اثر ابتلاء به سرسام (منزیت) می نویسد: «و به گوش نیز بود که کری و گرانی آید، اگر مادرزاد بود علاج نبود و اگر از پس از سرسام آمده بود که خود به شود و اندک اندک علاج یابد.»^{۱۷}

واژه «گران گوش» که هم به صورت جدا و هم سرهم در لغتنامه دهخدا آمده، از نظر معنی همانند گوش گران است البته به معنای کرهم به کار می برد که در حکایت عربی عبید زاکانی دیده می شود، که دکتر محمد جعفر محجوب به فارسی ترجمه کرده است: «گنده دهانی در گوش کری سخنی به نجوا می گفت. گران گوش گفت نمی دانم چه می گویی، جز آن که در گوش من گند می دمی.»^{۱۸}

باز عبید زاکانی در کتاب منتخب لطایف چنین لطیفه زیبایی آورده است: «گران گوشی به فزونی گفت شنیدم زن کرده ای گفت سبحان الله! تو که چیزی نشنوی، این خبر از کجا شنیدی؟»^{۱۹}

ترکیب زیبای «گوش گران کردن» در شعر محمد قهرمان، معنای تظاهر به گران گوش (و نشنیدن) کردن دارد و خود را به نشنیدن (کری) زدن:

فلک چو گوش گران کرد، جای آن دارد که در جگر شِکَمَ آه بی اثر شده را^{۲۰}

این ترکیب که ظاهراً ساخته خود شاعر است - چون نمونه مشابه در لغتنامه دهخدا دیده نمی شود - یاد آور حکایت حاتم اصم می باشد.

ج - اخلاقی

جریان کاربرد واژه «گوش گران» توسط حاتم بن عنوان ملقب به اصم (از بزرگان صوفیه خراسان) سخت جالب است.

به گفته عطار در تذکرة الاولیاء، کرم حاتم تا حدی بود که روزی زنی پیش او آمد و مسأله ای پرسید، مگر بادی از وی رها شده خجل گشت. حاتم گفت: آواز بلندتر کن که نمی شنوم، گوشم گران است، تا زن خجل نشود، و آن مسأله جواب داد. تا زن را معلوم گشت که، او نشنید. و تا آن زن در حیات بود، خود را کمر ساخته بود و او را اصم از آن گویند.

سعدی در بوستان، حکایت «حاتم اصم» را آورده که سبب کمر بودن حاتم را روشن می سازد.

<p>گروهی بر آند زاهل سخن بر آمد طنین مگس بامداد همه ضعف و خاموشی کید بود نگه کرد شیخ از سر اعتبار نه هر جا شکر باشد و شهد و قند یکی گفت از آن حلقه اهل رای مگس را تو چون فهم کردی خروش تو کاگاه کردی به بانگ مگس تبسم کنان گفت ای تیزهوش کسانی که با من به خلوت درند چو پوشیده دارندم اخلاق دون چنان می نمایم که من نشنوم چو کالیوه دانندم اهل نشست اگر بد شنودن نیاید خوشم به حبل ستایش فرو چه مشو</p>	<p>که حاتم اصم بود باور مکن که در چنبر عنکبوتی قتاد مگس قند پندا شتش قید بود که ای پایند طمع پایدار که در گوشه ها دامها هست و بند عجب دارم ای مرد راه خدای که ما را به دشواری آمد به گوش ن شاید اصم خواندنت زین سپس اصم به که گفتار باطل نیوش مرا عیب پوش و ثنا گسترند کند همتم پست و نفسم زبون مگر کز تکلف میرا شوم بگویند نیک و بدم هر چه هست ز کردار بد دامن اندر کشم چو حاتم اصم باش و غیبت شنو^{۱۱}</p>
---	--

با توجه به این که عالمان اخلاق اسلامی، زبان و توابع آن مانند لالی، گنگی، و کری را

بیشتر از جنبه آسیب شناسی و آفات مورد بررسی قرار داده اند، اهمیت حکایت «حاتم اصم» بیشتر آشکار می شود چون سعدی نقش مفید و سازنده کُری را مطرح کرده است که برای مطالعه فرهنگ ناشنوایان با ارزش می باشد.

باز سعدی در گلستان از اصم به صورت صم استفاده کرده و زیبا گفته است:

زبان بریده به کنجی نشسته صم بکم به از کسی که زبانش نباشد اندر حکم
صم، جمع اصم به معنی کرو و بکم، جمع ابکم به معنی لال است که در فارسی مفرد به شمار
آمده و برگرفته است از سوره بقره آیه ۱۸: آنان کرو و گنگ و کورند و از گمراهی
بر نمی گردند.

معنی بیت این است: بی زبان در گوشه ای، کرو و گنگ نشستن، بهتر است از کسی که
اختیار زبانش را نداشته باشد.^{۲۲}

۲- وصفی

شاعران دوره صفوی درباره ناشنوایان اشعار زیادی سروده اند و به خاطر اهمیت خاصی
که به مضمون یابی (که از ویژگیهای سبک اصفهانی^{۲۳} می باشد) می داده اند، اغلب از
احوال ناشنوایان و سکوت راز و رمزدار آنان، الهامات زیبایی می گرفته و در شعر
می آورده اند که نشان می دهد نگاهی واقعی تر نسبت به دنیا داشته اند و نظیر آن در هیچ
دوره ای از ادبیات ایران از جمله در اشعار سعدی و مولوی دیده نمی شود.^{۲۴}

صائب تعداد زیادی از واژه های خاص همچون گنگ، بی زبان، اشاره، بسته زبان، زبان
بسته، زبان لال، ده انگشت، لال، گوش گران را برای تصویر در آوردن جنبه ای از دنیای
ناشنوایان در شعر خویش به خدمت گرفته و از این لحاظ، در میان شعرای سبک اصفهانی و
همچنین ایران یکتا و بی مانند است و در واقع، به عنوان دوستدار ناشنوایان شناخته شده
است و این گونه اشعار دارای اهمیت بی نظیر در جهت مطالعه فرهنگ ناشنوایان ایران
می باشند. به نظر می آید که ناشنوایان (به اصطلاح آن روزگار، افراد کرو و لال) در دوره
صفوی به خاطر ناتوانی در قراءت و بلند خوانی دروس، از رفتن به مکتب و آموزش دیدن
محروم بوده اند لذا کمترین بهره را در زمینه یادگیری از محیط زندگی می بردند.

با نگاهی به اشعار صائب درمی یابیم که آنان به طور گسترده از زبان اشاره برای
برقراری ارتباط با خودشان استفاده می کرده اند.^{۲۵} هنر و مهارت والای صائب در این است
که با شیوه تمثیل می تواند یک مضمون را به دو صورت متضاد توجیه کند چنان که در ابیات
اول تا هفتم، اشاره (حرکات دست) را راهگشای مشکلات ناشنوایان (که قادر به سخن
گفتن نیستند)، می داند. اما در ابیات هشتم تا یازدهم با مضمون متضاد ثابت می کند که

اشاره نمی تواند کار زبان را انجام دهد (و جایگزین آن گردد).

این نکته شاید بار اول توسط محمد قهرمان که بیشتر عمر خود را صرف تصحیح دیوانهای صائب و تعدادی از شاعران سبک اصفهانی کرده است، مطرح شده باشد.^{۲۶}

(۱) ده در شود گشاده، شود بسته چون دری انگشت ترجمان زبان است لال را^{۲۷}
قبلاً سعدی در بوستان شبیه به مضمون فوق سروده است:

خدای ار به حکمت ببندد دری ز رحمت گشاید در دیگری^{۲۸}
مشاهده می شود که نوعی تمثیل در شعر صائب به وفور دیده می شود بدین معنی که در یک بیت، دو مصراع هم از لحاظ نحوی و هم از نظر معنی و اندیشه از یکدیگر جدا و مستقل هستند اما در عین حال رشته معنوی ظریف و پوشیده ای آن دورا به هم می پیوندند. بنا بر این «ده در»، «ترجمان زبان» و «لال» را با همین رشته پهلوی هم قرار می گیرند و تشبیه زیبای اشارات (به صورت ده انگشت یا مترجم) به رحمت الهی را به نمایش می گذارند که شعر سعدی از آن محروم است.

(۲) یکی ده است هر آن نعمت به جا که تو داری نظر به گنگ کن، از شکر حق مبندهان را^{۲۹}
(۳) بستگیها را گشایشها بود در آستین لال را از دست خود، ده ترجمان آمد پدید^{۳۰}
(۴) امید من به خاموشی، یکی ده گشت تا دیدم که سامان می دهد دست از اشارت، کار لال را^{۳۱}
(۵) ده در، عوض دری گشاید دست است زبان بی زبانها^{۳۲}

واژه «بی زبان» به معنی بدون استفاده بردن و کمک گرفتن از زبان، بارها در اشعار آمده است. این صائب است که از این واژه به معنای صریح لال در شعر خود استفاده کرده است و چقدر دقیق و درست، اشاره را زبان بی زبانها می نامد و همانند نظریات فلسفی امروزی ست که در روشهای آموزش به کودکان ناشنوا مورد توجه قرار می گیرد.

(۶) گفتگوی خامشان را ترجمان در کار نیست لال می فهمد به آسانی زبان لال را^{۳۳}
(۷) بر نمی خیزد به تنهایی، صدا از هیچ دست لال گویا می شود، چون ترجمان پیدا شود^{۳۴}

در مثل می گویند که دست تنها، صدا ندارد، یعنی کار به تنهایی پیش نمی رود (منظور کارهایی ست که انجام دادن آنها به چند تن نیاز دارد) اگر دو دست را بر هم بزنیم، از آنها صدا بلند می شود. لال هم تا وقتی که تنها باشد، شبیه یک دست است که صدا ندارد. اما اگر کسی که اشاره های او را می فهمد و می تواند مترجمش باشد از راه برسد، صاحب زبان می شود و به کمک این مترجم گفتگو می کند.

(۸) اشاره، گرچه زبان است بهر بسته زبانان نمی توان به ده انگشت کرد، کار زبان را^{۳۵}
در لغتنامه دهخدا، واژه «زبان بسته» به نقل از فرهنگ نفیسی به معنی گنگ آمده ولی

شاهدی برای آن ذکر نشده است. صائب به عنوان استاد مسلم مضمون یابی و نازک اندیشی، همین واژه را به صورت بسته زبان دربارهٔ ناشنویان به کار برده است.

(۹) بند از زبان بسته، به همدست و شود شد دست بسته سرمه گفتار، لال را^{۳۶}
واژهٔ زبان بسته که معنای زبان خاموش، ساکت و غیر ناطق را می‌رساند، در شعر صائب به طرز زیبایی به خدمت گرفته شده است.

(۱۰) گشایش نیست در طالع، گرهای خدایی را که ده انگشت نتواند زبان لال بگشاید^{۳۷}
مشاهده می‌شود که صائب علاوه بر زبان لال، از اصطلاح ده انگشت به عنوان سمبل اشاره، آن هم در یک مصراع، استفاده می‌کند که زیباست.

(۱۱) کجا از هر مقلد، کار ارباب بیان آید؟ نیاید از ده انگشت، آنچه تنها از زبان آید^{۳۸}

(۱۲) بیم غمازان مرا مهر دهن گردیده است حرف بسیار است، اگر گوش گران پیدا شود^{۳۹}

(۱۳) سنگین کند ز گوش گران، بار درد من صائب به هر که درد خود اظهار می‌کنم^{۴۰}
گوش گران، در فرهنگ اشعار صائب و به نقل از برهان قاطع، کنایه از آن گوش است که به دیر شنود.

(۱۴) مصلحت نیست ز شیرین سخنان خاموشی زنگ آینه بود، طوطی اگر لال شود^{۴۱}
در دیوان دیگر شاعران سبک اصفهانی نیز ابیاتی هست که افکار و روحیات آنان را دربارهٔ ناشنویان نشان می‌دهد.

در دورهٔ صفوی، «عینک گوش» به عنوان یکی از قدیمترین آثار تمدن جدید اروپایی توسط فرنگیان (بازرگانان، مسافران و مبلغان مذهبی) به ایران آورده شده است.

میرزا عبدالله اصفهانی جیرانی معروف به افندی (از مؤلفان عصر صفوی) در کتاب ده جلدی ریاض العلماء و حیاض الفضلاء مطلب بسیار با ارزشی به شرح زیر نوشته است:

مولی محمد صالح قزوینی در کتاب نوادر العلوم والادب چنین آورده که: در زمان ما در اصفهان مردی فرنگی فاضل مهندس ذوفنون است که در فن ریاضی علی الخصوص عدیل و سهیم ندارد و آلتی ساخته است و بس عجیب است، آلتی مانند شاخ نفیر قلندران ساخته است که چون بر گوش کر نهند بشنود و برای تجربه بر گوش شخصی که گوشش سخت گران بود نهادیم و او را از دور خواندیم آواز داد و آنچه گفتیم می‌شنید.^{۴۲}

صاحب ریاض العلماء بعد از نقل این کلام، می‌گوید:

فصه آلتی که کر به توسط آن می‌شنود، این همان چیزی است که ظرفا آن را عینک گوش می‌خوانند و آن شبیه به این مثل فارسی است که گویند: عینکی به گوشت بگذار. من به صحت و تأثیر آن معتقد نیستم.^{۴۳}

اکنون ما به این دستگاه که قدما عینک گوش می خواندند، سمعک می گویم به قیاس عینک که برای چشم گفته می شود. گویا این که عینک ممکن است صورتی ساختگی از آیینک (آینه کوچک) باشد.

جامی از این آلت به «شیشهٔ فرنگ» تعبیر کرده است:

دو چشم کرده ام از شیشهٔ فرنگ چهار هنوز بس نبود در تلاوت سُورم^{۴۴}
در منظومهٔ سلامان و ابسال نیز باز بدین مطلب اشاره می کند:

از دو چشم من نیاید هیچ کار از «فرنگی شیشه» ناگشته چهار^{۴۵}
متأسفانه شاهد شعری برای واژه عینک گوش یافته نشده است.

۳ - خطابی

جبار باغچه بان - بنیانگذار آموزش ناشنویان در ایران - چون به این نکته پی برد که صدا از طریق استخوان جمجمه و پیشانی و دندانها هم به مغز می رسد و اگر مراکز شنوایی مغز سالم باشد، می شود از طریق استخوان فک صورت ارتعاشان صوتی را به مغز کرها رساند، به فکر اختراع وسیله ای برای شنوندن به کرها افتاد و آن را «تلفن گنگ» یا «گوشی استخوانی»^{۴۶} نامید که اصطلاح جالبی ست.

برای این که صدا را برای طفل کر محسوس کند، از حواس بینایی و لامسه اش مدد گرفت و الفبای دستی خود را اختراع کرد. همان طور که خودش به زیبایی به آن اشاره می کند:

ز اندیشه برای خود رهی یافته ام نقش دگری را به ره انداخته ام
از چشم برای دیدن چهرهٔ صوت با دست هنر آینه ای ساخته ام^{۴۷}
آنان که به روش آموزش کودکان ناشنوا از طریق لبخوانی آشنایی دارند، می توانند درستی شعر زیر را در مورد تعلیم آنان دریابند:

رسد جان بر لب بیچاره استاد که تا حرفی به شاگردی دهد یاد^{۴۸}
به این ترتیب، آموزش و پرورش کر و لالها در ایران - البته با دشواری زیاد - آغاز گردید.

با افزایش تعداد با سوادان ناشنوا ناشی از گسترش آموزش و پرورش ناشنویان در ایران، موجب افزایش توجه و سطح آگاهی جامعه نسبت به این قشر شد و شاعران معاصر کم کم شروع به سرودن اشعار خطاب به ناشنویان کردند که نظیر آن در هیچ دوره ای از ادبیات غنی ایران دیده نمی شود.

دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی شاعر قصیده سرای معاصر در سال ۱۳۱۴ چکامهٔ مشهور

«نگاه» را که از اشعار ماندگار می باشد در ۴۹ بیت سروده و به برادر بی زبان خود - لطفعلی رعدی آذرخشی - تقدیم کرده است که به عنوان اولین شاگرد ناشنوای جبار باغچه بان شناخته می شود:

من ندانم به نگاه تو چه رازی ست نهان!
 که شینده ست نهانی که در آید در چشم؟
 یک جهان راز در آمیخته داری به نگاه
 چو به سویم نگری لرزم و با خود گویم
 که جهانست بر از راز به سویم نگران...
 و در پایان آرزوی کند روزی برسد که «نگاه» جای «سخن» را بگیرد:

خواهم آن دم که ننگه جای سخن گیرد و من
 دست بیچاره برادر که زبان بسته بود
 به ننگه باز نما هرچه در اندیشه تست
 ای که از گوش و زبان ناشنوا بودی و گنگ
 با ننگه بشنو و برخوان و بسنج و بشناس
 آنچه در این چکامه شاعر از آن سخن می گوید، «نگاه» است و حالات و کیفیات
 گوناگون و زبان پُر راز و خاموش آن، یعنی مناظر متنوع «جهان نگاه» را در پرده شعر
 فرا می نماید. بدین سبب نگاه، در ابتدای چکامه تصویری چنین جاودانه پیدا کرده است:
 من ندانم به نگاه تو چه رازی ست نهان!
 که مر آن راز توان دیدن و گفتن نتوان
 پایان چکامه سوز و حالی خاص دارد. دردی که در جان شاعر چنگ انداخته و شاید در
 سراسر قصیده بلند از آن فارغ نبوده، بی اختیار از سخن او می تراود: «عمگساری و همدلی
 با برادر بی زبان خویش.»

جهان و زبان نگاه پهنه توانایی برادر خاموش وی و کسانی چون او تواند بود که یک
 جهان راز به نگاه خود در آمیخته دارند. ما که از آنان سخنی نمی شنویم چه می دانیم که
 فراخنای اندیشه شان چیست. چه بسا به عوالمی بسیار گسترده تر از دنیای محدود ما راه
 دارند که ما از آن غافل هستیم زیرا سکوت ظاهری ایشان را در نظر می گیریم.^۵
 رعدی آذرخشی در بیتی علاوه بر واژه گنگ، ناشنوا را نیز می آورد که همانند آن در
 هیچ یک از اشعار شاعران پیشین دیده نمی شود:

ای که از گوش و زبان ناشنوا بودی و گنگ
 زندگی نوکن و بستان ز گذشته تاوان
 شاعر بر این نکته تأکید می کند که برادر ناشنوا و بی زبانش با دست پُر توان جبار
 باغچه بان، زندگی نوی را آغاز کرد و از قفس تاریکی و ناامیدی خلاص شد.

علاوه بر دکتر رعدی آذرخشی، از میان شعرای معاصر می توان محمد قهرمان را نام برد که «خطاب به افراد ناشنوا و از زبان آنان» اشعاری سروده است. وی که شب و روز در کنار پسر ناشنوایش - روزبه قهرمان - به سر برده، ویژگیهای گوناگون دنیای ناشنویان را با تمام وجود احساس کرده است.

خاموش ماند پیش تودل با هزار حرف لب وانکرد کودکِ لالی که داشتم^{۵۱}
باز می سراید:

ز من سخن نتراود، زبانِ بسته لالم خموش مانده تر از چشمه فتاده ز جوشی^{۵۲}
واژه زبان بسته معنای زبان خاموش و ساکت را می رساند و قبلاً در شعر صائب دیده شد:
بند از زبان بسته، به همدست وا شود شد دستِ بسته سرمه گفتار، لال را
صائب به این اعتقاد نیز توجه دارد که خوردن سرمه شخص را از گویایی می اندازد.
محمد قهرمان از قول پسر بی زبان خود غزلی سروده که در آن، نگاه را با مضمونی مشابه و مورد نظر رعدی آذرخشی به کار برده است:

زبانِ پرسش من جز نگاه نیست، که لالم
به ترجمانی انگشت، بسته است امیدم
چو پرفشانی بسمل بود اشاره دستم
زبانِ رمز مرا جز اشاره نیست کلیدی
امید روزبهی از جهانِ سفله ندارم
مگر به آب کدورت سرشته اند گلم را
ز سنگِ حادثه آسمان، شکست دل من
کلیدِ گمشده قفل بسته را ز که جویم؟
مرا به تربیتِ باغبان، امید نباشد
چو بره آهوی معصوم، گرم بازی و گشتم
به بیگناهی طفلان لب نشسته ز شیرم
خجل ز پرورشم نیست کوه، دانه لالم
دل چو آینه صورت پذیر گشت ز صافی
ز ناله همچو جرس پر شده ست سینه تنگم

کسی نداد ز اهل سخن جوابِ سؤال
نگاه غم زده چون می شود بیانگرِ حال
حدیثِ درد مرا بشنواز تپیدنِ بال
بین درست و بخوان آنچه بگذرد ز خیال
جومه، کاست ز من آن قدر، که ساخت هلام
که آب گشتم و از رخ نرفت گردِ ملالم
به شهر سنگدلان هیچ دل نسوخت به حال
که خورده است گره در دهان، زبانِ سؤال
که سبز کرده دست طبیعت است نهالم
هنوز بیخبر از تنگ گیری مه و سالم
به پاکدامنی برفِ قلّه های جِبال
اگر به چشم زمین، خوارتر ز سنگ و سفالم
که من ز پاکی طینت، چو جویبار ز لالم
گرفته اند زبانِ مرا، چگونه بنالم؟^{۵۳}

(۱۳۶۴/۱۱/۲۴)

شاعر دشواری درک دنیای ناشنویان را با تمام وجود احساس کرده است و با ردیف «ما را که می شناسد؟» و به خدمت گرفتن الفاظ مناسب، طرحی خوب از دنیای «بی زبانان» در

قلب این غزل هیجده بیتی به دست داده است.

از زبان بسم روزبه و ناشنوایان دیگر:

بی گوش و بی زبانیم، ما را که می شناسد؟
دستان ما به جنبش، دارند گفتگوها
گمنام و بی نشانیم، ما را که می شناسد؟
بدرود گوش گفته، با چشم خود شنفته
گویای بی زبانیم، ما را که می شناسید؟
بر عکس دیگرانیم، ما را که می شناسد؟
چشم اشاره ما را، ما از نکه کلیدیم
چشم اشاره دانیم، ما را که می شناسد؟...

و غزل خود را با این بیتها به پایان رسانیده است:

در کارخانه دهر، کاری به ما ندادند
از دستبرد تقدیر، افتاده بر زمینیم
سرگشته جهانیم، ما را که می شناسد؟
پامال آسمانیم، ما را که می شناسد؟
آرام و بی هیاهو، در کوچه باغ هستی
نه بانگی و سرودی، نه اوجی و فرودی
چون آب جوروانیم، ما را که می شناسد؟
سازیم و بی فغانیم، ما را که می شناسد؟
گویی که در حق ما فرموده است صائب
«عجوبهٔ زمانیم، ما را که می شناسد؟»^{۵۴}

در نهایت، ذبیح الله صاحبکاری دوست و همشهری محمد قهرمان در خطاب به پسر ناشنوای او قطعهٔ کوتاهی سروده که دو بیت آخر آن به مناسبت شمول به تمام ناشنوایان ذیلاً نقل می شود:

هرگز مکن اندیشه که گوش تو گران است
درد لب خاموش تو ناگفته سخنها
گرنشجوی افسانهٔ بیداد بشر به
از بانگ نی و نغمهٔ مرغان سحر به^{۵۵}
شاعر همانند سعدی می کوشد نقش مفید و سا زندهٔ کُری را برجسته کند تا بدین طریق شادابی و امیدواری به شخص مورد خطاب منتقل گردد.

واژهٔ لب خاموش در این جا اشارهٔ صریح به لال دارد. لذا شاعر به مدد آن، نقش مفید لالی را هم برجسته می کند.

محمد قهرمان چندین شعر به لهجهٔ تربتی برای فرزند ناشنوای خود نیز سروده و ذبیح الله صاحبکاری با همین گویش او را دلداری داده است. چون خواندن و نیز دریافتن معنی این اشعار برای غیر خراسانیها دشوار است، نمونه ای از آنها آورده نشده است.^{۵۶} در امثال و حکم فارسی مثلها و اصطلاحاتی دیده می شود که از ویژگیهای ناشنوایی تأثیر پذیرفته است:

«گوش شیطان کر باشد وز بان من لال»، «غلط کردم، دیگر لال شدم»، «زبانم لال هفت قرآن در میان» و امثال آن.

معنای آن، این است که زبانم بگیرد و دیگر قادر به حرف زدن نباشم.

ترکیب لال بازی به معنای ادای لال در آوردن می باشد و در زبان محاوره به کار می برد: «او با زبان بی زبانی و لال بازی به ما حالی کرد که این جا منزل فلانی ست».

غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) - از نویسندگان معاصر - نسبت به ترکیب لال بازی دلبستگی نشان داده و آن را وارد ادبیات نمایشی ایران کرده است.^{۵۷} اما متأسفانه به مرور زمان واژه انگلیسی پانتومیم *Pantomime* در زبان فارسی جایگزین ترکیب خوش آهنگ «لال بازی» شده است که معنای نمایش صامت، مخصوصاً با ماسک تقلید در آوردن را دارد که ناشنویان در این زمینه استعداد خوبی دارند. استفاده از لفظ «کر و لال» توسط شاعران ایران و همچنین بنیانگذاران آموزش ناشنویان در ایران همچون جبار باغچه بان، ذبیح بهروز و حسین گلپیدی نشان از ناشناخته بودن و رمز آلود بودن این نقیصه می باشد. همچنین در زبان عربی «صُم بُکم» شاهی مستند بر ناشناخته بودن معلولیت ناشنویان به عنوان یک نقص دوگانه بوده است (ناشنوایی - ناگویایی / نشنیدن و نداشتن توان تکلم) در زبان انگلیسی، اصطلاح کر و لال به این صورت *Deaf and Dumb* بیان می شده است. حال با توجه به کشف علمی: لالی نتیجه و ثمره کری ست و آنان که از نعمت تکلم محروم هستند. از آن جهت است که کر بوده و هرگز صدایی نشنیده اند و چون نشنیده اند نیاموخته اند تا بازگو کنند، اصطلاح ناشنوا کم کم جایگزین کر و لال گردیده است.^{۵۸} و همچنین واژه گوش سنگین به جای گوش گران که ترجمه تحت اللفظی ثقل سامعه است، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. با این حال، اکنون به نظر می آید که گوش سنگین کم کم توسط واژه جدیدی «سخت شنوا» که ترجمه تحت اللفظی واژه انگلیسی *(Hard of Hearing)* می باشد، از زبان محاوره فارسی رانده می شود. در حالی که این واژه و همچنین واژه «نیمه شنوا» معنای بهتر و رساتری دارد و همچنین برگرفته از زبان بیگانه نیست.

تورنتو، بهار ۱۳۸۵

مآخذ:

- ۱- قهرمان، روزبه. جزوه تحقیقی نگاهی گذرا به زبان اشاره ناشنویان، مشهد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی مشهد، ۱۳۷۷، صص ۶ - ۹.
- ۲- قهرمان، روزبه. پایان نامه کارشناسی ارشد «بررسی چگونگی گسترش آموزش و پرورش ناشنویان در جهان اسلام، به خصوص در ایران»، مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۸۱، صص ۱۸۴.
- ۳- برای نمونه، اشاره می شود به: قهرمان، روزبه. مقاله «ناشنویان در تمبر»، مشهد: مجله شکست سکوت، کانون ناشنویان استان خراسان، پاییز ۱۳۸۳، صص ۲۰ - ۲۲.
- ۴- شفیعی کدکنی، محمد رضا. مفلس کیمیا فروش (نقد و تحلیل شعر انوری)، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۲، صص ۶۵ - ۶۶.

- ۵- قاتنی. دیوان قاتنی (چاپ سنگی)، تهران: ۱۳۰۲ هجری، صص ۴۲۰ - ۴۲۱.
- ۶- مطربی سمرقندی، سلطان محمد. تذکرة الشعرا، مقدمه و تحشیه و تعلیقات: علی رفیعی علامرودشتی، تهران: انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۷۱۴.
- ۷- دهخدا، علی اکبر. امثال و حکم، ج ۳، ص ۱۳۲۷، ذیل عبارت «آن خشت بود که...»
- ۸- این مصراع که به سبک و سیاق اشعار بیدل می ماند، درجایی به نام او دیده شد اما در کلیات شاعر، چاپ کابل ۱۳۴۱ یافته نشده است.
- ۹- خزائلی، محمد. شرح بوستان، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۶، ص ۳۳۶.
- ۱۰- مولوی، مثنوی معنوی، به تصحیح رینولد، ا. نیکلسون، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳، دفتر سوم، ۱۲۹۸ - ۱۳۰۳.
- ۱۱- همان. دفتر ششم ۴۶۲۵ - ۴۶۲۹.
- ۱۲- گوینده نامعلوم است. از سبک و سیاق بیت نیز برمی آید که بسیار قدیمی ست. حتی آن را به مولوی هم نسبت داده اند که صحیح نیست.
- ۱۳- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. مطلع الشمس، ج ۲، ص ۴۴۸. تهران: ۱۳۰۱ - ۱۳۰۳ ق.
- ۱۴- هدایت، صادق. بوف کور، تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، ۱۳۳۱، ص ۷۸.
- ۱۵- منزوی، حسین. از شوکران و شکر، تهران: انتشارات آفرینش، ۱۳۷۳، ص ۱۶۰.
- ۱۶- مثنوی معنوی. دفتر اول، بیتهای ۳۳۶۰ - ۳۳۸۹.
- ۱۷- ابوبکر ربیع بن احمد الاخوانی البخاری. هدایة المتعلمین فی الطب، به اهتمام: دکتر جلال متینی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۴۴، ص ۲۸۹.
- ۱۸- عید زاکانی. کلیات عید زاکانی، به اهتمام: دکتر محمد جعفر محبوب، نیویورک: ۱۹۹۹، صص ۲۸۰ و ۲۷۳.
- ۱۹- دهخدا. لغتنامه، ذیل کلمه ترکیبات گوش.
- ۲۰- قهرمان، محمد. حاصل عمر (مجموعه شعر). اصفهان: انتشارات شاهنامه پژوهی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶.
- ۲۱- سعدی. بوستان، به تصحیح و توضیح: دکتر غلامحسین یوسفی، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۹، ص ۱۱۸.
- ۲۲- سعدی. گلستان، به تصحیح و توضیح: دکتر غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۵۳.
- ۲۳- به خاطر مهاجرت تعداد زیادی از شاعران به هند در روزگار صفوی، به غلط به نام سبک هندی شهرت پیدا کرده است. اصطلاح سبک اصفهانی برای اولین بار توسط امیری فیروز کوهی از ارادتمندان صائب تبریزی معمول شده است. برای اطلاعات بیشتر، مراجعه شود به مقدمه امیری فیروز کوهی بر دیوان صائب.
- ۲۴- قهرمان، روزبه. «ناشنوایان از دید شاعران دوره صفوی»، مجله شکست سکوت، کانون ناشنوایان استان خراسان، مشهد، زمستان ۱۳۸۱، صص ۲۲ - ۲۳.
- ۲۵- _____، «ناشنوایان از دیدگاه صائب تبریزی»، تهران: روزنامه اطلاعات، مورخ ۹ بهمن ۱۳۷۳، ص ۱۱.
- ۲۶- قهرمان، محمد. برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای معروف سبک هندی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶، ص ۵.
- ۲۷- صائب. دیوان صائب تبریزی، به کوشش: محمد قهرمان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۴۷.
- ۲۸- شرح بوستان، ص ۱۷۹.
- ۲۹- دیوان صائب تبریزی، ج ۱، ص ۴۰۸.
- ۳۰- همان. ج ۳، ص ۱۳۴۱.
- ۳۱- ج ۱، ص ۲۰۸.
- ۳۲- ج ۱، ص ۴۱۶.
- ۳۳- ج ۱، ص ۵۸.
- ۳۴- ج ۳، ص ۱۲۹۹.

- ۳۵ - ج ۱، ص ۴۰۸.
- ۳۶ - ج ۱، ص ۳۴۶.
- ۳۷ - ج ۳، ص ۱۵۶۴.
- ۳۸ - ج ۳، ص ۱۵۴۳.
- ۳۹ - ج ۳، ص ۱۲۹۹.
- ۴۰ - ج ۵، ص ۲۸۲۰.
- ۴۱ - ج ۴، ص ۱۷۳۸.
- ۴۲ - افندی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش: احمد حسینی، قم: ۱۴۰۱ ق، ج ۱، قسم ثانی، ذیل شرح حال ثابت بن قره حرانی (مهندس معروف دوره عباسیان)
- ۴۳ - همان.
- ۴۴ - جامی. تالیف و تصحیح: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۳، ص ۲۳۲.
- ۴۵ - جامی. مثنوی هفت اورنگ، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۹۸.
- ۴۶ - باغچه بان، ثمین. چهره های از پدرم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۲، صص ۲۲۲ - ۲۲۳. برای آشنایی بیشتر، اشاره می شود به:
- باغچه بان، ثمین. کری چیست و چه می توان کرد؟، تهران: آموزشگاه کر و لاله های باغچه بان، ۱۳۴۷، ص ۲۲.
- ۴۷ - باغچه بان، جبار. رباعیات باغچه بان، تهران: [بی نا]، ۱۳۳۴.
- ۴۸ - باغچه بان، ثمین. دوران آمادگی، آغاز آموزش نانشوایان، تهران: آموزشگاه کر و لاله های باغچه بان، ۱۳۵۱، ص ۶۲.
- ۴۹ - رعدی آذرخشی، غلامعلی. نگاه (مجموعه ای از اشعار رعدی آذرخشی)، تهران: نشر گفتار، ۱۳۶۴.
- ۵۰ - یوسفی، غلامحسین. چشمه روشن، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۶۲ - ۶۶۳ و ۶۶۵.
- ۵۱ - قهرمان، محمد. حاصل عمر (مجموعه شعر)، ص ۳۳۴.
- ۵۲ - همان. ص ۲۰۴.
- ۵۳ - همان. ص ۲۰۵.
- ۵۴ - همان. ص ۳۴۵.
- ۵۵ - صاحبکاری، ذبیح الله. این قطعه که در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۳۰ سروده شده، در دیوان شاعر نیامده است. برای خواندن قطعه یاد شده به طور کامل، مراجعه شود به قهرمان، محمد. حاصل عمر، ص ۶۰۰.
- ۵۶ - برای نمونه، اشاره می شود به مثنوی با لهجه تربتی تحت عنوان «خیدی خدای خودم» در کتاب با این مشخصات: افضلی، رضا. شناختنامه استاد محمد قهرمان، مشهد: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی خراسان رضوی، ۱۳۸۴، صص ۷۲ - ۸۰.
- ۵۷ - عمده فعالیت های قلمی غلامحسین ساعدی در حوزه نما یشنامه نویسی ست و بخش مهمی از نوآوری او در زمینه تنآتر، چاپ آثار باتومیم تحت عنوان ده لال بازی (تهران، انتشارات پیام، ۱۳۴۲) است.
- ۵۸ - پایان نامه کارشناسی ارشد، قهرمان، روزبه، صص ۳۰ - ۳۱.

نیل سنج

ناصر خسرو هنگامی که در مصر بوده است در مورد رود نیل می نویسد:

و به شهر مصر مقیاسها و نشانها ساخته اند. و عاملی باشد، به هزار دینار معیشت، که حافظ آن باشد، که چند می افزاید. و از آن روز که زیادت شدن گیرد منادیان به شهر اندر فرستد که ایزد، سبحانه و تعالی امروز در نیل چندین زیادت گردانید، و هر روز گویند چندین اصبع [انگشت] زیادت شد، و چون یک گز تمام می شود آن وقت بشارت می زنند و شادی می کنند تا هجده آرش بر آید. و آن هجده آرش معهود است یعنی هر وقت که از این کمتر بود نقصان گویند و صدقات دهند و نذرها کنند و اندوه و غم خورند، و چون از این مقدار بیش شود شادیا کنند و خرمیا نمایند، و تا هجده گز بالا نرود خراج سلطان بر رعیت ننهند.^۱

این مقیاسها و نشانهایی که ناصر خسرو از آنها صحبت می کند چیستند که نگهبان آنها حقوق هزار دیناری (که در آن زمان مبلغ زیادی بوده است) می گیرد^۲ و محل آنها کجاست؟ چرا هجده ارش حد تعیین شادی و اندوه مصریان و معیار پرداختن مالیات است؟ ناصر خسرو در سفرنامه هیچ توضیحی در باره این مقیاسها و نشانها نداده است. احتمالاً این چنان پدیده رایج و عمومی بوده است که نیازی به توضیح آنها نمی دیده است.

رود نیل به طول ۶۶۹۰ کیلومتر طولانی ترین رودخانه جهان است که سرچشمه آن در آفریقای مرکزی و حبشه قرار دارد. بیشترین شهرها و جمعیت مصر، به جز در شهرهای ساحل مدیترانه، در کنار این رود بزرگ قرار دارد. مهمترین آثار تاریخی مصر نیز، از زمان فراعنه تا کنون، در کنار این رود قرار دارد. رود نیل سرچشمه حیات و تمدن مصریان در طول تاریخ بوده است. در طی ماههای تیر تا شهریور به علت بارانهای موسمی در ارتفاعات حبشه

آب این رودخانه افزایش می‌یابد و طغیان می‌کند و منطقهٔ وسیعی از ساحل آن را می‌پوشاند. این طغیان سپس در مهرماه به تدریج باز پس می‌رود و فروکش می‌کند و در طی این فرایند رسوبات سیاهی را بر جای می‌گذارد که خاک را غنی می‌کند. همچنان که ناصر خسرو می‌نویسد:

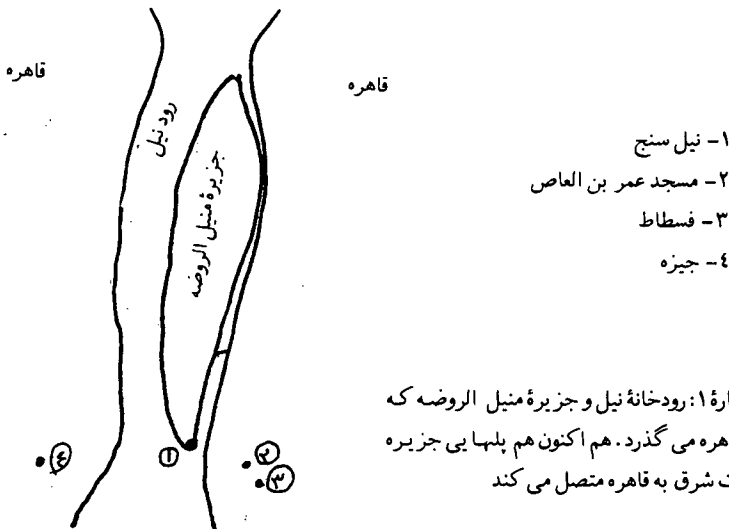
وقاعدۀ آب چنان است که از روز ابتدا چهل روز می‌افزاید تا هجده اَرش بالا گیرد، و بعد از آن چهل روز دیگر برقرار بماند و هیچ زیاده و کم نشود و بعد از آن به تدریج روی به نقصان نهد به چهل روز دیگر، تا آن مقام رسد که زمستان بوده باشد. و چون آب کم آمدن گیرد مردم بر پی آن می‌روند و آنچه خشک می‌شود زراعتی که خواهند می‌کنند و همه زرع ایشان صیفی و شتوی بر آن کیش باشد و هیچ آب دیگر نخواهد.^۲

نگارنده در پائیز سال ۱۳۸۵ به دنبال ردّ پای این ابرمرد، سفرنامه به دست، به مصر رسیدم. و خط به خط آن را به دنبال پیدا کردن سرنخی برای بررسی دیده‌های او با اشتیاق خواندم و به جاهایی که اورفته بود و در سفرنامه شرح آن آمده است رفتم. پس از بازدید آثار تاریخی مصر به ویژه مکانهایی که ناصر خسرو پا در آنها نهاده بود و در کتابش به روشنی و یا به اشاره دربارهٔ آنها سخن گفته بود متن این اثر گرانبهای پارسی را برایم روشنتر ساخت.

این مقیاسهایی که ناصر خسرو از آنها سخن می‌گوید هم اکنون هم وجود دارند که به آنها نیل سنج (Nilometer) یا به عربی مقیاس النیل می‌گویند. در چند هزارهٔ گذشته یعنی از زمان فراغه تا پیش از پایان ساختمان سد آسوان در سال ۱۹۷۰ میلادی از نیل سنج برای تعیین سطح آب رود نیل استفاده می‌کردند. هرچه سطح آب نیل بالاتر می‌رفت، سطح بیشتری از سواحل نیل را از آب می‌پوشانید و رسوبات بیشتری بر جای می‌گذاشت و در نتیجه محصولات کشاورزی بیشتری به دست می‌آمد. هجده اَرش حداقل مقدار افزایش لازم سطح نیل برای یک سال پر محصول بود.

به جز کاهنان و روحانیون معابد که آب و هوا و خوب بودن محصول را پیشگویی می‌کردند، و اگر هم پیش بینی شان درست در نمی‌آمد به عهدهٔ خداوند، قضای الهی، گناه مردمان و یا بسیاری از عوامل دیگر (به جز اشتباه شخصی خودشان) می‌گذاشتند، استفاده از نیل سنجها تنها شیوهٔ علمی برای محاسبه افزایش سطح آب رود نیل و میزان طغیان آن بوده است. در نتیجه طغیان نیل سطح زیر کشت زمینهای حاصلخیز و محصولات کشاورزی افزایش می‌یافت. یک سال پر محصول به معنی درآمد بیشتر برای کشاورزان و نیز تاجران و مالیات بیشتر برای دولت بود. حکومتهای مصر در طی قرون گذشته از

نیل سنج برای تعیین مقدار مالیات سالیانه استفاده می کردند. هرچه که سطح آب بالاتر بود به معنی محصول فراوان تر، بنا بر این مالیات بیشتر بود. در طول نیل چندین نیل سنج وجود دارد، که بسیاری از آنها در زمان فراعنه ساخته شده و سپس در زمان رومیان، فاطمیان و عباسیان و حکومت‌های بعدی تعمیر و بازسازی شده است. در این جا به دو نیل سنج که به احتمال زیاد ناصر خسرو هر دو را دیده است می پردازیم. زیرا علاوه بر توضیح او در مورد اندازه گیری افزایش سطح آب نیل، به بعضی مکان‌هایی که در نزدیکی این ساختمانها قرار دارند رفته و به توصیف جزیره هایی که این نیل سنجها در آنها قرار دارد پرداخته است.



نقشه شماره ۱: رودخانه نیل و جزیره منیل الروضه که از وسط قاهره می گذرد. هم اکنون هم پل‌هایی جزیره را از سمت شرق به قاهره متصل می کند

اولین نیل سنج در جزیره منیل الروضه (Manial-Rhoda) در وسط رود نیل در قلب قاهره قرار دارد (نقشه شماره ۱). ساختمان کنونی آن به دستور المتوکل علی الله خلیفه عباسی در سال ۲۴۶ هجری بر روی ساختمان پیش از آن بنا شده است. (تصویر شماره ۱). اساس آن استوانه سنگی ست که درجه بندی شده و در وسط ساختمانی سنگی و مزین قرار دارد که به رود نیل متصل است. همچنان که سطح آب نیل بالا می رود، آب درون این نیل سنج نیز بالا می رود و از روی درجه بندی این ستون می توان افزایش سطح آب نیل را مشاهده کرد (تصویر شماره ۲). دلیل این که احتمال می دهیم ناصر خسرو این نیل سنج را دیده این است که او به مسجد عمرو عاص که در نزدیکی و مقابل این نیل سنج است و بازاری که در شمال آن است، رفته و آنها را توصیف کرده است. چنان که می نویسد:

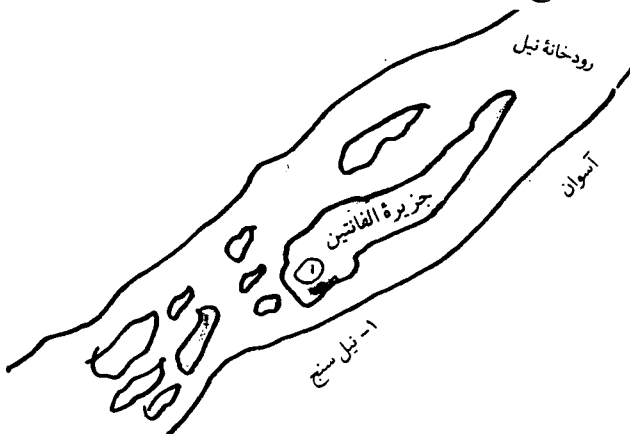
و در میان بازار مسجدی ست که آن را باب الجوامع گویند، و آن را عمرو عاص ساخته است

به روزگاری که از دست معاویه امیر مصر بوده، و آن مسجد به چهار صد عمود رخام قائم است... و بر جانب شمالی مسجد بازاری ست که آن را سوق القنادیل خوانند. در هیچ بلد چنان بازاری نشان نمی دهند.^۴

این مسجد را عمرو بن العاص در سال ۲۳ هجری پس از فتح مصر در محلی که چادر زده بود ساخت. این مسجد پیوسته توسعه پیدا کرد و در سال ۲۱۱ هجری به اندازهٔ کنونی خود رسید. مسجد در شمال شهر قدیمی فسطاط است که ناصر خسرو از آن نام می برد و در مقابل آن جزیرهٔ منیل الروضه قرار دارد که نیل سنج در آن جاست و چنین مرد کنجکاو ای اگر به این مسجد و این بازار رفته است با توصیفی که از نیل سنج می کند به احتمال زیاد از آن دیدن کرده است. به علاوه وضعیت جغرافیایی این جزیره و باغها و مسجد آدینهٔ این جزیره را در چند صفحهٔ بعد چنین توصیف می کند:

و در پیش مصر جزیره ای در میان نیل است که وقتی شهری کرده بودند، و آن جزیره مغربی شهر است، و در آن جا مسجد آدینه ای ست و باغهاست، و آن باره ای سنگ بوده است در میان رود. و این دو شاخ از نیل هر یک را به قدر جیحون تقدیر کردم. اما بس نرم و آهسته می رود. و میان شهر و جزیره جبری بسته است به سی و شش پاره کشتی، و بعضی از شهر دیگر سوی آب نیل است و آن را جیزه خوانند، و آن جا نیز مسجد آدینه است، اما جسر نیست، به زورق و معبر گذرند. و در مصر چندان کشتی و زورق باشد که به بغداد و بصره نباشد.^۵

نیل سنج دیگری را که ممکن است ناصر خسرو دیده باشد در اسوان قرار دارد (نقشهٔ شماره ۲). این نیل سنج در جنوب جزیرهٔ الفاتین در میان نیل در شهر اسوان قرار دارد و



نقشهٔ شماره ۲: رودخانهٔ نیل از کنار آسوان می گذرد و نیل سنج در جزیرهٔ الفاتین که بزرگترین جزیرهٔ نیل است قرار دارد

قدیمترین نیل سنجی ست که از زمان فراعنه به جا مانده است (تصویر شماره ۳). این نیل سنج با ۹۲ پله به کنار رود نیل می رسد و بر روی دیوارهای آن به زبان هیروگلیفی، رومی، و عربی شماره گذاری شده است. (تصویر شماره ۴ و ۵). ناصر خسرو در مورد این جزیره می نویسد:

به شهری رسیدیم که آن را اسوان می گفتند و بر جانب جنوب این شهر کوهی بود که رود نیل از دهن این کوه بیرون می آمد و گفتند که کشتی از این بالاتر نگذرد، آب از جایهای تنگ و سنگهای عظیم فرو می آید... و مقابل شهر در میان رود نیل جزیره ای ست چون باغی، و اندر آن خرماستان و زیتون و دیگر اشجار و زروع بسیار است و به دولاب آب دهند^۱.

این جزیره بالاتر از سطح رود نیل است و اگر ناصر خسرو از باغها و کشتزارهای آن سخن می گوید و این که با دولاب (چرخ چاه) از نیل آب بر می دارند احتمال زیادی دارد که این نیل سنج را هم دیده باشد.

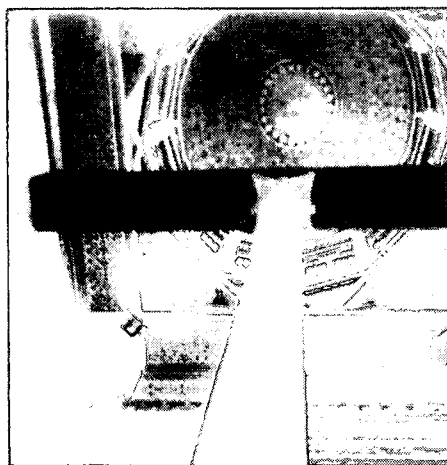
اوهابو

منابع:

- ۱- سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، صفحه ۲۷۳، کتابفروشی زوار، چاپ هفتم، ۱۳۸۱، صفحه ۶۹.
- ۲- ناصر خسرو قیمت یک شتر را دو تا سه دینار، قیمت روغن بادام را هر ده من یک دینار، و قیمت هزار من خرما را در لحسا، که فراوان بوده است، یک دینار ذکر می کند.
- ۳- همان، صفحه ۷۰. ۴- همان، صفحه ۹۰. ۵- همان، صفحه ۹۴. ۶- همان، صفحه ۱۱۱.



تصویر شماره ۱: ساختمان نیل سنج در جزیره منیل الروضه در قاهره



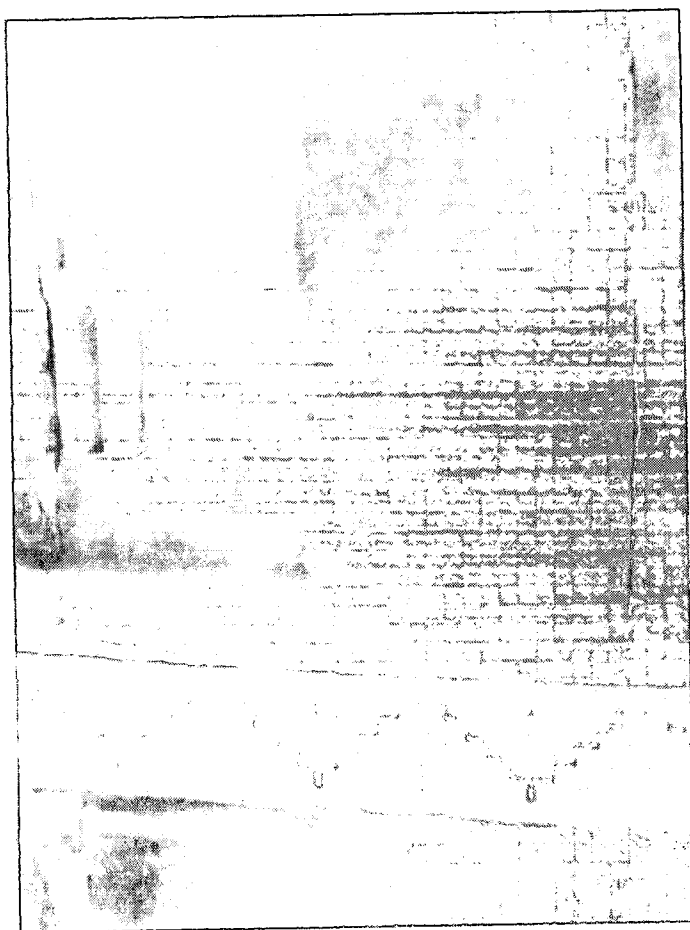
تصویر شماره ۲: نیل سنج منیل الروضه. تصویر از پایین گرفته شده است و سقف کاشیکاری شده و پنجره های آن دیده می شود. انتهای ستون سنگی توسط یک تیرک چوبی به دو طرف دیواره متصل شده است



تصویر شماره ۳: نیل سنج جزیره الفاتین در اسوان. این تصویر از دهانه پایین نیل سنج هم سطح رودخانه نیل گرفته شده است



نیل سنج جزیره الفاتین در اسوان. نشانه گذاری دیواره نیل سنج از زمان فرعون به جای مانده است
تصویر شماره ۴:



تصویر شماره ۵:

نیل سنج جزیره الفاتین، در سمت چپ تصویر نشانه گذاری رویی و در سمت راست
نشانه گذاری اسلامی و اعداد عربی دیده می شود

غُرَّةٌ بَاصِرَةٌ نَاصِيَةٌ چَشمِ اَنَامِ (!؟)

و نقدی همراه با ستایش، بر سخن خاقانی

می فرماید عنوان بالای این نوشته بی معنی است؟ بله حق با شماست اما شما و من، سالیانی را پشت سر گذاشته ایم و باید حوصلهٔ آن را داشته باشیم که صبر کنیم، تا ماجرای این عنوان را بشنویم: من و همسالانم، که در دههٔ ۱۳۴۰ در دانشگاه تهران دورهٔ دکتری زبان و ادب فارسی را می گذراندیم، این سعادت و این افتخار را داشتیم که پای درس دو نسل برجستهٔ استادان این رشته بنشینیم و پرسشهای دشوار خود را از بزرگانی چون استاد بدیع الزمان فروزانفر بپرسیم و به پاسخهایی برسیم که شروع دیوانها و مراجع لغت، گاه جواب روشنی برای آنها ندارد. به موازات این فیض عظمای محضر شیرین و خاطره انگیز استاد لطفعلی صورتگر هم بود، که قیل و قال مدرسه را رندانه به شوخی گرفته بود، هرچند که شوخی او هم خالی از تعلیمی و هدایتی نبود. یاد همه شان به خیر! در میان لطیفه های مکرر استاد صورتگر، سخن از شیخی بود که در سالهای جوانی او در شیراز به منبر می رفت و الفاظ پر طمطراق و بی معنایی را به نظم می کشید و می خواند و مستمعان هم چون از حرفهای او چیزی نمی فهمیدند، آن طمطراق بی معنا را جلوه ای از الهامات آسمانی می دانستند. پای منبر شیخ هم مسگری می نشست که همیشه پایان هر بیت او را با یک لفظ بی معنای «هوم» همراهی می کرد که آن هم کشیده و موزون ادا می شد. عنوان بی معنای بالا مصراع بی معنایی است که استاد صورتگر از آن شیخ نقل می کرد. اما این که چرا من این مصراع شیخ را، عنوان این نوشته کرده ام، بعد از نقد همراه با ستایش من از سخن خاقانی، شاید شما هم آن را بی مناسبتی نیابید. فقط همین جا باید بگویم که

انتخاب چنین عنوانی هرگز به این معنی نیست، که من، سخن پرمایه و پر طمطراق خاقانی را از نوع سخن آن شیخ دانسته‌ام، حاشا! و کلاً! اگر هم شما خوانده یا شنیده‌اید که گفته‌اند: از تمام دیوان خاقانی فقط پانصد بیت معنی روشن دارد، به این دلیل است که آن گوینده فقط پانصد بیت از دیوان او را می‌توانسته است بخواند. این حرف را به عرفی شیرازی نسبت داده‌اند و نباید درست باشد، چرا که عرفی شاعر بی‌مایه‌ای نیست و در شعر او مواردی هست که بی‌گمان متأثر از سخن خاقانی ست (فروزانفر، ص ۶۱۶ و مقدمهٔ دیوان، ص پنجاه و چهار).

من در ده سال آخر زندگانی پرثمر و بی‌مانند استاد فروزانفر، به شاگردی او مفتخر بودم و در فاصلهٔ پاییز ۱۳۴۰ تا بهار ۱۳۴۴ با چند تن از همراهان آن روزگار تمام قصاید خاقانی را به تدریج می‌خواندیم، و صبح روزهای سه‌شنبه ابیات دشوار او را به محضر استاد می‌بردیم، و او به پرسشهای ما پاسخ می‌گفت و پاسخهای او غالباً فیضان ذهن او بود، که از آموخته‌ها، دانستیهای تازه می‌آفرید، و مشکلاتی را حل می‌کرد که در هیچ مرجع دیگر پاسخی نداشت. با این حال در دیوان خاقانی مواردی هم بود که پاسخ استاد، خود او را قانع نمی‌کرد و در چنان مواردی که از یک در هزار بیشتر نبود، ناخشنودی خود را با این عبارت شیرین خراسانی اش بیان می‌کرد که «خودشه کشته!» و این وصف همان ابهام، و روابط دیرباب و دورباب در سخن خاقانی بود.

در این نوشته من نمی‌خواهم راوی سرگذشت خاقانی باشم، و روایات تذکره‌ها را، که استادان پیش از این نقد کرده و بی‌پایگی آنها را باز نموده‌اند، رونویسی کنم، اما در زندگانی خاقانی گوشه‌هایی هست، که با این صلابت سخن او ربط پیدا می‌کند. پدر او نجار فقیری ست که اگر فرزند، کار او را به هنر آزر بت تراش تشبیه می‌کند برای آن است که خود را ابراهیم بت شکن بگوید (دیوان، ص ۴۱۴). در قصیده‌ای که در ستایش این پدر سروده، او را «شیخ مهندس لقب» و «آزر و اقلیدس را عاجز برهان او» دانسته و صنعت نجاری و کشتی‌سازی نوح را در برابر کار او ناچیز شمرده و گفته است که اگر استاد علی در طوفان نوح حضور می‌داشت، بر سر طوفان او پل می‌زد و... اما در همان قصیده ناگفته نمی‌گذارد که استاد علی، مفلس دریا دل است و از دنیاوی بهره‌ای ندارد (دیوان، ص ۳۶۵ و ۳۶۶). در سراسر این دیوان سخن از فقر و محرومیت به حدی ست که گویی خاقانی هرگز به رفاه مادی نرسیده، و اگر روزگاری از ستایش دو حاکم شهر شروان هم صله‌ای گرانبها دریافت کرده باشد، ظاهراً مانند بسیاری از اهل هنر، عقل معاشی نداشته است، تا چیزی برای روز مبادا بگذارد. در کودکی «ریزهٔ روزی او از ریزش ریسمان مادر

بوده» و در سالهایی که خود اسم و رسمی داشته، باز بر سفره مادر می نشسته است (دیوان، ص ۸۸۷).

استاد علی برادری دارد به نام کافی الدین عمر، مردی فرزانه و طیب و آشنا با ادب و فلسفه، که در شهر شروان با دیگر فرزندگان همنشین است. کافی الدین از همان روزهای کودکی «بدیل» می بیند که برادرزاده اش استعدادی بیش از آن دارد که در دکان استاد علی شاگردی کند و در بزرگی نجار فقیر دیگری از آب درآید. او را زیر بال خود می گیرد، به او درس می دهد، خلاقیت هنری او را کشف می کند، و هنگامی که چند سروده او را در ستایش پیامبر می شنود، برای تشویق بیشتر، نام حسان بن ثابت انصاری ستایشگر پیامبر را بر او می گذارد. بدیل «حسان عجم» می شود و این تعارف چنان بر دل او می نشیند که در تمام عمر بدان می بالد. اما این «حسان عجم» که در روزهای جوانی به دلیل علاقت دینی و ذوق عرفانی، خود را «بدیل سنائی» (دیوان، ص ۸۵۰) و بازگوینده حقایق دین می یابد، در شعر خود تخلص «حقایقی» را می آورد، و با این نام در میان نوخاستگان شروان مطرح، و بیش و کم مشهور می شود.

مرگ کافی الدین در سال ۵۴۵ ق. برای بدیل که بیست و پنج سال بیشتر ندارد، غم بزرگی ست اما پایان همه چیز نیست. او بزرگان دیگر شهر را در کنار عموی خود دیده و آنها او را جوانی یافته اند که آینده روشنی دارد. در این میان یکی از آنها ابوالعلاء گنجوی، که خود شاعر است و راهی به سرای حاکمان دارد، افضل الدین بدیل حقایقی را بیشتر می پسندد، کار تعلیم و تشویق کافی الدین را پی می گیرد، بدیل را به خانه خود نیز می پذیرد، دختر خود را هم به او می دهد. آن روزها حکومت شهر شروان در دست خاندانی ست که خود را به خسروان ساسانی می بندند، اما درست هم نمی دانند که جد بزرگوارشان بهرام گور است یا بهرام چوبین؟ استقلالی هم ندارند و خود خراجگزار سلجوقیان عراق اند، اما یکی از آنها را «خاقان اکبر ابوالهیجاء! منوچهر بن شروان شاه» می گویند و دیگری را «خاقان کبیر ابوالمظفر اخستان بن منوچهر» که باز عنوان شروانشاه را هم یدک می کشد. خاقان بودن آنها - بی این که چین و ماچینی داشته باشد - تنها فایده اش این است که با پیشنهاد ابوالعلاء گنجوی، افضل الدین بدیل حقایقی را به افضل الدین بدیل «خاقانی» تبدیل می کند و نام هریک از این دو خاقان را در چندین قصیده و چندین قطعه دیوان خاقانی مخلد می سازد. برای من هم این سؤال همیشه بی جواب خواهد ماند که آیا این دو خاقان از تعبیرات و مضامین ستایش نامه های خاقانی چیزی می فهمیده اند یا مانند آن همشهریهای روزگار جوانی استاد صورتگر، فقط الفاظ

«غرة باصرة ناصیه چشم آنام» و تحسین آن مسگر را می پسندیده اند؟ اگر گذرگاهی در دل تاریخ بود و من و شما می توانستیم از آن گذرگاه به گذشته ها سفر کنیم و در قرن ششم هجری سیمای واقعی خاقانی را به نظاره بنشینیم، او را چنان غریب و غم زده می یافتیم که در بارگاه خاقان هم به ندرت تبسمی بر لب می آورد. انصاف را هم زیر پا نگذاریم، در میان شاعران نامدار قرن ششم او از نظر ذخیرهٔ ذهنی و آفرینش هنری یک سر و گردن از همه بالاتر است، و اگر این برتری را بر زبان بیاورد، بیان یک واقعیت است، و ای کاش می توانست صبر کند تا دیگران این واقعیت را بگویند، چنان که پس از او شاعران دیگر او را شناختند، به تقلید و اقتباس از او روی آوردند، و بسیاری از تعبیرها و مضامین او حتی در کلام آسمانی حافظ باز آفریده شد. اما چرا این همه دانش و خلافت و صلابت سخن، متانتی را که مناسب آن بود، به همراه نیاورد؟ برای این چرا، من پاسخی در ذهن دارم که رنگ حدس و گمان دارد اما حدس و گمان هم نیست: در یک شهر کوچک که همهٔ مردم یکدیگر را می شناسند، پسر یک نجار فقیر ناگاه سری توی سرها در می آورد، شعرهایی از خود می خواند و با آنچه از عموی خود و از دیگران آموخته، حرفهایی دارد که برتری او را حتی بر سالخوردگان شهر واضح می سازد؛ آنچه در ستایش پیامبر سروده، او را بیشتر روی زبانها می اندازد و «حسان عجم» را محبوب مسلمانان ولایت می کند. طبعاً در چنان شهر کوچکی و در چنان روزگاری، کسانی هم به او حسد می ورزند و او را به مقابله بر می انگیزند، و خاقانی در این مقابله، باید زبان و تعبیر را سنگین تر کند و مضامین و معانی دور از ذهن خود را با تعبیرهایی پیچیده به رخ رقیبان و به قول خودش حسودان، بکشد. شاعران دیگر هم که راهی به سرای حاکم دارند، و خود را کمتر از خاقانی می یابند، موقع خود را در خطر می بینند و چه بسا که خاقان را نسبت به وفاداری او بدگمان می کنند. در چنین حال و هوایی، کار خاقانی چنان به خودستایی می کشد که همه را فروتر از خود می شمارد: «مریم بکر معانی را منم روح القدس / عالم ذکر معالی را منم فرمانروا» (دیوان، ص ۱۷). مصیبتها و سوانح ناخوشایند زندگی هم به این تلخی و ناسازگاری و خودستایی دامن می زند، و اگر من، به حدس و گمان هم گفته باشم که در سیمای او نشان شادی و رضایت نبوده است، پر بیراه نگفته ام.

نمی دانم که این فطرت بعضی از آدمهاست که گاه چون بوتیمار بر کرانهٔ دریا می نشینند و از اندوه روزی که آب نباشد می گریند؟ یا این دریای زمانه است که گاه موج بی امانش زندگی را چنان در هم می کوبد که جز فریاد کاری نمی ماند؟ زندگانی خاقانی از این هردو بازی روزگار ستم بار است! در سازنده ترین سالهای جوانی کافی الدین عمر و

وحیدالدین عثمان، عمو و عموزاده ای را ازدست می دهد که از پدر و برادر بهتر بوده اند، پیوند او با ابوالعلاء گنجوی به رنجشی عمیق بدل می شود که بازتاب آن در آثار هر دو برای همیشه می ماند. او و دختر ابوالعلاء، پسری دارند «چون بلند آفتابی» که این رشیدالدین را هم بیماری حصبه در بیست سالگی از او می گیرد و دیری نمی گذرد که «مادر هم به درد پسر فرو می شود» و در همان روزها یا اندکی بعد، او دختری را هم که به «دامادی روشن دل» سپرده است از دست می دهد، و خاقانی «می ماند و عبدالمجیدی» ظاهراً خردسال، و سخت نگران اوست که «اگر کس پناهش نباشد به شروان / پناهش بس است آن خدا، کش سپردم!» (دیوان، ص ۹۰۲). سوکنامه هایی که او به یاد این عزیزان سروده، از پر احساس ترین و شاعرانه ترین آثار اوست. پس از مرگ کافی الدین عمر، در نامه منظومی که در پاسخ رشیدالدین وطواط برای او فرستاده، یک بیت او می تواند خواننده را هم بگریاند: شکسته دل تر از آن ساغر بلورینم / که در میانه خارا، کنی زدست رها!

خاقانی به اقتضای آن روزگاران به درگاه حاکمان هم می رود و ستایش نامه های بسیار مبالغه آمیز هم می سازد، اما خاصه در سالهای جوانی که دینداری و پارسایی را به شیوه سنائی و با زبان سنائی می پسندد، در بزم منوچهر شروانشاه، به می لب نمی زند، و برای بزم شاهان حریف موافقی نیست. اگر غرور فرمانروایان، یا حسد کارگزاران و رقیبان به حرمت و عزت او لطمه ای بزند، از عطای ممدوح هم چشم می پوشد (فروزانفر، ص ۶۲۱ و ۶۲۷). شروان برای او کوچک است و سفرهای او که بیشتر به قصد زیارت است، همواره گریزی از تنگنای شروان هم هست، و آنچه در ستایش فرمانروایان خراسان و عراق و خوارزم می سراید، در واقع درخواست پذیرشی ست که به بارگاه آنها می فرستد. ذهن بیقرار او، در سفر و حضر، همواره در پی آموختن و دیدن تازگیهاست، و به همین خاطر، سفر را بیشتر از حضر دوست می دارد. کمتر از سی سال دارد که رهسپار خراسان می شود و در ری، با خبر حمله غزها و اسارت سنجر و قتل امام شافعیان محمد بن یحیی، از سفر باز می ماند، و در ثناء امام محبوبش خون می گیرد. بیمار می شود و قصیده‌های در هجای ری و نه هجای بزرگان ری، می سراید: خاک سیاه بر سر آب و هوای ری! و در همین قصیده است که به طنز ملک الموت را می بیند که در سحرگاه «بی کفش می گریخت ز دست و پای ری» (دیوان، ص ۴۴۳ و ۴۴۴).

سال ۵۵۱ هجری ست، ماه ذوالحجه در زمستان است و برای سفر به عراق، گذری به بغداد عباسیان و از آن جا راه بادیه را به سوی مکه پیمودن، فصل مناسبی ست. خاقانی به زیارت کعبه می رود و در همین سفر است که یکی از پرمايه ترین و زیباترین قصیده‌های

خود را در توصیف کعبه و آداب حج می سراید، و همان قصیده است که در روایات! آن را به آب زر نوشته اند: «صبح، از حمایل فلک آهیخت خنجرش / کیمُخت کوه ادیم شد از خنجر زرش...» (دیوان، ص ۲۱۵). در بازگشت از این سفر، او چندی در عراق می ماند، جمال الدین محمد اصفهانی وزیر صاحب موصل را می بیند، او را می ستاید، و جمال الدین او را نزد المقفی لامرالله خلیفه عباسی می برد. باز در همین سفر است که خاقانی با محمد بن محمود نبیره ملکشاه سلجوقی و سلطان سلجوقی عراق دیداری دارد و رابطه ای برقرار می کند. از بغداد خاقانی به اصفهان می رود. پیش از آن، شعری در هجای صفاهان و ظاهراً ساخته مجیر بیلقانی، به نام خاقانی سر زبانها افتاده و مایه بدنامی او شده است. خاقانی با قصیده بلندی در ستایش اصفهان به آن شهر می رود تا این بدنامی را از دامن خود پاک کند (دیوان، ص ۳۵۳). اما در طول این سفر دراز، گله از شروان و شروانیان از زبان خاقانی نمی افتد، و او همواره در جستجوی فضای گسترده تری ست که پذیرای کلام مقتدر او باشد!

خاقانی در سال ۵۵۲ از نخستین حج خود باز می گردد اما هنوز آرزوی سفر بادیه دردل اوست، و این آرزو سالیانی دردل او می ماند تا اخستان به جای پدر می نشیند، و او با آنچه از نخستین سفر خاقانی می داند، ظاهراً نگران است که خاقانی به دربار دیگر پیوندد، و سفر هم بی رخصت او ممکن نیست. خاقانی دست به دامن این و آن می زند و در ستایش نامه ای از بانو عصمة الدین عمه اخستان تمنا می کند که «از پی حج رخصتم خواهی ز شاه» (دیوان، ص ۲۷۵). در این سفر، خاقانی قصیده بلند دیگری در وصف کعبه می سراید، مدینه را هم زیارت می کند و قصیده کعبه اش را در کنار مرقد پیامبر می خواند، و در همین سفر است که در غرب دجله گذارش به ویرانه کاخ شاهنشاهان ساسانی می افتد، بر آن «آینه عبرت» از سر درد می گزید، و قصیده مدائن را که سوکنامه آرزوهای بر باد رفته ایران بزرگ است، می سراید: «ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما!» بازگشت خاقانی از حج دوم، حدود سال ۵۷۰ هجری، و پس از این سفر است که مرگ فرزند جوانش زندگی را بر او تلخ تر و او را ناسازگارتر می کند. پس از چندی، او دل از شروان بر می گیرد و این بار بی رخصت از شروان می رود. اخستان نامه ای به او می نویسد که باز گردد، و او در جواب حاکم شروان نامه ای می فرستد که در مجموعه منشآتش هست و با این نامه قصیده ای بسیار گله آمیز همراه می کند: کوی عشق، آمد شد ما بر تنابد بیش از این (دیوان، ص ۳۳۷). او را به زور باز می گردانند و به زندان می برند. مختصر بگویم و بگذرم که حبس خاقانی همین یک بار است، و روایاتی که آن را

به زمان فرمانروایی منوچهر ربط می دهد درست نیست. چهار قصیده حبسیه او هم مربوط به همین حبس است که در آن خاقانی پنجاه ساله بوده (دیوان، ص ۲۵) و پس از ناله و زاری بسیار در سه قصیده دیگر، او در قصیده معروف ترسائیه دست به دامن آندرونیکوس کمننوس (Andronicus Comnenus) امیرزاده یونانی زده که چندی مهمان اخستان بوده، و خاقانی به پایمردی او از زندان بیرون آمده است. پس از این حبس هم دیگر سفر درازی و شاید دل و دماغی هم برای سفر نداشته است. روایات روشنی هم نداریم که او سرانجام تا کی در شروان مانده؟ اما بی گمان آخرین سالهای او در تبریز گذشته و در محله سُرخاب تبریز که بعدها به مقبره الشعرا معروف شده، و به روایت دولتشاه سمرقندی در کنار گور ظهیرالدین فاریابی، دفن شده است، که من پیمودم این صحرا، نه بهرام است و نه گورش!

اما در این نوشته، قرار این بود که سخن در زبان و تعبیرهای سنگین و گاه نا آشنا، و مضامین دور از ذهن خاقانی باشد که در قصیده ها و قطعه های ستایشی او بیش از غزلهای اوست. مطرح شدن او به عنوان یک شاعر، با پیروی از شیوه سنائی در تعبیر و مضمون آغاز می شود. خاقانی یک سنی شافعی ست که عرفان متشرعانه سنائی با همان تعبیرهای سنائی، در سخن او می آید، و تا پنجاه سالگی که در زندان شروان برای رهایی، دست به دامن یک شاهزاده مسیحی می زند، باز بر مسلمانی خود تأکید دارد (دیوان، ص ۲۵ و ۲۷). اما آن جا که از تنگناها و مصایب زندگی خود به خشم می آید، به خرابات مغان روی می کند، خرابات را «کَهفِ صفا» می گوید و خود را «هشتم هفت مردان کَهف» می بیند (دیوان، ص ۲۸۹). در معارضه با یک شیخ ریاکار بغدادی روی به میخانه دارد و ساقی میکده باید جام او را تا خط بغداد پر کند، میکده هم می داند که او رانده کعبه است و لابه می کند که «ز من مگذرو مگذار مرا.» به شیوه دهقانان در ایران کهن، شراب را از چوب سوخته بید می گذرانند و صافی می کنند: «سوخته بید منم، زنگ زدای می خام / ساقی میکده به، داند مقدار، مرا.... زین سپس خال بتان به، حجرالاسود من / زمزم، آنک خُم و کعبه در خمّار، مرا» و در پی این سخن به آن شیخ بغدادی می گوید: «پیر، سجاده تورا داده و زنار، مرا» (دیوان، ص ۴۰) و گویی دویست سال گذشته است و حافظ، سخن خاقانی را روایت می کند: زاهد! چو از نماز تو کاری نمی رود / هم مستی شبانه و راز و نیاز من!

به ستایش نامه ها بر می گردیم: اما، اگر از من برسید که نخستین ممدوح خاقانی کیست؟ بی تردید و تأمل می گویم که نخستین ممدوح او، افضل الدین بدیل خاقانی شروانی ست. دیوان او، و خاصه صد و سی دو قصیده او، پر است از تأکید بر برتری «من»

بر همه شاعران، حتی آنها که پیش از او بوده و به خاک رفته اند و نمی توانند با او به رقابت برخیزند: شعر شهید بلخی و رودکی و فرخی را در قیاس با سخن خود ناچیز می بیند (دیوان، ص ۸۸ و ۴۲۵). عنصری را مکرر می گوید و به ثروتی که او از ستایش شاهان اندوخته، سخت غبطه می خورد. رشید و طواط را، در نامه ای منظوم می ستاید و در قطعه ای هجومی کند (دیوان، ص ۹۳۱). در جوانی، خود را بدیل سنائی می داند (ص ۸۵۰) اما بعد او را هم در کنار امیر معزی تحقیر می کند (دیوان، ص ۳۹۸ و ۴۳۸). شاعران عرب را هم بی نصیب نمی گذارد: امرؤالقیس و اعشی و لیبید و بحتری هم در برابر خاقانی باید از بی هنری خود شرمند باشند، و حتی حسان بن ثابت انصاری - که خاقانی خود را به قیاس او «حسان عجم» می بیند - از این غرور بی آسیب نمی ماند، و «رشک نظم او جگر حسان ثابت را می خورد.» نثر خاقانی هم، سحبان وائل خطیب معاصر پیامبر را «قفا می زند» و از منبر پایین می کشد (دیوان، ص ۱۷). اما این نکته را هم دوباره به یاد آوریم که پسر یک نجار فقیر با سرمایه دانش و خلافتی که یافته، در تنگنای شروان، و در برابر مردمی که دنیای آنها در همان تنگنا محدود است، چنان که باید قدر نمی بیند و بر صدر نمی نشیند، به عبارت دیگر گویی حقوق معنوی و اجتماعی او ادا نشده است، و باید گوش آن تنگ نظران و حسودان را بگیرد و بگوید: این منم! می توانیم بگوییم که او بیش از حد، از حسادت دیگران حرف می زند. اما این هم انکار ناپذیر است که همیشه گرانا یگان محسود فرومایگان بوده اند.

پس از قرن ششم هجری که دیگر نه خاقانی وجود دارد و نه حسودان او، توجه شاعران دیگر را به سخن خاقانی می بینیم، و اگر مولانا جلال الدین «منطق الطیران خاقانی» را منطق الطیر سلیمانی نمی داند همین اشاره او حکایت از آن دارد که سخن خاقانی به عنوان شاعری سرآمد، در گوش مولانا و یاران او بوده است. در شعر قرن هفتم و هشتم، و خاصه در غزل سعدی و حافظ و بیشتر حافظ، شواهد توجه به سخن خاقانی را می بینیم، و اگر شما مشتاق تماشای آن شاهدان زیبا هستید، کتاب خاقانی شاعری دیر آشنا را باز کنید و ببینید که دشتی با چه هشیاری و نکته سنجی، به نقل نمونه هایی دست یافته که مؤید این معنی ست، هرچند که او کار ارزنده خود را از روی تواضع در پایه پژوهشهای دانشگاهیان ندیده است. پس از قرن هشتم نیز: دنیای شعر فارسی، از صلابت و حشمت سخن خاقانی بیخبر نبوده: در مکتب هرات، جامی و امیر علیشیر نوائی و دیگر شاعران به اقتباس و استقبال از شعر خاقانی روی آورده اند، و این توجه به او در نیمه دوم عصر قاجار در کار قآنی بیش از دیگران آشکار است که او خود را خاقانی ثانی و شیراز را شروان دیگر می گوید.

سنگین ترین ستایش نامه های خاقانی، دوازده قصیده و چندین قطعه در مدح خاقان اکبر! منوچهر، و دوازده قصیده و چندین قطعه در ستایش خاقان کبیر! اخستان است که پیش از این گفتم چندان خاقان هم نبوده اند و در تاریخ حتی چنان جایی نداشته اند که زمان آغاز و انجام حکومت آنها دقیق ثبت شده باشد. اگر خاقانی جز این دو تن به ستایش کسان دیگری نیز روی آورده، باید این واقعیت را هم دید که بیشتر آنها از این دو، خاقان تر بوده اند. علاء الدین اتسز، علاء الدین تکش، و مظفرالدین عثمان بن ایلدگزر معروف به قزل ارسلان، فرمانروایی گسترده تر و استقلال بیشتری داشته اند، و اگر ظهیر فاریابی «نه کرسی فلک را زیر پای اندیشه خود گذاشته، تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان دهد» خاقانی هم از او باز نمانده و «هفت گردون را، در هشت حرف نام قزل ارسلان مُضمَر» دیده و نام او را به صورت مُهرِ نبوت بر شانه رسول خدا نشانده است (دیوان، ص ۱۱۳). این تعبیرهای مبالغه آمیزی که گاه به کفر گویی می رسد، در مدایح عصر خاقانی کم نیست، اما وقتی در شکارگاه خاقان اکبر، صیدها خود با الهام حق به سوی تیر دو شاخه شروانشاه می آیند، و خون صید در ستایش مهارت صیاد! به صورت الله اکبر بر زمین نقش می بندد و روح صید در پرواز به پیشگاه خالق، در هوا ذکر الحمدلله می گیرد (دیوان، ص ۱۹) دل من می سوزد، که دانش و آفرینشی در این پایه بلند، برای یک لقمه نان، در ستایش کسی مصرف شده که کسی هم نبوده است.

زبان ستایش نامه ها به طور کلی دشوار، بسیاری از مضمونها دور از ذهن، و بسیاری از تعبیرها چنان ناآشناست که فهم سخن را برای خواننده ای با دانش متوسط مدرسی، ناممکن می سازد. اگر ما در فهم سخن مولانا و سعدی و حافظ بتوانیم یک مقدمه کلیدی برای خواننده بنویسیم، در مورد خاقانی این راه چندان هموار نیست، و برای رسیدن به مقدمات لازم فهم سخن او، علاوه بر آشنایی وسیع با منابع مکتوب، باید کشکول طلب برگرفت و به درگاه پیران سخن سنج به در یوزه رفت. من در ده سال آخر زندگی پر بار استاد فروزانفر به چنین در یوزه ای مفتخر بوده ام، اما امروز که پس از چهل سال بر پایه تقریرات او، و با تکیه بر چهل سال دیگر خواندن و تجربه، دست به کار شرحی بر قصاید خاقانی ام، گاه در شرح یک بیت یا یک تعبیر او به تمام منابع و یادداشتها نگاه می کنم، و پاسخ ابهام سخن او را، در جای دیگری از دیوان می جویم، و باز چنان که باید از کار خود راضی نمی شوم. همان موارد یک در هزار است که استاد می فرمود: خاقانی خودش را کشته تا چنین مضمون و تعبیر دور از ذهنی بیافریند. اما در سخن و سخنوران او می خوانیم که خاقانی «... بر آوردن هر گونه معنی مانوس و نامانوس در کسوت لفظ، توانا بوده و در رام کردن معانی

صعب، اقتداری به نهایت داشته است... در بیان معانی ساده با عبارات عالمانه، بدان ماند که پیوسته با خود سخن رانده یا همه شنوندگان را در داشتن مقدمات ادب و فلسفه و طب همتای خویش پنداشته است... و هم به قضیت انصاف باید گفت که رنج خوانندگان در ادراک مقصود او با نتیجه ای که پس از غور و دقت و مراجعه به شروح حاصل می کنند، برابر نیست...» (فروزانفر، ص ۶۱۴ تا ۶۲۰). از این نظر قابل تأمل استاد محمد امین ریاحی هم غافل نمائیم، که در مقدمه عالمانه خود بر نزهة المجالس جمال خلیل شروانی، شیوه سخن نظامی و خاقانی و دیگر شاعران آران را جدا از سبک عراقی دیده و عنوان شیوه آرائی را برای آن پیشنهاد کرده است، و راستی پیچیدگی کلام، کاربرد اصطلاحات خاص، تعبیر آفرینی و تأثیر احتمالی زبانهای گرجی و ارمنی در همسایگی آران در سخن شاعران آن ولایت اثر داشته، و این هم یکی از دلایلی است که آن جویبار روان و زلال شعر عراقی را در آثار آنها نمی بینیم (مقدمه نزهة المجالس، ص ۲۵).

اندیشه دور پرواز و زبان سنگین خاقانی از دیرباز کسانی را به فکر نوشتن شرح بر دیوان او یا چند قصیده او انداخته، اما آن شرحها هر یک فقط گوشه هایی از سخن او را روشن می کند، و تا امروز هیچ شرحی که شما بتوانید آن را کنار دست خود بگذارید و با کمک آن شعر خاقانی را درست بخوانید و آسان بفهمید، در دسترس نیست. اما یک نکته کلیدی بسیار مهم را نباید نادیده گرفت، که سخن آفرینان بزرگ غالباً اندیشه ها و تعبیرهایی را در اثر خود به تکرار می آورند، و در بسیاری از موارد که ابهامی در سخن آنها هست، پاسخ مسأله را در جای دیگری از اثر می توان یافت. من این کلید را پیش از این در شرح مثنوی مولانا جلال الدین و نیز در درس حافظ گره گشا یافته، و در نقد و شرح قصاید خاقانی هم از آن بسیار بهره برده ام.

مونتریال، کانادا

کتاب نامه:

- ۱- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل بن علی. دیوان خاقانی شروانی با مقدمه و تصحیح متن و تعلیقات و فهرستها از دکتر سید ضیاء الدین سجادی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۲ ش.
- ۲- دشتی، علی. خاقانی شاعری دیر آشنا، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵ ش.
- ۲- ریاحی، دکتر محمد امین. مقدمه بر نزهة المجالس جمال خلیل شروانی، همراه با متن کتاب (چهار هزار رباعی از سیصد شاعر). تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶ ش.
- ۴- زرین کوب، دکتر عبدالحسین. دیدار با کعبه جان، ترجمه شرح ولادیمیر مینورسکی بر قصیده ترسانیه خاقانی با حواشی و توضیحات دکتر عبدالحسین زرین کوب، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۸ ش.
- ۵- سجادی، دکتر سید ضیاء الدین فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی، تهران، زوار، ۱۳۷۴ ش.
- ۶- فروزانفر، بدیع الزمان، سخن و سخنوران، تهران، شرکت انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰ ش.

مقدمه ای بر نوع شهر آشوب در شعر فارسی

شهر آشوب که گاهی - مخصوصاً در ادبیات ترکی عثمانی - شهر انگیز و همچنین عالم آشوب، فلک آشوب و جهان آشوب هم خوانده می شده، نوعی از شعر فارسی ست با سابقه ای هزارساله که نمونه های آن را در دیوانهای چند تن از شاعران قدیم، زیر عنوان شهر آشوب یا بدون آن می توان یافت. با آن که قدیمترین و نیز یکی از بهترین نمونه های شهر آشوب را مسعود سعد سلمان (متوفی در ۵۱۵ هـ ق = ۱۱۲۱ م) سروده بوده است و دیوان او را دانشمند فقید رشید یاسمی در ۱۳۱۸ شمسی یعنی نزدیک به شصت سال پیش منتشر کرده است،^۱ محققان ادبیات نسبت به آن شور و وجدی نشان نداده اند و ظاهراً آن را نوعی مستقل در ردیف انواع معروف دیگر یعنی قصیده و غزل و مثنوی و رباعی و قطعه و ترجیع بند و ترکیب بند نمی شمرده اند، شاید به این علت که مضامین و مطالب آن شباهت نزدیک به آنچه در آن انواع رسمی دیگر مطمح نظر گویندگان بوده نداشته است، ولو آن که قالب آن همان قالبهای رسمی دیگر بوده است و اکثراً در قالب دوبیتی یا رباعی یا قطعه سروده می شده است.^۳

البته این هم هست که جز مسعود سعد سلمان دیگر سرایندگان شهر آشوب معروف نبوده اند و آثارشان در مجموعه های شعر و مخطوطات ادبیات فارسی مجهول مانده بوده است. واقعیت دیگر این است که صرف نظر از مسعود سعد و سنائی (کارنامه بلخ)، گویندگان بعدی شهر آشوب متعلق به دوره های به اصطلاح کلاسیک شعر فارسی نبوده و غالباً در عهد صفوی و بعد می زیسته اند. سیطره پر شکوه شاعرانی چون فردوسی و نظامی و رومی و سعدی و حافظ ذهن و زبان مردم فارسی زبان را چنان مسخر کرده بوده است که

بسیاری از شاعران قرنهای بعد جلوه و جمالی نداشته اند و مخصوصاً پس از جامی و با ظهور سبک هندی، شعر فارسی سیری انحطاطی در پیش گرفت و تا طلوع عصر جدید در قرن بیستم به اصطلاح قد علم نکرد و حتی قاآنی هم توانست در کنار «اکابر گردنکشان شعر» جلوه ای جهانی بیابد. جلب توجه به این قوس دراز انحطاط از این نظر لازم است که نوع شهر آشوب در این دوره رواجی بیشتر یافت.

اشعار شهر آشوب، علاوه بر ارزش ادبی آن در حقیقت از دیدگاه جامعه شناختی سخت مفید و ارزشمند است و برخلاف انواع دیگر همچون آینه ای بی ریاست در برابر جامعه های سنتی که نیک و بد عادات و اخلاق را یج در میان توده های مردم را نشان می دهد. در اشعار شهر آشوب است که بی پرده از رواج بیماری همجنس گرایی یا عشق مذکر در شهرهای ایران- و حتماً دیگر جامعه های سنتی مشرق زمین- سخن به میان می آید و روزگار تلخ پسرانی وصف می شود که در حرفه های گوناگون با سمت شاگردی کار می کرده اند و در سنت اخلاقی، یا بهتر بگوییم بداخلاقی آن روزگاران طعمه اراذل و آلت فعل مردان کام طلب هرزه گرد بوده اند. در قرون گذشته جوامع شرقی که زنان و دختران از چشم نامحرمان دور و در امان می زیسته اند، طبیعی ست که پسران طعمه ناکسان و اسباب اطفاء شهوت آنان می شده اند.

دبستان و دبیرستان به صورت امروزی وجود نداشته است و آنچه در مکتبهای قدیم به کودکان می آموخته اند، احتمالاً چیزی جز اندکی سواد خواندن و نوشتن نبوده و نمی توانسته است آنها را به هدفی جز همان شاگردی پیشه وران بازارها برساند یا صاحب شخصیتی کند با آمال ارزنده و بینشی روشن برای زندگی خود و درک واقعتهای مطلوب یا نامطلوب جامعه هایی که در آن می زیسته اند. این بحث جامعه شناسانه ربطی به موضوع این مقاله ندارد و همین اشاره های مختصر هم فقط برای توضیح اوضاع ننگین و جگر خراشی ست که پسران بیگناه و بی پناه در بن بست آن گرفتار و قربانی هوی و هوس مردانی رذل و بی انصاف - تا نگوئیم - بی دین- می شده اند. بدیهی ست که فقر عمومی و احتیاج خانواده ها به کسب معیشت زمینه را برای رشد هر نوع فساد اخلاقی و اعمال ستم آماده می کرده است، و چه درست گفته است عشقی :

آنچه شیران را کند روبه مزاج احتیاج است احتیاج.

در ادبیات فارسی حکایات فراوان از نظر بازی و روابط بیمارگونه جنسی هست که معمولاً از مقوله هزل و شوخ طبعی تلقی می شود و جنبه های پلید منفی آن ناگفته می ماند.

* * *

ادبیات فارسی واجد ثروتی عظیم از غزل و دیگر اشعار عاشقانه است. درک طبیعی ما از خواندن یک غزل سرودی عاشقانه است که در ابیات آن، شاعر حالات عشق و شیدایی خود را بیان کرده است و مخاطب آن بر فرض که از جنس زن نباشد به هر حال انسانی است که غم فراق و آرزوی وصال و دیگر عواطف گرامی شاعر معطوف به اوست، خواه مثلاً دختری خیاط یا زنی زرگر یا همسر همسایه باشد یا شاید پسری خوش سیما و دل پسند. یک فایده اجتماعی شهر آشوب همین عبور از حدود و قیود اخلاق و عرف آداب سنتی است و ارائه پرده دیگری از واقعیت اوضاع و کردارهای مردم عامی و عادی و کسبه شهرها که به ندرت در آثار و انواع دیگر با این درجه از کیفیت و وضوح بیان شده است. فایده دیگری که ملازم شهر آشوب و خود بسیار سودمند است اطلاعی است که از وجود انواع پیشه وران در جامعه های قرون وسطی به دست می دهد، مانند کفشگر، مسگر، کحّال، پنبه زن، شیشه بندزن، عصار، لوطی، ماهیگیر، نجار، نعلبند، شیرفروش، سقا، و حتی کبوتر باز یا دست کم پسری که سرگرم کبوتر بازی بوده است.

* * *

در میان محققان چند دهه اخیر ایران، دو تن توجهی درخور به این نوع ادبی کرده اند، یکی مرحوم استاد محمد جعفر محبوب که در پایان کتاب سبک خراسانی در شعر فارسی، ضمیمه ای به عنوان «شهر آشوب» آورده و پس از توضیحات مقدماتی و ذکر مجملی از تاریخ این نوع شعر، اسامی بیست سراینده را نقل کرده است.^۳ اما مهمترین و کاملترین معرفی دقیق و جامع سراینندگان شهر آشوب و آثارشان را مدیون دانشمند فقید احمد گلچین معانی هستیم که هر نوشته ای از او تازه و ابتکاری است و در حقیقت دکتر محبوب هم اطلاعات خود را از وی گرفته و در عبارات زیر دین خود را به او در معرفی بیست سراینده شهر آشوب، بیان کرده است،

... نشان قسمتی مهم از این شهر آشوبها را دوست عزیز فاضل و شاعر گرانمایه صاحب‌دل آقای گلچین معانی در ضمن تحقیقات و تتبعات خویش یافته بود و آن را با سعه صدری که برازنده ارباب فضل است در اختیار نویسنده نهاد.^۴

* * *

مرحوم استاد گلچین معانی در مقدمه کتاب اصیل و ارزشمند خود موسوم به شهر آشوب در شعر فارسی توضیحی آورده است که تمام آن را با یاد خیر آن فقید نقل می کنم:

شعرایی که برای محترفه شهر آشوب سروده اند، عموماً آنها را شوخ و مهوری و محبوب و بت و

دلبر و دلدار خوانده اند، حال آن که امکان ندارد که پیشه وران یک شهر کلاً خوبروی و خوش اندام باشند... و به فرض محال که چنین تواند بود یک نفر شاعر هر قدر هم که عاشق پیشه و رند و لالایی باشد نمی تواند در آن واحد عاشق صدها نفر... باشد بلکه سراینده شهر آشوب، در عین حال که قصد تفنن و هنرنمایی داشته، متوجه این نکته نیز بوده است که فی المثل تعریف خشک و بی روح از هنر یک آهنگر و ذکر آلات و افزار کار او چندان لطفی ندارد و چنگی به دل نمی زند، لذا هر صنعتگر و پیشه وری را یک محبوب فتنه گر و شهر آشوب و انمود ساخته و از در عشق و عاشقی سخن به میان آورده است تا خواننده را رغبت انگیز باشد...^۵

* * *

کتاب مرحوم احمد گلچین معانی یگانه اثر جامعی ست که موضوع شهر آشوب را با دقت تمام بررسی کرده و ۳۸ تن شاعر را با نقل نمونه ای از آثارشان معرفی نموده است. نخستین و ظاهراً مشهورترین این شاعران مسعود سعد سلمان است و آخرین آنها سید احمد بدراهیجی که «قصیده شهر آشوبی دارد در جواب محمد ابراهیم کسمائی و هجو علمای لاهیجان» که ذکر او و معرفی دیوانش در جلد یازدهم کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران آمده است. لاهیجی در ۱۳۱۰ هـ. ق. = ۱۸۹۳ م. زنده بوده است و شرح حالش در تذکره ها مسطور نیست.^۶

* * *

مطلب قابل ذکر دیگر این است که اصطلاح شهر آشوب را بر شعری اطلاق یا تفسیر کرده اند که در شهر مورد سخن آشوب و غوغایی برپا کرده باشد. ولی تعبیر غالب این است که افراد موصوف در شهر خاصیت شهر آشوب داشته اند یعنی زیبایی و دل انگیزی شان مردم شهر را و جامعه شهر را آشفته و پرگفتگومی کرده است. چند مورد دیگر را در تاریخ ادبیات خوانده ایم که آشوب شهر را نه معطوف به زیبا رخان بلکه نتیجه بدگویی شاعر از شهر و مردمش معرفی می کند. شاید معروفتر از همه تجربه انوری ست که هجو بلخ را که شاعری فتوحی نام سروده بود به او نسبت دادند:

چار شهر است خراسان را برچار طرف	که وسطشان به مسافت کم صد در صد نیست
گرچه معمور و خرابش همه مردم دارند	بر هر بیخردی نیست که چندین دد نیست
مصر جامع را چاره نبود از بد و نیک	معدن در و گهر بی سرب و بسد نیست
بلخ شهری ست در آگنده به او باش و رنود	در همه شهر و نواحیش یکی بخرد نیست
مرو شهری ست به ترتیب همه چیز در او	جد و هزلش متساوی و هری هم بد نیست
حبذا شهر نشا بور که در ملک خدای	گر بهشتی ست همان است و گرنه خود نیست

در نتیجه انوری مورد غضب مردم واقع گشت تا آن که وساطت مؤلف مقامات حمیدی که خود بلخی بود او را از مخمصه رهایی بخشید.^۷

مرحوم گلچین معانی از دو شهر آشوب منشور هم نام برده است: یکی به قلم ملا عطا از مردم هرات که

«... به اصفهان آمده در لباس مدح در باب اصفهان شوخیها فرمود»، «سپس به هرات رفته و باز به اصفهان برگشته و همان جا در گذشته است. ملا عطا در این رساله اسامی حمّامات، جوش و خروش مردم در دشت و جوباره... بزازان، خیاطان، صفت زرگر، کمانگر، شمشیرگر... اسامی قهوه خانه ها، اسامی خواتین که پتیاره آمده اند، اسامی محلات شهر صفهان... فروش (= فرشها)، مجلس انبساط، کیفیت انبساط،... شعرای محفل، حکمای بزم، صحبت کتاب... اطعمه و اشربه، فروغ کوکب آتشبازی هنگام رسن بازی»

را نقل و وصف کرده است^۸

شهر آشوب دیگر به قلم میرزا محمد شفیع معاصر شاه سلطان حسین است و در آن از شاهزاده هندوستان که در سایه کنگره قصر دولت آمده بود، از شیخ پشم الدین درگزینی و ملاقرزینی و شاه سلطان حسین، اعتماد الدوله و میرزا محمد صالح رضوی و رستم خان سپهسالار و از زربافت و قبا و کمر زرین و مندیل و شمشیر و خنجر و ناقه و شتر و حلقه کمان و چارچوب دست و سردان و بسته های تنباکوی جانکی و مومیایی... و شالهای کار کشمیر و لنگ و آینه و قلمدانهای کار بهرام و مانی و کاغذهای خطایی و کشمیری و عنبر و از آقا سجنجل عطار کوی نوقان و واعظ قزوینی یاد شده و نکات تاریخی و مذهبی لطیفی دارد.^۹

آنچه در معرفی ۳۸ تن شاعر و دو سراینده شهر آشوبهای منشور از کتاب مرحوم گلچین معانی تماماً یا به اختصار نقل شد، در حقیقت بخش اول تألیف آن فقید است. وی در قسمت دوم تمام متن «شهر آشوب مولانا لسانی شیرازی» موسوم به «مجمع الاصفاف» را منتشر کرده است که خود نیازمند معرفی ست. اما بیش از آن و پیش از بررسی شهر آشوب معروف مسعود سعد سلمان، به اختصار شهر آشوبی دیگر را که سراینده آن نیز مسعود سعد است ولی چندان مورد توجه محققان نبوده است بررسی می کنیم.

این شهر آشوب مجموعه ۳۰ قطعه است با اندازه های کاملاً متفاوت از شش بیت در توصیف اسب و هفت بیت «در صفت ماهوی رقاص» گرفته تا سی و سه بیت در صفت بانوی قوال.^{۱۰}

این مجموعه در حقیقت فقط شباهتی به نوع شهر آشوب دارد که سرمشق و نمونه کامل آن را همو سروده و با آن آغازگر نوع شهر آشوب در ادبیات فارسی شناخته شده است.

اکثر قطعه های این شهر آشوب دوم، مدح یا قدح کسانی ست که مشاغل نوازندگی آلات موسیقی و رقصی و آوازخوانی داشته و در دربار سلطان شیرزاد بن مسعود غزنوی «عملة خلوت و ارباب طرب» شمرده می شده اند. چند قطعهٔ دیگر که در ذیل همین عنوان درج شده و مدح و ستایش سلطان و خواجه ابونصر و امیر بهمن و ابوالفضائل و امیر کیکاوس... را سروده است، البته شهر آشوب به حساب نمی آید. همین تفکیک دو گروه در دربار مذکور بیانگر هدفی ست که «شهر آشوب» برای آن سروده می شده و از دیگر انواع قصیده (خواه در مدح و خواه با وصف مباحث حکمت و عرفان و حتی تاریخ) مجزا می گشته است.

قطعهٔ هفت بیتی این بخش را که شاعر در «توصیف ماهوی رقاص» آورده و در واقع هجوی ست قبیح، برای نمونه نقل می کنم:

ماهوک در میان چو در گردد	مجلس از خرمی دگر گردد
طقطق پای او چو برخیزد	شادی و لهو در هم آمیزد
بس نشاطی و مجلسی طیبی ست	عیش را و نشاط را سببی ست
مادر قجه را نکو خلف است	روسپی زاده را نکو علف است
نر خری گر به پشت ماده خری	بر جهد و افتدش بر او نظری
باز ماند دودست او از کار	آب گیرد دهانش در شلوار
بوالفضائل بر او نهد دیده	راست چون مردمان نادیده ^{۱۱}

مثنوی کارنامهٔ بلخ، اثر سنائی غزنوی (متوفی در ۵۳۵ ه. ق.) در ترتیب تاریخی منظومهٔ دیگری از قرون اولیه و نزدیک به زمان مسعود سعد است که آن را از نوع شهر آشوب محسوب داشته اند. وصفهای زشت کم ماندی که سنائی در هجو چند تن از معاریف بلخ زمان خود در این مثنوی آورده، چنان رکیک و نیز مضحک است که خواننده ناآشنا را از عارف و الهی بودن وی دچار حیرت و حتی تردید می کند. نمونه ای از این مثنوی شهر آشوب که مرحوم احمد گلچین معانی در کتاب خویش نقل نموده و ۱۱ بیت است در صفت اباحتیان، باوجود سه نقطه هایی که وی به جای اصل کلمات متن گذاشته است، کافی ست که دانشجورا به تفحص دقیق تر در دیوان او تشویق کند.^{۱۳}

شاعرهٔ قرن ششم هجری، مهستی گنجوی گویندهٔ دیگری ست که در رباعیات خویش خط بطلان بر ماسبق خود زده و شهر آشوبهای سنائی را در قیاس با آنچه خود در توصیف

پسر خاک بیز، پسر کلاهدوز، پسر کفشدوز... و مخصوصاً در تعریف پسر قصاب گفته است، جلوه اشعاری پاکیزه و اخلاقی (!) بخشیده است. یک رباعی بسیار تمیز او را برای نمونه نقل می‌کنم، در تعریف پسر بزاز گوید:

شهری زن و مرد در رخت می‌نگرند وز سوز غم عشق تو جان در خطرند
هر جامه که سالی پدرت بفروشد از دست تو عاشقان به روزی بدرند^{۱۳}

مهمستی در تاریخ شعر فارسی مقامی دارد که نظر به عرف اخلاق عمومی و پرده در بهای او قرن‌ها ناشناخته مانده است. مهمستی را با هزار قید احتیاط می‌توان از نظر رد یا قبول جامعه از یک سو، و صراحت و صداقت خود او از سوی دیگر، فروغ فرخزاد، هشتصد سال پیش دانست یا فروغ را مهمستی روزگار ما خواند، که هر دو تار و بود آداب و عادات غالباً ریایی جامعه و حذف شخصیت زنان را از انسان بودن و آزاد بودن دریدند، و البته هر دو هدف تیر تهمت همکیشان روزگار خود گشتند.

بخش زبانها و تمدنهای خاور نزدیک، دانشگاه شیکاگو

یادداشتها:

۱- دیوان مسعود سعد سلمان، به تصحیح رشید یاسمی، کتا بفروشی ادب، طهران ۱۳۱۸. «شهر آشوب»، ص

۶۳۶-۶۵۳.

۲- جاودان یاد استاد ذبیح الله صفا در اثر بیمانند خود، تاریخ ادبیات در ایران شرح احوال مسعود سعد را در جلد دوم، ص ۴۸۳-۴۹۱ آورده و چندین صفحه نیز از اشعار او نقل فرموده و از جمله قید کرده است که شاعر سی روز ماه و ایام هفته را بر طبق تقویم قدیم ایران به شعر وصف کرده است، اما شهر آشوب را نام نبرده است. در پایان بخش یکم از جلد پنجم مختصری در دو صفحه زیر عنوان «شهر آشوب - شهر انگیز» آورده و در یادداشت پایان کتاب که آن را در هنگام دوری از ایران نوشته است، از کتاب استاد احمد گلچین معانی «که به سال ۱۳۴۶ در تهران به طبع رسید» نام برده و افزوده است که چون «از بخت بد در این دیار دور از میهن سرگرم تألیف این جلد هستم از مطالعه آن کتاب که به یقین سودمند و مقرون به اطلاع کافی ست محروم...»

۳- محمد جعفر محجوب، سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران ۱۳۴۵ (شماره ۱۹، از انتشارات سازمان تربیت

معلم و تحقیقات تربیتی).

۴- محجوب، همان اثر، ص ۶۹۶.

۵- احمد گلچین معانی، شهر آشوب در شعر فارسی. امیرکبیر، تهران ۱۳۴۶، مقدمه، ص ۵.

۶- شهر آشوب در شعر فارسی، ص ۹۱.

۷- محجوب، همان اثر، ص ۶۷۹-۶۸۰.

۸- شهر آشوب در شعر فارسی، ص ۹۴.

۹- همان اثر، ص ۹۵.

۱۰- دیوان مسعود سعد، ص ۵۶۲-۵۷۹.

۱۱- همان اثر، ص ۵۷۸-۵۷۹.

۱۲- کارنامه بلخ، اثر سنائی غزنوی. به تصحیح آقای مدرس رضوی. فرهنگ ایران زمین، جلد ۴، دفتر سوم، ۱۳۳۴، ص ۲۹۷-۳۵۴.

۱۳- دیوان مهستی گنجوی را استاد سویسی فریتز مایر با مقدمات مفصل و تحقیق کم مانند در ۱۹۶۳ منتشر کرده است:

Die Schöne Mahsati, Ein Beitrag zur Geschichte des Persischen Vierzeilers. Band 1. von Fritz Meier. Franz Steiner Verlag, Wiesbaden, 1963

نیز: احمد گلچین معانی، شهر آشوب در شعر فارسی، ص ۱۵-۱۷.

نقد شعر صوفیه

علی دشتی در حوزه نقد ادبی، گذشته از کتابها و مقاله هایی که در بررسی از آثار شاعران (حافظ، سعدی، خاقانی، خیام، صائب، و ناصر خسرو) نوشته،^۱ رساله ها و کتابهایی نیز در نقد شعر صوفیه و شاعران صوفی (عطار و مولانا جلال الدین محمد) از خود به یادگار گذاشته که در رساله های سیری در دیوان شمس، پرده پندار، و در دیار صوفیان او فراهم آمده است.

این بخش از نقد دشتی بر شعر صوفیه را باید ضعیف ترین بخش از کارنامه انتقاد ادبی او دانست. دشتی در پی طرز فکر روشنگران ایرانی، از آخوندزاده تا کسروی می کوشد که آثار شاعران قرون وسطایی ایران را با اندیشه و جهان بینی و «خرد» امروز خود بسنجد؛ غافل از این واقعیت که شعر و اندیشه این شاعران را باید در متن تاریخی خود قرار داد و آن را در اوضاع و احوال تاریخی و اجتماعی زمانه شان بررسی کرد.

از این گذشته به گفته سنجیده یکی از صاحب نظران تصوف جدا از این که به زبان شعر یا نثر بیان شود، خود نوعی بینش هنری ست از مذهب که در مجموعه ای از صورتهای جمال شناسانه و «تخیل» و «رمز» بیان می شود. کسی که با مبانی جمال شناسی شعر خاقانی و انوری و نظامی و فرخی و منوچهری انس و الفت گرفته باشد و از درون آن منظومه فرهنگی بخواهد درباره مجموعه فرهنگی عطار داوری کند حق دارد که او را شاعری یاوه گو و بسیار گوی و خرافاتی و مضحک بیا بد.^۲

دیگر این که به نظر می رسد که دشتی از عوالم «حال» و «قال» مشایخ صوفیه غافل

مانده باشد. عطار در تذکرة الاولیاء می گوید:

چون از قرآن و احادیث گذشتی هیچ سخن بالای سخن مشایخ نیست که سخن ایشان نتیجه کار و حال است نه ثمره حفظ و قال است... که اینان ورثه انبیا بند.^۳

مهمترین تکیه و تأکید دشتی در کتابهای پرده پندار، در دیار صوفیان و عقلا بر خلاف عقل در نفی و انکار نویسندگان و شاعران صوفی ایرانی و آثاری از قبیل تذکرة الاولیاء عطار و اسرار التوحید ابوسعید ابوالخیر بر بنیاد کرامات و خرق عاداتی ست که به ایشان نسبت داده اند.

درباره ماهیت کرامت و حدود قدرت ولایت از نخستین ادوار تصوف بحث بسیار شده است. در زمانه ما نیز درباره این که آیا کرامت تنها از طریق ایمان قابل درک است و یا می توان آن را با مبانی روانشناسی جدید توجیه و تفسیر کرد سخن رانده شده است.^۴ با این همه باید توجه داشت بسیاری از حکایات کرامات واقعیت تاریخی ندارد و ساخته و پرداخته خیال مریدان مجذوب مشایخ است که با گذشت زمان بهتر و بیشتر دلیل شأن و مقام («شیخ» است).^۵ حال آن که «در این گونه کرامات هیچ امر غیر طبیعی و خرق عادت، به معنی تصرف در قوانین حاکم بر طبیعت، وجود ندارد.»

این که دشتی به رأی علمای اسلامی استناد می کند که «معجزه از خواص انبیاء و دلیل صدق نبوت آنهاست، پس نباید چنین اعمالی از دیگران سر بزند، زیرا جهان ما جهان اسباب است و هر حادثه ای معلول علتی ست، ولی درباره پیامبران استثنایی وجود دارد.»^۶ باید گفت همان گونه که معجزه پیامبران به عنوان وسیله ای برای ایمان آوردن مردم به رسالت ایشان قابل توجیه است کرامت مشایخ نیز برای باور کردن مریدان به ارشاد ایشان توجیه پذیر می نماید، زیرا به گفته حافظ:

در کارخانه ای که ره علم و عقل نیست و هم ضعیف رای فضولی چرا کند؟
عقل و استدلال رموز عشق و ایمان را نمی تواند حل کند. این جلوه دیگری از روش و نگرش اشراقی افلاطونی بر بنیاد عشق و شهود است در برابر روش و نگرش مشایی ارسطویی که بر اساس عقل و استدلال استوار است. سعدی گفت:

عقل را گره زار حجت هست عشق دعوی کند به بطلانش
گذشته از این همه باید توجه داشت ادبیاتی که به عنوان کرامات صوفیان از قرنهای گذشته به جا مانده از عنصر زبانی شکل گرفته که سرشار از رمز و نماد است؛ ناچار باید برای فهم معنی این کرامات با زبان اشارت آشنا بود و رمزش را شناخت و معنی آن را دریافت. همچنان که از مطالعه قصه هایی از قبیل در فرمان داشتن درندگان و ازدها که

به بوسعید نسبت داده اند باید به رمز اژدها، که اشاره به نفس آدمی ست و تسلط بر آن از هر اژدهای دیگری دشوارتر است، پی برد.^۸ رازگشایی از رمز کرامات شگفت انگیز عارفان گذشته با روش تأویل Hermeneutics جدید و کشف زیباییهای خیال انگیز آن می تواند موضوع بررسیهای تازه در قلمرو نقد ادبی مدرن باشد.^۹

فهرستی از افسانه های عطار اگر فراهم آید خود می تواند یکی از خواندنی ترین مجموعه های حکایات سوررئالیستی عالم باشد که در هنر مدرن، چه نقاشی و چه تئاتر و سینما، سخت بدان شیفتگی نشان دهند. از داستان توبه او بر دست درویشی که به مرگ ارادی بر در دکان او مُرد تا وقتی که سر شاعر را بریدند و او سرش را زیر بغل گرفت و فاصله دوری از راه، با سر بریده در زیر بغل، منظومه بی سر نامه خود را سرود.^{۱۰}

آیا این تصویرها و تصورات شگفت انگیز سوررئالیستی که در فضایی خیال انگیز در عالم جذب و بی خویشی و لحظه های «سر و سرود و هوش و حیرانی» به ذهن شاعر عارف القا می شود و با صورت «کرامات» به روایت در می آید می تواند با معیارهای علمی و عینی و عقلی سنجیده شود؟

چنان که می دانیم عارف در حال جذب و شور و شیدایی، که به نوعی به قطع آگاهی و هشیاری و گسست از عقل می انجامد، شبها و القانات ذهن خود را به صورت امری واقعی تجربه می کند و در بازگویی و روایت آن گویی از رویدادی واقعی خبر می دهد.

سخنور فرزانه ما، سعدی، این گونه خرق عادتها را چنین توجیه می کند:

شنیدی که در روزگار قدیم شدی سنگ در دست ابدال سیم
مپندار کاین قول معقول نیست چو قانع شدی سنگ و سیمت یکی ست^{۱۱}

اما دشتی به خطا می کوشد تا چهره عطار را در آینه «خرد» امروزی خود ببیند، در حالی که چهره قدیس گونه عطار، درست مانند یک مذهب، در درون همین افسانه ها و همین سخنان مجعول گذشتگان رشد کرده و به صورت امروزی در آمده است. تا وقتی کسی به این مذهب نگرویده است بسیاری از اجزای این آیین در نظرش بی ارزش و حتی مضحک جلوه می کند، اما وقتی درون این منظومه «آیینی» قرار گرفت همه آن حرفهای به ظاهر سست و نامعقول جلوه و جلا پیدا می کند و از هر جهت زیبا و استوار سیطره خود را گسترش می دهد. به عبارت دیگر:

بقای هر مذهبی را تناقضهای درونی آن تضمین می کند، هم از آن گونه که یک نظام «علمی» را تناقضهای درونی آن نابود می کند، چرا که مذهب مرتبط با عالم غیب است و در غیب اجتماع نقیضین محال نیست. این در حال حس و شهادت است که عقل می گوید اجتماع نقیضین محال

است.^{۱۲}

ظاهرا دشتی از جماعت عقلاست که می خواهد تخیلات متصوفه را با استدلالهای عقلی و قیاسات منطقی بسنجد، غافل از آن که شاعران صوفی عقل و خرد را که بر بنیاد حواس خطا کار استوار است مقرون به خطا می بینند و عشق را تنها راه وصول به حقیقت می شناسند، اما دشتی از این حرفها قانع نمی شود:

می گویند خرد آدمی محصول حواس اوست. تعقلات و تصورات از راه حواس پنجگانه در ذهن نقش می بندد و این حواس محدود و ناقص است، اما فراموش کرده اند که جز این حواس پنجگانه مدخلی برای ذهن ما تعبیه نکرده اند. آیا بدین دلیل که حواس پنجگانه قادر نیست به اسرار مافوق الطبیعه برسد آنها را دور بیندازیم؟ اگر آنها را دور بیندازیم دیگر چیزی در دست نداریم.^{۱۳}

دشتی در همین زمینه در جای دیگر می گوید:

صوفیان عقل و کلیه مواهب طبیعی انسان را برای وصول به حق کافی نمی دانند. به طور جواب نقضی ما به آنان نمی گوییم اگر عقل انسان نتواند او را به خدا راهنمایی کند آیا بی عقلی به چنین امری قادر است؟ زیرا بی درنگ خواهند گفت از راه کشف و اشراق این امر میسر است. اما کشف و اشراق چگونه دست می دهد؟^{۱۴}

همو در جستجوی راههای گوناگون کشف و اشراق یاد آور می شود:

پاره ای ریاضت شاق را راه و صول می دانند، ولی شیخ اشراق این عمل را در صورتی مفید می داند که با متابعت از شرع اسلام توأم باشد و گرنه ریاضت برهمنان آنها را به کشف مغیبات یا اعمال خارق العاده می رساند، اما آنها شیطانی ست. دسته معتدل دیگر چون امام محمد غزالی نماز و روزه و ذکر و بیخوابی را توصیه می کند. صاحب کتاب ترف از قول مشایخ می گوید راه وصول به حق خود حق است. دیگری از بزرگان صوفیه می گوید بسا شخص خوابیده به فیض نظر حق نائل می شود که عارف شب زنده دار از آن محروم می ماند.^{۱۵}

اما راه روشن و جدل ناپذیری که پاره ای از بزرگان صوفیه پیش گرفته اند عشق است که راه آن با راه عقل جداست. راه عقل راه استدلال و احتجاج و تفکر است، در حالی که شاعر صوفی پای استدلالیان را چوبین می بیند که با آن به سختی می توان راه سپرد. همچنان که عقل و اندیشه عصایی ست در کف کوری که چشم دل او به نور عشق روشن نشده باشد. به گفته مولانا جلال الدین:

عشق را اندیشه نبود زان که اندیشه عصاصت عقل را باشد عصا یعنی که من اعماستم

و همو می گوید:

طریق عقل لجاج است و اعتراض و دلیل طریق دل همه دیده است و ذوق و شهید و شکر آنچه منشأ عشق الهی است توفیق روحانی و معنوی است که نزد صوفیه اصل طریقت محسوب است و ایشان عشق را از مهمترین مقامات وصول دانسته اند. بیان صوفیه در عشق به حق و محبت بین انسان و خدا، که آن را عشق حقیقی می دانند، مبتنی بر گرایش روح به مبدأ وجود است که از تأثیر افکار افلاطون و فلوطین برکنار نیست. حاصل این عشق و طلب وصال حق است که معشوق ازلی صوفی است و نهایت آن اتحاد بین انسان و خداست که تعبیری از فناست.

اما صوفی عقل، عقل جزئی، را که منکر عشق است باور ندارد و معتقد به عقل کل است، که آن را عقل اول نیز گفته اند، و آن جوهر مجردی است که صادر اول است. عقل جزئی همان عقل عملی است که آنچه را بر انسان در وصول به مقاصد اختیاری او واجب باشد استنباط می کند.

عقل جزوی عشق را منکر بود گرچه بنماید که صاحب سر بود
 زیرک و داناست اما نیست نیست تا فرشته لانشد اهریمنی ست
 در زبان عربی عقل را با عقل به معنی بند مربوط دانسته اند. عقل بندی ست بر آزادی
 و اراده انسانی:

سخت تر شد بند من از بند تو عشق را نشناخت دانشمند تو
 از این روست که صوفیان، اهل فلسفه را که تابع عقلند گمراه می دانند، زیرا که آنان از
 «معقولات دون» سخن می رانند:

فلسفی گوید ز معقولات دون عقل از دهلیز می ماند برون
 فلسفی منکر شود از فکر و ظن گو بروسر را تو بردیوار زن
 اما دشتی که اهل عقل و اندیشه و استدلال است با این حرفها قانع نمی شود،
 می پرسد:

اگر عقل از دهلیز بیرون می ماند و به حریم حقیقت راه نمی یابد پس چه چیز در
 دهلیز باقی می ماند؟ اگر فکر و ظن ملاک نباشد پس چه ملاک قابل اعتماد در
 دست می ماند؟^{۱۶}

در دیوان شمس، همانند دیوان شاعران عارف ایرانی دیگر، عشق ظاهر می شود که در
 قالب غزل به شرح می گوید. به تعبیر حافظ:

دل چو از پیر خرد نقل معانی می کرد عشق می گفت به شرح آنچه بر او مشکل بود
 از بحث عقل و عشق گذشته دشتی خود تفسیر و تعبیری از تصوف در سیر تاریخی خود

در ایران دارد. او بر آن است که در قرن اول و دوم هجری اندیشه در ایران به حال سکون درآمده بود. روایات و اخبار و احادیث مذهبی مشکوک بر زندگی مردم حاکم بود. این حالت اگرچه با مزاج عقلی اعراب، که تحرک فکری کمتری داشتند، موافق بود، با تعقل آریایی ایرانیان چندان سازگاری نداشت. از این رو اندیشه ایرانیان به کار افتاد و در تمام رشته هایی، که بعدها به معارف اسلامی معروف شد، از حدیث و تفسیر و لغت و کلام و حکمت گرفته تا نجوم و معماری و طب و شعر و ادبیات آثاری ارجمند به بار آورد.

تصوف ایرانی حاصل تلفیق عقاید تعبّدی و منقولات دینی با مقولات عقلی و فکری ایرانیان در این روزگار است. ایرانیان تصوف را از صورت زهد خشک و خشن به در آوردند و با آمیزه ای از اندیشه های نوافلاطونی به آن زیبایی و مهربانی انسانی بخشیدند. به این ترتیب مهر و شوق و جذبه و خوبی و زیبایی و مدارا بر جای نفرت و کینه و تقاص و تعصب نشست. تصور خدایی جبار و منتقم و بی گذشت بدل شد به پروردگاری سراسر روشنی و مهربان و بخشایش.

گفتارها و سروده های عارفان وارسته و آزاد اندیشی چون ابوالحسن خرقانی، با یزید بسطامی، ابوسعید ابوالخیر، عین القضاة همدانی، سنایی، عطار، و جلال الدین محمد بلخی به جای تعلیمات و تحکیمات صوفیان متعبد مشرعی چون مالک دینار، حسن بصری، نجم الدین رازی و احمد جام پذیرفته شد. در تأثیر آن گفتارها و آموزه ها آدمیان دیگر موجودات مسکین و حقیری نیستند که زیر تازیانه تکالیف خرد شده باشند و از خوف خدا اشک بریزند، بلکه پرتوی از نور ازلای هستند که در قفس تن گرفتار آمده اند و پس از مرگ به اصل خویش باز می گردند.

جلال الدین محمد در غزلی سیر این تحول را شرح می دهد :

مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پا بنده شدم...^{۱۷}

شعر و نثر

دشتی منتهای منشور صوفیانه، آثاری چون تذکرة الاولیاء عطار و فیه مافیه مولانا جلال الدین را به علت در برگرفتن کرامات صوفیان سخت نکوهش می کند، اما از آثار منظوم عطار و مولانا (منطق الطیر و مثنوی) لحنی ستایش آمیز دارد:

در این کتاب [تذکرة الاولیاء] عارف وارسته ای که «بای وحدت بر سر کفر و مسلمانی زده» محو می شود و جای خود را به صوفی محدود الفکری چون شیخ نجم الدین دا به می دهد...

صفحات فیه مافیه سرد و خاموش بود. رقص شعله ها دیده نمی شد و صدای تلاطم دریا به گوش نمی رسید. آن جهش اندیشه، آن قدرت تعبیر و توالی معانی که چون امواج بیابایی در

حرکت و تضادمند، آن نیروی تصرف در مباحث عرفان و کلام و شریعت مثنوی، آن گردبادی که در دیوان شمس به حرکت می آید هیچ کدام در فیه مافیه نبود. چرا؟^{۱۸}

در پاسخ دشتی می توان به آسانی گفت نثر، که ماده اصلی آن را کلمه و واحد آن جمله است، برای ادای افکار و معانی گوناگون به کار می رود و غرض آن ایجاد رابطه میان گوینده و شنونده و انتقال معانی از ذهنی به ذهن دیگر است، در حالی که غرض شاعر القاء حالت نفسانی است که بیان آن جز به زبان شعر ممکن نیست. زبان نثر زبان عقل و منطق است. وسیله رفع نیاز فردی و اجتماعی است، اما شعر هنر است و غرض آن ایجاد حالتی در شنونده یا خواننده است. پس زبان شعر و نثر در غرض و هدف اختلاف دارد و در استفاده از اجزا و مواد و در شیوه ترکیب و تألیف با هم متفاوت هستند.^{۱۹}

از این روست که عطار همان سخنان حلاج و عین القضاة را به شعر می گوید و سنایی به مقامات دینی می تازد، اما کسی به ایشان اعتراض نمی کند. اما جامعه کلام نثر را نه برخاسته از عمق حس و هستی سهروردی که برآمده از عقل و منطق می داند و او را مسؤول می شناسد و همچون حلاج و عین القضاة تکفیر می شوند و سرشان بر باد می رود.

اما تجربه زبانی عطار در نثر تذکرة الاولیاء و مولانا در فیه مافیه که دشتی را گیج و خسته و خشمگین کرده از مرز و منطق نثر پرافراتر می گذارد و به زبان شعر نزدیک می شود. خیال پرداز و خرد گریز می شود، بی آن که به صورت شعر باشد در معنی لحظه و تجربه شعری و صورتهای ذهنی و خیالی به خود می گیرد، زیرا که زبان عارفانی چون عطار و مولانا، در نثر و نظم، زبان ذوق و حال است نه حفظ و قال. اما دشتی در دو کتاب پرده پندار و در دیار صوفیان چون زبان حفظ و قال و عقل و استدلال را در تذکرة الاولیاء نمی بیند و «موضوع نثر را عینی و واقعی» می داند و «موضوع شعر را ذهنی و تخیلی» در رد و انکار متون نثر صوفیه به تکرار و تأکید بسیار می کوشد. گویا دشتی در تأثیر این توهم است که نظم، به علت برخورداری از وزن و قافیه و صنایع بدیعی خاص خود، آن جواز و اختیار را دارد که مضمونی را، هر چند که کرامات و خرافات باشد، در خود جای دهد، اما نثر را چنین جوازی نیست!

دشتی از جهان نمادین و خیالی پارسایان و بیان رمزی در روایت عطار در شگفت می شود: ماری که با شاخه ای نرگس در دهان عبدالله مبارک و مالک دینار را باد می زند؛ شیری که به پاس حرمت خرقة درویش روی بر خاک می نهد؛ گرگانی که گله گوسفند را شبانی می کنند؛ شیری که بر سر خاک ابوالحسن خرقانی طواف می کند؛ چراغی که بر سر انگشت را بعه روشن می شود و بسیاری از این دست.^{۲۰}

باید توجه داشت که عطار روایات خود را در کرامات مشایخ با عبارت «نقل است» می آورد. آیا این عبارت خود اشاره به این ندارد که مضمون این کرامات تاریخ و واقعیت نیست؟ بلکه نقل از مردانی است که ذهن ایشان آمادگی بیشتری برای قبول خرق عادات و کرامات دارد. به گفتهٔ خود دشتی «قصید بیان کرامت است. و کرامت هر قدر از موازین عقلی دورتر باشد بهتر و بیشتر دلیل شأن و مقام شیخ است.»^{۲۱}

اگر این نظریهٔ شفیع کدکنی را بپذیریم که «عرفان چیزی جز نگاه هنری و جمال شناسانه به الاهیات و دین نیست» و زبان ابزار هنری عارف است دیگر تحقیق در تشخیص افسانه و حقیقت روایات صوفیان کاری بیهوده می نماید. زیرا در این نوشته ها ما با گزاره هایی سر و کار داریم که برای یک تن می تواند عین «حقیقت» باشد و برای دیگری «افسانه» محض و در شرایط دیگر آنچه برای کسی حقیقت بوده است دوباره تبدیل به افسانه شود و همان کسی که فلان امر را در روز افسانه می دانست در حالاتی دیگر آن را حقیقت محض به حساب آورد. این جا قلمرو «اثبات» و «نفی» نیست. این جا قلمرو اقیانوس است و بس. این که شما با این گزاره ها اقیانوس شده باشید یا نه. اگر اقیانوس شده باشید «حقیقت» است و اگر اقیانوس نشده باشید «افسانه» است. برخلاف قلمرو علم که گزاره های آن را می توان اثبات کرد گزاره های عرفانی قابل نفی و اثبات نیستند. تنها می توان در برابر آنها اقیانوس شد یا نشد. «دانستن» در این جا معنایی جز «دانستن» در قلمرو علم دارد. اگر اقیانوس شدید دانسته اید و اگر اقیانوس نشدید ندانسته اید. «هر که این کار ندانست در انکار بماند.»^{۲۲}

بنابراین معلوم نیست دشتی چرا در انکار مانده است.

رویکرد دشتی با تصوف اشکال روش شناسی methodology دارد. چنین رویکردی که مبتنی بر عقل و استدلال و در پی رد و انکار است نه تنها تصوف که مشمول کل آراء و افکاری خواهد شد که ریشه در ماوراء طبیعت دارند و قابل اثبات علمی نیستند.

حاصل همین خطای دشتی، که او با استناد به روش محمد قزوینی در بررسیهای تاریخی، افسانه های عارفانه تذکرة الاولیای عطار را بر مبنای روش علمی مطالعات تاریخی مورد سؤال قرار می دهد و می پرسد «به روش مرحوم قزوینی باید پرسید که حادثه ای بدین غرابت چرا در آن زمان ثبت نشده؟» غافل از این که افسانه های عطار در کرامات صوفیان واقعیت خارجی ندارند که در خور ثبت در تاریخ باشند. این افسانه های سرشار از اوهام و خیالات شاعرانه را باید در همان متن روایی شان، بی چون و چرای عقلی، پذیرفت، همچنان که جهانیان اساطیر و افسانه ها و تراژدی های خرافاتی یا نیمه خرافاتی شاعران و

نویسندگانی چون اشیل و اورپید و سوفوکل را به عنوان آثار هنرمندانه زاده خیال پذیرفته اند و ستوده اند.

از این گذشته براساس نظریه عبدالقاهر جرجانی در باب بلاغت، که در نقد ادبی مدرن با بیان دیگر بازگویی شود، نظم در شعر ربطی با وزن و قافیه versification ندارد، بلکه هنری ست در ترکیب کلام که شاعران از این هنر برخوردارند. به این ترتیب می توان بسیاری از شطحیات صوفیه و افسانه های کراماتی را که در متنهایی از قبیل تذکرة اولولیا آمده از مقوله شعر دانست. بنابراین نظریه عنصر تخیل نیست که نثر صوفیه را گاه تا حد شعر برمی کشد، بلکه هنر نظام system، در معنی زیبایی شناختی آن، است که صورتهای خیالی را قدرت القایی می بخشد.

بنابراین تعریف در برخی از نوشته های صوفیه نظم versification نیست، اما نظام system هست. جوهر شعر، که بر شکستن هنجار منطقی زبان استوار است، از نظام سرچشمه می گیرد؛ و این نظام گاهی با «نظم» همراه است مثل شعر حافظ و گاه این «نظام» از «نظم» جداست، چنان که در برخی از آثار منشور صوفیه دیده می شود.^{۲۳} یکی از مظاهر «نظام» این آثار بیان نقیضی و پارادوکسی paradoxical است، چنان که در نثر صوفیه از آن شواهد بسیار می توان به دست داد: «عشق باریده بود و زمین تر شده» یا «روشن تر از خاموشی چراغی ندیدم» از بایزید بسطامی عارف بزرگ قرن پنجم هجری ست، زیرا در بلاغت صوفیه، در شعرهای ناب ایشان، در نظم و نثر، محور زیبایی شناسی، شکستن عرف و عادهای زبانی و آشنایی زدایی defamiliazation است، چه در دایرة اصوات و موسیقی و چه در دایرة معانی.^{۲۴}

با همه سوء تفاهماتی که گریبان دشتی را در قراءت متون صوفیه گرفته نیت او زدودن غبار اوهام و افسانه های خرافی از اندیشه ایرانی قابل فهم است. مشکل دشتی نیز، همانند روشنگران ایرانی در گذشته، در این است که چنان در تأثیر خرد امروزی خود می خواهند متون قرون وسطایی صوفیه را بازنشاسی کنند که حتی نشر آنها را به عنوان میراث زبان و ادبیات گذشته ایرانی صلاح نمی دانند، زیرا می پندارند نشر این متون موجب ترویج اوهام و جهل و خرافات در جامعه خواهد شد. اما درست این است که این متون را باید خواند، راز و رمزهایش را گشود و تأویلها و تفسیرها و گزارشهای تازه ای، با معیارهای نقد ادبی جدید جهانی، از آن به دست داد و از گنجینه واژگان و ترکیبات و تعبیرات آن برای غنی کردن زبان فارسی امروز بهره گرفت.

زیرنویسها:

- ۱- نقشی از حافظ، در قلمرو سعدی، خاقانی شاعری دیر آشنا، دمی با خیام، کاخ ابداع، نگاهی به صائب، تصویری از ناصر خسرو.
 - ۲- شفیع کدکنی، محمد رضا، زبور پارسی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۷. اشاره به نظر حمیدی شیرازی درباره عطار.
 - ۳- تذکرة الاولیاء، چاپ نیکلسون، ۱۹۰۷/۱۳۲۵، ج ۱، ص ۲.
 - ۴- غنی، قاسم، بحث در آثار و احوال و افکار حافظ، ج ۲؛ تاریخ تصوف در اسلام، تهران، ۱۳۵۶، ص ۲۶۶.
 - ۵- پرده پندار، تهران، ۱۳۶۳، ص ۶۲.
 - ۶- شفیع کدکنی، محمد رضا، اسرار التوحید، تهران ۱۳۶۷، مقدمه، ص ۹۹.
 - ۷- پرده پندار، ص ۳۵-۳۶.
 - ۸- شفیع کدکنی، اسرار التوحید، همان جا.
 - ۹- در بازخوانی از افسانه کرامات و رازگشایی از کلام مشایخ گزارشهایی دلپذیر از تذکرة الاولیای عطار به دست داده اند:
- «با یزید در میانه حکایتی که در آن خیال تنبیه ابراهیم هروی را دارد کرامتی را آشکار می کند:
- شیخ دست ابراهیم بگرفت و به کناره ای برد. دست فرادویاری زد. دری گشاده شد و دریایی بی نهایت ظاهر گشت. گفت: بیا تا در این دریا رویم. ابراهیم بترسید و گفت: مرا این مقام نیست.
- این شرح کرامت که در میانه داستان آمده ارتباطی منطقی با روایت و عبارتهای پیش و پس از خود ندارد، یا نسبتهای آن آسان شناخته شدنی نیست. این دریا چیست؟ چرا ناگهان همچون پرده ای از نقاشیهای مگریت [نقاش سوررئالیست] پشت دری گشوده ظاهر شده...؟ به گمان من دریا در حکایت با یزید و ابراهیم معنای یکسره تازه دارد: مرگ است. پای نهادن در بحر فناست... این جا دریا طلب مرگ است که همواره در پس کلام عارفان نهان است.» احمدی، بابک، چهار گزارش از تذکرة الاولیای عطار، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵-۱۸۶.
- ۱۰- شفیع کدکنی، زبور پارسی، حاشیه ص ۱۵، همچنین نگاه کنید به مقاله «ادراک بی چه گونه هنر»، بخارا، مجله، تهران، ۱۳۸۳، ش ۳۸، ص ۱۸۹-۱۹۶. در این مقاله نویسنده نظریه خود را در توجیه شناخت عاطفی و هنری آثار صوفیه با بیانی دیگر تبیین کرده است.
 - ۱۱- سعدی، کلیات، تصحیح فروغی، محمدعلی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۲۱.
 - ۱۲- شفیع کدکنی، زبور پارسی، ص ۱۶.
 - ۱۳- در دیار صوفیان، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۹۵.
 - ۱۴- پیشین، ص ۱۹۸-۱۹۹.
 - ۱۵- همان جا.
 - ۱۶- پیشین، ص ۱۹۲.
 - ۱۷- دشتی، علی، عقلا برخلاف عقل، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۴۰-۱۴۳.
 - ۱۸- پرده پندار، ص ۱۸-۱۹.
 - ۱۹- خانلری، پرویز ناتل، هفتاد سخن، زبان شعر، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۶۵-۱۶۵.
 - ۲۰- گویا کرامات و خرق عادات و معجزات جماعتی از صوفیه مورد تصدیق و قبول عارفانی چون ابوسعید ابوالخیر

نبوده است. در اسرار التوحید آمده: «شیخ ما را گفتند فلان بر آب رود. گفت این سهل باشد که چغزی و بط نیز بر آب روند. گفتند فلان در هوا رود. گفت این نیک ممکن باشد که مگس و زغن نیز در هوا پرند. گفتند فلان به دمی از مشرق به مغرب شود. گفت این سخت آسان باشد که شیطان نیز به دمی از مغرب به مشرق شود. مرد آن است که بخورد و بخسبد و به بازار رود و ستم و داد کند و با مردم درآمیزد و زن خواهد و با این همه دمی از یاد خدا غافل نماند. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تصحیح محمد رضا شقیعی کدکنی، ص ۱۹۹.

۲۱- پرده پندار، ص ۶۲.

۲۲- شقیعی کدکنی، دفتر روشنائی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۸-۲۹.

۲۳- شقیعی کدکنی، موسیقی شعر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۳۹-۲۴۱.

۲۴- پیشین، ص ۴۲۷.

«محکوم به اخراج از دانشگاه»

خاطرات سالهای خدمت* (۲)

در فروردین ۱۳۵۳، که ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد را برعهده داشتم، به پیشنهاد آقای دکتر مزدهی رئیس جدید دانشگاه، به معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه نیز منصوب گردیدم و تا زمانی که ایشان، از تهران به سناتوری انتخاب شدند، علاوه بر تدریس، در این سمت جدید انجام وظیفه می کردم. با انتخاب آقای دکتر مزدهی برای مجلس سنا، دولت درصدد برآمد هم هرچه زودتر رئیس جدیدی برای دانشگاه فردوسی انتخاب کند، و هم برخلاف سالهای پیش، رئیس جدید از استادان همین دانشگاه

* چون در «خاطرات سالهای خدمت» که نگارش آن ادامه خواهد یافت، به ضرورت، به تحصیلات و خدمات آموزشی و اداری خود اشاراتی خواهم داشت، به نظرم رسید مصلحت است رؤس این مطالب را یک بار فهرست وارد این جا بنویسم:
تحصیلات:

دوره ابتدایی: دبستانهای امیر اتابک و زند، در تهران. دوره متوسطه: دبیرستان دارالفنون. دانشگاه: دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، رشته زبان و ادبیات فارسی (دوره های لیسانس، فوق لیسانس، و دکتری از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۶)؛ دانشکده حقوق، رشته علوم قضایی؛ دانشسرای عالی؛ دروس مربوط به رشته دبیری. خدمات آموزشی و اداری:

استخدام در وزارت فرهنگ با رتبه ۳ اداری و حقوق ماهانه ۲۳۲ تومان، با سمت دبیر زبان و ادبیات فارسی در دبیرستان البرز، از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۶.

استادیار، دانشیار و مدیر بخش زبان فارسی: دانشکده فنی آبادان. A.I.T. (مأمور خدمت از طرف وزارت فرهنگ) از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹.

دانشیار، استاد زبان و ادبیات فارسی: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد (فردوسی) از سال ۱۳۳۹ تا

انقلاب اسلامی. ←

باشد. آقای دکتر مزدهی، در اجرای این مقصود، دو سه باری به تهران رفتند و بازگشتند و بار آخر اظهار داشتند نظر وزارت علوم آن است که یکی از معاونان دانشگاه (آقایان دکتر حمید یغمایی معاون مالی و اداری، دکتر معین معاون پزشکی، جلال متینی معاون آموزشی و پژوهشی - به جز دکتر هوشنگ فرشید معاون دانشجویی) به ریاست دانشگاه منصوب گردد. آقای دکتر یغمایی و من به ریاست آقای دکتر معین توافق کردیم. آقای دکتر مزدهی موضوع را در تهران به اطلاع آقای دکتر عبدالحسین سمیعی وزیر علوم و آموزش عالی رسانیدند. وزیر علوم از ما سه تن برای مصاحبه دعوت کردند. ما به تهران رفتیم و ایشان با هر یک از ما جداگانه سخن گفتند. من در مصاحبه به ایشان گفتم به علت مشکلات خانوادگی - درگذشت همسر و سرپرستی فرزندانم - نمی توانم کار سنگین ریاست دانشگاه را عهده دار شوم. ولی با سمت معاونت آموزشی و پژوهشی با آقایان دکتر یغمایی یا دکتر معین همکاری خواهم کرد. ایشان ضمن اظهار کمال همدردی با من درباره مشکل خانوادگی ام، به صراحت گفتند، همه مطالبی را که گفتید به مقامهای مسؤول خواهم گفت، ولی من تصمیم گیرنده نیستم. پس از گذشت یکی دو روز، ایشان تلفنی از تهران به من گفتند روز بعد به تهران بروم تا همراه ایشان برای معرفی به عنوان رئیس دانشگاه فردوسی به حضور شاهنشاه شرفیاب شوم، و همان جا افزودند که من همه مطالبی را که گفته بودید، گفتم، ولی شخص شما را انتخاب کردند. روایت دیگر در این باب آن است که آقای دکتر سمیعی در سالهای اخیر در امریکا در مصاحبه ای با آقای دکتر عباس میلانی گفته بودند در صدد بودیم رؤسای دانشگاهها را از این پس، با نظرخواهی استادان هر دانشگاه انتخاب کنیم و این کار را برای اولین بار در مورد دانشگاه فردوسی انجام دادیم و

→ معاون، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد (فردوسی) از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۳.

«عضو وابسته» فرهنگستان ادب و هنر ایران.

معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه فردوسی، از فروردین ۱۳۵۳ تا تیر ۱۳۵۴.

رئیس دانشگاه فردوسی، از تیر ۱۳۵۴.

استعفا از ریاست دانشگاه فردوسی طی نامه مورخ ۲۵ تیر ۲۵۳۶ خطاب به آقای هویدا نخست وزیر.

ادامه تدریس در دانشگاه فردوسی به مدت یک سال تحصیلی.

مامور خدمت در فرهنگستان ادب و هنر ایران به پیشنهاد آقای دکتر پرویز ناتل خانلری و موافقت دانشگاه

فردوسی.

نایب رئیس فرهنگستان ادب و هنر ایران.

استعفا از نیابت ریاست فرهنگستان پس از انتصاب آقای مهندس بازرگان به نخست وزیری.

اخراج از دانشگاه فردوسی به حکم «شورای انقلابی تزکیه دانشگاه مشهد»!

چون نظر اکثریت استادان با دکتر متینی بود، بدین جهت وی به ریاست دانشگاه برگزیده شد.

بر طبق قرار قبلی با آقای دکتر سمیعی برای شرفیابی به کاخ نیاوران رفتم و پیش از آن که به حضور اعلیحضرت شرفیاب شویم، به دفتر آقای علم وزیر دربار رفتیم. آقای دکتر سمیعی ضمن معرفی بنده به ایشان گفتند فلانی تنها رئیس دانشگاهی ست که همهٔ مراحل آموزشی و اداری را گذرانده است: از نظر آموزشی دبیر دبیرستان و بعد استادیار، دانشیار، و استاد دانشگاه بوده است، و از نظر اداری نیز، سالها معاون و سپس رئیس دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، و در دو سال اخیر معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه فردوسی بوده است. بعد به حضور شاهنشاه شرفیاب شدیم. سپس به مشهد بازگشتم و کار ریاست دانشگاه را آغاز کردم.

ادارهٔ دانشگاهها در آن سالها از دشوارترین کارها بود، مثل امروز نبود که فی المثل دولت انقلاب اسلامی، آخوند دانشگاه ندیده ای را به ریاست دانشگاه تهران منصوب کند و او دسته دسته استادان را بازنشسته یا اخراج کند، و از ثبت نام دانشجویان ممتاز قبول شده در کنکور، نیز فقط به علت داشتن سابقهٔ فعالیت سیاسی، جلوگیری کند و به اصطلاح آب هم از آب تکان نخورد!

ضمن مشکلاتی که در ریاست دانشگاه به مرور برایم پیش می آمد چند بار صریحاً اظهار داشتم که من داوطلب این سمت نبوده ام. حالا حداقل به حرف حسابم گوش بدهید. یک بار همین موضوع را آقای عبدالعظیم ویان استاندار خراسان و نیابت تولیت عظمی آستان قدس رضوی در حضور من تلفنی به آقای علم گفتند که فلانی چند بار گفته است استعفا می دهم. اگر قرار است در این سمت باقی بماند پس باید به حرف حسابش توجه کرد. ناگفته نماند که در چند نوبت مقامهای مسؤول پیشنهادهای مرا پذیرفتند. من در این مدت همچنان به عنوان یک استاد تمام وقت نیز تدریس می کردم. مشکلات اداری دانشگاه روز به روز زیادتر می شد. سرانجام روزی با آقای دکتر قاسم معتمدی رئیس کاردان و موفق دانشگاه اصفهان که در اواخر رژیم پیش مدتی کوتاه به ریاست دانشگاه تهران و وزارت علوم و آموزش عالی منصوب شده بودند و از دوستان نزدیک من بودند، موضوع استعفا از ریاست دانشگاه را در میان نهادم. زیرا می دانستم با داشتن «فرمان همایونی» مجاز نیستم استعفا بدهم. ایشان پس از آن که مطمئن شدند که به اصطلاح خودشان «ناز» نمی کنم و پست و سمت دیگری هم نمی خواهم، بلکه می خواهم استعفا بدهم را بپذیرند و در همان دانشگاه به تدریس ادامه دهم، مرا راهنمایی کردند و گفتند باید نامه ای به جناب نخست وزیر

بنویسی به خط خود، به عنوان نامه خصوصی، و بی شماره دفتر دانشگاه. در آن نامه مشکلات خود را ذکر کنی و تقاضا کنی در صورت تأیید، موضوع را به شرف عرض هما یونی برسانند. من بر طبق راهنمایی ایشان در ۲۵ تیرماه ۲۵۳۶ نامه ای خطاب به آقای هویدا نخست وزیر نوشتم و با پیک خصوصی برای ایشان فرستادم (تصویر شماره ۱: دو برگ). پس از مدتی، از تهران خصوصی به من گفته شد که با این موضوع به طور کلی موافقت شده است، باید شخصی را برای این کار انتخاب کنند. من پس از اطمینان از این امر، لوازم شخصی ام را از دفتر رئیس دانشگاه فردوسی به خانه بردم و بی آن که موضوع استعفای از ریاست دانشگاه را به کسی گفته باشم از مشهد به سوی بابلسر حرکت کردم، نه با اتومبیل دانشگاه، بلکه با اتومبیل کرایه ای. و از بابلسر هر روز با یکی از دوستانم در تهران درباره انتخاب رئیس جدید دانشگاه تلفنی در تماس بودم تا آن که روزی به من اظهار داشت آقای دکتر پرویز آموزگار معاون وزارت علوم و آموزش عالی و رئیس مرکز آزمون شناسی برای ریاست دانشگاه فردوسی انتخاب شده اند. آن گاه با خیال راحت از بابلسر به تهران رفتم. در تهران، آقای دکتر آموزگار که از فارغ التحصیلان دوره اول دانشگاه مشهد بودند (پیش از آن که من به دانشگاه مشهد منتقل شوم) در کمال بزرگواری و محبت به دیدنم آمدند و گفتند چون می دانستم شخصاً از ریاست دانشگاه استعفا داده اید، این سمت را پذیرفتم و از این به بعد برای انجام هر کاری در خدمت شما هستم. من مهر و محبت این مرد را هرگز فراموش نخواهم کرد. وقتی آقای دکتر آموزگار با سمت جدید به مشهد آمدند و من در دانشکده ادبیات به عنوان یک استاد تمام وقت در اطاقی مشغول به کار بودم، ایشان زنبیل گل بسیار بزرگی به دفترم فرستادند و خودشان نیز به دفترم آمدند. و هر بار هم که می بایست در جلسه ای در حضور ایشان در دانشگاه شرکت می کردم، خودشان به دفتر کارم می آمدند و هرچه اصرار می کردم این کار صحیح نیست، جواب ایشان این بود که همه با باید بدانند که شما همچنان در مقام ریاست دانشگاه باقی هستید. به علاوه نامه محبت آمیزی هم به شماره ۳۳۳-۲-۱۱ مورخ ۳۶/۶/۱۴ خطاب به بنده مرقوم داشتند (تصویر شماره ۲).

قریب یک سال با سمت استاد تمام وقت در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی تدریس کردم. بعد به پیشنهاد آقای دکتر پرویز خانلری رئیس فرهنگستان ادب و هنر ایران، و موافقت گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشگاه فردوسی، برای مدت یک سال مأمور خدمت در فرهنگستان شدم. ناگفته نماند که پیش از این تاریخ «عضو وابسته» این فرهنگستان بودم. در تهران با سمت «نایب رئیس

فرهنگستان ادب و هنر ایران» و سپس با عنوان «عضو پیوسته» به کار مشغول شدم. دانشگاه فردوسی و گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی با مأموریت من به این شرط موافقت کرده بودند که من هر دو هفته یک بار به مدت دو روز برای تدریس در دوره فوق لیسانس و دکتری زبان و ادبیات فارسی به مشهد بروم. اما حوادث ماههای پیش از انقلاب اسلامی چنین فرصتی را نداد. زیرا در دانشگاه فردوسی هم مثل دیگر دانشگاهها هر روز تظاهراتی بود و کلاسها به طور منظم تشکیل نمی شد.

پس از انتصاب آقای مهندس مهدی بازرگان، از طرف آیت الله خمینی به نخست وزیری، آقای دکتر خانلری از خانه خود تلفنی به من اطلاع دادند که من استعفا را از ریاست فرهنگستان نوشتم و به وزارت فرهنگ و هنر فرستادم. به ایشان عرض کردم من هم استعفا را بلافاصله خواهم فرستادم. استعفا را نوشتم و فرستادم. و محل کارم را هم در یکی از اتاقهای مخصوص محققین فرهنگستان قرار دادم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انقلابیون، آقای دکتر سیروس سهامی دانشیار جغرافیای دانشکده ادبیات و علوم انسانی را که معلم باسواد بود، ولی احساساتی بود و با اعصابی ضعیف - که در ضمن خیلی زود، به اصطلاح سنگ روی یخ می شد و فریب برخی از همکارانش را می خورد - در آن موقع بحرانی، به سرپرستی دانشگاه منصوب کردند، و آقای دکتر محمد علی برادران رفیعی استادیار روانشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی (دارای دکتری دانشگاهی از فرانسه) را که در مدت ده دوازده سال توانسته بود حتی از استاد یاری به مرتبه دانشیاری ارتقاء پیدا کند به معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه مشهد گماشتند! ناگفته نگذارم که آقای دکتر سهامی پس از مدتی کوتاه در مقام سرپرستی دانشگاه مشهد، مغضوب و زندانی شدند.

پس از فروپاشی رژیم سابق، چنان که می دانیم سیل اتهام به سوی هر کس که برای ایران در آن سالها کاری انجام داده بود روانه شد. از جمله آقای دکتر سهامی سرپرست جدید دانشگاه مشهد (فردوسی سابق) نیز در مصاحبه ای با روزنامه کیهان اظهار داشته بودند که رؤسای پیشین دانشگاه فردوسی هر یک ماهانه یک صد و سی هزار ریال به عنوان ریاست پژوهشگاه شاهنشاهی دریافت می کردند و نیز از مزایای بسیار این مؤسسه بهره مند می شدند. من در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۵۸ نامه ای به آقای دکتر سهامی نوشتم و سخنان ایشان را جداً تکذیب کردم (تصویر شماره ۳).

از طرف دیگر در دانشگاه مشهد به مانند تمام وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی و بخش خصوصی کشور، تنی چند از عاشقان انقلاب و یا فرصت طلبان دست اندر کار شدند و در

زیر نظر ملایان حاکم، به اصطلاح خودشان به «پاکسازی» دانشگاه پرداختند. آنها در مشهد، عنوان «کمیته پاکسازی» را برای خود کافی ندانستند و عنوان دهان پرکن «شورای انقلابی تزکیه دانشگاه مشهد» را برای خود برگزیدند! در ضمن از همان روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی، هم نام دانشگاه فردوسی به دانشگاه مشهد تغییر داده شد و هم آرم دانشگاه. به علاوه انقلابیون، تصویر رؤسای پیشین دانشگاه را هم از اطاق شورای دانشگاه برداشتند، همان طوری که تصویر نخست وزیران ایران را از آغاز مشروطه تا انقلاب اسلامی از دفتر نخست وزیری برداشته بودند.

«شورای انقلابی تزکیه دانشگاه مشهد» مرا به سه جرم «رئیس انتصابی دانشگاه مشهد، با موضع ضد دانشجویی، و همکاری با ساواک»، بی صدور حکمی از سوی دانشگاه اخراج کرد، بی آن که حتی تکلیف حقوق بازنشستگی مرا، که حق قانونی من بود، روشن کرده باشد! من از اخراج خود از دانشگاه که خبرش در یکی از روزنامه های مشهد چاپ شده بود مطلع شدم (تصویر شماره ۴). ناگفته نماند که من کپی این آگهی را سالهاست در دفتر کارم در امریکا نصب کرده ام.

وقتی آگهی شورای انقلابی تزکیه دانشگاه منتشر گردید، برخی به من توصیه کردند نامه ای به اعتراض به شورای مذکور بنویسم. جواب من این بود که اگر راهزنان اموال شما را برابند، نوشتن نامه به رئیس راهزنان نادرست است. لاقفل باید به یک مقام رسمی مثل رئیس پاسگاه ژاندارمری یا بخشدار یا فرماندار نامه نوشت، گرچه آنان قدرتی نداشته باشند و یا شریک دزد و رقیق قافله باشند. پس نامه ای در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۵۸ به آقای مهندس بازرگان نخست وزیر انتصابی آقای خمینی نوشتم و در آن تمام اتهامات شورای انقلابی تزکیه را به شرح رد کردم (تصویر شماره ۵، در شش برگ).

در این نامه از جمله نوشتم وقتی در رژیم پیش شما را به علت همکاری با آقای دکتر مصدق از استادی دانشگاه برکنار کردند، از آن تاریخ تا به امروز حقوق بازنشستگی شما را پرداخته اند، چنان که در مقام نخست وزیری چند بار به صراحت گفته اید که هنوز از حقوق بازنشستگی استفاده می کنید نه از حقوق نخست وزیری. من در دوران خدمت در دانشکده ادبیات متجاوز از ده جلد کتاب تصحیح یا تألیف کرده ام و بیش از سی مقاله تحقیقی نوشته ام که مورد قبول اهل فن در ایران و خارج از ایران است. قریب بیست سال در اعتلای دانشکده ادبیات با کوششهای شبانه روزی خود سهمی غیر قابل انکار دارم و به عقیده دیگران یکی از استادان صاحب نظر و سرشناس دانشگاه فردوسی هستم. به علاوه افزودم که در پس آن سه اتهام یا جرم واهی، دلایل دیگری برای محکوم ساختن من وجود دارد: ۱-

من معلمی بسیار دقیق و سختگیر بوده ام؛ ۲- در کار اداری دانشکده و دانشگاه نیز آدم دقیقی بوده ام و از رفیق بازی برکنار. از ارتقاء همکارانی که دارای مدارک تحصیلی بی ارزشی بودند جلوگیری می کردم، و این امر موجب شد که ۳۵ تن از معلمانی که دارای چنان مدارکی بودند نامه ای به ارتشبد نصیری رئیس ساواک نوشتند تا مرا برکنار سازد؛ ۳- با داشتن اختیار، هر گز معلمانی را که علیه من توطئه می کردند از کار برکنار نکردم.

بدین جهت از شما به عنوان یک همکار دانشگاهی می خواهم که دستور بفرمایید حقوق بازنشستگی پایه ده استادی من، پس از مدتی قریب ۲۹ سال تدریس و خدمت صادقانه به بنده پرداخته شود. زیرا ادامه زندگی من و خانواده ام به دریافت این حقوق بستگی دارد و به یاد داشته باشید که: بد و نیک ماند ز ما یادگار.

نامه را با پیک مخصوص (آقای عبدالحسین بازرگان لیسانسیه رشته زبان انگلیسی دانشگاه مشهد که از دوستان من هستند) برای آقای مهندس بازرگان نخست وزیر فرستادم که به دست ایشان داده شده بود. البته آقای نخست وزیر به آن نامه جوابی ندادند.

ناگفته نماند که گفته می شد بیشتر اعضای کمیته های پاکسازی یا تزکیه را در همه سازمانهای مملکت افرادی تشکیل داده بودند که می خواستند از آب گل آلود انقلاب اسلامی به نفع شخص خود یا سازمانی که بدان وابسته بودند ماهی بگیرند. می گفتند اعضای فعال این کمیته ها بیشتر عضو سازمان مجاهدین خلق مسعود رجوی یا حزب توده ایران بودند که خود، داوطلبانه و مشتاقانه - البته دقیقاً زیر نظر ملایان حاکم - این کمیته ها و شوراهای تشکیل داده بودند تا داد دل از کپتر و مهتر بستانند. ولی چنان که همه شاهد بودیم، «امام» پس از مدتی کوتاه به فعالیت این سینه چاکان انقلاب عزیز اسلامی پایان داد و آن گاه هر یک از آنان ناگزیر برای نجات خود به گوشه ای گریختند.

ناگفته نگذارم که بی تردید دستوراخراج استادان دانشگاهها که نماینده مجلس شورای ملی یا سنا بودند و یا در مقام وزارت و سفارت و ریاست دانشگاه خدمت کرده بودند، محرمانه از سوی حکومت اسلامی به اعضای گوش به فرمان کمیته های پاکسازی یا شوراهای تزکیه دانشگاهها برای اجرا ابلاغ شده بوده است. اختیار اعضای این کمیته ها و شوراهای در این مورد از این حد تجاوز نمی کرده است که برای خوش خدمتی و به منظور موجه ساختن اقدام ناصواب خود در اخراج استادان و کارکنان دانشگاه، اتهاماتی هم به آنان وارد سازند مانند: «مدافع رژیم سابق»، «رئیس انتصابی دانشگاه مسهد با موضع ضد دانشجویی و همکاری با ساواک»، «رئیس انتصابی دانشگاه کرمان و مورد حمایت دربار منفور پهلوی»، «مدافع رژیم منفور سابق»، «عضو مورد حمایت ساواک»، «عضو

ارزنده ساواک»، «همکار مورد حمایت و تشویق ساواک»، «عضو فعال ساواک»، و «خبرچینی علیه دکتر شریعتی» و امثال آن.

بدین ترتیب پس از مدتی قریب سی سال تدریس و خدمت، به دست تنی چند از کارکنان دانشگاه فردوسی (یکی دو تن از استادیاران و مریبان تازه کار و دوسه عضو اداری ساده و دوسه دانشجو) به اخراج از دانشگاه فردوسی «محکوم» شدم. وقتی دوستان اسامی اعضای شورای انقلابی تزکیه دانشگاه مشهد را به اطلاع من رسانیدند، چند تن از آنان را شناختم، ولی یکی دو تن آنها را به جا آوردم و دیدم که «رئیس انتصابی» دانشگاه فردوسی در حق آنان مطلقاً بی مهری نکرده بوده است.

شماره
تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۳۶ خورشیدی
پست



دانشگاه فردوسی و قریئیں

حصصی دست

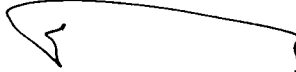
سرور گرامی جناب آقای ایریمیکس هویوا
نخست وزیر ارجمند ایران

ضمن ادای احترام اجازه می خواهم عرض خود را با بیان این حقیقت آغاز کنم که ارادتمند در مدت دو سالی که در زبان مبارک ملوکانه به افتخار بزرگ خدمتگزاری در دانشگاه فردوسی نائل آمده، همواره در وضعیهای مختلف از عنایات و تأییدات شهنشاه آن جناب برخوردار بوده است و بدین جهت وظیفه خود می دانم در این فرصت بسیار صمیمانه خود را به حضور مقرر تقدیم بدارم. اینک نیز بنا به وظیفه ای که برای همه خدمتگزاران شایسته پادشاه آرمانه نائل است، خود را مکلف می دانم، بعنوان یک معلم دستورال دانشگاه که به سائل دانشگاهی کم و بیش واقف است و بخصوص با آنچه در دانشگاه فردوسی می گذرد از نزدیک آشنایی کامل دارد، حقیقت دیگری را نیز یادمانه عرض آن جناب برسانم که اگر قرار بر ادامه خدمت اینجانب در سمت فعلی باشد، دستنباط این بنده آنست که در سال تحصیلی آینده، توفیق آنکس مربوط به دو سال گذشته در ادارات امور دانشگاه فردوسی کمتر نصیب ارادتمند خواهد بود. بخصوص در امور دانشکده پزشکی در آن پزشکی دانشگاه و بیمارستانها که هم پیش از اینی از بودجه دانشگاه صرف کارهای آنجا می شود، و هم قسمت عمده ای از اعضای هیأت علمی دانشگاه در این واحدها تفریق شده بطوریکه مخاطرتیغ مستعد است، اگر کارکنان هیأت علمی این واحدها، که در خارج از دانشگاه نیز به کار اشتغال دارند، ظاهراً یک پزشک و هم زبان خود را بیشتر درک می کنند تا شخصی دیگر را.

در ضمن بآنکه در دو سال گذشته اینجانب کوشیده است وظایف آموزشی خود را بعنوان استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه از نظر تدبیر بطور کامل انجام بدهد، حقیقت آنست که در زمینه کارهای تحقیقی ادبی که قسمت مورد علاقه این بنده است، سبب اشتغالات اداری، کمتر توفیقی نصیب گردیده است.

با عرض مطالب فوق و وظیفه‌اش، دکتری و خدمتگزار ایجاب می‌کند، از سر عهد اقتت
 اکنون شش‌مئص خود را با کسوف آن جناب برساند تا در صورتی که مصلحت بداند موضوع بر دفتر عرض
 هدایتی برسد و بهر ترتیب که اراده‌اش سنیّه مطلوبانه تعلق بگیرد اعلام شود.
 عرض این موضوع را نیز بجامی داند که اگر مصلحت دانسته شود و معوق فرمایند که اینها
 عهد، دار امور دانشگاه فردوسی نباشد، مانند گذشته بعنوان خدمتگزار است هفت، آری نام
 به بندگیس زبان و ادبیات نایس در دانشگاه فردوسی خواهد پرداخت.

با احترام
 ارادتمند،
 حیدر متین





دانشگاه فردوسی
مقدمات

استادارجمند
آقای جلال متینی

شماره
تاریخ
پیوست

اکنون که بنا به اراده سنیہ اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر افتخار خدمتگزاری جامعه دانشگاهیان دانشگاه فردوسی به اینجانب واگذار شده است، لازم می‌دانم صمیمانه خدمات بسیار پرارزش حضرتعالی را که در بنیان گذاری و ارائه حیات علمی این دانشگاه، پیوسته جاودان خواهد ماند، به احترام فراوان یادآور شوم، در حقیقت توسعه و کمال دانشگاه فردوسی در سال‌های گذشته مرهون ومدیون کوشش‌های ارزنده ایست که جنابعالی و دیگر روسای پیشین دانشگاه ابراز داشته‌اند و به نتایج پر بار رسیده است.

تلاش و کوشش بی‌گیر اینجانب معطوف به این نکته خواهد بود که با استفاده از بنیان مستحکم علمی و دانشگاهی که به دست روسای پیشین استوار شده است، با همکاری و همفکری دوستان دانشگاهی و دیگر کسانی که در این راه پیشگام و همقدم بوده‌اند، در ترقی و تعالی شئون دانشگاهی اقدامات لازم دنبال گردد و مسلماً "در این طریق هدایت و راهنمایی حضرتتان برای شخص اینجانب و سایر همکاران از هر لحاظ مفید و ذیقیمت خواهد بود.

فرصت را برای تجدید احترام و ارادت مغتنم می‌شم.

بمهر اردیبهشت ۱۳۳۵
پرویز آرمیگر

۵ اردیبهشت ۱۳۵۸

جناب آقای دکتر سیدرسول حسینی
سرپرست محترم دانشگاه فردوسی مشهد

ضمن احوال احترام در یکی از شماره های اخیر روزنامه کیهان مطلبی از قول جناب آقای دربارۀ تکمیل پروژه دانشگاه
پژوهشی و علمی خواب آورده شده بود که در متن آن فرموده بودید: «روزی پرسیدم از استادان، فرزند ماها تا کی به سر می آید
بیخواب می آید؟ پروژه دانشگاه در ریاضت می گردانند و اندر زبانی بسیار این دو مسئله را می گردانند»
لازم می دانم این موضع را با اطلاع شش جناب آقای برسانم که بنده در دوران خدمتی در دانشگاه فردوسی و پژوهشگاه
مذکور به ماها تا کی به سر می آید، متوفی از پژوهشگاه در ریاضت گردانم و نیز از زبانی استادان آن استفاده نمودم.
این چند سطر را فقط به منظور آشنای جناب آقای در خدمت

احترام
جلال شهن

تصویر انقلابی در

دانشگاه مشهد

اسامی ۲۶ تن از استادان و کارمندان دانشگاه که بجرم همکاری با ساواک و رژیم سابق از دانشگاه اخراج شده‌اند

شورای انقلابی ترکیه دانشگاه مشهد نامبردهگان زیر را به اخراج از دانشگاه محکوم کرد.

- ۱ - پرفسور محمود یضایی، استاد دانشگاه، نماینده مجلس شورای ملی و مدافع رژیم سابق.
- ۲ - دکتر محمود شیبانی، استاد دانشگاه، نماینده مجلس شورای ملی.
- ۳ - دکتر عظیم اسکوئیان، استاد دانشگاه، نماینده مجلس شورای ملی.
- ۴ - ب. جلال متینی، رئیس‌انتصابی دانشگاه مشهد با موافقت شد دانشمندی و همکاری با ساواک.

نقشه در صفحه ۶

تصویر شماره ۴

* اسامی ۲۲ تن دیگر از اخراج شدگان به شرح زیر است:

- ۵- محمد علی میرزائی، رئیس انتصابی دانشگاه کرمان و مورد حمایت دربار منفور پهلوی. ۶- پرفسور سیروس معتمدی، استاد دانشگاه، مسؤول حزب رستاخیز خراسان و مدافع رژیم منفور سابق. ۷- دکتر نصرالله حجازی، استاد دانشگاه - عضو ساواک و فراماسونری. ۸- دکتر حسنقلی مؤیدی، استاد دانشگاه، مورد حمایت ساواک، نقش فعال در حزب رستاخیز. فعالیت مورد تقدیر وی در برگزاری جشنهای تاجگذاری، ۲۵۰۰ ساله و بزرگداشت دهه انقلاب. ۹- دکتر پرویز مرندی، عضو ارزنده ساواک. ۱۰- معصومه بهنام، عضو درجه اول حفاظت (دفتر محرمانه)، همکار مورد حمایت و تشویق ساواک. ۱۱- مهوش نیکجو، استاد یار دانشکده ادبیات، عضو فعال ساواک، خبرچینی علیه دکتر علی شریعتی. ۱۲- محمد رضا کریمیان مربی دانشکده علوم تربیتی عضو فعال ساواک، همکاری با نمایندگی ساواک در امریکا در سال ۵۱، نامبرده در سال ۵۷ اعلان آمادگی برای همکاری در امریکا نمود (قطع بورس). ۱۳- هاشم عسکرزاده کارمند دانشکده داروسازی عضو فعال ساواک، در اوج انقلاب دیماه ۵۷ که به مناسبت فوت پدرش از امریکا به ایران می‌آید گزارشات مؤثری از مبارزات مردم به ساواک داده است (قطع بورس تحصیلی). ۱۴- محمد ناصری مربی دانشکده حقوق عضو فعال ساواک، در بین روحانیون مبارز نفوذ کرده و نامبرده با سوء استفاده از لباس روحانیت تا دیماه ۵۷ گزارشات مؤثری به ساواک داده است. ۱۵- کریم اینانلو نگهبان دانشکده علوم تربیتی عضو ساواک. ۱۶- رضا مشیریان فراهی کارمند مرکز پزشکی مصدق عضو ساواک، استخدام مهر ۵۷. ۱۷- دکتر محمد رشاد اسماعیلی زاده استاد یار دانشکده ادبیات همکاری با ساواک در بولتن عربی خبرگزاری پارس. ۱۸- سید عبدالحسین هاشمی استاد یار دانشکده ادبیات عضو فعال ساواک. ۱۹- مبارکه امینی کارمند دانشکده دندانپزشکی «عضو خوب» ساواک. ۲۰- خلیل نوعی کتابدار دانشکده ادبیات عضو ساواک. ۲۱- علی اکبر ثانی خیابانی کارمند دانشکده داروسازی عضو فعال ساواک از سال ۴۸. ۲۲- رجب محمدیان کارمند دانشکده ادبیات، عضو ساواک. ۲۳- فریدون صالحی کارمند دانشگاه، عضو ساواک. ۲۴- حسین مصنع رضوی عضو فعال ساواک کارمند سازمان مرکزی دانشگاه؛ ۲۵- ابوالفضل کارآموز رضوی کارمند دانشگاه عضو ساواک. ۲۶- خسرو حاتمی کارمند دانشگاه تقاضای عضویت در ساواک که پذیرفته شده است.

دانشگاه مشهد، شورای انقلابی ترکیه

۲۰ فروردین ۱۳۵۸

جناب آقای مهندس محمد بازرگان

مختص دفتر دولت وقت جمهوری اسلامی ایران

ممن از اراک محترم خاطر مشورت مستخفیست پس از ۲۸ مرداد ۱۳۴۲ دولت سپید زاهدی رئیس وقت دانشگاه تهران را در پیش فرار داد تا منی چند از استادن داخل آن دانشگاه را به سبب همکاری با دولت اکثر مصدق از کار برکنار و بازنشسته نماید. ولی رئیس وقت آنکس که من این درخواست را دستور را بپذیرفت و اعلام کرد «استاد را با رفت داد در دولتها و نظایر آن خصوصاً با استقا چون می ارشد کاری نیست. این با من صحیح و صحیح است» همان را نسبت به رئیس وقت دانشگاه تهران جلب کرد. هر چه سرانجام آن استادان گذر فرزند وقت بازنشسته کرد. اگر اشتباهی کنم شخص جناب که از من استادن داخل بودیم که بهین ترتیب بازنشسته شدیم و در این دوران از محضر درستان محترم گردیدیم ولی دولت وقت با پرداخت حقوق و دستمزد کلی امکان ادامه زنده ماندن را بر ما بسته و افزا خوار و تحقیر ما فرمود. - نظر بنده کار ما به «همیشه» است بی توجه به نامل آن دوران وقوع آن وقت جناب که نیز به عنوان یک استاد که من سال در دانشگاه تهران (نه به عنوان یک سیاستمدار و مختص وزیر دولت وقت جمهوری اسلامی که مانده در دولتها و دانش مستعمل است) با بنده هم عقیده دارید که: بی بد است و از نظر اصل وقت غیر قابل توجیه.

با توجه به این مقدمه در طلب خود را بعد از خدمت به اهدای جناب عالی رسانده:

کتابخانه این نامه اکثر مجلدات منی استاد زینت دادیست نامر دانشگاه فردوسی مشهد و همچنین پرسه از خدمت ادب و هنر ایران که در سال ۱۳۴۹ - خدمت دولت رسانده است و این کتاب را در آموزش و اداری بی شمع نیز من می پندم

دیروز در شان الهیز تهران (۱۳۴۹ - ۱۳۴۲)، استاد بهر، در شیر و در مجلس زینت نامر دانشگاه با منی

آبادان (۱۳۴۹ - ۱۳۴۲)، در شیر، استاد زینت دادیست نامر دانشگاه که معلوم است آن دانشگاه فردوسی مشهد

(۱۳۴۹ - ۱۳۵۸)، بیرون در من تدیس در دانشگاه فردوسی: معاون دانشگاه با ادبیات (۱۳۴۰ - ۱۳۴۷)،

رئیس دانشگاه با ادبیات و علوم است (۱۳۴۷ - ۱۳۵۲)، معاون آموزش و تربیت دانشگاه فردوسی (۱۳۵۲ - ۱۳۵۴)،

رئیس دانشگاه فردوسی (تیر ۱۳۵۴ - فروردین ۱۳۵۶)، تدیس در دانشگاه فردوسی (۱۳۵۵ - ۱۳۵۷)، با مرصه

در فرهنگ ادب و هنر ایران، تهران (مهر ۱۳۵۷ به بعد).

در این مدت این کتاب مجدداً در بازار درج گردید - تقصیر یا تالیف کردن در پیش از منی معالجه تحقیقی داشته که

۲

که مورد قبول اهل فن در داخل و خارج از کشور قرار گرفته است. پیاده در تمام دوران خود، عنصری هیچ یک از احزاب را نپذیرفته است جز حزب رشتخیز که گفته شد ملت ایران عنصر آن بشمار می رفته.

اینک بوقیه به این سواین اتمام گردیده است که «کمیت» ترکیب و تصفیه در رشتخیز از کس این جنب را به جرم رئیس انضامی در شنگاه، با موضع همه دانشمندی و دلگامی با سوادک «از در شنگاه» «افواج» کرده است تا از این پس جهت همه کس آن در شنگاه، از لوث و دود آلودگی پاک شود که قریب بیست سال در امتدای در شنگاه باور داشتند با گذشته های شبانه روزی خود سهمی غیر قابل انکار دارد و یکی از افسران صاحب نظر و سرکنس آن در شنگاه است... ملاصدقی فریاد می کند پس از یک ربع قرن با تمام حوادث در شنگاه که آن در شنگاه فرزاد کس می گزاردند، با این تفاوت که این بار در شنگاه «کمیت» ای به اتمام پذیرد یعنی این کار برای داده است می آن که موضع زندگی آن آنگاه در خازان این را پس از این تاریخ مدتها ساخته است حتی با صدور حکم بازداشتی... گفته اند کمیت آن که به صدور چنین رای می مبادرت کرده از چندین اندیشه برون و گام برداشتن از اسی و دوری از کار مزدی آن در شنگاه. و یکسری از مدعیان عالی مقام تشکیل شده بودند. اگر بی فکرانه بگویم بپذیریم که این همه از اینکانه دلی مقصدی می فریاد می که در شنگاه در همه مملکت ایشان یا از «مجدوبان» بشمارند یا از «مردمان». مگر جز این است که خود جنب را به جهت نخست و نیز مسئله با از اشتغالجویی های مردمی از به قدرت رسیدن آن در کمیت ها با مردم در ردل کرده اند؟

ذی القام لی دانند به ذکر که چنین گفتار را با سه جر می که به این جنب نسبت داده اند بپردازد:
۱- رئیس انضامی در شنگاه: اطلاع داریم «انضامی» بودن به بنده اصحاصی نداشته است. بر طبق قانون تا مهین ۱۳۵۷ رئیس هر در شنگاه به پیشنهادیه است اما آن در شنگاه در زمان شاه مصوب می گردید. هیچ یک از رؤسای و معاونان در شنگاه در این دوره ای که در شنگاه در رؤسای چهارستان در شنگاه «انضامی» نبوده اند که بنده استناد به مملکت «انضامی» بودن «حجم شناخته شوم. اگر مقصد این بود که سمت مرا در شنگاه می داشت می در شنگاه «رئیس کمیسیون در شنگاه». از طرف دیگر مگر در دولت وقت جمهوری اسلامی برخی از فعالان انضامی نیست؟

اما درباره «کمیسیون انضامی» این «رئیس انضامی» با چه صریح عرض کنم که وی دارطلب ریاست در شنگاه نبوده است بنده حیدر از قبول این سمت سه ساله از زم. ولی چون رئیس وقت در شنگاه فرزندش (آقای دکتر فردوس) به نمایندگی مجلس شناخته شده بودند، دولت سلخاست زودتر رئیس برای در شنگاه انضامی گند، تقسیم گرفته پس از سالها، یکی از افسران در شنگاه فرزاد کس را به ریاست این در شنگاه برگزینند و نیز برافتند کرده بودند از به شش از

۴

در باره تعلیق با افواج دولت یاد از دستنویز به انصاف من رسید است. ولی گفتار داریم که در هر دو نسخه کتبه انصاف علی و در دو نسخه
 این کتبه؛ حضرت ساینده در دستنویز (که در فهرست معتبره است علی در دستنویز) خود بودند) و معانی بلا تکلیف در آن کتبه و در دو نسخه «در دستنویز»
 تشکیل گرفته و خدایا در دستنویز را مورد رسیدگی قرار می داد و در آن کتبه علی صورت حجب آن که به انصاف علی حاضران در کتبه
 می رسید به در دستنویز تسلیم می گردید. بر طبق کتب اهل در آن زمان، سادون آن کتبه و در دو نسخه «در دستنویز» این صورت حجب را
 به عمل نداشتن برابر شمس در دستنویز می فرستاد تا در آن کتبه را به برد اجزا بگذارد. دستنویز بیان که تعلیق آن معنی گردید
 یا از دستنویز افواج گرفته اند هر یک چنین صورت حجب می بود است (سابقه در بردن معانی و در هر دو نسخه «در دستنویز» یا کتبه
 شده است). همین جهت این حجاب. به عنوان مابین بار شمس در دستنویز را از تکمیل معنی یا از دستنویز،
 افواج کتبه ملام. از طرف دیگر توفیق در دستنویز از طرف ملام انصاف می بود و وجه به زان این کتبه است با علی نه است
 تا وجه به این معنی است در بین همان زمان که چنین صورت حجب آن را اعتبار کرده اند که در آن کتبه را «فصل در دستنویز»
 اعلام کردن صورت علی که در هر دو نسخه «در دستنویز» که عاقله علی می باشد.

۳- ملامی با ساداک: معتقد این ملامی چیست؟ گمان بنده آن است که معتقد کتبه «در دستنویز» در کتبه
 از دستنویز ملامی با ساداک «به بنده» «عفتیت ساداک»، «ملامی مورد هایت و شوقی ساداک»،
 «عفتی فصل ساداک و جز چنین»، «عفتی بنده ساداک»، «عفتی خوب ساداک» و امثال آن است
 که در مورد برخی دیگر از افواج شده ایم از دستنویز، فرموده ساداک است

در دو نسخه پیش، در دستنویز که در دستنویز از کتبه ملامی در دستنویز است. بی اشتباه، پیش از آن که اکتم شوند، نخست
 باید صلاحیت بسیار این ملامی ساداک در دستنویز قرار می گرفت. آیا در زمان فی المثل کار همه کاره ملامی را که در
 کتبه در دستنویز، در دستنویز، در دستنویز و امثال این پرستند به ساداک فرموده اند، و نیز در عمل کتبه ملامی
 با ملامی ساداک و این جز ۱- مثبت یا منفی آن را به ساداک ملامی با ساداک «نامیده؟ از طرف
 دیگر در همان نسخه ساداک که در دستنویز در دستنویز ام از آن کتبه یا از آن کتبه که پس از عمر از صفای ساداک استند می کنند و
 چون شهر به هفت سیست هکت است بر در دستنویز، پس از آنکه در دستنویز از هفت سیست بر گرفته اند، آیا در زمان گفت
 هر کاره ملامی که کارش مورد ایراد ساداک قرار گرفته و فی المثل به کار خود در دستنویز ادامه داده و از آن کتبه ملامی
 تمام است و این ابرقار یافته، در هر کتبه، سادون در دستنویز در دستنویز «در دستنویز» و امثال آن شده، با ساداک
 با صورت علی در افواج از کتبه ملامی گرفته است «ملامی با ساداک» «نامیده» «ملا» «در کتبه» «در کتبه»
 کتبه از ملامی حفظت و در دستنویز که به ملامی انصاف من رسیدیم بود. در دستنویز «در دستنویز» «در دستنویز»
 (مانند معتبره) مستقیماً در دستنویز شمس شهر با ملامی و ملامی کرد.

نقد و بررسی کتاب

حشمت مؤید

رسالة قدسیة طریقت صدیقان

یازده سیر در قلمرو لاهوتی عالم معنا «هو»

مؤلف: بهمن گازرپور

(با مقدمه: پروفیسور فاروق صفی زاده)

انتشارات حروفیه، تهران ۱۳۸۴، ص ۵۱۳، بها ۵۹۰۰۰ ریال

پارانوها فایوگاندا

بخوانید و بخندید*

در پیشگفتار این کتاب می خوانیم:

داریوش مادی در سنگنبشته ای می نویسد: به خواست اهورامزدا من چنینم که راستی را دوست دارم و از دروغ روی گردانم. دوست ندارم که ناتوانی از حق کشی در رنج باشد. همچنین دوست ندارم که به حقوق توانا به سبب کارهای ناتوان آسیب برسد. آنچه را که درست است من آن را دوست دارم. من دوست برده دروغ نیستم. من بد خشم نیستم. حتی وقتی خشم مرا می انگیزاند، آن

* مغرضان می گویند وزارت ارشاد اسلامی در نشر کتاب بسیار سختگیری می کند و بدین جهت بازار کتاب در ایران دچار رکود بی سابقه ای شده است. مغرضان نمی دانند که وزارت ارشاد اسلامی با چه زحمتی به اصطلاح موی را از ماست می کشد، تا کتابهایی ناب مثل این رساله قدسیه را به دست مردم برساند.

ایران شناسی

را فرومی نشانم. من سخت بر هوس خود فرمانروا هستم.

آقای پروفوسور صفی زاده به دنبال سنگنبشته می نویسد:

چنین بیانیه ای از زبان یک پادشاه ایرانی در آن هنگامه به معجزه می ماند. در نظام پادشاهان ماد و هخامنشی حتی کودکان خردسال از پوشش خدمات حمایتی اجتماعی بهره می گرفته اند. مادران از مرخصی و نیز حق اولاد استفاده می کردند. حقوق زن و مرد برابر بوده و زنان امکان داشته اند کار نیمه وقت انتخاب کنند تا از عهدهٔ وظایفی که در خانه و به خاطر خانواده داشته اند برآیند، که تمامی اینها به خاطر عرفان خاص آریایی برگرفته از ادیان ایرانی بوده است....

در این پیشگفتار بی اندازه عالمانه که ۱۸ صفحه است و در فروردین ماه «۹۱۳۴» مادی و «۱۳۸۴ خیامی») نوشته شده، پروفوسور صفی زاده یک بررسی کامل از فلسفه و عقاید و هدفهای ادیان معروف دنیای قدیم - مانویت، مهرپرستی، زروانی، بودایی، زردشتی، یهود، و مسیحی - عرضه داشته و البته تصوف و عرفان را هم فراموش نفرموده اند. راستی چه شادی آور است که زادگاه جمیع این ظهورات آسمانی و تجلیات معنویت را سرزمین ایران دانسته اند و در اثبات این حقیقت شواهدی از سرپرسی سایکس، پروفوسور پوپ، تاگور، ژ. دومویل، وینی، ستر، بوکلن، وان گال، و شارل اوتران آورده اند.

کتاب به ۱۳ «سیر» تقسیم شده است. در سیر اول با «اسامی رئیس الملائکه های خاص حضرت حق تعالی» یعنی حضرات اسرافیل، جبرائیل، کلاطیل، رقیمایل، روزمایل، سرفیاییل، تبکاییل، تبکاییل، تشراکیل، سمعکلیاییل، اسمحطاییل.... و چند سرفرشتهٔ دیگر آشنا می شویم. در همین «سیر» اسامی ۲۹ تن پیمبران خاصهٔ حق تعالی و نیز ۱۲ تن ائمهٔ شیعیان را (که احتمالاً بنا بر مصلحت وقت با سرفرشتگان و پیمبران همنشین شده اند) ضمناً حضرات لوط، ذوالکفل، الیسع، خضر، و شعیب هم در کنار حضرات موسی و عیسی و محمد نشسته اند.

بخش دیگر همین «سیر» با نامهای حضرت فاطمه و حضرت مریم و فاطمه بنت اسد و زینب و رقیه و سکینه و نرگس آغاز می شود و با نقل بیش از ۲۳۰ تن دیگر ادامه می یابد. اکثر این بزرگان طباطبائی و بروجردی و تعدادی نیز قمی و یزدی و اصفهانی... می باشند. مؤلف مهربان کتاب برای عرض ادب و خشنودی ارواح مطهرهٔ آنها ایامی را روزه گرفته است به این امید که «مورد قبول حضرت حق قرار گیرد...». بلافاصله پس از این التماس دعا می رسمیم به فهرست پیران که با نام حضرت زردشت پیامبر بدون عنوان پیر

شروع می شود و با اویس قرنی و پیر حسن بصری (ص ۵۴-۵۷) ادامه می یابد و سپس نوبت به «درویشان» می رسد. در این فهرست به چند چهره آشنا بر می خوریم مانند پیر شیخ عطار نیشابور، پیر شهاب الدین سهروردی، رضا قلی خان هدایت، پیر علامه محمد قزوینی، پیر ابواسحق اطعمه، پیر میرزا تقی خان امیرکبیر، پیر خواجه محمد حافظ شیرازی، پیر شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، پیر نظامی گنجوی، پیر وحشی بافقی، پیر جناب ابوالقاسم فردوسی، پروین اعتصامی، جناب سهراب سپهری، پیر ادب عبدالحسین زرین کوب.

امیدوار بودم که علاوه بر فروزانفر و فاضل تونی و بهار و بهمنیار و پورداد و همائی و محمد معین و ذبیح الله صفا و بسیار استاد نامور دیگر اسامی امثال فروغ فرخزاد و سمین بهمنانی و بانو قمرالملوک وزیری و دلکش و روحبخش... را نیز در کنار آن نام آوران دیگر بینم. معلوم نشد که چرا دست غیب بر سینه این نامحرم زده است. غم انگیزتر این است که ابن سینا در ردیف چندین امامزاده، از جمله «سید زاهد شکرآب آهار» جا گرفته است باوجودی که خود او بیش از هزار سال قبل این تبعیض را پیش بینی کرده و گفته است. مؤلف محترم لطف فرموده، «۱۱۰ روز برای عرض ادب و ارادت به تمام سفیران عوالم روحی روزه گرفته» است.

جالب تر بخش بعد است با حدود ۳۰۰-۴۰۰ نام غیر اسلامی از بسیاری مردان و زنان هندی و بودایی و مسیحی و یهودی و هر قوم و قبیله اروپایی و امریکایی، از جمله: پارانوها فایوگانانا، تیدورساگی، توموگشیک، کروترانوتل، استیل سیتد هترافروز.....

در همین فهرست اخیر اسامی آشناتری از قبیل هنری برجسون، لائوتزه، موزارت، بتهوون، ویکتور هوگو، دیکنز، فیثاغورث، گوته، علیشاه قلندر و گروهی زنان غیر شرقی که بنده یک نفرشان را هم به جا نیاوردم، در کنار هم ردیف شده اند. گمان می کنم جیجک علیشاه سهواً از این صورت افتاده است که باید در چاپ بعدی به آن اضافه فرمایند.

سیر دوم کتاب، کشف «اسرار اسماء هو» را عرضه می دارد که با «الله» شروع می شود و با «ضار» به پایان می رسد. «ضار یکی از اسماء خداوند است برای رساندن خواری و درد به هر جبار و سرکش». «خواندن یا ضار یا نافع» با هم بهتر است. (ص ۹۰) سیر سوم، شامل «اسرار ۱۱۴ شاهراه به قلمرو لاهوتی هو» است یعنی ۱۱۴ سوره قرآن مجید.

در سیر چهارم، ۷۸۶ نورهدایت کننده به سوی قلمرو لاهوتی هو فهرست شده اند.

سیر پنجم، شامل ۵۹ نور آسمانی ست در سیر و سلوک از صد یقان و سفیران آسمانی «هو». مثلاً سی امین نور آسمانی در سیر اذکار حقیر / توکلت علی الله. «به اذن الله ذکر توکلت علی الله را چله ای روزانه ۱۱۰ مرتبه ارائه طریق نمودیم تا مستی نکرده باشیم.» (ص ۲۶۶)

سیر ششم، «چهل چله برابر با هزار و ششصد روز روزه به یاد مریدان عشق برای سلطان عشق هو». هر روز نامی و آیات و واجبات و آدابی دارد که در مجموع (با اجازه و طلب عفو از مؤلف) به هذیان مجانین بیشتر شبیه است تا به ذکر و مناجات. سیر هفتم، در شرح «اسرار اعداد و حروف لاهوتی «هو» و توضیح رموز نهفته در حروف خط عربی.» مثلاً: بدان ای دوست ارجمنند، «صاد» از عالم غیب و جبروت می باشد و مخرجش بین دو طرف زبان و بالای دندانهای پیشین پایین می باشد. عددش نزد ما شصت و نزد صاحبان انوار نود می باشد. هر کس حرف دال را هر روز هزار بار گوید به مراد رسد، و اگر هفتصد بار بر شیرینی بخواند و پیش سگ اندازد نزد مردم شیرین شود. و اگر کسی دینه ای دارد و نداند کجاست هفتصد بار در گوش خروس بخواند، خروس تا سر دینه رود.» (ص ۳۱۲)

سیر هشتم، نسخه های اسرار صد یقان عالم معنا لاهوتی «هو» را رومی کند که ۱۳۰ نسخه است و هر کدام با خطاب «و تو ای عاشق» شروع می شود. مثلاً «نسخه ۴۶- و تو ای عاشق، از حضرت امام رضا مروی ست که گفتن ۹۴ مرتبه «یا غنی» پس از نماز صبح موجب کشف اسرار کیمیا و سیمیا می شود.» (ص ۳۴۵) نسخه ۱۱۸- «و تو ای عاشق گویند از شب جمعه چهل شب هر شبی دوازده هزار بار یا هو یا من لاهو الآهو برای نیل به مقصد اثر عجیب دارد.» (ص ۳۶۰)

سیر نهم، چهل چله برابر هزار و ششصد روز روزه به یاد مریدان عشق برای سلطان عشق «هو». چله سوم (خواندنی ست): چهل روز برای رئوس ملائکه (یعنی فرشتگان) با قید اسامی ۲۸ فرشته. (ص ۳۶۶).

این کتاب دریای سخت آشفته ای ست که به جای در و مرجان، تا بخواهید خر مهره و خرف در آن خواهید یافت. آنچه در این یادداشت عرضه گشت مشتی ست از خروار تا بدانید ما (ایرانیان) کجا بیم در این بحر تفکر و کفاری که دارند دل آسمانها را می شکافند و خاک و سنگ کره مریم را تجزیه می کنند کجا!

بخش زبانها و تمدنهای خاور نزدیک، دانشگاه شیکاگو

گلگشتی در امثارات فارسی

فولاد قلب. زندگینامه دکتر محمد مصدق

نوشته مصطفی اسلامی، انتشارات نیلوفر (خیابان دانشگاه)، تهران، ۱۳۸۱، صفحات: ۵۰۲، بها ۲۹۰۰ تومان

کتاب فهرست ندارد و بخشهای آن با شماره از ۱ تا ۲۷ از هم جدا شده است. کتاب با «درآمد» آغاز می شود که آقای اسلامی در آن نوشته است: «در پائیز هراس انگیز سال ۱۳۳۲، گروهی از نظامیان در تالار آیینة قصر سلطنت آباد برای محاکمة مردی گرد آمده بودند که خود راهنوز نخست وزیر قانونی کشور و فرمانده آن سرلشکر و سرتیپ و سرهنگهایی می دانست که برای سربازی و جانفشانی در راه وطن سوگند یاد کرده بودند و هیچ کدامشان در وطن پرستی کسی که می خواستند محاکمه کنند تردید نداشتند. در آن دادگاه، این مرد که از همه سالخورده تر بود و بیش از همه محاکمه کنندگان خود با حقوق و قوانین و تاریخ مردم ایران آشنایی داشت... به اتهام سوء قصد علیه سلطنت... در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد محاکمه می شد...»

«اوضمن آخرین دفاع خود در دادگاه نظامی گفت: «آری تنها گناه من و گناه بزرگ و بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کردم و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراتوری های جهان را از این مملکت برچیده ام و پنجه در پنجه مخوف ترین سازمانهای استعماری و جاسوسی جهان درافکنده ام.»

مؤلف توضیح داده است که «این کتاب کوششی ست... برای شناخت بیشتر این شخصیت اسطوره ای که از بالاترین قشر اشرافیت قاجار برخاست، به پاریس و نوشاتل رفت، به میان مردم بازگشت و الهام بخش اعتماد و آگاهی هزاران آدمی شد که در بن بست استعمار زدگی خویش تا «با مرگ یا مصدق» پیش رفتند.»

مؤلف در همین «درآمد» یادآوری کرده است که در نگارش کتاب «بیش از هر چیز به نوشته ها و

گفته های خود دکتر مصدق تکیه» کرده است.

کتاب برای علاقه مندان به تاریخ معاصر ایران قابل استفاده است.

وصیت در حقوق اسلامی (شیعه)

نوشته محمد مصدق، ۱۹۱۴، ترجمه علی محمد طباطبائی، انتشارات زریاب، (تلفن ۶۶۷۰۶۶۷-۶۶۶۷-)

۶۶۹۹۴۳۷) تهران، ۱۳۷۷، صفحات: ۲۱۶، بها ۷۵۰ تومان

دکتر مصدق در خاطراتش درباره نگارش رساله دکتری خود در رشته حقوق نوشته است:

«بعد از خاتمه امتحانات و گرفتن دیپلم لیسانس... موضوع تزا را هم که دانشکده حقوق [نوشاتل،

سوئیس] تصویب کرده بود راجع به وصیت در حقوق اسلامی بود که در تهران بهتر می توانستم کار کنم.» یعنی

اول به فارسی تهیه کنم و متخصصین اظهار نظر کنند، سپس آن را ترجمه کرده به دانشگاه پیشنهاد نمایم.»

وی به ایران بر می گردد. می نویسد برای تهیه متن فارسی تز دکتری خود «با شادروان شمس العلماء قریب

مشورت کردم. علی اصغر ماجدی را در نظر گرفت و من نه فقط از معلومات، بلکه از صحت عمل او هم...

استفاده نمودم. و بعد مقدمه آن را هم که مربوط به مدارک حقوق اسلامی ست با نظر استاد خود شیخ محمد

علی تهیه کردم که دیگر کاری نداشت جز این که ترجمه شود و آن را در سوئیس بهتر می توانستم به انجام

برسانم.» «من در تمام مدت اقامتم [در نوشاتل] همه روزه تا ظهر به کارآموزی مشغول بودم و عصرها هم با یکی

از دانشجویان همدوره خود به ترجمه تزا اشتغال داشتم...» (خاطرات و تالمات، ص ۷۹-۸۱)

اینک تز دکتری دکتر محمد مصدق که در سال ۱۹۱۳ میلادی به تصویب دانشگاه نوشاتل سوئیس رسیده،

به کوشش علی محمد طباطبائی، از فرانسه به فارسی برگردانیده شده و با پیشگفتاری در ۸ صفحه به چاپ

رسیده و در اختیار علاقه مندان قرار داده شده است. چون دسترسی به متن فرانسوی این تز دشوار است، ترجمه

فارسی آن معتم است.

سوء استفاده از کلام خدا

خاورمیانه در کوران بنیادگرایی، نوشته مصطفی دانش، شرکت کتاب (Ketab Corp. 1419)

16 Westwood Blvd., 1419 Los Angeles, CA 90024، ۲۰۰۴/۱۳۸۳، صفحات: ۳۰۹ + ۱۶

صفحه تصویر، بها (؟)

فهرست: پیشگفتار؛ درگیری خاورمیانه، بهره برداری ابزاری از یک بحران؛ ایدئولوژی ترور اسلامی؛

افغانستان؛ سرزمینی میان ذهنیت عشیره ای و دین اسلام؛ آسیای میانه، آوردگاه ابرقدرتها؛ ایران، بنیادگرایی

اسلامی در صحنه بین المللی؛ در رزمگاه افغانستان؛ کشور هزار پادشاه؛ سپاه داوطلبان، رزمندگان عرب در

افغانستان؛ جهادگران در سرزمین بیگانه؛ افغانستان، انقلاب فرزندان را می بعد؛ افغانستان، قربانی آزمندی

قدرتهای بزرگ؛ ایران، تشکیل حکومت دینی؛ طالبان و القاعده، اتحاد برای ترور؛ پایان سخن

مؤلف کتاب متولد سمنان است. در بیست سالگی برای ادامه تحصیل به آلمان رفته، دارای درجه دکتری

در رشته علوم سیاسی از دانشگاه کلن است. وی از سال ۱۳۵۴ به کار خبری پرداخته و به عنوان خبرنگار جنگی

به مناطق مختلف دنیا از جمله ویتنام، کامبوج، آنگولا، اتیوپی، لیبی، افغانستان، آفریقای جنوبی، نیکاراگوئه، ایران، عراق سفر کرده. با بیش از بیست رئیس جمهور و رهبران سیاسی و سیاستمداران دنیا مصاحبه داشته. مقالاتش در مجله ها و روزنامه های معروف آلمان و سوئیس و هلند و اتریش به چاپ رسیده. فیلمهای متعددی از وی در تلویزیونهای آلمان و سوئیس و هلند و اتریش به نمایش درآمده است. وی از آغاز کشمکشهای خشونت بار در افغانستان از اوائل دهه ۱۹۸۰ سرگذشت این کشور را از نزدیک دنبال نموده و تا زمان تألیف کتاب - سال ۲۰۰۲ - حدود هفتاد بار به این سرزمین سفر کرده و با بازیگران اصلی تحولات افغانستان دیدار داشته. کتاب مورد بحث ما در این مقاله، آخرین دستاورد اوست که به رشد بنیادگرایی و زمینه های فعالیت تروریستی در این منطقه اختصاص دارد. در خلال اولین جنگ خلیج فارس نیز او تنها مخبری بود که از درون خاک عراق برای رسانه های غربی گزارش می فرستاد.

آقای مصطفی داشتن کتاب را به «تمام قربانیان با نام و گمنام نظام مذهبی تقدیم» کرده و افزوده است «رژیم اسلامی حاکم در ایران برادرم را حتی از سنگ قبری شایسته محروم ساخت.»

کتاب سوء استفاده از کلام خدا در رسانه های گروهی آلمان بازتاب بسیار گسترده ای داشته که برخی از اظهار نظرها در کتاب چاپ شده است. از جمله خانم ریتا زوسموث که بیش از ۱۴ سال ریاست پارلمان آلمان را به عهده داشت در جمع بیش از صد تن خبرنگاران و علاقه مندان به امور سیاسی درباره این کتاب اظهار داشت: «دکتر دانش در کتاب خود خواننده را با خود به صحنه ها و وقایعی می برد که خود شاهد عینی آنها بوده و این مطلب، کتاب را بسیار با اهمیت می نماید... کتاب مذکور فقط برای مطلعین و آشنایان به امور سیاسی نگاشته نشده، بلکه برای تمامی اشخاصی ست که می خواهند بدانند در دنیا چه اتفاقی رخ می دهد و بالاخص از جهان و ایده ای صحبت می کند که برای غرب ناآشناست.»

کتاب را باید به دقت خواند و برخی از قسمتهای آن را چند بار خواند. زیرا به نظر نویسنده این سطور مطالبی که در این کتاب به شرح نوشته شده است، با سرگذشت ایران اسلام زده ما پیوند نزدیکی دارد. او نوشته است ایدئولوژی ترور اسلامی که «مبانی اصلی آن آیین شهادت، جهاد و اجرای احکام شرعی ست امروزه بیشتر از سوی چهار جریان مذهبی ترویج می گردد»: «مذهب شیعه، کیش وهابی، اخوان المسلمین، و آیین دیوبندی در پاکستان.» (ص ۲۵)

او تصریح می کند که هدف جنبش اخوان المسلمین در مصر این بود که باید یک حکومت الهی تشکیل شود و قوانین فقه و شریعت حاکم گردند. حکومت اسلامی به احزاب سیاسی نیاز ندارد و همه مردم عضو حزب الله هستند. این اندیشه ها در تمام جریانهای بنیادگرا مشترک هستند. نپذیرفتن جدایی دین از سیاست، واجب بودن فرمانبری از حاکمیت که بالاترین مرجع دینی ست. خمینی سالها بعد همین اندیشه را چنین بیان نمود: «هر قدرت غیر دینی در هر شکلی که باشد، منشأ آن شر و شیطان رجیم است.» (ص ۲۶)

در مورد آیین دیوبندی آمده است که این جنبش در سال ۱۸۵۱ در شهر دیوبند (در هندوستان کنونی) پایه گذاری شد. مؤسسه دارالعلوم در شهر دیوبند پس از دانشگاه الازهر بزرگترین مدرسه جهان اسلام است. مبانی این جنبش عبارت است از پاکسازی اسلام از عناصر «ناپاک»، آیین جهاد به عنوان یگانه راه مبارزه با کفر و شرک، به ویژه در مبارزه با مذهب شیعه و اولیای مقدس که در منطقه رواج دارد. آیین دیوبندی در تمام

این نکات با وها بیگری مشترک است. (ص ۳۷).

دیوبندی‌ها از زمان گشایش دانشگاهشان تا امروز بیش از چهل هزار مدرسه مذهبی در هند و پاکستان و آسیای میانه و افغانستان دائر کرده اند. تاکنون بیش از شصت هزار طلبه در دارالعلوم حقانی آموزش دیده اند. امروزه چه در دارالعلوم و چه در سایر مکتبهای بشمار مستقر در پاکستان با یک تصویر روبه رومی شویم. طلاب در فضایی بسته زندگی سختگیرانه ای می گذرانند. ورود روزنامه و تلویزیون به این مدارس ممنوع است به جای همه چیز شب و روز مشغول آموزش فقه و شرعیات هست به زبان عربی. (ص ۳۸) «در سال ۱۹۷۲ در پاکستان نزد یک نهصد مدرسه مذهبی وجود داشت که حدود سیصد و پنجاه تای آنها توسط جنبش دیوبندی اداره می شد. اما این رقم پس از سال ۱۹۷۹ به هزاران مدرسه رسید که بیشتر آنها زیر نفوذ دیوبندی‌ها قرار داشتند. بسیاری از مجاهدان و رهبران بعدی طالبان، از جمله شخص ملا عمر، در این مدارس پاکستان آموزش دیده اند. با قدرت گیری آنها، مدارس قرآنی در پاکستان باز هم بیشتر شدند و تعدادشان به نزدیک ۲۵ هزار رسید. هزینه سنگین این دم و دستگاه را عربستان سعودی تامین می کند. در جریان جنگ [افغانستان] تعداد روزافزونی از جهادگران عرب در پاکستان آموزش دیدند. گفته می شود که حدود صد هزار رزمنده عرب از راه پاکستان به جبهه های افغانستان رفته اند. بیشتر آنها از صافی مدارس اسلامی گذشته اند. به ویژه از زمان ماجرای یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ مدرسه «دارالعلوم حقانی» که در جنوب پیشاور قرار دارد توجه افکار عمومی را جلب نموده است. بسیاری از مسؤولان و سران رژیم طالبان در این مؤسسه آموزش دیده اند.» (ص ۳۹)

آقای دانش در اواخر سال ۱۹۹۶ با این عنوان که روزنامه نگار مسلمان است از این مدرسه دیدن کرده است. نوشته است در آن موقع بیش از سه هزار محصل در آن آموزش می دیدند. محصلان از هشت تا هجده ساله بودند، با زندگی فقیرانه. روی زمین لخت نشسته بودند. پشت رحلهایی که روی آنها چیز می نوشتند یا قرآن می خواندند. (ص ۳۹) در این مکتب خانه تنها زبان پشتو رواج داشت. مترجم سخنان راهنمای عمامه به سر را برایم بازگو می کرد: «جهاد وظیفه شماست. گمراهان و کافران باید در سراسر جهان نابود شوند...» (ص ۴۰)

در باره تعصب مذهبی اسماعیل خان حاکم هرات نوشته است: می گویند وقتی در سال ۱۹۹۳ اسماعیل خان توانست بار دیگر بر سریر قدرت در هرات قرار بگیرد، «در جشن سالگرد سقوط کمونیستها دستور داده بود که روی آلت اسپها روپوش کشیده شود!» (ص ۱۳۸)

در مورد «سپاه محمد» در ایران نوشته است: «سپاه قدس واحدی به نام «سپاه محمد» تشکیل داد که وظیفه اصلی آن عبارت بود از هماهنگ ساختن فعالیت‌های رزمندگان عرب با گروه‌های مجاهد، به ویژه گروه‌های شیعه. مرکز سپاه محمد در مشهد قرار دارد و رهبری آن با واعظ طبری سرپرست آستان قدس رضوی واگذار شده است. دامنه قدرت این آخوند تا دل پاکستان ادامه دارد. او با سازمان امنیت و مدارس اسلامی پاکستان، با «دارالعلوم حقانی» و پایه گذار بنیاد گرای آن فضل الرحمان پیوند نزدیک دارد. میان مدارس مذهبی پاکستان و مدارس حقانی شهرهای مذهبی ایران شباهت حیرت انگیزی وجود دارد. در هر دو نهاد شستشوی مغزی طلاب جوان جریان دارد. تمام رهبران بنیادگرای ایران در این مدارس دوره دیده اند. حکام شرع، ائمه جمعه، رهبران قوای امنیتی و نمایندگان ولی فقیه در سراسر کشور، همگی در مدرسه حقانی قم

درس خوانده اند. پیوسته بیش از چهل هزار طلبه از ایران و سراسر جهان در این مدرسه تربیت می شوند. مدارس حقانی زیر نظارت واعظ طیبی قرار دارند، زیرا هزینه آنها را آستان قدس رضوی تأمین می کند. (ص ۲۶۸-۲۶۹) درست مانند اردوگاههای نظامی پاکستان، بیش از دودهه است که در اردوگاههای سپاه پاسداران در نزدیکی قم، تهران، بسم و شهرهای دیگر رزمندگانی از کشورهای عربی گوناگون دوره می بینند...» (ص ۲۶۸-۲۶۹). در مورد آیت الله واعظ طیبی نوشته است که او با اسماعیل خان حاکم هرات دوستی نزدیک دارد و از او حمایت مالی می کند. او پس از فرار از زندان طالبان در سال ۲۰۰۰، به مدت یک سال و نیم در مشهد اقامت داشت... گفته می شود که طیبی با استفاده از روابط خود با سازمان امنیت و مدارس حقانی پاکستان باعث رهایی او از زندان شده است.» («بی گمان امریکایی ها از این روابط باخبر هستند. طیبی در کانون پیوندهای سپاه پاسداران با القاعده قرار دارد. پیش از انقلاب با ساواک همکاری داشت...» (ص ۲۷۰))

به عقیده نویسنده این سطور واعظ طیبی یکی از مقتدرترین افراد در حکومت اسلامی ایران است. او تنها کسی است که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا به امروز تولیت آستان قدس رضوی را بر عهده دارد و درآمد فوق العاده آستان قدس را چنان که خود مصلحت می داند خرج می کند. او علاوه بر پاکستان، با جمهوریهای واقع در آسیای مرکزی نیز روابط نزدیک دارد و در ایران، حکومت مرکزی دستورهایی وی را مو به مو اجرا می کند.

اگر بخواهم رؤوس مطالبی را که در کتاب سوء استفاده از کلام خدا آمده است در این جا بیاورم از دهها صفحه تجاوز می کند. بدین سبب علاقه مندان را به خواندن کتاب دعوت می کنم.

ضرب المثلهای دری افغانستان

گردآوری دکتر عناب الله شهرانی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار (شماره انتشار ۸۷)، تهران (تجریش، صندوق پستی ۱۹۶۱۵/۴۹۱)، ۱۳۸۲، صفحات ۳۸ + ۲۰۴، بها ۱۷۴۵ تومان

کتاب با یادداشت استاد ایرج افشار شروع می شود که در آن نوشته است: «در سلسله انتشارات این موقوفه به مناسبت علاقه مندی وافق نسبت به وجوه مشترک تاریخی و ادبی میان افغانستان و ایران تاکنون» چند کتاب درباره افغانستان چاپ شده است و «اینک مجموعه ای از ۸۵۹۴ ضرب المثل و تعبیر و جملات حکمتی و کنایتی به زبان فارسی که در میان افغانان مصطلح و رایج است...» به چاپ می رسد.

پیشگفتار به قلم آقای محمد سرور مولایی دانشمند افغانستانی است که سالهاست در ایران به سر می برد. وی نوشته است: «بی گمان هر خواننده فارسی زبان از تاجیکستان تا ایران، در این مجموعه مقدار معتناهایی از امثال و حکم رایج در جامعه خود را پیدا می کند و به تعداد دیگری که برای او تازگی دارد بر می خورد... و گاه صورتی را که در این کتاب آمده است با آنچه در جامعه او به کار می رود، صرف نظر از اختلاف عبارت یکی خواهد یافت و گاه از یک مثل چند صورت را ذیل یکدیگر ملاحظه خواهد کرد...»

آقای شهرانی در پیشگفتار از جمله نوشته است: «ضرب المثلهایی را که در این کتاب می خوانید نه تنها از محیط جمع آوری گردیده است، بلکه با بسیاری از کتب... مقابله و مقایسه نموده ام و یقین دارم همه

آنچه را که در بین مردم رایج است هنوز نتوانسته ام صد فی صد [= صد در صد] در این جلد بگنجانم و این کار از قدرت یک دو شخص بالاتر است...» آقای شهرانی به این نکته اشاره کرده است که زبان شناسان معتقدند که ضرب المثلهای باید مطابق تلفظ عامیانه تحریر شود. با آن که این نظر صحیح است «ولی متکی ساختن این مجموعه بر یکی از لهجه های محلی امکان خواندن آن را برای خوانندگان عامه ما دشوار» می سازد. وی سپس از کتابهایی که پیش از این درباره ضرب المثلهای افغانستان به چاپ رسیده است یاد کرده و افزوده است که وی در سال ۱۳۵۴ ه. ش. کتاب امثال و حکم را که محتوی بیش از «چهار و نیم هزار» ضرب المثل پارسی افغانستان است به چاپ رسانیده است.

پس از پیشگفتار گردآورنده، آقایان محمد رحیم الهام، داود موسی، محمد یوسف کهزاد، غ. حضرت کوشان از افغانستان، و علی محمد هنر از ایران مقالات کوتاهی درباره «ضرب المثل» و کتاب حاضر نوشته اند.

از بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار باید سپاسگزار بود که وسیله چاپ این کتاب سودمند را فراهم ساخته است.

رساله تدابیر شاه و وزیر

در احوالات آقا محمدخان قاجار و وزیر او حاجی ابراهیم کلانتر اعتمادالدوله، تألیف زین العابدین کوهمره ملقب به «امیر»، تصحیح مهین دخت حاجیان پور (همبلی)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۴. صفحات: ۹۸، بها ۹۰۰ تومان

فهرست: پیشگفتار؛ مقدمه؛ سبب تألیف رساله تدابیر شاه و وزیر؛ نویسنده رساله؛ خصوصیات نسخه خطی و اهمیت آن؛ متن رساله.

در پشت جلد کتاب نوشته شده است: «در تاریخ سیاسی ایران، همواره شخصیت‌های تاریخی در تعیین مسیر تحولات پیشرونده، یا پسرونده نقش عمده ای داشته اند. یکی از این شخصیتها آغا محمدخان قاجار است. حافظه تاریخی ما او را جنگجویی با تدبیر، خونخوار، سفاک، کینه جو، حيله گر، زیرک و جاه طلب می شناسد. او به همراه وزیر مکار و مدبر خود، حاج ابراهیم کلانتر شیرازی (اعتمادالدوله) بخشی از تاریخ سیاسی دوره قاجار را رقم زده اند. نویسنده ناشناس رساله تدابیر شاه و وزیر، که خود را «راقم اخبار» می نامد به سفارش سرجان ملکم نویسنده کتاب معروف تاریخ ایران مستقیم و ساده درباره این دو شخصیت سخن می گوید. مصحح این رساله، خانم مهین حاجیان پور (همبلی)، کتاب را از یکی از قفسه های کتابخانه انجمن سلطنتی آسیای لندن به در آورده، گرد و خاک ایام را از رخسارش زدوده و نویسنده ناشناس آن را به درستی شناسانده است.»

متن رساله تدابیر شاه و وزیر شامل «دو فقره... رساله تدابیر شاه و وزیر؛ فقره اول: در بیان مجملی از خصایص حالات آقا محمدخان قاجار؛ بیان تدبیرات آقا محمدخان؛ بیان انصاف و مروت آقا محمدخان؛ بیان پرورش آقا محمدخان سپاه را؛ بیان لشکرآرایی آقا محمدخان؛ بیان زور و مال دوست داشتن آقا محمدخان؛ بیان بزرگ منشی و بلندی طبع آقا محمدخان؛ بیان زود حکم خود را جاری خواستن آقا محمدخان؛ بیان سبب

خواجه بودن آقا محمدخان؛ بیان شدت سیاست آقا محمدخان؛ بیان شدت دشمنی آقا محمدخان؛ بیان عبادت و خدا شناسی آقا محمدخان؛ بیان انجام و کشته شدن آقا محمدخان؛ فقره دوم: در بیان بعضی از حالات و تدابیر حاجی ابراهیم خان؛ وزارت حاجی ابراهیم که اول سال ۱۲۱۰ هجری بود؛ بیان کشته شدن حاجی ابراهیم بعد از آن که ده سال و نیم بزرگی کرده بود؛ منابع؛ نما به ها؛ نمایه کسان؛ نمایه جا بها.

نخست از سرجان ملکم با ید سپاسگزار بود که برای نگارش بخش مربوط به آقا محمدخان، در تاریخ ایران، دست به دامن شخص آگاهی شده، و این شخص مجموع اطلاعات خود را در اختیار سرجان ملکم گذاشته است و سپس از خانم همبلی با ید ممنون بود که نسخه خطی منحصر به فرد این رساله بسیار با ارزش را تصحیح و چاپ کرده است.

آقا محمدخان همان طوری از فهرست این کتاب بر می آید، موجود عجیبی بوده است: عاشق زرو و مال، خداشناس و اهل عبادت، خونخوار، انتقامجو. در سالهای آخر عمرش کسانی را که مورد غضب قرار می داد یا می کُشت یا کور می کرد. بدین ترتیب که «آنها را پنج پنج یا ده ده یا بیشتر دسته دسته مقرر می داشت. و از آن دسته یکی را یک چشم به حال می گذاشت، و می فرمود که هر دسته ای دست یکدیگر را گرفته، آن کس که یک چشمش به حال است پیشرو دست کش آن دسته شده خود را به مازندران که آن زمان جای ماندن کوران مقرر شده بود برسانند.» (ص ۵۳)

دشمنی اش با کریم خان زند به حدی بود که وقتی بر شیراز مسلط شد، «حکم کرد تا مرده کریم خان زند را که ۱۶ سال از فوتش گذشته بود از گور کشیده به حضور او فرستاد. وقتی که آن صندوق که کریمخان را در آن گذاشته بودند به حضور او رسید حکم فرمود تا آن را شکسته گشودند. و مرده کریم خان را که استخوانها باقی بود، در همان صندوق تا کمر نشانیدند. پس آقا محمدخان خود شمشیر کشیده او را گردن زد چنانچه سرش چند قدم دور افتاد. بعد از آن حکم کرد تا آن سر و باقی استخوانهای بدن او را بر تلی که نزدیکی آن جا بود برده آتش زدند.....» (ص ۵۱)

این کتاب را باید به دقت بارها خواند و بد چه جانورانی بر ایران حکمرانی کرده اند.

ستوده نامه، ۲ جلد

جلد اول- دربر گیرنده ۴۱ مقاله، صفحات: ۱ تا ۵۴۲، بها ۴۴۰۰۰ ریال. جلد دوم، دربر گیرنده ۳۵ مقاله. صفحات: ۵۴۳ تا ۱۱۳۰، بها ۵۱۰۰۰ ریال، به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان- محمد رسول دریاگشت، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۸۴.

پانزدهمین و شانزدهمین مجموعه «پژوهشهای ایران شناسی» (نامواره دکتر محمود افشار) به مناسبت کوششهای علمی دکتر منوچهر ستوده- مخصوصاً در زمینه های جغرافیای تاریخی، آثار باستانی، نشر مثنیهای تاریخی و تجسسهای زبانی به نام ایشان نامگذاری و به ایشان پیشکش شده و «ستوده نامه» نام گرفته است. آقای دکتر منوچهر ستوده چون هدفهای این موقوفه را موافق با آرزوهای فرهنگی و پیوستگیهای ملی خود دیده باغ ده هکتاری احداث کرده به کد یمین و عرق جبین خود را که در منطقه نارنج بن نزدیک کلارآباد مازندران است، در سال ۱۳۸۲ از ملکیت به وقفیت مبدل کرده و تولیت آن را پس از خود به موقوفه دکتر محمود افشار

سپرد که عواید آن بر مبنای نیت معین شده اش و بنا بر اصول مندرج در وقفنامه این موقوفات به چاپ کتابهای مربوط به تاریخ و جغرافیای تاریخی، به ویژه آنچه درباره سرزمینهای ورا رود و خوارزم خواهد بود اختصاص یابد....»

«سالشمار سرگذشت دکتر منوچهر ستوده» و «کتابشناسی دکتر منوچهر ستوده» هر دو به توسط عنایت الله مجیدی، در آغاز جلد اول ستوده نامه به چاپ رسیده است. (ص: بیست و پنج تا چهل و پنج). دکتر منوچهر ستوده متولد سال ۱۲۹۲ شمسی ست. در تهران به تحصیل پرداخته درجات لیسانس و دکتری زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران دریافت کرده است. سالها با سمت دبیر در دبیرستانهای تهران تدریس کرده، سپس به دانشگاه تهران منتقل شده و به تدریس مشغول گردیده است. در کنگره های بین المللی و ملی متعدد شرکت جسته و در سال ۱۳۵۷ از دانشگاه تهران بازنشسته شده. آقای دکتر ستوده در دوران عمرش سفرهای علمی بسیار در داخل ایران و سرزمینهای دوردست مانند آسیای میانه و چین کرده و حاصل مشاهدات و تحقیقات خود را در کتابها یش ثبت کرده است.

تعداد کتابها و مقاله های تحقیقی استاد منوچهر ستوده شگفت انگیز است. به ارقام زیر توجه فرمایید:

- ۱- کتابها (تألیف و تصحیح): ۴۷ کتاب از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۸۰.
- ۲- مجله ها: فرهنگ ایران زمین، از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۷۵ (۲۹ دوره)، بنیادگذاران: محمد تقی دانش پژوه، منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، عباس زریاب خویی، و ایرج افشار.
- ۳- مقاله ها و مقدمه ها به فارسی: ۱۶۳، از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۷۷.
- ۴- مقاله به زبان خارجی: ۱.
- ۵- کتابهای در دست تألیف و انتشار: ۴۶.

در این مجموعه (۲ جلد ستوده نامه) هفتاد مقاله در مباحث و موضوعات زیر درج شده است:

جغرافیای تاریخی: ۱۴ گفتار؛ فرهنگ ایران باستان: ۸ گفتار؛ جریانه های تاریخی: ۱۱ گفتار؛ مباحث زبان شناسی: ۱۰ گفتار؛ متون و اسناد: ۷ گفتار؛ مردم شناسی و مباحث اجتماعی: ۱۰ گفتار؛ ادب و عرفان: ۹ گفتار؛ مقاله انگلیسی: ۱ گفتار.

همچنان که آقای ایرج افشار در «یادداشت» جلد اول نوشته است: «... انتشار کتاب ستوده نامه سپاس نامه ای ست هم برای خدمات درخشان ایشان به فرهنگ ایران و هم برای ادای سپاسگزاری خاص که این موقوفه را برای سرانجام یافتن نیت خود امین دانسته اند.»

جلد اول ستوده نامه آغاز می شود با دو سروده، از یک سراینده ایرانی (یدالله بهزاد، از کرمانشاه) با عنوان «وطن من»، و یک سراینده افغانی (لطیف ناظمی) با عنوان «پارسی رو پاس می داریم. سلامی به بوی خوش آشنایی».

از راه بسیار دور به دوست دانشمند گرامی جناب دکتر منوچهر ستوده به مناسبت انتشار ستوده نامه تبریک می گویم.

دسیسه، القاصم الجبارین

نوشتهٔ دکتر اسد آرام، ناشر: شرکت کتاب، لوس آنجلس، ۲۰۰۶/۱۳۸۴، صفحات: ۳۶۳، بها ۲۰ دلار
 فهرست، بخش یکم- خانواده ای از مازندران؛ بخش دوم- امریکا، برخورد با فرهنگ و فن آوریهای
 جهان نو؛ بخش سوم- بازگشت به سوی ایران؛ بخش چهارم- امیرعباس هویدا نخست وزیر؛ بخش پنجم-
 وزارت بهداری و بهزیستی؛ بخش ششم- ریاست جمهوری جیمی کارتر؛ بخش هفتم- شاپور بختیار نخست
 وزیر؛ بخش هشتم- فرار از چنگال ساواک و جهنم خمینی؛ بخش نهم- ماجرای بی که ایران را زیر و رو کرد؛
 سخن آخر: زندگی در غربت

نویسندهٔ کتاب پس از اخذ درجهٔ دکتری از دانشکدهٔ دندان پزشکی دانشگاه تهران و اخذ تخصص از
 دانشگاه جرج تاون، واشنگتن به ایران بازمی گردد و فعالیتهای خود را در نوسازی، سرپرستی و ادارهٔ
 بیمارستانهای مهم دولتی آغاز می کند و در زمان نخست وزیری هویدا مسؤولیتهای مهمی در خدمات پزشکی
 به عهده می گیرد. آخرین سمتش در ایران «انام مقام مرکز پزشکی شاهنشاهی» بوده است. ولی با انقلاب
 اسلامی به مانند بسیاری از کسانی که در نوسازی کشور دست داشتند از ایران و حکومت ملایان می گریزد و
 اینک در کالیفرنیا به سر می برد و با همکاری عده ای از پزشکان ایرانی به ایجاد کلینیک های Super
 Care مبادرت ورزیده است.

آقای دکتر آرام در این کتاب شرح داده است که چگونه ایران در سالهای پیش از انقلاب، در مسائل
 درمانی بهداشتی موفقیتهایی باورنکردنی به دست آورده بوده است که با آمدن خمینی همه آنها بر باد رفت.
 خواندن این کتاب را به خوانندگان توصیه می کنم.

در فصاحت پرواز

(مجموعه سه دفتر شعر)، از احمد شیرازی نیا، نشر زمستان (صندوق پستی ۱۱۶۷-۱۳۱۴۵)، تهران
 ۱۳۸۱، صفحات: ۲۶۳، بها ۲۰۰۰ تومان

کتاب با «یادداشتی از ناشر» در ۲ صفحه آغاز شده است که در آن به بازگشت اخوان ثالث از آخرین
 سفرش به اروپا اشاره شده است. اخوان در کنار خاطرات خویش از این سفر «تشویشی هم به دل او راه یافته
 بود از بابت سرنوشت و آینده پیچیده و وهمناک شعر فارسی و سیر آن در غربت؛ شعر فی المہجر، شعری که
 با شاعرش مهاجرت کرده و دیروز ایران (نه ایران دیروز) را با خود برده و دوران هجرت را می گذراند. او بر
 آن بود که این شعر - عموماً و نه در کل - خوشبختانه رنگ و بوی محیط زندگی جدیدش را به خود نگرفته، اما
 رنگ و بوی ایران را تا حدی از دست داده و لازم است برای حفظ هویت، پیوندی نزدیک با خانهٔ پدری برقرار
 کند...»

در فصاحت پرواز، مجموعه سه دفتر شعر: تشنگی ماهی در آب، در فصاحت پرواز، و در پس فرود است
 که حدود ۱۴۰ قطعه اشعار سروده شدهٔ شاعر را در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۹ در بر می گیرد. دو شعر کوتاه و بلند
 سرودهٔ آقای شیرازی نیا را برای خوانندگان نقل می کنم:

شکاربانان

زخم چنان است / که تیر سخت کمانی / بر پهلوئی غزالی!

آوای رویش

انهدام، / لحظه آغاز است، / و خواهم نوشت / در دفتری از دفاتر عمر، / که مرگ شقایق، / برآستی /
با یان فصل شکفتن نیست؛ / فردا / هزار هزار سبزه عزیز / آواز خوش رویش مرا، / چونان که هزار
دستان بر گلدسته های گل، / به فراوانی، / فریاد خواهد کرد!

ناکجا دوران

دفتر شعر از: علی کمالوند، ناشر: علی کمالوند، لندن، آگست ۲۰۰۶، صفحات: ۱۱۰، بها (۴)

کتاب مشتمل است بر ۶۳ قطعه شعر + بیتها + طنز.

شعر «ناکجا دوران» را که نام کتاب از آن گرفته شده است برای اطلاع خوانندگان نقل می کنم:

بود آیا که شود دورانی / تا نپرسند اگر از هر کس / کیستی / چیست کیش و آیینت؟ / وز کدامین
نژادی و قومی؟ / وطن و کشورت کجا باشد؟ / و بگوید جواب هر فردی / از نژاد و تبار انسانم / نه ز قوم و
قبیله ای دانم / من نه در گیر و دار ادیانم / نه مسلمان و نه مسیحی ام / و نه بودایی، نه یهودی ام / خرد و منطق
است آیینم / وطنم کشور زمین نامش / نه که آمریکا و یا که چین خوانش / دوست دارم تمام دنیا را / امریکا،
آسیا، و آفریقا / و اروپا و هر کجای دگر / من ندارم تعصبی هر گز / نه به یک سرزمین / نه بر یک دین.

شاهنامه فردوسی

چاپ عکسی (نسخه برگردان) از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا به شماره Add.21, 103

نسخه برگردانان: ایرج افشار، محمود امیدسالار، (با کمک مالی «سازمان گسترش فرهنگ پارسی»،
ایند یانا)، تهران، ۱۳۸۴، صفحات: ۳۲ + ۲۹۷ ورق = ۵۹۴ صفحه، متن شاهنامه بدون احتساب برگهای
بدرقه اول و آخر نسخه + ۱۳ صفحه انگلیسی). بها (۴)

این کتابی ست که با عنوان «گنجینه نسخه برگردان متون فارسی» زیر نظر آقا یان ایرج افشار و محمود
امید سالار منتشر گردیده است. سه کتاب پیشین: مجمل التوایخ و القصاص، مجمل الاحوال فی الحکم، هزار
حکایت صوفیان را قبلاً در بخش گلگشتی در انتشارات فارسی ایران شناسی معرفی کرده ایم.

آقای دکتر امید سالار در پیشگفتار این کتاب نوشته است: «نسخه برگردانی که پیش رو دارید از
دستنویسی ست که در میان شاهنامه شناسان به شاهنامه لندن، یا نسخه لندن معروف است و امروزه اقدم نسخه
کامل حماسه ملی ایران محسوب می شود. اصل نسخه به شماره Add.21,103 در کتابخانه انگلستان
نگاهداری می شود.»

این نسخه را در سال ۱۸۴۸م/ ۱۲۶۴هـ. ق. اشترن شوس در شیراز خریداری کرده و در سال ۱۸۵۳ در
لندن به فروش رفته است.

آقای دکتر امید سالار در پیشگفتار، «مشخصات دستنویس را از جهات مختلف مورد بررسی قرار
داده... به خصوص درباره «تاریخ کتابت نسخه» به موضوع بسیار مهمی پرداخته که تاکنون کسی به آن حتی
اشاره ای هم نکرده است. می نویسد «کسانی که به نسخه فلورانس مورخ ۶۱۴ هجری قمری ایراد می گیرند که

تاریخ دستکاری شده، اما در عین حال نسخه لندن را بدون هیچ تردیدی «اقدام نسخ» شاهنامه می خوانند، باید در نظر داشته باشند که دلیل عینی انتساب تاریخ ۶۷۵ هجری قمری برای نسخه لندن بر عبارتی که با خط نو بر صفحه نو الحاقی الصافی نوشته شده استوار است و لاغیر و احوط این است که هرگاه تردید در صحت تاریخ کتابت نسخه فلورانس را عنوان می کنند این مطلب را هم اظهار کنند که در نسخه لندن نیز کل صفحه آخر و هرچه بر آن است جدید است و سالیانی پس از کتابت نسخه بدان الحاق شده است. تاریخ واقعی این دستنویس هرچه که باشد متن آن بسیار معتبر است....» (ص ۱۹-۲۰) «سپس ویژگیهای رسم الخط دستنویس» ذکر گردیده است.

استاد ایرج افشار در یادداشت سه صفحه ای نوشته است: برای آن که علاقه مندان به یافتن ابیات مورد دلخواه، آنها را در یکی از چاپهای معتبر ولی رایج تر به آسانی بیابند مناسب دیده شد که آنان را به چاپ مشهور ژول موهل (Jules Mohl) [چاپ اصلی یا از روی اصل، نه چاپهای حروف چینی شده ای که گفته اند بر پایه چاپ موهل انجام شده است] احاله بدهیم. و آن گاه در جدولی صفحات «چاپ اصلی موهل» را با صفحات «چاپ جیبی» و «چاپ علمی» مقایسه کرده است. ناگفته نماند که آقای دکتر امیدسالار توضیحات لازم درباره این نسخه را به زبان انگلیسی نیز در پایان کتاب نوشته است.

تاریخ تجزیه ایران

تلاش نافرجام برای تجزیه آذربایجان، دفتر یکم، نوشته دکتر هوشنگ طالع، انتشارات سمرقند، (تهران، صندوق پستی ۳۵۸-۱۵۸۵۵)، سال ۱۳۸۵، صفحات: ۳۴۰ + گاهشمار غائله آذربایجان (۱۹۴۵/۱۳۲۴)، بها ۴۵۰۰ تومان

فهرست: ددی نو برشناسایی تاریخ؛ ایران بزرگ، آریانا، ایران، ایران؛ پیشگفتار؛ درآمد؛ بخش ۱- اشغال ایران در جریان جنگ جهانی دوم، بخش ۲- غوغای نفت؛ بخش ۳- شکل گیری توطئه، در راستای تجزیه آذربایجان؛ بخش ۴- کمیسیون سه جانبه با طرح تکمیلی ۱۹۰۷؛ بخش ۵- شکایت ایران به سازمان ملل متحد؛ بخش ۶- کشمکش در سازمان ملل متحد؛ بخش ۷- مسکو: زمستان سرد ۱۳۲۴؛ بخش ۸- ادامه زورآزمایی در سازمان ملل متحد؛ بخش ۹- تخلیه نیروهای شوروی در گرو نفت؛ بخش ۱۰- تخلیه ایران از نیروهای ارتش سرخ؛ بخش ۱۱- فرقه دموکرات آذربایجان و حزب دموکرات ایران؛ بخش ۱۲- سنی گتیرن، سنه دبیر: گت (کسی که تو را آورد، به تو می گوید: برو)؛ بخش ۱۳- شوروی همه چیز را باخت؛ پیوستها؛ کتابنامه؛ گاهشمار تلاش نافرجام در راه تجزیه آذربایجان؛ نما به.

در پیوست شماره ۱- «پهنه سرزمینهای جدا شده از ایران در قفقاز» بر طبق قراردادهای گلستان و ترکمانچای: ۲۷۶۲۰۰ کیلومتر مربع. و در پیوست شماره ۲- «پهنه سرزمینهای جدا شده در شرق ایران زمین»: ۲۱۶۷۲۵ کیلومتر مربع.

کتاب از نظر بررسی کوشش اتحاد جماهیر شوروی برای تجزیه آذربایجان از ایران منبع قابل استفاده ای است به خصوص که کتاب براساس اسناد معتبر به چاپ رسیده است.

افسانه های بختیاری

پژوهش و نگارش: ویکتوریا دقیقیان، ناشر. کتاب روشن، (صندوق پستی ۵۵۹-۱۵۸۵۵)، محل فروش در امریکا، «ایران بوک» (بند ۱)

فهرست مطالب: مقدمه؛ جیکم، جیکم سرگشته کوه و کمر نگشته؛ بار کولیم سنگینه پسه پولیم رنگینه؛ دختر چویان و شاهزاده؛ تمتی؛ برد و گردو؛ برادر عاقل و برادر دیوانه؛ تنیل پا زرد آلو؛ هر کنگلاشی بهر خین بو و خوش بعد؛ دالوشیرم بده، هی به شیراز؛ مردی که حرف می فروخت؛ داستان خرس و روباه؛ گوساله زرد؛ گل گیس؛ نگو سیرمه دون چه رنگه همبون مینش فشننگه؛ درخت نارنج؛ خواهران بدجنس زن پسر پادشاه؛ خواهر ملک احمد؛ شاهزاده قورباغه.

در معرفی کتاب و نویسنده اش می خوانیم:

«داستانها، ضرب المثلها، بازیها، و ترانه های فولکلوریک در میان همه اقوام و ملتها بازتاب شیرین و ماندگار روحیات، آرزوها، و نیز زندگی مردم در طول قرون و اعصار است. در کتاب حاضر پژوهشگری دلپسته و کوشا به میان قوم خود رفته و فولکلور مردم خویش را به دقت ثبت و ضبط کرده و بر صفحه کاغذ آورده و متلها بی را که با گویش شیرین بختیاری بوده با فوتبیک و ترجمه فارسی آنها ذکر کرده است. کاری ست دلفریب و ارزنده که امیدواریم مورد توجه علاقه مندان و نیز بختیاریهای شجاع و ایران دوست قرار بگیرد.»

مؤلف، کار تألیف این کتاب را به دقت و بر طبق اصول مورد قبول محققان فولکلوریک انجام داده است. بدین شرح که در پایان هر قصه نام و سن راوی و محل اقامت او را ذکر کرده است مانند: «راوی: کیوتر کریمی، ۲۷ ساله، اصفهان؛ «راوی: سپیده ورناصری، ۳۰ ساله، مسجد سلیمان، طایفه گندلی» و غیره. طرز تلفظ کلمات را علاوه بر آن که با حروف فارسی و با اعراب مشخص کرده است، تلفظ دقیق آن را با حروف لاتین نیز نشان داده است.

در پایان کتاب، واژه نامه و اصطلاحات چاپ شده است که خوانندگان را در فهم کلمات بختیاری یاری می کند.

نامه ها و اطفا نظر ها

اقدام بسیار به جا

دانشگاه حیفا در اسرائیل به مناسبت آغاز کار « Meir and Miriam Ezri Center for Iran and Gulf Studies » در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۶، از آقای هومر آبرامیان ساکن استرالیا برای شرکت در این جلسه دعوت کرده است. آقای آبرامیان محترمانه پاسخ شایسته ای به آن دانشگاه داده است که از نظر خوانندگان می گذرد.

آیین گشایش کانون بررسیهای ایران و «خلیج؟؟» در دانشگاه حیفا فرا خوانده اید از سوی خود و همسرم سپاسگزاری می کنم.

این نام: Center for Iran and Gulf Studies که برای کانون خود برگزیده اید من و همسرم را به سختی شگفت زده کرد!! بر ما روشن نشد که از کدام خلیج سخن در میان است؟؟ و دانشگاه حیفا چه بخشی یا چه چیزی از این خلیج ناشناخته!! را می خواهد به بررسی بنشیند؟؟

آن خلیج که ما فرزندان ایران؛ و همه فرزندان خوب یعقوب می شناسیم؛ از همیشه تاریخ «خلیج پارس» نام داشته است و تا همیشه تاریخ «خلیج پارس» نامیده خواهد شد.

نگرانی ما این نیست که برخی از سیاست بازان فرومایه برای شادی دل کشورهای عرب و جنگ انداختن به پولهای باد آورده نفتی می کوشند تا نام تاریخی «پارس» را از روی خلیج بردارند و هرجا توانستند آن را خلیج عربی!! و یا خلیج اسلامی!! بنامند و اگر زورشان نرسید به همان «خلیج!!!» بسنده کنند. نگرانی ما این است که نکنند خدای ناکرده فرزندان خوب یعقوب نیز به این گروه پیوسته و فراموش کرده باشند که «مسیح خداوند» که از

«... خداوند روح کوروش پادشاه فارس را برانگیخت تا در تمامی ممالک خود فرمانی نافذ کرد و آن را نیز مرقوم داشت و گفت: کوروش پادشاه فارس چنین فرماید: خداوند خلق آسمانها تمامی ممالک زمین را به من داده و او مرا امر فرموده که خانه ای برای وی در اورشلیم که در یهودا است بنا نمایم...» (تورات، کتاب دوم تواریخ ایام ۲۲-۱۱)

فرزانه گرامی کدبان مئیر عزری (Meir Ezri):
با درود و آرزوی دوستی پایداری میان دو ملت کهنسال ایران و اسرائیل.
از این که من و همسرم را به انبازی در

کهنسال ایران و اسراییل به جای شکوفایی و بهبودی؛ به تیرگی و فروپاشی گرایند. از این رومن و همسرمن و همهٔ دیگر هموندان بنیاد فرهنگ ایران در سراسر جهان که از یک سو کوله بار سنگین پاسداری از ارزشهای فرهنگی و تاریخی ایران را بر دوش می کشیم؛ و از سویی در پاسداری از پیوندهای دوستی میان دو ملت ایران و اسراییل می کوشیم با سپاس دوباره از مهر شما آن فراخوان را نمی پذیریم و در آن همایش انباز نمی شویم.

پیشنهاد بسیار دوستانهٔ ما به شما فرزانهٔ گرامی و به همهٔ دیگر دست اندرکاران؛ و سرپرستی دانشگاه حيفا این است که یا نام **Gulf** را از روی کانون بررسیهای ایران بردارید و یا آن را به همان نام تاریخی اش که **Persian Gulf** است بنامید ...

با درود به روان و فروهر کوروش بزرگ ابرمرد تاریخ جهان و بنیانگذار حقوق بشر و آزاد کننده ملت اسراییل از بند اسارت بابل؛ و با آرزوی مهر و دوستی پایدار میان دو ملت کهنسال ایران و اسراییل.

سرپرست بنیاد فرهنگ ایران

هومر آبرامیان

سیدنی - استرالیا

۸ نوامبر ۲۰۰۶

*

«ایران شناسی» در انتظار دریافت رونوشت پاسخ دانشگاه حيفا به آقای آبرامیان است.

«پارس» برخاسته بود برای آنان چه کرد؛ همان «مسیح» که «خداوند دست راست او را گرفت تا به حضور وی امتها را مغلوب سازد و کمرهای پادشاهان را بگشاید و اسیران یهود را از بند بردگی ننگین بابلیها آزاد سازد و با مهری پدرا نه به سرزمین خود برگرداند و با بول ملت ایران خانه های افتاده شان را بنا سازد و آنان را در پایگاه والایی که سزاوارش بودند بنشانند (اشعای نبی، باب چهل و پنجم) ...»

همان «مسیح» که ما فرزندان پاک سرشت ایران می خواهیم تندیس فروهر او را در دانشگاه حيفا و در کانون بررسیهای ایران و «خلیج پارس» برافزایم و دست در دست فرزندان خوب یعقوب روان همیشه جاودانش را بستانیم و کرد و کار والایش را ارج بگذاریم و زمینه های تازه تری برای برپایی پیوندهای دوستی میان دو ملت کهنسال ایران و اسراییل فراهم بیاوریم.

نگرانی من و همسرمن این است که آیا روان کوروش آزرده نخواهد شد از این که ببیند فرزندان خوب یعقوب مهر او را فراموش کرده و نام «پارس» را که او بسیار دوست می داشت در گذرگاه باد گذاشته اند تا دل دشمنان میهن اهورایی اش را به دست آورند و نانی به نرخ روز بر سر سفرهٔ فرزندان اسراییل بگذارند

نگرانی من و همسرمن از این است که مبادا ارزشهای والای مردمی در زیر پای ارزشهای فروپایهٔ اقتصادی و سیاسی سر بریده شوند و پیوندهای شادی بخش دوستی میان دو ملت

فهرست ۲۵ ساله مجله

صفحات قابل توجهی از این شماره ایران شناسی به «فهرست ۲۵ ساله مجله» اختصاص داده شده است. زیرا در سالهای اخیر چند تن از صاحبانظران تهیه چنین فهرستی را برای یک مجله «تحقیقات ایران شناسی» لازم می دانستند با این استدلال که این فهرست، کار پژوهشگران ایرانی و خارجی را در حال و آینده، در مراجعه به مقاله های تحقیقی ایران شناسی تسهیل می کند. برای انجام این امر دست به کار شدم، ولی اگر یاری بی دریغ دوست فاضلم آقای علی سجادی نبود، من به تنهایی از عهده این کار بر نمی آمدم. اینک فرصت مناسبی ست برای سپاسگزاری از ایشان.

و اما به این پرسش نیز باید پاسخ بدهم که چرا «فهرست ۲۵ ساله»؟

درست است که از عمر مجله ایران شناسی بیش از ۱۸ سال نمی گذرد، ولی من پیش از انتشار ایران شناسی (در بهار ۱۳۶۸)، به مدت شش سال و نیم (از پائیز ۱۳۶۱ تا زمستان ۱۳۶۷) مدیر مجله ایران نامه، از انتشارات بنیاد مطالعات ایران بودم، و بیشتر محققانی که مقاله های خود را در آن مدت برای چاپ در ایران نامه برایم می فرستادند، همکاری خود را با ایران شناسی همچنان ادامه دادند و در نتیجه من مدیون همکاری آنان در ۲۵ سال اخیر هستم.

مطالبی که از ایران نامه نقل گردیده با کلمه «نامه» در ستون سمت چپ مشخص گردیده است. عدد سمت راست معرف «سال» و عدد سمت چپ معرف «صفحه» است.

جلال متینی

مقاله

- آزردگان، کامبیز: بهشت طوطی، سریال تلویزیونی کودکان و کتابهای داستانی آن ۱۵۷ / ۹
- آژنگ، عبدالحسین: بلبشوی ویرایش ۸۴۴ / ۱۲
- آساطوریان، گارنیک: دیو بختک ۶۴۴ / ۱۱
- _____ : «عروسی گوسفندان» تاریخچه یک جشن کهن ایرانی ۸۵۹ / ۱۲
- آفاجانیان، سرگی: پنجاهمین سالگرد یک تحریف فرهنگی (به مناسبت هشتصد و پنجاهمین سالگرد تولد نظامی) ۶۶ / ۴
- آندرش هولت گورد (ترجمه کارگر، داریوش): زردشت و دین ایران باستان ۴۶۱ / ۱۸
- آویشن، اشکان: ارزیابیهای واقع بینانه ۷۶۱ / ۶
- _____ : استعاره ها در بافت زبان ۳۷۵ / ۴
- _____ : با آینه ای در دست، درباره پروین اعتصامی ۵۶۱ / ۱۳
- _____ : برشهایی در سایه خویش ۷۵۷ / ۸
- _____ : پاسخ به یک نیاز ۸۲۵ / ۷
- _____ : حاکمیت لرزان اخلاق ۳۳۶ / ۱۱
- _____ : سرودهایی بر فراز سده ها ۷۴۲ / ۹
- _____ : طیف معناطیسی واژه ها ۷۶۸ / ۵
- _____ : عادت پذیرهای زبانی ۵۵۵ / ۶
- _____ : قیدها در تعمیم معنایی ۵۸۹ / ۳
- _____ : «معنا سنجی دو دوران» ۷۰۵ / ۱
- _____ : نویسندگان همیشه مضطرب ۶۷ / ۷
- _____ : واژه های بسته، واژه های باز ۶۲۰ / ۷
- آهی (ایمن)، لیلی: آرزویی دیرین ۳۰۰ / ۱۳
- _____ : ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران امروز ۳۴ / ۱۷
- آیتی، نورالدین: یزید صاحب عزاست امروز ۷۴ / ۷
- آیدنلو، سجاد: از میراث ادب حماسی ایران ۵۰۵ / ۱۶
- _____ : رمانس «همای نامه» ۴۹۳ / ۱۷
- _____ : فرضیه ای درباره مادر سیاوش ۶۷۱ / ۱۶
- _____ : نخستین سند ادبی ارتباط آذربایجان و شاهنامه ۷۶ / ۱۷
- _____ : «نوشدارو» چیست؟ ۴۲۵ / ۱۸
- اتا بکی، پرویز: خاطراتی چند از استاد فقید بدیع الزمان فروزانفر ۷۷۹ / ۱۴
- اتا بکی، تورج: مصاحبه ایرانیه ۷۷۰ / ۴

- احسن الظفر، سید: بیدل شناسان هندوستان و پاکستان و ایران و افغانستان و تاجیکستان و اروپا (۱) ۵۲۹ / ۱۶
- _____ : بیدل شناسان هندوستان و پاکستان و ایران و افغانستان و تاجیکستان و اروپا (۲) ۶۹۶ / ۱۶
- احمدی، حمید (برلن): آغاز جنگ سرد در ایران و شکل گیری اسلام سیاسی بنیاد گرا (۱) ۵۶۷ / ۱۳
- _____ : آغاز جنگ سرد در ایران و شکل گیری اسلام سیاسی بنیاد گرا (۲) ۷۵۷ / ۱۳
- احمدی، حمید (تهران): تحولات بان ترکیسم در قرن بیستم ۴۳۳ / ۱۶
- احمدی، رامین: [درباره «از گناهان فروغ فرخزاد»] ۸۷۸ / ۱۲
- _____ : سعیدی و طریق زندان ۵۱ / ۷
- _____ : موج سوم در ترازو (۱) ۵۵۶ / ۲
- _____ : موج سوم در ترازو (۲) ۷۹۶ / ۲
- اخوان زنجانی، جلیل: «خبر زو به شیر بلیکان رسید» ۵۶۲ / ۵
- _____ : پنجگان ۲۸۰ / ۶
- اخوت، محمد رحیم: جنازه گردانی سردار ارمن ۲۷۱ / ۶
- ادریسی، حبیب: رک. بیلکه گیل، زهرا ۳۰۶ / ۸
- ارجمند، سیروس: تاریخچه تمبر ایران: ۱- در دوران قاجاریه ۷۴۶ / ۸
- _____ : تاریخچه تمبر ایران: ۲- در دوران پهلوی
- اردوبادی، عباس: اجرای نما بشنامه «ایرانیان» (The Persians) اثر آیسخیلوس در واشنگتن ۴۳۹ / ۱۸
- اسبقی، آسیه: درباره کمبوجیه، گئوماتا و داریوش ۳۱۲ / ۳
- اسپراکمن، پال: «آیه های شیطانی» و ترجمه های فارسی آن در ایران ۸۱۰ / ۱۴
- _____ : اسم شناسی نظامی: مسأله ضبط نام نظامی گنجوی در... ۷۵۹ / ۳
- _____ : طنز در نقد و معرفی کتاب ۱۲۱ / ۱
- _____ : عبید زاکانی و آریستوفان، چرا نباید «اخلاق الاشراف» را صرفاً آئینه عصر عبید دانست ۷۱۴ / ۱۵
- استعلامی، محمد: از روایت تا واقعیت در مطالعه سرگذشت و آثار فریدالدین عطار ۸۵ / ۱۵
- _____ : بوف کور را دوباره بخوانیم! ۶۸ / ۱۷
- _____ : حافظ دل سوخته بد نام افتاد! سخنی درباره نظام الملک و شناخت درستی از شخصیت او ۴۵۶ / ۱۷
- _____ : حدیث غربت جان ۳۴۷ / ۶
- _____ : «دانشنامه ایرانیکا» حماسه ای جاودان برای فرهنگ ایرانی ۷۵۸ / ۵
- _____ : در پاسخ به این پرسش که آیا دفتر ششم مثنوی و قصه قلعه ذات الصور ناتمام

- است؟ _____
- ۵۰۴ / ۱
- _____ : روح نو بین در تن حرف کهن
- ۶۹ / ۱۰
- _____ : غرّه باصره ناصیه چشم انام (؟!) و نقدی همراه با ستایش بر سخن خاقانی
- ۶۴۹ / ۱۸
- _____ : فکر آن باشد که بگشاید رهی
- ۷۳۴ / ۹
- _____ : ... که ناینا و چاه است!
- ۷۰۵ / ۱۵
- _____ : گفتم ز کجایی تو؟
- ۳۰۳ / ۴
- _____ : مادر آزادگان کم آرد فرزند
- ۷۳ / ۸
- _____ : مسئولیت ملی و فرهنگی ما در استناد به تذکره ها، نسخه های خطی و دیگر منابع کهن
- ۳۵۰ / ۱
- _____ : نیاز به یک توضیح روشن تر
- ۴۴ / ۶
- _____ : اسلامی ندوشن، محمد علی: چند نکته گفتنی و ناگفتنی درباره ادب معاصر ایران
- ۶۴۹ / ۱
- _____ : حرف بر سر شنونده است نه گوینده
- ۴۰۵ / ۲
- _____ : شیوه شاعری حافظ
- نامہ / ۶ / ۵۲۱
- _____ : معشوق حافظ کیست؟
- ۴۵ / ۱
- _____ : اسمیرنوا، لیدیا، ب و برادزه، گر بگوری: «احیاء الملوک» و تاریخ تألیف آن
- نامہ / ۶ / ۴۱۷
- _____ : اشراق، عبدالحمید: همدان
- ۵۴۹ / ۱۷
- _____ : اشه، رهام (ترجمه کارگر، داریوش): حدیث فرخ نامه که یونان دستور به انوشیروان نوشته بود
- ۸۹ / ۱۸
- _____ : افشار، احمد: غیاث الدین جمشید کاشانی، و عدد پی
- نامہ / ۴ / ۴۳۳
- _____ : افشار، ایرج: آخرین نامه جمال زاده
- ۷۱۰ / ۹
- _____ : آغاز ترجمه کتابهای فرنگی به فارسی
- ۷۹ / ۱۴
- _____ : رجوع به تاج السلطنه
- ؟ / ۱۶
- _____ : سرگذشت و سرنوشت نسخه های خطی
- ۳۱ / ۴
- _____ : «کاغذ» در متون پیشینه فارسی
- ۲۴۸ / ۱۰
- _____ : افشار، یاشار: نگاهی به کارکرد «أشا» در اندیشه مزدیسنا با گذری از امشاسپندان
- ۵۷۸ / ۱۰
- _____ : افشاری، مهران: اعجاز قطره (نشانه هایی از اسطوره ایزد نباتی در قصه های عامیانه فارسی)
- ۵۵۷ / ۱۵
- _____ : پری در فرهنگ و ادبیات ایران
- ۴۹۴ / ۱۶
- _____ : سیری در قلندری سروده سنائی
- ۳۴۴ / ۱۷
- _____ : شمس تبریزی و حکایت ملامتیان
- ۲۵۸ / ۱۸
- _____ : اقتداری، احمد: «ستوده» و آثار ستوده اش، «مهمان نامه بخارا»...
- ۳۶۱ / ۱۳
- _____ : اکتشافی، پرویز: دو مسأله «ترک و فارس» و «کثیرالمله بودن ایران»
- ۶۰۱ / ۱۰
- _____ : الهی، صدرالدین: ابداع اوزان تازه در شعر فارسی، مصاحبه کتبی با سیمین بهبهانی
- ۱۱۷ / ۹
- _____ : از خاطرات ادبی دکتر پرویز ناتل خانلری درباره نیما یوشیج
- ۸۱۶ / ۱۲

- _____ : از خاطرات ادبی دکتر پرویز ناتل خانلری دربارهٔ صادق چوبک ۲۵۵ / ۵
- _____ : از دربارهٔ تا بازار، تک نگاری یک تذکره (۱) ۸۰۷ / ۱۱
- _____ : از دربارهٔ تا بازار، تک نگاری یک تذکره (۲) ۸۲ / ۱۲
- _____ : با صادق چوبک در باغ یادها ۲۳۶ / ۵
- _____ : پس از خواندن کتابی: «از کاخهای شاه تا زندانهای انقلاب» ۱۶۲ / ۴
- _____ : پس از خواندن دو کتاب: در حضر حسرت و در سفر نفرت ۱۴۶ / ۸
- _____ : پس از خواندن دو کتاب: «شاه و من» و روزنامهٔ خاطرات اعتماد السلطنه ۸۰۵ / ۳
- _____ : پس از خواندن کتابی: «پنج آینه»، سرودهٔ دکتر رعدی آذرخیسی ۱۶۰ / ۶
- _____ : پس از خواندن کتابی: تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، نوشتهٔ ناصرالدین پروین ۳۹۳ / ۱۴
- _____ : پس از خواندن کتابی: زندگی باید کرد ۷۵۸ / ۹
- _____ : پس از خواندن کتابی: دربارهٔ یک حماسهٔ دینی عامیانه: مسیب نامه ۱۳۰ / ۵
- _____ : تک نگاری یک روزنامه: «دانش»، اولین روزنامهٔ فارسی زبان برای زنان ایرانی ۳۲۱ / ۶
- _____ : تک نگاری یک کتاب: منتخب آثار، نوشتهٔ محمد ضیاء هشترودی ۳۴۵ / ۱۳
- _____ : تک نگاری یک مجلهٔ روزانه: افسانه، مجله ای یگانه ۲۹۷ / ۱۲
- _____ : درآمدی بر مقولهٔ پاورقی نویسی در ایران (۱) ۳۲۷ / ۱۰
- _____ : درآمدی بر مقولهٔ پاورقی نویسی در ایران (۲) ۵۴۸ / ۱۰
- _____ : درآمدی بر مقولهٔ پاورقی نویسی در ایران (۳/ الف) ۷۱۶ / ۱۰
- _____ : درآمدی بر مقولهٔ پاورقی نویسی در ایران (۳/ ب) ۱۰۱ / ۱۱
- _____ : دربارهٔ واژگان ورزش نوین در زبان فارسی ۵۶۴ / ۴
- _____ : عصای موسی و جادوی فرعون ۴۱ / ۷
- _____ : نگاهی دیگر به سنتی کهن: زورخانه ۷۲۶ / ۶
- _____ : «بر طاق ایوان فریدون»: نقش دولت و رعیت در دیدهٔ سعدی ۱۶۰ / ۳
- _____ : «پیشوای امت» و وزیر مختار «بی تدلیس» انگلیس: مراسلهٔ حاج سید محمد باقر شفتی حجة الاسلام و سرجان مکئیل در قضیهٔ... ۱۱ / ۲
- _____ : امیدسالار، محمود: «اسب رود» یا «اسب رود»؟ نکته ای در تصحیح گرشاسبنامه ۵۲۲ / ۹
- _____ : اسفند یار و آشیل ۷۳۴ / ۱۰
- _____ : اهمیت اِجرام صحیح در تصحیح انتقادی متن ۳۳۳ / ۱۵
- _____ : باز هم دربارهٔ «بنی آدم اعضای...» ۵۳۷ / ۵
- _____ : ببر بیان نامه / ۱ / ۴۴۷
- _____ : بچه ها سلام: صبحی و فولکلور ایران ۱۱۱ / ۵

- _____ : «بگشتی» یا «بگشتی» در شاهنامه، و نکته ای در تصحیح متن ۱۳۹ / ۱۳
- _____ : بعضی احادیث نبوی در شاهنامه ۱۱۰ / ۳
- _____ : تأملاتی پیرامون ساده انگاری ۱۴۶ / ۱۱
- _____ : تاریخ بیبھی و سواد امیران غزنوی ۲۳۰ / ۱۸
- _____ : تصحیح و توضیح عبارتی از مقدمه شاهنامه ابومنصوری ۴۸۷ / ۱۶
- _____ : چگونگی کتاب تاریخ طبری به انگلیسی ترجمه شد ۱۵۲ / ۹
- _____ : خداوند این را ندانیم کس - همان رخس رستمش خوانیم و بس نامه / ۳ / ۱۰۸
- _____ : دربارهٔ بیتی از هجوتامه فردوسی نامه / ۵ / ۴۷۹
- _____ : دربارهٔ معجم شاهنامه علوی طوسی ۶۰۲ / ۱۳
- _____ : دو مثل فارسی در متون عرب ۴۲ / ۲
- _____ : رستم و سهراب، وزیر بنای منطقی حکایت در شاهنامه ۳۴۲ / ۲
- _____ : راز روین تنی اسفندیار نامه / ۱ / ۲۵۴
- _____ : ز شیر شتر خوردن و سوسمار ۷۷۳ / ۱۳
- _____ : شاهنامه فردوسی و هویت فرهنگی محمود غزنوی ۶۱۶ / ۱۱
- _____ : شاهنامه و تعصب دینی محمود غزنوی ۳۱۶ / ۱۲
- _____ : شما را زمین پر کرکس مرا ۴۸۰ / ۸
- _____ : شهادت درخت، حکایت تیپ شماره ۱۵۴۳ و... ۱۲۷ / ۱
- _____ : ضحاک پسر مرداس یا ضحاک آدمخوار نامه / ۲ / ۳۲۹
- _____ : عجایب الدنيا و ابوالمؤید بلخی ۲۶۹ / ۱۶
- _____ : فرزندان ما جگر گوشه ماند، اضافاتی بر حواشی اسرار التوحید تصحیح دکنتر شفیعی کدکنی ۵۱۵ / ۱
- _____ : «کنج» یا «کنج» در مقدمه رستم و سهراب ۳۴۴ / ۱۱
- _____ : متن یک نامه باز یافته از سلطان محمود غزنوی ۷۴۲ / ۸
- _____ : معرفی چند مورد از منابع اشارات سعدی نامه / ۷ / ۲۶۱
- _____ : ملاحظاتی بر داستان رجم زن زناکار در مصیبت نامه عطار ۳۵۲ / ۳
- _____ : ملاحظاتی پیرامون سیرالملوک ابن المقفع ۲۶۶ / ۸
- _____ : ملاحظاتی دربارهٔ لطائف عبید زاکانی در «رسالة دلگشا» نامه / ۶ / ۲۲۸
- _____ : مفهوم عدالت در سیاستنامه خواجه نظام الملک ۵۲ / ۶
- _____ : نام اسپ افراسیاب، نکته ای در تصحیح شاهنامه ۵۹۷ / ۱۴
- _____ : نسخه شاهنامه لندن به نشان Add, 21 103 و تاریخ کتابت آن ۲۷۲ / ۱۷
- _____ : نکاتی دربارهٔ فحش و فحاشی در زبان فارسی ۳۴۱ / ۱۴
- _____ : نکته ای در باب هویت جامع کتاب «اختیارات شاهنامه» ۸۵۰ / ۱۴

- _____ : نکته ای در شاهنامه شناسی و تصحیح متن تاریخ سیستان ۱۲۱ / ۱۰
- _____ : هفت پیکر نظامی و ادب مصر باستان ۷۴۰ / ۳
- _____ : هفت خان رستم، بیژن و منبزه و نکاتی درباره منابع و شعر فردوسی ۵۴۰ / ۱۰
- امین، ایرج (محمد رضا تهرانی): رک. «اسناد تاریخی»
- امین، سید حسن: افسر: برترین قطعه سرای پارسی پس از ابن یعین ۶۰۰ / ۱۴
- _____ : امامزاده یحیی سبزوار ۳۳۶ / ۱۴
- _____ : امیرکبیر و اصلاحات ۳۳۹ / ۱۵
- _____ : پیوند مولانای رومی با ابن عربی ۴۶۵ / ۹
- _____ : تاج نامه ها ۱۰۴ / ۱۳
- _____ : داستان یوژاسف و بلوهر حکیم ۱۳۵ / ۹
- _____ : سلامان و ابسال: اسطوره ای یونانی در منابع ایرانی ۷۳۵ / ۱۵
- امینی، علی: کریاس، کریاس یا دریاس (رازگشایی از اصل یک واژه در شاهنامه) ۳۰۱ / ۱۸
- أوانسیان، أوانس: حلقة صفویه در انگلستان (۱) ۵۴۹ / ۷
- _____ : حلقة صفویه در انگلستان (۲) ۸۰۳ / ۷
- اوحدی اصفهانی، علی: سخنی درباره ادبیات معاصر دری در افغانستان (۱) ۱۲۵ / ۴
- _____ : سخنی درباره ادبیات معاصر دری در افغانستان (۲) ۳۱۷ / ۴
- _____ : سخنی درباره ادبیات معاصر دری در افغانستان (۳) ۵۸۶ / ۴
- اوز، یوسف: فرهنگهای فارسی - ترکی ۴۰۳ / ۱۳
- اوکادا، امیکو: سخنی دیگر در بازشناسی بیتی از ویس و رامین... ۷۰ / ۱
- ایرانی، نسرین (رنجبر): نگاهی به «سورة الغراب» (سیمرغ از شاهنامه تا سورة الغراب) (۱) ۷۱۳ / ۱۶
- _____ : نگاهی به «سورة الغراب» (سیمرغ از شاهنامه تا سورة الغراب) (۲) ۱۵۵ / ۱۷
- ایرن، ایرج: روایتی دیگر درباره جشن نوروز ۸۱۹ / ۷
- ایمن: رک. آهی (ایمن)، لیلی
- ایموتو، ته ایچی (ترجمه هاشم رجب زاده): نگاهی به رسم ژاپنی «اورا بون» از دیدگاه فرهنگ ایران ۷۴۱ / ۱
- _____ (ترجمه هاشم رجب زاده): جشن فرارسیدن خزان در ایران و ژاپن ۷۸۸ / ۲
- برادزه، گریگوری: رک. اسمیرنوا، لیدا یا، پ.
- پربریان، امانوئل: انگاره «باد زندانی» یونانی ست یا ایرانی؟ ۸۳۴ / ۲
- _____ : (مانوئل مانوگیان): ابوریحان بیرونی خوارزمی: دانشمندی با اندیشه های سده بیستمی ۱۳۹ / ۴
- برتراند، رنه (ترجمه آیتی، عطا): کودتای رضاخان ۷۸۲ / ۱۰
- برجیان، حبیب: ایران و قفقاز. مقالات تحقیقی از مرکز ایران شناسی در قفقاز ۱۸۰ / ۱۳

- _____ : تجربه تاجیکستان در تغییر خط فارسی / ۱۷۰ / ۵
- _____ : تصحیح متون گویشی: دیوان درویش عباس گزی / ۳۲۶ / ۱۷
- _____ : تکوین زبان ادبی تاجیکی / ۲۶۳ / ۱۸
- _____ : جغرافیای گویشهای ولایتی اصفهان / ۴۶۶ / ۱۷
- _____ : دائرة المعارف بزرگ اسلامی / ۸۶۵ / ۱۳
- _____ : درآمدی بر خوشنویسی در ایران باستان / ۷۴۵ / ۱۰
- _____ : ریگ آموی / ۶۴۷ / ۱۳
- _____ : فرهنگ نویسی در تاجیکستان / ۱۲۵ / ۱۱
- _____ : مازندرانی زبان است یا گویش؟ / ۴۳ / ۱۸
- _____ : نامهای ایرانی و اصالت آنها / ۳۰۵ / ۱۳
- بنانی، امین: از ویس و رامین تا خسرو و شیرین / ۷۰۸ / ۳
- بو، اوتاس: (ترجمه کارگر، داریوش): سفر به جهان دیگر در سرایش کهن پارسی / ۳۱۱ / ۱۰
- بوربور، مهدی: هنر معماری اسلامی، ضرورت‌های تغییر یک عنوان / ۱۱۲ / ۶ / نامه
- بهار، پروانه: چند خاطره از پدرم / ۶۳۹ / ۵ / نامه
- _____ : رقص اسلامی! / ۱۰۹ / ۷ / نامه
- بهار، مهرداد: کبوترها / ۶۳۵ / ۵ / نامه
- بهبهانی، سیمین: بر ما ها چه گذشت؟ / ۲۵۳ / ۱۶
- بی پروا، ابراهیم: مهاجرت و ایرانیان مهاجر / ۳۸۴ / ۱
- بیلگه گیل، زهرا و ادریسی، حبیب: معرفی نسخه خطی جدید «ابکار الافکار...» / ۵۹۹ / ۳
- پارسی نژاد، ایرج: استادم: دکتر خانلری / ۲۳۹ / ۳
- _____ : با یاد آن راوی شیرین گفتار / ۷۹ / ۸
- _____ : بهار: منتقد ادبی / ۸۴ / ۱۶
- _____ : درباره ایران و زبان فارسی / ۱۱۱ / ۱۰
- _____ : طالبوف تبریزی: منتقد ادبی ایران / ۵۲۰ / ۲
- _____ : میرزا آقاخان کرمانی و صادق چوبک / ۱۰۳ / ۱۲
- _____ : نقد شعر صوفیه / ۶۶۷ / ۱۸
- _____ : هدایت در مقدمه بر «ترانه های خیام» / ۶۱۳ / ۱۰
- پاکزاد، فضل الله: واژه ای در شاهنامه / ۳۸۰ / ۱۲
- پروشینسکی، کساوری (ترجمه دکتر روشن ضمیری): شیپورچی سمرقند / ۳۶۱ / ۳
- پروین، ناصرالدین: اختر اسلامبول / ۳۲۳ / ۷
- _____ : روزنامه ایران نو (۱) / ۳۶۴ / ۱۳
- _____ : روزنامه ایران نو، (۲) / ۶۱۵ / ۱۳

- _____ : پیشینه روزنامه نگاری فارسی در سرزمین کنونی عراق (۱۲۸۸-۱۳۰۱ خ) ۱۷ / ۶۹۶
- _____ : جمال زاده روزنامه نگار ۹ / ۶۴۶
- _____ : چهار یادداشت درباره استاد نازنینمان ذبیح الله صفا، ایرج میرزا، ... ۱۱ / ۵۰۱
- _____ : خاطرات تاج السلطنه: چند دلیل دیگر بر ساختگی بودن آن ۱۶ / ۶۶۳
- _____ : خدمات مطبوعاتی استاد صفا ۳ / ۱۳۲
- _____ : درباره کاربرد زبان محاوره در روزنامه ها و معرفی روزنامه شرافت ۸ / ۵۱۸
- _____ : روزنامه مقدس حبل المتین - به مناسبت یک صدمین سال انتشار نخستین شماره این روزنامه ۵ / ۴۷۰
- _____ : سرگذشت نسیم شمال ۱۴ / ۳۷۹
- _____ : نخستین روزنامه های افغانستان ۹ / ۳۰۴
- _____ : پرهام، باقر: تأملی در تعبیر سهروردی از سرانجام نبرد اسفندیار با رستم در شاهنامه ... ۵ / ۳۲۴
- _____ : درباره «کناه از کیست؟ از فوکو!» ۷ / ۵۳۹
- _____ : نخستین فکر، پسین شمار: نگاهی دیگر به مقدمه شاهنامه ۶ / ۷۴۶
- _____ : پولاک، دکتر ی.ا. (ترجمه اتابکی، تورج): روسپیگری در ایران ۴ / ۳۲۷
- _____ : پیستوزو، مانوریتز یو: ایران و هند از دیدگاه نبکیتین افنسی، تاجر روس در قرن پانزدهم ۱۷ / ۱۹۷
- _____ : پیر نظر، ناهید: ادبیات فارسیهود ۱۴ / ۱۲۳
- _____ : مقایسه «فره ایزدی» با «التفات الهی» در ادبیات فارسیهود ۱۵ / ۱۱۱
- _____ : تابان، تورج: زنداقه در نخستین سده های اسلامی ۵ / ۴۵۵
- _____ : قیام مقنع، جنبش روستایی سپید جامگان ۱ / ۵۳۲
- _____ : ترابی، سید محمد: دکتر حسین خطیبی و ترجمه منظوم باری او از یک قصیده عربی شیخ اجل سعدی ۱۳ / ۸۳۹
- _____ : با «نشأه جام» نگاهی به مجموعه شعر استاد صفا ۳ / ۹۸
- _____ : تفضلی، احمد: خواستگاری افراسیاب از اسپندارمد، نمونه ای از بن مایه اغوا در اساطیر ایرانی ۷ / ۱۸۹
- _____ : در رثای استاد دکتر عباس زریاب خوبی ۷ / ۲۸۰
- _____ : کمر هفت چشمه ۷ / ۴۹۴
- _____ : تفضلی، حمید: سخنی پیرامون مشروطه و پدیده تجدد در ایران ۱۵ / ۳۴۷
- _____ : سفری به باغ شاهی، گزارشی از سفرها بنریش فن پوزر به اصفهان ۱۵ / ۷۴۸
- _____ : تقی زاده، سید حسن: مشروطیت ۱ / ۵۱۱
- _____ : تمدنی، قدرت: پرسشهایی درباره تقویم و تاریخ ۱۶ / ۱۰۵
- _____ : تورسان زاد، اکبر: چه تدبیر، ای مسلمانان، که ما خویش را نمی دانیم؟! ... ۳ / ۸۲۳
- _____ : تهرانی، محمد رضا: رک. استاد تاریخی

- جسیم، اسماعیل: نامه فرنگستان و جمال زاده
 ۸۷۷ / ۱۱
- جمال زاده، سید محمد علی: دمی چند با شادروان دکتر قاسم غنی (۱)
 نامه / ۱ / ۶۲۷
- _____ دمی چند با شادروان دکتر قاسم غنی (۲)
 نامه / ۲ / ۱۷۸
- _____ دمی چند با شادروان دکتر قاسم غنی (۳)
 نامه / ۲ / ۲۵۴
- _____ واقع گرای سعیدی
 نامه / ۳ / ۶۴۹
- جم زاده، پریوش: تدفین اسکندر به روایت فردوسی و تزیینات هخامنشی آن
 ۸۲۹ / ۲
- جوادی، حسن: ایران در قدیمی ترین نوشته های یونانی (۱)
 نامه / ۱ / ۱۰۰
- _____ ایران در قدیمی ترین نوشته های یونانی (۲)
 نامه / ۱ / ۲۸۲
- جهانپور، فرهنگ: حافظ و امرسن
 نامه / ۶ / ۵۵۹
- _____ سعیدی و امرسن
 نامه / ۳ / ۶۹۰
- _____ نزهت نامه علائی اثر شهردان بن ابی الخیر رازی (۱)
 نامه، / ۲ / ۵۷۵
- _____ نزهت نامه علائی اثر شهردان بن ابی الخیر رازی (۲)
 نامه / ۳ / ۸۷
- جهانشاه لو، دکتر نصرت الله: درباره آذربایجان و آران و زبان آذربایجانی
 ۱۰ / ۶۱۳
- چاغم، فیلیز، سوچک، پریسلاپ. (ترجمه کامبیز اسلامی): دسنویسی شاهانه و
 دگرگونهای آن: سرگذشت یک کتاب
- چفتچی، حسن: یک اثر ناشناخته از عبید زاکانی: شرح الجفین
 ۴ / ۷۳۴
- چلکوسکی، پیتر: آثار سنتهای ایرانی در مراسم ماه محرم در کارائیب
 ۱۱ / ۸۷۳
- _____ آیا اپرای توراندوت پوچینی بر اساس کوشک سرخ هفت...
 ۳ / ۷۱۴
- _____ شاهنامه فردوسی و تبلیغات انگلیسی
 ۲ / ۳۱۰
- _____ عباس جوانمرد و دلیر
 ۱۰ / ۳۷۲
- چوبینه، بهرام: یک صدمین سالگرد شهادت میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی
 ۸ / ۳۳۹
- حائری یزدی، مهدی: درآمدی بر کتاب اسفار، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة
 ۴ / ۷۰۷
- حمید، حمید: ابن سینا، ازلیت عالم: خلق مدام و نفی آفرینش
 ۱۵ / ۳۵۵
- _____ ابن سینا، فرزانه ای متعلق به فرهنگ انسانی
 ۳ / ۱۳۷
- _____ «الحوادث الجماعه» و اوضاع اجتماع و سیاسی یهودیان در عهد مغول
 ۱۶ / ۱۱۰
- _____ باره ای عناصر اناکسیماندرسی در نظریه «وجود» ملا صدرا
 ۶ / ۸۱۷
- _____ تأثیرات اسمعیلی بر تفکر فلسفی موسی ابن میمون یهودی
 ۹ / ۲۸۵
- _____ تحول یک مفهوم منطقی ارسطویی به قاعده ای وجود شناختی در شیخیه
 ۴ / ۹۰
- _____ تفکر نوافلاطونی و نمادگرایی نوریه در اندیشه ابوحامد محمد غزالی
 ۶ / ۱۱۸
- _____ جامعه و دولت در فلسفه سیاسی ابن خلدون
 ۵ / ۵۴۲
- _____ حکایت ظهور یک جهان بینی: شیخیه
 ۲ / ۵۳۷
- _____ روش در معرفت شناسی ابن سینا
 ۱۰ / ۷۶۹

- _____ سعدالدوله وزیر: امیر کبیر یهودی دوران ارغون مغول
- _____ شکند گمانیک و بیچار و نقد کلامی بر یهود یگری
- _____ کوشش در بازسازی اندیشه ابوالعباس ایرانشهری
- _____ مشیت و اختیار در فلسفه و کلام شیعه امامیه
- _____ مناقشه در مثل: حکایت یک انتقال
- _____ ملکم، ناجی و مصلح کبیر به روایت احتشام السلطنه
- _____ نظری به میراث معنوی ابن کمونه: زندگی، اندیشه و شبیهات
- _____ یهودیان ایران در سفرنامه یاکوب پولاک
- _____ یهودیان و یهود یگری در آثار مسعودی
- _____ یهودیان و یهود یگری در «مقدمه ابن خلدون»
- _____ خالد پور، دکتر سیروس: ابوبکر محمد بن زکریای رازی و اولین رساله درباره بیماری آبله
- _____ اخوینی بخاری پایه گذار نمودار تب در جهان پزشکی
- _____ ذخیره خوارزمشاهی از اسمعیل گرگانی معروف به جرجانی
- _____ گوشه ای ناشناخته از دوران فتحعلی شاه قاجار
- _____ خالقی مطلق، جلال: از گل شعر تا گل شعر (نظر نظامی درباره شعر و شاعری)
- _____ اشتقاق سازی عامیانه در شاهنامه
- _____ اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه
- _____ و (متینی، جلال): ایران در گذشت روزگاران
- _____ بیژن و منیره و ویس و رامین (مقدمه ای بر ادبیات پارتی و ساسانی)
- _____ بارو آیین آن در ایران (۱)
- _____ بارو آیین آن در ایران (۲)
- _____ ببریان (رویین تنی و گونه های آن) (۱)
- _____ ببریان (رویین تنی و گونه های آن) (۲)
- _____ پاسداران دژ پترا (به روایت پرکیوس)
- _____ پیرامون وزن شاهنامه
- _____ ترجمه نامه یونکر، هانریش: نامه ای از مرحوم یونگر به شادروان نوشین
- _____ تکرار در شاهنامه (۱)
- _____ تکرار در شاهنامه (۲)
- _____ تن کاهه سرایی در ادب فارسی
- _____ «تورا که دست بلرزد گهر چه دانی سفت!»
- _____ جهان شناسی «شاهنامه»
- _____ چند یادداشت بر مقاله «ایران در گذشت روزگاران»
- ۱۰۱ / ۱۸
- ۷۲۶ / ۱۵
- ۸۳۵ / ۱۲
- ۱۰۶ / ۸
- ۵۹۸ / ۷
- ۸۵۳ / ۱۳
- ۶۳۲ / ۱۱
- ۸۲۳ / ۱۴
- ۳۰۹ / ۱۴
- ۵۱۳ / ۱۷
- ۲۷۲ / ۹
- ۵۸۹ / ۱۰
- ۵۰۹ / ۸
- ۵۱۵ / ۹
- ۴۹۹ / ۳
- ۱۵۸ / ۱۱
- ۷۲۸ / ۷
- ۲۳۳ / ۴
- ۲۷۳ / ۲
- نامه / ۵ / ۳۹۲
- نامه / ۶ / ۳۴
- نامه / ۶ / ۲۰۰
- نامه / ۶ / ۳۸۲
- نامه / ۲ / ۳۸۲
- ۴۸ / ۲
- ۵۹۱ / ۵
- ۵۲۶ / ۱۳
- ۸۱۴ / ۱۳
- ۱۵ / ۸
- ۸۹ / ۵
- ۵۵ / ۳
- ۶۹۲ / ۴

- _____: چند یادداشت بر مقاله ایران در گذشت روزگاران (۲) ۳۰۷ / ۵
- _____: چند یادداشت دیگر بر مقاله «ایران در گذشت روزگاران» ۲۸ / ۶
- _____: حاشیه ای بر تاریخچه هنر کتاب آرایبی در ایران ۳۹۵ / ۱۸
- _____: حافظ و حماسه ملی ایران ۵۶۵ / ۶ / ۶ / ۶
- _____: خیام و موضوع شاعری او ۷۳۰ / ۹
- _____: در پیرامون منابع فردوسی ۵۱۲ / ۱۰
- _____: دستنویس شاهنامه مورخ ۶۱۴ هجری قمری (دستنویس فلورانس) ۶۳ / ۷ / ۷ / ۷
- _____: دو نامه درباره بدیهه سرایی شفاهی و شاهنامه ۳۸ / ۹
- _____: دو نکته در ابیات شاهنامه ۵۹۳ / ۱۴
- _____: رسم خط شاهنامه (۱) ۳۳۵ / ۱
- _____: رسم خط شاهنامه (۲) ۴۸۹ / ۱
- _____: روزی به ترانه ای به چنگ آورمت (در پیرامون رباعی) ۲۵۲ / ۹
- _____: زیبایی کمال مطلوب در زن در فرهنگ ایران ۷۰۳ / ۸
- _____: سرگذشت زبان فارسی ۷۶ / ۱
- _____: شاهنامه و موضوع نخستین انسان ۲۲۳ / ۲ / ۲ / ۲
- _____: فرامرز نامه ۲۲ / ۱ / ۱ / ۱
- _____: [کاربرد «کنج» در شاهنامه] ۳۵۲ / ۱۱
- _____: کیخسرو و کوروش ۱۵۸ / ۷
- _____: گردشی در گر شاسپ نامه (۱) ۳۸۸ / ۱ / ۱ / ۱
- _____: گردشی در گر شاسپ نامه (۲) ۵۱۳ / ۱ / ۱ / ۱
- _____: گناه از کیست؟ از فوکو! ۶۳۱ / ۷
- _____: مردگیران (جشن بهاری زنان) ۴۳۵ / ۱۷
- _____: مُشکدانه (درنگی در ادبیات ساسانی) ۲۲۷ / ۱۶
- _____: معرفی سه قطعه الحاقی در شاهنامه ۶۷۵ / ۱
- _____: معرفی قطعات الحاقی شاهنامه (۱) ۲۶ / ۳ / ۳ / ۳
- _____: معرفی قطعات الحاقی شاهنامه (۲) ۲۴۶ / ۳ / ۳ / ۳
- _____: معرفی و ارزیابی برخی از دستنویسهای شاهنامه (۱) ۳۷۸ / ۳ / ۳ / ۳
- _____: معرفی و ارزیابی برخی از دستنویسهای شاهنامه (۲) ۱۶ / ۴ / ۴ / ۴
- _____: معرفی و ارزیابی برخی از دستنویسهای شاهنامه (۳) ۲۲۵ / ۴ / ۴ / ۴
- _____: معنی دیگری از «ایران» و «ایرانیان» در شاهنامه ۴۸ / ۱۶
- _____: نفوذ بوستان در شاهنامه ۶۲۴ / ۳ / ۳ / ۳
- _____: نکاتی بر ملاحظاتی ۳۲۵ / ۱۳

- _____ :نگاهی به هزار بیت دقیقی و سنجشی با سخن فردوسی (۱) ۵۱۰ / ۱۱
- _____ :نگاهی به هزار بیت دقیقی و سنجشی با سخن فردوسی (۲) ۷۵۰ / ۱۱
- _____ :نگاهی به هزار بیت دقیقی و سنجشی با سخن فردوسی (۳) ۵۸ / ۱۲
- _____ :هوشنگ و دباکو ۴۷۳ / ۸
- _____ : یادداشت‌هایی در تصحیح انتقادی بر مثال شاهنامه (۱) نامه / ۴ / ۳۶۲
- _____ : یادداشت‌هایی در تصحیح انتقادی بر مثال شاهنامه (۲) نامه / ۵ / ۴۷
- _____ : یادداشت‌هایی در تصحیح انتقادی بر مثال شاهنامه (۳) نامه / ۵ / ۲۵۰
- _____ : یادی از دانشمندی رنج‌دیده و ناکام: فریتس ولف ۴۱۷ / ۲
- _____ : یک معنی انتزاعی دیگر از آواز و گشتگی آن ۲۹۷ / ۱۰
- _____ : یک روایت در پنج اثر ۵۰۲ / ۱۵
- _____ : یکی داستان است بر آب چشم (درباره موضوع نبرد پدرو و پسر) نامه / ۱ / ۱۶۴
- _____ : «دفتر خاطرات دکتر پرویز نائل خانلری»: تنگدستی خانلری، پرویز: از «دفتر خاطرات دکتر پرویز نائل خانلری»: تنگدستی ۲۹۸ / ۵
- _____ : نوروز نامه / ۱ / ۱۴۳
- _____ : محمد مهدی: تنگسیر، بازسازی اسطوره گونه داستان واقعی خرمی، محمد مهدی: تنگسیر، بازسازی اسطوره گونه داستان واقعی ۲۸۳ / ۵
- _____ : قصه و قصه نویس در تبعید: تاریخچه استقلال ادبی ۱۸۳ / ۵
- _____ : «غیر شخصی» پروین اعتصامی ۲۸۵ / ۱
- _____ : داوران، فرشته: شعر «غیر شخصی» پروین اعتصامی ۴۳۹ / ۵ / ۵
- _____ : انوشیروان و بزرجمهر در «گلستان» سعدی نامه / ۳ / ۸۵
- _____ : این همه نقش در آینه اوهام: تعبیری بر تعبیرات حافظ نامه / ۶ / ۵۷۴
- _____ : تأملی بر صناعت روایت در «گلستان»: ترتیب کتابت و تهذیب ابواب... ۸۸ / ۶
- _____ : تأملی بر عقاید سعدی در تأثیر تربیت نامه / ۳ / ۶۲۷
- _____ : جامعیت اخلاق عملی در ترکیب حکمت نظری: جوهر درایت در کیمیای سعادت امام محمد غزالی ۶۷۹ / ۴ / ۴
- _____ : جا یگانه «فلسفه» در جهان بینی عقیدتی شهرستانی ۹۶ / ۵
- _____ : حرف نخستین: مفهوم «سخن» نزد حکیم نظامی گنجوی ۷۲۳ / ۳
- _____ : دیدگاهی بر افکار اجتماعی ملا صدرا: نظامی اجتماعی در جهانی سمردی نامه / ۳ / ۴۰۷
- _____ : شعر، سیاست، اخلاق: ارمغان پروین اعتصامی به شعر معاصر فارسی ۳۴۰ / ۱
- _____ : فرهنگ سیاسی «شاهنامه»: اندیشه سیاسی فیلسوف / پادشاه در سلطنت خسرو انوشیروان ۳۲۱ / ۲
- _____ : جهانیگیر: ارتباط روسیه با ادب فارسی ۱۹ / ۹
- _____ : دریایی، تورج: اردشیر با بکان و سرهای بریده در آتشکده اناهد ۶۵۹ / ۱۶
- _____ : اردشیر، موبد موبدان: یک تصحیح در متن بندش ۱۴۵ / ۱۳

- _____ : اهرمن و دیوان در متون پهلوی ۱۲۴ / ۱۰
- _____ : چند نکته درباره متن پهلوی «شهرستانهای ایران شهر» ۷۹۵ / ۱۲
- _____ : سهم منابع هند و اروپایی در شناخت شاهنامه: هویت کاوه آهنگر ۲۷۹ / ۹
- _____ : شگفتی و برجستگی سیستان: متنی به زبان پهلوی ۵۳۴ / ۸
- _____ : فرزندان و نوادگان یزدگرد سوم در چین ۵۴۰ / ۱۵
- _____ : کمان رستم و یادگار زریران ۶۴ / ۱۷
- دوستدار، آرامش: چگونگی برآمدن دین یهود در سیاست سازمانی - دیوانی هخامنشی و دورنمایی از رویداد یهودیت در دوره باستان و دوره هلنیسم ۸۱۹ / ۲
- دوشسن - گیومن، ژ. (ترجمه سمسار، مهدی): ایران و یونان: نظریه اسطوره ای پیدا پیش عالم در عصر باستان (۱) ۹۴ / ۱۵
- _____ (ترجمه سمسار، مهدی): از میان همه فرزندان آسیا زرتشت نخستین کسی بود که غرب اورا پذیرفت (۲) ۲۷۸ / ۱۵
- دوستخواه، جلیل: درخت دانش بی پایان، درباره «دانشنامه ایرانیکا»، جلد پنجم ۳۹۸ / ۵
- _____ : رهنمودی دیگر به افزودگی چهار بیت در شاهنامه فردوسی ۹۲ / ۹
- _____ : رود روی وحشت تاریخ ۱۳۴ / ۸
- _____ : شاهنامه شناسی: گامی در راستای پژوهش فرهیخته ۷۷۱ / ۸
- دولت‌شاهی، مهرانگیز: زن ایرانی در کساکش نوگرایی ۶۴۵ / ۱۷
- دیویس، دیک (ترجمه هنرمند، سعید): مسأله منابع فردوسی ۹۲ / ۱۰
- ذکاء، یحیی: درباره گویش «کنار - آب» ۷ / ۵ / نامه
- رؤیایی، بدالله: تأملی در شعر معاصر با عبوری از کارهای نادرپور ۳ / ۳ / نامه
- _____ : گور ویدال (Gore Vidal)، یک زائر - فیلسوف با مشعل راهش: زرتشت رجب زاده، هاشم: ایران باستان و ژاپن: «شاهدخت ساسانی در ژاپن» ۱۵۰ / ۱۴
- _____ : ایران و ایرانیان از نگاه یوشیدا نخستین فرستاده ژاپن به دربار قاجار (۱) ۳۸۱ / ۵
- _____ : ایران و ایرانیان از نگاه یوشیدا نخستین فرستاده ژاپن به دربار قاجار (۲) ۵۶۶ / ۵
- _____ : ایران و ایرانیان در سفرنامه آشی گاگا آتسواوجی ۵۶۴ / ۶
- _____ : بیزانس، آناتولی، ترکیه و بارگاه مولانا ۵۵۸ / ۱۱
- _____ : تدوین زندگینامه امپراتور پیشین ژاپن ۵۶۲ / ۱۷
- _____ : تصویر چرخ در ادب فارسی (۱) ۳۲۰ / ۱۵
- _____ : تصویر چرخ در ادب فارسی، چرخ و مثنوی معنوی (۲) ۵۰۸ / ۱۵
- _____ : دیدار پیر طریقت «تاتو» و چنگیز ۷۷۶ / ۱۳
- _____ : دیدارم با رضاشاه، از خاطرات آکیو کازاما نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران ۷۷۰ / ۱۱
- _____ : زنان در امثال فارسی (۱) ۶۰۲ / ۱۲

- ۸۰۲ / ۱۲ _____: زنان در امثال فارسی (۲)
- ۳۲۱ / ۸ _____: ژاپن در جبل المتین (۱)
- ۴۹۶ / ۸ _____: ژاپن در جبل المتین (۲)
- ۳۵۹ / ۱ _____: ژاپنی که مخبر السلطنه هدایت دید
- ۳۴۲ / ۱۰ _____: شرح رشید الدین فضل الله در امتیاز خط چینی - ژاپنی
- _____: فتح بغداد به دست مغولان به روایت خواجه نصیرالدین و رشید الدین فضل الله
- ۵۷ / ۱۵ _____: کتاب جنگ و ترجمه ژاپنی آن: افقهای همگون حکومتهای ایران و ژاپن در سالهای...
- ۳۶۰ / ۱۱ _____: ویس و رامین به زبان ژاپنی
- ۵۸۲ / ۳ _____: رستگار نژاد، ناصر: ابرای «رستم و سهراب» اثر لوریس چکناواریان
- ۸۴۹ / ۱۳ _____: رضا، عنایت الله: تاریخ و تاریخنگاری
- ۳۲ / ۱۶ _____: سیاست دینی خسرو دوم (پرویز - ابروین)
- ۷۶۱ / ۱۴ _____: رفیعی، امیر تیمور: الغ بیگ و گرایشهای مذهبی او
- ۵۶۵ / ۱۵ _____: سیاست مذهبی امیر تیمور گورکانی
- ۱۲۵ / ۸ _____: رنان، ارنست (ترجمه رامین کامران): [درباره علوم عربی و هنر اسلامی]
- ۷۲۶ / ۱ _____: روان فرهادی، عبدالغفور: کتابی درباره عهد امانی افغانستان (۱۹۱۹-۱۹۲۹)
- ۱۶۵ / ۱۳ _____: رهایی، رسول: سیمای شهری با دونام
- ۲۸۲ / ۱۶ _____: رهنما، هوشنگ: چند واژه ایرانی: سیاق، با یرام، خرورا
- ۱۵۲ / ۷ _____: زرین کوب، عبدالحسین: عارف و عامی در رقص و سماع
- ۲۶۱ / ۳ _____: [غزالی] در نظامیه بغداد
- نامہ / ۴ / ۵۹۳ _____: فلسفه یونان در بزم اسکندر: نظری به اسکندرنامه نظامی
- ۴۸۲ / ۳ _____: زند، فرخ زاد: اشارات در کاربرد شناسی
- ۱۶۶ / ۱۱ _____: بررسی ترجمه داستانهای کوتاه صادق هدایت (۱)
- ۳۵۳ / ۱۲ _____: بررسی ترجمه داستانهای کوتاه صادق هدایت (۲)
- ۶۱۶ / ۱۲ _____: زیان بدرالدین، صابر (ترجمه حمید احمدی): بان ترکیسم: گذشته، حال و آینده آن
- _____ [برنامه کنونی بان ترکیسم بر اساس اصل ختنه]
- ۴۴۳ / ۱۶ _____: سالک، عبدالرضا: تثنی سرشار از لاژورد...، نگاهی به هایکوههای سنتی ژاپن
- ۶۴۵ / ۱۴ _____: سالمی، دکتر محمد حسن: سازمان افسران ناسیونالیست، و تأملی بر یادداشتهای دکتر صدیقی
- ۵۷۰ / ۱۶ _____: ستوده، منوچهر: خاک و بارود و تقسیمات کنونی آن
- ۴۹۴ / ۵ _____: _____: وخیگی خون
- ۷۳۸ / ۸ _____

- _____ : فهرست مراسلات و مکاتبات شاه عباس صفوی با پادریان و سلاطین فرنگ
۵۶۰ / ۱۴
- سجادپور، دکتر کمال: شاهنامه را چگونه باید ستود
۵۱۴ / ۱۸
- سراج، شهبین: پیام وصال شیرازی برای عباس میرزا، اشارات سیاسی و تاریخی در یک
قصیده مدحی
۴۷۳ / ۱۸
- سراوانی، سهراب: نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند
نامه / ۴ / ۴۱۳
- سرودی، سرور: ترجمه کامل شاهنامه فردوسی به زبان عبری
۸۰۱ / ۳
- سعید وفا، مهرناز: سهراب شهید ثالث، پایه گذار سینمای نوین ایران
۵۶۳ / ۱۰
- سعیدی سیرجانی: احمدو
۳۱۹ / ۳
- _____ : ای کونه آستینان!
۶۴ / ۲
- _____ : چرا نظامی در پیری به هوستامه سرایی پرداخت
۶۶۷ / ۳
- _____ : زن در نظر نظامی
۱۰۷ / ۵
- _____ : [نامه ای به جای مقاله]
نامه / ۶ / ۶۴۲
- سلیلی، شهبلا: مراسم دو عروسی در اواخر دوران قاجاری (ترجمه)
نامه / ۷ / ۲۶۵
- سندجی، سلطانهحسین: «شرفنامه شاهی» و اشاره ای به کشتار و غارت هراتیان
نامه / ۶ / ۲۵۹
- سوجک، پریسیلا پ. رک: چاعمن، فیلیز
سودآور، ابوالعلاء: اندر بررسی تاریخ و مورخین
۳۵۴ / ۸
- _____ : «توطئه عظمی» و ابوالمظفر شاه طهماسب صفوی
۵۱ / ۹
- _____ : دو نکته در تاریخ مغول
۸۶ / ۸
- _____ : ظفرنامه و شاهنامه فردوسی
۷۵۲ / ۷
- سپهلی خوانساری، احمد: چهار داستان شاهنامه از سید محمد بقاء
نامه / ۳ / ۲۶۲
- سیار، هما: «لبر یخته ها» شعری دیگرتر
۷۷۷ / ۵
- سیحون، فریده - ضیمران، محمد: نگرش تطبیقی بر اسطوره عشق در فرهنگهای کهن با
تکیه بر اندیشه های حافظ
۷۴۵ / ۵
- شاپوریان، رضا: ملک سلیمان و زندان سکندر در یک غزل ناب حافظ
۳۳۰ / ۱۱
- شادمان، سید ضیاء الدین: مرحوم هویدا و مسجد جمکران
۲۷۵ / ۱۶
- شاهرخی، نوشین: اسطوره آفرینش
۳۴۰ / ۱۲
- شاهق، ابوالحسن: یادای از مرحوم تقی زاده
۱۵ / ۱۸
- شاهق (حریری)، مهوش: درباره مسافر «سفری به تهران»
۱۴۸ / ۴
- _____ : نظر مشابه ملک الشعراء کنگره امریکا و فردوسی درباره شعر
۳۶۲ / ۱۴
- شاهمرادی، بیژن: زهسنگی: زیست گورها در بختیاری
۲۹۳ / ۱۸
- _____ : کیارسی، طایفه ای در بختیاری
۵۰ / ۱۷
- _____ : کلاه در فرهنگ بختیاری (پژوهشی در مردمشناسی فرهنگی)
۷۳۷ / ۱۷

- شا یگان نیک، حسن: اندر پاسخ نقد و ناقدان ۳۵۸ / ۸
- _____ : سیمای یک ایران شناس فقید: والتر هیتس (۱) ۳۰۳ / ۷
- _____ : سیمای یک ایران شناس فقید: والتر هیتس (۲) ۵۷۹ / ۷
- _____ : سیمای یک ایران شناس فقید: والتر هیتس (۳) ۷۷۹ / ۷
- شفا، شجاع الدین: آن سوی سراب ۳۸۰ / ۱۱
- شفیعی کدکنی، محمد رضا: پیشینه هنر تئاتر در ایران ۲۹۰ / ۱۷
- _____ : در ترجمه ناپذیری شعر ۷۴۳ / ۱۴
- _____ : شعر جدولی - آسیب شناسی نسل خرد گریز ۵۷۱ / ۱۰
- _____ : عقل ورزیدم و عشقم به ملامت برخاست ۵۱۰ / ۱۳
- _____ : علم شاعری و «القاب» ۲۷۸ / ۳
- شکی، منصور: ساسان که بود؟ ۷۷ / ۲
- شمس آوری، جهانگیر: برای وصل کردن ۵۲۲ / ۶
- _____ : پند بردیوار ۳۰۵ / ۶
- _____ : حافظ چه نیازی به ریاضی دارد ۳۹۸ / ۷
- شهبازی، علی اکبر: روش پرورش و آموزش در مکاتب و مدارس قدیمه و هدف از آن (۱) نامه / ۲ / ۲۲۹
- _____ : روش پرورش و آموزش در مکاتب و مدارس قدیمه و هدف از آن (۲) نامه / ۲ / ۴۳۲
- _____ : «علم و علماء»؟ نامه / ۳ / ۲۶۵
- _____ : نمونه ای از شیوه های ابتکاری و گوناگون دانشمندان ایرانی در فن فرهنگ نویسی ۴۵۸ / ۶ / ۶
- شهبازی، ع. ش. : زاد روز فردوسی ۳۷۰ / ۲
- _____ : ملاحظاتی درباره برخی نامهای یاد شده در شاهنامه ۳۱۶ / ۱۳
- شیبانی، سیمین: سفره ایرانی ۸۳۵ / ۱۴
- شیدا، بهروز: داستان ادبیات داستانی ایران، گزارشی از مجموعه مقاله ادبیات داستانی در دانشنامه ایرانیکا ۵۳۸ / ۱۴
- صابری، رضا: بی ارزشی دانش (؟)، نقدی بر کتاب دانش و ارزش ۱۲۵ / ۱۵
- _____ : سفالینه ای بی ارزش ۲۹۳ / ۱۶
- _____ : شمیران: دژی که ناصر خسرو هزار سال پیش در آن میهمان بوده است ۶۴۹ / ۱۶
- _____ : قومس کجاست؟ ۱۲۸ / ۱۷
- _____ : ناصر خسرو در روم ۲۳۹ / ۱۷
- _____ : ناصر خسرو در شام (۱) ۵۲۵ / ۱۷
- _____ : ناصر خسرو در شام (۲) ۵۰ / ۱۸
- _____ : نیل سنج ۶۴۱ / ۱۸

- صاحب جمعی، دکتر حمید: درباره نقطه گذاری
 ۵۷۱ / ۱۰ _____
 زبان و اندیشه
 ۳۰۰ / ۱۴ _____
 شعر، نثر، و اندیشه ایرانی
 ۷۸۴ / ۱۴ _____
 علل ناکامی نهضت تجدد خواهی در ایران
 ۶۸ / ۱۳ _____
 فیز بولوژی مکاشفه
 ۱۴۲ / ۱۲ _____
 ناسازگاری حقیقت و معنا
 ۳۱۹ / ۱۱ _____
 صفا ذبیح الله: اشاره ای کوتاه به تحریر داستانها در دوران صفوی (داستانهای مذهبی)
 ۷۲۴ / ۲ _____
 اشاره ای کوتاه به داستانگزاران و داستانگری تا دوران صفویه
 ۴۶۳ / ۱ _____
 حماسه های تاریخی و دینی در عهد صفویه
 نامه / ۱ / ۵ _____
 خواجه شاپور تهرانی و خاندان او
 نامه / ۱ / ۵۰۲ _____
 سعدی و سیف فرغانی
 نامه / ۳ / ۶۷۵ _____
 شرایط اجتماعی و سیاسی ایران بعد از سقوط شاهنشاهی ساسانی و اثر آن در
 ترجمه و تدوین روایتهای ملی تا ...
 ۲۳۹ / ۲ _____
 ماجرای تحریم ابومسلم نامه
 نامه / ۵ / ۲۳۳ _____
 مخالفت عالمان شرع با دانشهای عقلی و سهم غزالی و هم اندیشگانش در
 وا پسین سده های تاریخ اسلامی در این ستیزندگیها
 نامه / ۴ / ۵۷۱ _____
 ملاحظاتی درباره داستان اسکندر مقدونی و اسکندرنامه های فردوسی و نظامی
 ۴۶۹ / ۳ _____
 موضوع رؤیت امامان
 ۴۹۴ / ۱۱ _____
 نظری اجمالی به دو داستان در ادب فارسی
 ۷ / ۵ _____
 یادى از استاد
 نامه / ۵ / ۶۲۵ _____
 صنایع، محمود: درباره تئیدن
 نامه / ۳ / ۲۱۴ _____
 نظری به شخصیت سعدی و بعضی عوامل مؤثر در آن
 نامه / ۳ / ۵۵۹ _____
 گاندی
 نامه / ۴ / ۱۸۶ _____
 ضیایی، حسین: صدرالدین شیرازی و بیان فلسفی «حکمت متعالیه»
 ۳۵۳ / ۵ _____
 معرفی و بررسی نسخه خطی «شجره الهیه» اثر فلسفی شمس الدین محمد
 ۸۹ / ۲ _____
 شهرزوری ...
 ضیایی، نصرت الله: روایتی درباره نسخه برداری از دستنوشته ها
 ۹۵۶ / ۱۴ _____
 ضیمران، محمد: رک. سیحون، فریده
 طالقانی، محمد علی: آیینة سکندر
 ۳۱۵ / ۱۷ _____
 جاده ماوراء النهر
 ۶۴ / ۱۶ _____
 سر آغاز کوششهای خاورشناسی در انگلستان و بررسی نخستین کوششهای
 ۵۹۴ / ۱۱ _____
 سِر و یلیام جونز نظر به پرداز همانندی زبانهای هند و اروپایی
 ۱۷۳ / ۱۱ _____

- _____ :سلامان و ابسال: اسطوره ای یونانی یا اسطوره ای از بنی اسرائیل؟ ۲۹۰ / ۱۸
- _____ :شمس تبریزی، ذیلی بر مقاله «این شمس خود کیست...؟» ۱۳۲ / ۱۲
- _____ :«قافیه مقدم» و «نمته حروف» ۵۷۶ / ۱۴
- _____ :نظری به اوضاع و احوال اجتماعی - سیاسی اواخر عصر قاجار از خلال اسناد و گزارشهای محرمانه خارجیان ۷۴۹ / ۱۷
- _____ :زهره: تصویر واژگونه زن در هبوط. نگاهی به مبحث صفت زنان در نصیحت الملوک طاهری، ۶۷۳ / ۱۷
- _____ :دفتر عقل و آیت عشق- زنان در عرصه حدیث و تصوف از سده چهارم تا ششم هجری ۶۰۵ / ۱۸
- _____ :شعری که آینه است: نگاهی به زندگی و شعر عالم‌تاج قائم مقامی «زاله» (۱) ۹۶ / ۱۷
- _____ :شعری که آینه است: نگاهی به زندگی و شعر عالم‌تاج قائم مقامی «زاله» (۲) ۲۵۷ / ۱۷
- _____ :طه، منیر: خانلری و شاگردانش ۲۴۴ / ۳
- _____ :سعیدی یارخو گرفته با یاران دانشکده ادبیات عاصمی، محمد: یادها و یادگارهایی از سید محمد علی جمال زاده ۵۸ / ۷
- _____ :عترسی، طلال (تلیخیص و ترجمه از: قانون پرور، محمد رضا): سیمای ایرانیان در کتابهای درسی اعراب ۷۰۴ / ۹
- _____ :عرفان، عبدالرب (ترجمه شریف حسین قاسمی): واژه ای در محل نظر در چهارم مقاله ۵۵۸ / ۱۲
- _____ :علائی، سیروس: البرت هوتس هلندی دوستدار فرهنگ ایران ۴۱۹ / ۱۸
- _____ :اولین نقشه رسمی تهران، بازگویی فرهنگ شهری ایران در سده نوزدهم ۸۱ / ۱۳
- _____ :ایران به شکل گربه ۵۲۷ / ۱۴
- _____ :جهان نمای زکریای قزوینی ۲۸۶ / ۱۸
- _____ :طلوع و غروب نقشه نگاری در جامعه های سنتی اسلامی ۵۲۶ / ۵
- _____ :نامه ای از لندن ۹۲ / ۸
- _____ :نظری به نقشه های قدیمی ایران ۳۰۲ / ۱۰
- _____ :نکته های پراکنده (۱): ۱- رها کن که گوید، تو بنگر چه گوید؛ ۲- شازده ۲۶۹ / ۴
- _____ :آبگوشتی؛ ۳- جهانی شدن Globalization ۵۱۷ / ۱۸
- _____ :علوی، بزرگ: اندر ترجمه گلستان و بوستان به زبان آلمانی ۶۸۲ / ۳
- _____ :نویسندگی در غربت ۴۹۶ / ۲
- _____ :العوضی، محمد صدیق: واژه های فارسی الاصل در لهجه عربی حجاز ۴۶۱ / ۳
- _____ :غیبی، بیژن: هر دم از این باغ بری می رسد ۳۹۱ / ۱۲
- _____ :فاتح، دکتر حسن: عارف قزوینی و محمد تقی بهار (ملک الشعراء) ۴۸۰ / ۹
- _____ :فتح راضی، ض: انطباق یلدا و کریسمس ۸۰۳ / ۴
- _____ :فتحی، اصغر: درباره چادر و اسلام ۱۴۱ / ۱۴

- فرخ، فریدون: دیدگاه نفس‌گرایانهٔ صادق چوبک در بنای سنگ صبور
 فرهودی، حسین: ایران و کنفرانس صلح پاریس
 ۲۷۶ / ۵ _____: باز هم ذکر جمیل سعدی
 نامه / ۶ / ۴۳۵ _____: «جواب سعدی و حافظ را چه بدهیم؟» - رضا شاه در سفر ترکیه
 ۱۱۵ / ۱ _____: عوامل ظهور فردوسی و حکمت آن
 نامه / ۷ / ۲۵۸ _____: فصلی نانوشته در تاریخ معاصر ایران
 نامه / ۶ / ۲۴۸ _____: مقام قانون اساسی مشروطیت در نثر فارسی
 نامه / ۷ / ۹۵ _____: یادى از گذشته برای راهگشایی آینده، و کوششی پیگیر و همه‌جانبه برای
 ۱۰۹ / ۲ بازگرداندن مشروطیت
 فکوری، ابراهیم: رابطهٔ زبان و اندیشه از دیدگاه روانشناسی
 ۵۴۹ / ۱۵ قادری، سید جعفر: اَبَر مردی در ره علم و فرهنگ
 ۱۱۱ / ۱۷ قاسمی، شریف حسین: پیام بخش فارسی دانشگاه دهلی به مناسبت درگذشت
 ۵۰۱ / ۱۱ استاد ذبیح الله صفا
 معرفى اثرى به نام «حیام» از سید سلیمان ندوی
 ۴۸۷ / ۱۷ قانون پرور، محمد رضا: چند تصویر از زنان در داستانهای صادق چوبک
 ۲۶۸ / ۵ _____: دنیای آرمانی پروین اعتصامی
 ۳۱۰ / ۱ _____: راویان، مخاطبان، و زاویهٔ دید روایت در «گنبد سیاه»
 ۵۴۰ / ۳ قریب، مهدی: بازخوانی داستان رستم و اسفندیار از شاهنامهٔ فردوسی
 ۳۵۷ / ۷ قهرمان، روزه: ناشنایان از نگاه شاعران ایران (مروری گذرا به جایگاه ناشنایان
 ۶۲۲ / ۱۸ در اشعار فارسی)
 قهرمانی، سعید: آخرین نظریهٔ سهراب [سپهری]
 ۷۶۱ / ۱۰ _____: پیشنهاد: «نگرشی ریاضی گونه در شعر حافظ»
 ۵۳۴ / ۶ _____: دربارهٔ «حافظ چه نیازی به ریاضی دارد»
 ۴۰۸ / ۷ _____: ماههای آخر زندگی زرین کوب
 ۳۹۵ / ۱۲ کاتوزیان، محمد علی همایون: اخوانیات عارف نامهٔ ایرج
 ۵۹ / ۱۱ _____: از گناهان فروغ فرخزاد
 ۲۶۴ / ۱۲ _____: اصفهان نامهٔ جمال زاده
 ۵۳۱ / ۱۱ _____: باران که در لطافت طبعش خلاف نیست...
 ۴۷۸ / ۱۶ _____: پیرهن و بی پیرهنی در شعر سه عاشق و شاعر
 ۳۸ / ۱۴ _____: تاریخ مالی ایران، و ملاحظاتی در جامعه شناسی تاریخی ایران
 ۸۹۱ / ۱۱ _____: جدلهای سعدی
 ۵۵۹ / ۱۲ _____: حماسه سرایی سعدی؟
 ۷۵۰ / ۱۴

- _____ : در اخلاق درویشان ۶۸۲ / ۱۵
- _____ : درباره طنز ۴۴۳ / ۹
- _____ : درباره مقوله ادبی طنزینه و بحثی تطبیقی در کاربرد آن در ادب فارسی و غربی ۲۶۵ / ۱۱
- _____ : درباره نکته های آقای احمدی ۸۸۱ / ۱۲
- _____ : دروغ مصلحت آمیز سعدی ۲۷۹ / ۱۴
- _____ : دکتر مجتهدی و مسائل خدمتگزاری در جامعه کلنگی ۴۹۳ / ۱۵
- _____ : ریشه های سعدی کُشی ۵۰۹ / ۱۴
- _____ : سر و ته یک کرباس: نقل کودکی جمال زاده ۷۸۵ / ۱۲
- _____ : سعدی در شب وصل ۶۶۴ / ۱۷
- _____ : سعدی در شب هجر ۲۳ / ۱۸
- _____ : سعدی و پادشاهان ۱۹ / ۱۶
- _____ : سعدی و وزیران ۲۴۰ / ۱۶
- _____ : سفرها و حَضَرهای سعدی ۵۵۲ / ۱۳
- _____ : «سگ ولگرد» هدایت ۷۴ / ۱۵
- _____ : شاهکار شاهکار کاره ۴۲ / ۱۲
- _____ : طنز دوره هدایت (۱) ۳۱ / ۱۰
- _____ : طنز دوره هدایت (۲) ۲۷۱ / ۱۰
- _____ : طنزنامه های هدایت ۶۹۴ / ۱۰
- _____ : طنز و طنزینه در آثار هدایت (۱) ۸۰ / ۹
- _____ : طنز و طنزینه در آثار هدایت (۲) ۲۵۹ / ۹
- _____ : عاشقی های سعدی ۶۳۰ / ۱۶
- _____ : علویه خانم و ولننگاری های دیگر ۴۹۱ / ۱۰
- _____ : غزل سعدی ۴۰ / ۱۷
- _____ : فرار سعدی از مدرسه ۵۲۷ / ۱۳
- _____ : قتلشن دیوان جمال زاده ۶۷۲ / ۹
- _____ : گلستان و افسردگی سعدی؟ ۲۸۹ / ۱۳
- _____ : مرا در نظامیه ادرار بود ۷۹۸ / ۱۳
- _____ : من استاد ام تا بسوزم تمام ۲۶۱ / ۱۵
- _____ : نامه های هدایت (۱) ۵۵ / ۸
- _____ : نامه های هدایت (۲) ۲۷۸ / ۸
- _____ : وجوه غزل سعدی (۱) ۲۳۰ / ۱۷
- _____ : وجوه غزل سعدی (۲) ۴۴۲ / ۱۷

- _____ : یادداشت‌هایی در سعدی شناسی
۲۵۱ / ۱۸
- کارگر، داریوش: باز سپید، در آتشکده گمشده جاماسپ
۵۷۰ / ۱۲
- _____ : فرخ نامه یونان دستور در صورت پارسیگ
۸۵ / ۱۸
- _____ : فضل دیگر
۳۶۷ / ۱۲
- _____ : یونان دستور و فرخ نامه
۲۹۵ / ۱۷
- کاشف، منوچهر: هفت نغمه درویشان مولویه
۷۶۵ / ۴
- کاظم زاده، رضا: «بوف کور»، فروید، و نقد ادبی (۱)
۵۹۶ / ۶
- _____ : «بوف کور»، فروید، و نقد ادبی (۲)
۸۲۳ / ۶
- کاظمی موسوی، احمد: آغاز ولایت سیاسی علما و انجام آن (عصر مشروطیت و انقلاب اسلامی) (۱)
۴۹۰ / ۱۴
- _____ : آغاز ولایت سیاسی علما و انجام آن (عصر مشروطیت و انقلاب اسلامی) (۲)
۷۲۸ / ۱۴
- _____ : برآمد علما به صحنه فقاقت (۱)
۷۹۰ / ۱۱
- _____ : برآمد علما به صحنه فقاقت (۲)
۲۸۸ / ۱۲
- _____ : حافظ در یادآوری عهد اُست
۷۶۲ / ۷
- _____ : ساختار اشتقاقی فعل ماضی
۴۵۲ / ۱۸
- _____ : رویکرد علمای شیعه به شعائر و آداب عامه پسند
۵۴ / ۱۴
- _____ : عالم اثیر و مثال در برزخ بوف کور
۳۷۳ / ۷
- _____ : علما در برخورد با اخبار و اصول و حکومت، راهیابی بین اعتقاد و عمل
۵۲۷ / ۱۲
- _____ : نگاهی دیگر به زبان آوری بیهقی در نثر فارسی
۵۳۶ / ۱۷
- کریم زاده تبریزی، محمد علی: دیوان ترکی نظامی گنجوی!
۵۵۶ / ۱۷
- کریمی حکاک: احمد: پروین اعتصامی، شاعری نوآور: تحلیلی از شعر «جولای خدا»
۲۶۴ / ۱
- کشاوری صدر، امیر هوشنگ: درباره یادداشت‌های صدرالدین عینی
۱۱۱ / ۴
- کلباسی، محمد: رنج آرز: نگاهی دیگر به داستان رستم و سهراب شاهنامه
۷۷ / ۱۰
- کمالی، حسین: ایران در مکاتبات گوینو با توکویل
۴۹۴ / ۹
- _____ : کورویاناگی، ت: ادبیات فارسی در ژاپن
۲۱ / ۳
- _____ : کوهدامنی، بیرنگ: نامه ای همراه چند شعر از شاعری افغانستانی
۷۶۴ / ۵
- _____ : گلستان، ابراهیم: سی سال و بیشتر با مهدی اخوان
۷۵۵ / ۲
- _____ : گریگوریان، وارطان: سرنوشت تلخ طالبی‌ها در آذربایجان شوروی. ادغام
داوطلبانه! یا تقلب و تزویر
۶۰۲ / ۴
- _____ : گیونا شویلی، جمشید: سخنی چند درباره متن شناسی منظومه ویس و رامین. فخرالدین اسعد
گرگانی
۱۲۵ / ۲
- _____ : لوئیس، برنارد (ترجمه شاهی، مهوش): ایران در تاریخ
۷۶۴ / ۱۵

- مادلونگ، ویلفرد (ترجمه حشمت مؤید): متون بازیافته عربی درباره تاریخ امامان زیدی
 طبرستان و دیلمان و گیلان
 مانوگیان، مانول: رک. بر بریان، امانول
 مؤید، حشمت: تأملی در «کلیدر»
 نام/ ۷ / ۱۱۲
 ۷۱ / ۳ _____: تاریخ ادبیات فارسی، مروری بر سوابق و نظری درباره آینده این فن
 ۱۱۱ / ۱۴ _____: ترکان پارسی گوی: اشعار پارسی شاعران عثمانی (۱)
 ۲۹۱ / ۱۴ _____: ترکان پارسی گوی: اشعار پارسی شاعران عثمانی (۲): فضولی بغدادی
 ۵۰۸ / ۱۵ _____: ترکان پارسی گوی، اشعار پارسی شاعران عثمانی (۴): نغمی
 ۴۷۱ / ۱۶ _____: ترکان پارسی گوی. اشعار پارسی شاعران عثمانی (۵): نابی (۱۶۴۲-۱۷۱۲ م.)
 ۶۴۳ / ۱۶ _____: ترکان پارسی گوی. اشعار پارسی شاعران عثمانی (۶): یاوز سلطان سلیم
 _____: ترکان پارسی گوی. اشعار پارسی شاعران عثمانی (۷): سلطان سلیمان قانونی
 ۴۵۱ / ۱۷ _____: متخلص به محبی
 ۲۰۵ / ۱ _____: جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی
 ۴۶ / ۱۳ _____: چهارنامه عاشقانه از اواخر قرن هفتم هجری
 ۱۳۵ / ۲ _____: در مدار نظامی (۱): هشت بهشت - هفت اختر
 ۵۳۸ / ۴ _____: در مدار نظامی (۳): نقدی بر لیلی و مجنون
 ۷۲ / ۵ _____: در مدار نظامی (۴): مقلدان خسرو و شیرین نظامی
 ۲۹۳ / ۷ _____: در مدار نظامی (۵): آتشی قندهاری سرا بنده گل رنگین
 ۴۲۷ / ۹ _____: سرگذشت «زن پارسا» ی عطار
 ۱ / ۶ _____: «سفرنامه» شام
 ۵۴۹ / ۱۱ _____: طاووس علیین، درباره زنده پیل احمد جام و شیخ ابوسعید ابوالخیر (۱)
 ۵۲۸ / ۱۱ _____: طاووس علیین، درباره زنده پیل احمد جام و شیخ ابوسعید ابوالخیر (۲)
 ۳۲ / ۱۸ _____: طنز ملمع
 ۲۲۴ / ۸ _____: گزیده ای از خاطرات ناصرالدین شاه به مناسبت صدمین سال قتلش
 ۳۶ / ۱۱ _____: گوته در آینه سعدی
 ۲۶۰ / ۱۱ _____: گوته و سعدی
 ۵۲۶ / ۳ _____: مریم و شیرین در شعر فردوسی و نظامی
 ۶۵۹ / ۱۸ _____: مقدمه ای بر نوع شهر آشوب در شعر فارسی
 ۳۳۷ / ۳ _____: نسبنامه یک غزل حافظ و مخمس آن به ترکی عثمانی
 نام/ ۵ / ۵۹۶
 ۸۰۲ / ۱۴ _____: هزل و طنز و شوخی در شعر بهار
 ۷۶۳ / ۴ _____: یادی از مهدی اخوان ثالث (امید) و هوشنگ گلشیری
 متحدین، ژاله: ازدها در شعر عرفانی فارسی

- _____ زلف در شعر عرفانی فارسی ۵ / ۵۸۰
- _____ متینی، جلال: آثار علمی و هنری ایران در نما یسگاه عربستان سعودی ۱ / ۳۹۰
- _____ : آثار هنری ایران در نما یسگاه «هنر عرب - اسلامی»! ۶ / ۳۵۰
- _____ آغاز: ۱ / ۱
- _____ آغاز سال دوم: ۲ / ۱
- _____ آغازی دگر: ۱ / ۱
- _____ : آزادگی و تساهل نظامی گنجوی ۴ / ۱
- _____ : آذربایجان کجاست؟ ۱ / ۴۴۳
- _____ : آیا «۲۸ مرداد» اجتناب پذیر نبود؟ ۱۸ / ۱۹۷
- _____ : آینه عبرت ۴ / ۶۸۱
- _____ : اران قفقاز در صدد بلع آذربایجان ۱۰ / ۱۲۷
- _____ : از آذربایجان تا خلیج فارس ۵ / ۱۹۷
- _____ : افراسیاب ۲ / ۲۷۳
- _____ : «المملكة العربية الایرانية» (!) ۱۸ / ۵۸۹
- _____ : اندیشه سیاسی در هفت پیکر نظامی ۳ / ۷۶۵
- _____ : اهمیت آثار ادبی فارسی یهودیان ۱ / ۴۲۴
- _____ : ایران در آینه دیگران ۱ / ۳
- _____ : (و خالقی مطلق، جلال): ایران در گذشت روزگاران ۴ / ۲۳۳
- _____ : ایران دوستی استاد صفا ۱۱ / ۴۷۹
- _____ : بارید در ادب فارسی ۲ / ۵۹۳
- _____ : بر آذربایجان چه گذشت؟ ۸ / ۴۴۱
- _____ : برخی از نیرنگهای کارزار در کوش نامه ۱۱ / ۶۴۹
- _____ : برگ سبز ۲ / ۱
- _____ : بدیع الزمان فروزانفر و سخن و سخنوران ۸ / ۶۶۵
- _____ : بدین شایستگی جشنی... ۴ / ۳۴۷
- _____ : بلای تعصب ۱ / ۱۸
- _____ : به یاد صورتگر ۱۰ / ۵۹۴
- _____ : به یاد علی اکبر شهابی ۱ / ۵۶۶
- _____ : به یاد محمود صناعی ۴ / ۱۷۱
- _____ : به یاد محمود صناعی ۱۸ / ۱۳۱
- _____ : به یاد ملک الشعراء بهار ۴ / ۱۵۴
- _____ : پروانه و شمع ۶ / ۷۸۰

- _____ : پس بد مطلق نباشد در جهان، درباره فقر فرهنگی مهاجمان و
- _____ گسترش زبان فارسی
۱ / ۹
- _____ : پیام دوستی و تبریک به خواهران و برادران تاجیک
۶۳۱ / ۱
- _____ : پیر ادب فارسی
۱ / ۳
- _____ : پیشنهاد
۲۲۹ / ۱۰
- _____ : پیمان پایدار با فرهنگ ایران
۲۳۳ / ۳
- _____ : تاریخ شفاهی، راهی نو برای تهیه اسناد تاریخ معاصر ایران
نامہ / ۲ / ۵۳۳
- _____ : تعریف تاریخ ایران به توسط بیگانگان و جمهوری اسلامی ایران
۲۴۳ / ۱۳
- _____ : ترجمه منظوم دیگری از یادگار بزرگمهر
نامہ / ۵ / ۱۱۵
- _____ : توضیحی درباره «علم و علماء در زبان قرآن و حدیث»
نامہ / ۳ / ۲۸۱
- _____ : جبهه ملی و قتل رزم آرا
۵۶۶ / ۱۷
- _____ : جشن نوروز مظهر مقاومت فرهنگی ملت ایران
نامہ / ۲ / ۲۲۱
- _____ : جعل و دستبرد در طبع و نشر
۱۹۷ / ۱۶
- _____ : جمال زاده و مخالفان او
۶۰۱ / ۹
- _____ : چرا اسلامی!
نامہ / ۴ / ۱
- _____ : چند خبر دانشگاهی از سرزمین عجایب
۱۳۵ / ۱۷
- _____ : چند فتوی درباره کاربرد عنوان «هنر اسلامی»
نامہ / ۷ / ۲۳
- _____ : چند کلمه درباره ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۷۸۰ / ۱۵
- _____ : چند کلمه دیگر درباره جمال زاده
۷۸۸ / ۱۰
- _____ : حذف خرد و دانش
۲۰۹ / ۸
- _____ : حکیم نظامی، شاعری اندیشه ور
۴۵۳ / ۳
- _____ : خداوند گم کرده راه!
۱۴۴ / ۵
- _____ : خرمس و نان شیرمال
۴۷۱ / ۶
- _____ : خسرو و شیرین
۵۱۲ / ۴
- _____ : خلیج بصره، و همسایگان خوب همکیش ما!
نامہ / ۷ / ۲۷۳
- _____ : خوا بهای اهورایی آبتین
۳۶۹ / ۳
- _____ : خوزستان و تمامیت ارضی ایران
۱ / ۱۷
- _____ : خیابان
نامہ / ۱ / ۵۷
- _____ : خیام شاعر
۲۲۳ / ۹
- _____ : درباره انتشار خاطرات «طرح تاریخ شفاهی ایران» از طریق اینترنت
۱۲۴ / ۱۶
- _____ : درباره «حقیقات ما ایرانیان»
نامہ / ۴ / ۲۶۹
- _____ : درباره سابقه تاریخی القاب و عناوین علما در مذهب شیعه
نامہ / ۱ / ۵۶۰

- نامہ / ۶ / ۱۷۱ _____ دربارهٔ Farsi language
- ۴۰۱ / ۱۰ _____ دربارهٔ «مسأله منابع فردوسی»
- ۷۴۷ / ۱ _____ در جستجوی تخت فریدون
- نامہ / ۴ / ۲۵۶ _____ درگذشت غلامحسین ساعدی
- ۷۴۲ / ۲ _____ در معنی «شاهنامه»
- ۴۷۷ / ۷ _____ دروغ مصلحت آمیز!
- ۴۴۷ / ۱۶ _____ دروغهای بزرگ دربارهٔ آذربایجان
- ۶۹۰ / ۱۶ _____ دستبرد به نام و کتیبه های مساجد، زیارتگاهها، و بناهای تاریخی (۱)
- _____ دستبرد جمهوری اسلامی ایران به «طرح تاریخ شفاهی ایران»،
- _____ دانشگاه هاوارد (۲)
- ۴۱۹ / ۱۷ _____ دستبرد جمهوری اسلامی به نام و کتیبه مساجد، زیارتگاهها، و بناهای تاریخی (۳)
- ۳۵۴ / ۱۷ _____
- ۷۱۱ / ۱۱ _____ دکتر مصدق، انقلاب مشروطه، و تحصیلات عالی در اروپا
- ۱ / ۱۲ _____ دکتر مصدق، پیشنهادهای نخست وزیری، و انگلیسی ها (۱)
- ۲۳۳ / ۱۲ _____ دکتر مصدق، پیشنهادهای نخست وزیری، و انگلیسی ها (۲)
- ۴۷۵ / ۱۲ _____ دکتر مصدق، پیشنهادهای نخست وزیری، و انگلیسی ها (۳)
- ۷۰۹ / ۱۲ _____ دکتر مصدق، پیشنهادهای نخست وزیری، و انگلیسی ها، (۴)
- ۷۱۵ / ۱۳ _____ دکتر محمد مصدق در دوره های پنجم و ششم مجلس شورای ملی (۱)
- ۱ / ۱۴ _____ دکتر محمد مصدق در دوره های پنجم و ششم مجلس شورای ملی (۲)
- ۱ / ۱۱ _____ دکتر مصدق، راه آهن سراسری ایران و سلطان احمد شاه
- ۲۰۷ / ۱۷ _____ دومین تصحیح شاهنامه فردوسی
- نامہ / ۶ / ۵۹۷ _____ دیوان حافظ میراث گرانقدر فرهنگی ما [(۱)]
- ۵۴۳ / ۸ _____ دیوان حافظ، میراث گرانقدر فرهنگی ما (۲)
- _____ ذیلی بر مقاله «روزنامه مقدس جبل المتین»، نوشته پروین، ناصرالدین
- _____ رضا خان سردار سپه و قرارداد داری
- _____ رضاخان سردار سپه و نجات خوزستان (۱۳۰۳/۱۹۲۴-۱۹۲۵)
- نامہ / ۴ / ۸۷ _____ روایات مختلف دربارهٔ دوران کودکی و جوانی فریدون
- نامہ / ۴ / ۴۴۷ _____ روایتهای گوناگون دربارهٔ ماردوشی ضحاک
- _____ روایتی دیگر دربارهٔ ایرج و تور و سلم و بخش کردن جهان
- نامہ / ۳ / ۱۱۸ _____ روایتی دیگر درباره دیوان مازندران
- _____ روز نجات آذربایجان
- نامہ / ۴ / ۱۷۱ _____ روستایان ایران، نگهبانان سستهای ملی

- _____ روی سخن با مسئولان آموزش و پرورش ایران است
- _____ زبان فارسی، زبان رسمی تمام مردم ایران است
- _____ زبان فارسی سند استقلال و قباله ملت ایران است
- _____ زبان فارسی و حکومت‌های ترکان...
- _____ زبان و خط ما
- _____ زوال خردگرایان
- _____ سالشمار استاد احسان یارشاطر
- _____ سالشمار استاد ذبیح الله صفا
- _____ سالشمار استاد ذبیح الله صفا
- _____ سالشمار استاد غلامحسین یوسفی
- _____ سال فردوسی
- _____ سالگرد نجات آذربایجان
- _____ سیاست‌گذاری
- _____ سردار سپه - اقلیت مجلس پنجم و مسئله تجزیه خوزستان
- _____ سرو و تذرو
- _____ سعیدی سیرجانی نویسنده، و محمد خاتمی وزیر ارشاد اسلامی
- _____ شاهکار وزیر امور خارجه و رئیس جمهوری ایران!
- _____ شاهنامه: متن دشوار آسان نما. درباره یادداشت‌های شاهنامه، تألیف جلال خالقی مطلق
- _____ شاهنامه و شریعت
- _____ شرممان باد ز پشمینه آلوده خویش / گر بدین فضل و هنر نام کرامات بریم
- _____ شوونیت!
- _____ شیوه ای تازه در نقد و بررسی کتاب!
- _____ صادق چوبک داستان نویس برجسته معاصر
- _____ صدمین سال ولادت بهار
- _____ «طرح من»!
- _____ عدالت از نظر نظامی گنجوی
- _____ «علم» و «علما» در زبان قرآن و احادیث
- _____ علوم عربی!
- _____ غزالی در پیشگاه فرهنگ ایران
- _____ فاجعه، بر سر کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران چه آورده اند
- _____ فرزند خصال خویشتن

۴۰۹ / ۹

نامه / ۱ / ۳۳۵

نامه / ۱ / ۱۲۷

۵۹۶ / ۵

۲۳۵ / ۷

۴۸۳ / ۱۳

۷ / ۲

۱۰ / ۳

۴۸۹ / ۱۱

۶۹۶ / ۲

۲۳۲ / ۲

۴۱۳ / ۱۶

۱۳ / بعد از فهرست

۲۱۷ / ۱۵

نامه / ۳ / ۴۷۵

۵۱۹ / ۱۳

۳۹۹ / ۱۶

۴۰۴ / ۱۴

۳۷۹ / ۲

۷۰۱ / ۱۴

۷۱۹ / ۷

۶۰۷ / ۶

۲۳۱ / ۵

نامه / ۵ / ۵۴۹

۱ / ۱۶

۶۷ / ۶

نامه / ۲ / ۴۴۵

نامه / ۵ / ۱

نامه / ۴ / ۶۹۴

۲۵۳ / ۱۱

۶۹۵ / ۶

- _____ : فریدون و سرزمین آفتاب تابان ۱۶۰ / ۲
- _____ : فهرست آثار استاد پرویز نائل خانلری ۲۳۸ / ۳
- _____ : کتابهای درسی در جمهوری اسلامی ایران نامه / ۳ / ۱
- _____ : کوش و کوش پیلگوش، نبرد پدر و پسر نامه / ۳ / ۲۹۰
- _____ : «کوش» یا «گوش»؟ نامه / ۶ / ۱
- _____ : کی کاووس، خود کاهه ای نامجو نامه / ۱ / ۲۰۶
- _____ : گرمی بازار افترا ۱ / ۱۰
- _____ : گزارش، به مناسبت آغاز سال هشتم مجله ایران شناسی ۱ / ۸
- _____ : «گفتا: ز که نالیم؟ که از ماست که بر ماست!» ۶۵۷ / ۱۵
- _____ : گناه نابخشدنی جمهوری اسلامی ایران در حق زبان فارسی در تاجیکستان ۲۳۱ / ۱۴
- _____ : لغت فرس اسدی و «کُنج» ۳۵۴ / ۱۱
- _____ : ما آمدیم مان، مترسبتان (از مباحث تاریخ زبان فارسی) نامه / ۲ / ۱۴۸
- _____ : ما بارگه دادیم... ۲۸۴ / ۷
- _____ : مازندران در جنگهای کی کاووس و رستم با دیوان نامه / ۲ / ۶۱۱
- _____ : ما مارگزیدگان ۲۳۷ / ۱۱
- _____ : متن کامل نمایشنامه «بقال بازی در حضور» با مقدمه ای درباره آن نامه / ۷ / ۲۸۶
- _____ : محقق نامدار در اوج فروتنی ۶۸۹ / ۲
- _____ : مخالفت انگلیسیها با راه آهن جنوب به شمال ایران ۴۶۷ / ۱۴
- _____ : مروری بر تاریخهای ادبیات فارسی ۲۳۹ / ۶
- _____ : مقامه ای منظوم به زبان فارسی نامه / ۳ / ۷۰۵
- _____ : نامه های پروین اعتصامی و چند نکته درباره دیوان شعر و زندگانی وی ۱ / ۱۳
- _____ : نبرد «علما» با پیشرفت دانش ۶۲۳ / ۱۷
- _____ : نخستین تصحیح شاهنامه فردوسی ۶۰۷ / ۱۶
- _____ : نظری به وضع زنان ایران از انقلاب مشروطیت تا عصر ولایت فقیه نامه / ۳ / ۳۰۱
- _____ : نگاهی به آثار سعیدی سیرجانی ۱ / ۷
- _____ : نگاهی به یک نسخه چاپ سنگی و تصاویر آن ۵۲۸ / ۹
- _____ : نهصدمین سال وفات غزالی نامه / ۴ / ۵۳۹
- _____ : «هان ای ایرانیان، ایران اندر بلاست!» ۴۶۳ / ۵
- _____ : هشتصدمین سال ولادت سعیدی نامه / ۳ / ۵۴۷
- _____ : هفدهم دی ماه ۱۳۱۴ ۶۶۹ / ۱۰
- _____ : «هنر اسلامی» علی رغم ایران و اسلام! (و چند فتوی) نامه / ۷ / ۱
- _____ : هنر محمدی! نامه / ۵ / ۳۸۱

- _____ : یکی داستان است بر آب چشم، حمله عرب به ایران
 ۱۰۹ / ۷
 ۳۳۳ / ۳ مجتبی، فتح الله: حافظ و امیر معزی
 محامدی، حمید: اساطیر، آواز گیتی ست و موسیقی سپهر، در معرفی آثار اساطیری
 مهرداد بهار
 ۷۰۲ / ۶
 ۶۹۱ / ۱ محجوب، محمد جعفر: ابومسلم نامه، سرگذشت حماسی ابومسلم خراسانی (۱)
 ۴۸۰ / ۲ _____ : ابومسلم نامه، سرگذشت حماسی ابومسلم خراسانی (۲)
 ۷۱۷ / ۸ _____ : ابومسلم نامه: سرگذشت حماسی ابومسلم خراسانی (۳)
 ۴۰۲ / ۲ / نامه _____ : از فضائل و مناقب خوانی تا روضه خوانی
 ۲۸۶ / ۳ _____ : ازدها کشتن ملک بهمن صاحبقران پسر فیروزشاه...
 ۴۹۱ / ۶ _____ : بررسی آثار عبید زاکانی (۱)
 ۷۹۵ / ۶ _____ : بررسی آثار عبید زاکانی (۲)
 ۴۳ / ۲ / نامه _____ : بوستان خیال درازترین داستان عوامانه فارسی
 ۵۴۳ / ۲ / نامه _____ : بویه پرواز (۱)
 _____ : بویه پرواز (سوابق پرواز آدمیان در اعتقادهای دینی و مذهبی و داستانهای
 عوام و آداب و رسوم ایرانیان، یهودیان و مسلمانان (۲)
 ۵۴ / ۳ / نامه
 ۵۰۷ / ۵ _____ : تأثیر تئاتر اروپایی و روشهای نمایشی آن در تعزیه
 ۴۱ / ۳ _____ : جلد سوم «داستان فیروز شاه»
 ۲۲۰ / ۳ / نامه _____ : داستان طلسم جمشید از بوستان خیال (۱)
 ۳۵۰ / ۳ / نامه _____ : داستان طلسم جمشید از بوستان خیال (۲)
 ۶۸۴ / ۳ _____ : داستان عوامانه هفت پیکر بهرام گور
 ۵۰۰ / ۷ _____ : دلیله محتاله
 ۵۸۷ / ۳ / نامه _____ : زبان سعدی و پیوند آن با زندگی
 ۱۹۴ / ۴ / نامه _____ : سرگذشت حماسی ابومسلم خراسانی، ابومسلم نامه (۱)
 ۳۹۱ / ۴ / نامه _____ : سرگذشت حماسی ابومسلم خراسانی، ابومسلم نامه (۲)
 ۱۷۸ / ۲ _____ : سند بادنامه منظم
 ۲۴۸ / ۲ _____ : شاهنامه و فرهنگ عامه
 _____ : غزالی و اسماعیلیان، مروری بر «فضائح الباطنیه» مهمترین کتاب وی
 در این زمینه
 ۶۱۶ / ۴ / نامه
 ۸۶ / ۷ _____ : کعبتین . سه شش، سه یک، دو شش، دو یک
 ۱۴۷ / ۱ / نامه _____ : گور بهرام گور
 ۱۳۹ / ۶ _____ : معرفی دستنویسهای آثار عبید زاکانی (۱)
 ۲۸۷ / ۶ _____ : معرفی دستنویسهای آثار عبید زاکانی (۲)

- _____ نظری به سیر عشق در داستان ویس و رامین: ۴ / ۴۶۹
- _____ هشت بهشت و هفت پیکر: نامۀ / ۱ / ۳۴۶
- _____ محمدی کُردخیلی، مریم: شعرهای مازندرانی آقامیر ۱۴ / ۶۳۴
- _____ محمدی، ملایری، محمد: نگاهی به دربار ساسانی از خلال مآخذ اسلامی (۱) ۳ / ۵۶۷
- _____ نگاهی به دربار ساسانی از خلال مآخذ اسلامی (۲) ۳ / ۷۹۰
- _____ نگاهی به دربار ساسانی از خلال مآخذ اسلامی (۳) ۴ / ۷۸
- _____ محمود، ژاله: رویین تنی در اندیشه ایرانی نامۀ / ۵ / ۳۰۲
- _____ نیکوترین قصه ها در «مجموعه رسائل فارسی شیخ اشراق» نامۀ / ۶ / ۹۳
- _____ محمودآبادی، سید اصغر: آرگبذ اردشیر و ساختار مثلث یونانیان، اشکانیان، و رومیان ۱۴ / ۶۰۸
- _____ نقدی بر اندیشه تاریخنگاری عهد اسکندر مقدونی در ایران باستان ۱۵ / ۲۹۷
- _____ نقدی بر ماهیت فتوح اسلامی... ۱۶ / ۵۴۷
- _____ نقد و بررسی مقایسه ای منابع تاریخ کلاسیک و نوین غربی پیرامون اولین بحران سیاسی در آغاز امپراتوری هخامنشیان ۱۸ / ۴۹۲
- _____ محمودی بختیاری، بهروز: فرانسیس گلاوین و کتاب منشی فارسی او ۱۴ / ۳۶۶
- _____ مختاریان، بهار: اسطوره فریدون و ضحاک ۱۰ / ۳۶۰
- _____ سیاوش و بالدر: باره های پراکنده یک اسطوره ۱۱ / ۳۰۱
- _____ میرنوروزی ۱۲ / ۱۱۰
- _____ نقش تغذیه و روند منطقی آن در اسطوره نخستین انسان ۱۳ / ۳۹۲
- _____ مرعشی، مهدی: نوروز در تاشکند نامۀ / ۴ / ۳۵۱
- _____ واژه های فارسی در زبان ازبکی نامۀ / ۶ / ۷۶
- _____ مزین، مهرداد: میرزا علی اکبر خان مزین الدوله (نقاشباشی) نامۀ / ۲ / ۵۹۵
- _____ مسکوب، شاهرخ: فریدون فرخ نامۀ / ۵ / ۱۲
- _____ منشأ و معنای عقل در اندیشه ناصر خسرو، بخش اول، منشأ عقل نامۀ / ۷ / ۲۳۹
- _____ معیری، هایده: فرهنگ پیش تاریخی باختر ۶ / ۷۶۸
- _____ مقربی، مصطفی: فعلهایی که از ریشه ای مختوم به «ن» در زبانهای کهن ایرانی ساخت یافته است، و برخی از مشتقهای اسمی و وصفی آنها ۳ / ۳۴۵
- _____ ملاح، حسینعلی: خانلری و موسیقی ۳ / ۲۵۶
- _____ ملکی، مهرا: مشروطیت و رضاخان ۱۸ / ۶۳
- _____ منتظم، حسین: بودنی ها در شاهنامه ۱۳ / ۶۲۸
- _____ تاجیکستان، زبان و الفباهایش ۱۴ / ۶۲۳
- _____ یاد نیکی از «دبیران فارسی» ۱۶ / ۱۳۵
- _____ مولوی نژاد، صالح: این شمس خود کیست تا چون مولانایی مرید او گردد ۱۱ / ۲۸۵

- _____ : [تکمله ای بر مقاله «این شمس خود کیست...؟»، و نه پاسخی بر
 (ذیلی بر مقاله...)]
 ۱۳۹ / ۱۲
 ۶۹۹ / ۱۵ مهدوی دامغانی، احمد: باز هم، همه گویند ولی گفته سعدی دگر است
 ۵۱۰ / ۶ _____ : دهمین سالگرد درگذشت امیری فیروز کوهی
 ۴۵۸ / ۳ _____ : عقاید نظامی در توحید و صفات باری تعالی
 ۲۰ / ۵ _____ : مذهب فردوسی
 ۲۳۹ / ۶ _____ : مروری بر تاریخهای ادبیات عربی
 ۷۲۹ / ۵ _____ : نامه ای از مرحوم دکتر قاسم غنی به «استاد و پیر معظم و شیخش» در مشهد
 ۳۷ / ۳ _____ : همه گویند ولی گفته سعدی دگر است
 ۶۲۸ / ۱۴ میرزا ملا احمد: عصر سامانیان، دوران پر بار گفتگوی تمدنها
 ۱۱۸ / ۱۲ _____ : علی: بر سمرقند اگر بگذری ای باد سحر...
 ۵۸۳ / ۶ _____ : جنبش حروفیه، بررسی منابع و مآخذ و تحقیقات جدید (۱)
 ۸۴۲ / ۶ _____ : جنبش حروفیه، بررسی منابع و مآخذ و تحقیقات جدید (۲)
 ۲۰ / ۷ _____ : جنبش حروفیه، بررسی منابع و مآخذ و تحقیقات جدید (۳)
 ۷۰۲ / ۵ میلانی، عباس: تاریخ در «تاریخ بیهمی»
 ۵۱ / ۱۰ _____ : تجدد و اندیشه سیاسی در چهار مقاله نظامی عروضی
 ۴۸ / ۴ _____ : تذکرة الاولیا و تجدد
 ۳۸۳ / ۱۲ _____ : جوانمرگی پیر ما
 ۲۴۷ / ۸ _____ : رستم التواریخ و مسأله تجدد
 ۷۸ / ۱۱ _____ : سعدی و سیرت پادشاهان، مدخلی بر بحث سعدی و تجدد
 ۲۶۱ / ۷ _____ : سید فخرالدین شادمان و مسأله تجدد
 ۲۴۹ / ۱۴ _____ : صیاد سا به ها: گلستان و مسأله تجدد
 ۴۷۴ / ۱۵ _____ : علم و ریشه های انقلاب در ایران، نگاهی به جلد پنجم یادداشت های علم
 ۱۷ / ۱۷ _____ : مجله دانشکده و مسأله تجدد در ایران
 ۵۰۴ / ۲ _____ : مجله کاوه و مسأله تجدد
 ۲۰۶ / ۷ _____ : مروری بر آراء و اندیشه های سیاسی سعیدی سیرجانی
 ۳۶۵ / ۵ _____ : ناصرالدین شاه در فرنگ
 ۵۵۴ / ۴ _____ : هدایت و جهان بینی تراژیک
 نامہ / ۵ / ۸۱ میلانی، فرزانه: رؤیای بی از گذشته یا زن رؤیایی در آثار هدایت
 نامہ / ۳ / ۶۷۰ مینوی، مجتبی: ذکر جمیل سعدی
 نامہ / ۴ / ۵۵۴ _____ : غزالی طوسی
 نامہ / ۴ / ۹ _____ : موش و گربه مجلسی

- ناقل خانلری، پرویز: رک. خانلری، پرویز،
نادر پور، نادر: از د پروز - بی امروز - تا فردا
- ۴۷۲ / ۲
نامہ / ۷ / ۲۳۰
۹ / ۲
۲۹۹ / ۲
۷۷۴ / ۲
- _____ : دو کفہ «لفظ» و «معنی» در تراوی شعر امروز
_____ : شباهتی شگفت
_____ : شاهنامه: پاسخ فردوسی به ضرورت تاریخ
_____ : شعر امروز: سفری دراز به سوی نقطه ای واحد
_____ : مکتب «سخن» و نثر «دبیری»، پژوهشی کوتاه در شیوۀ نگارش دکتر پرویز ناقل خانلری
- ۲۴۷ / ۳
۵۱۳ / ۳
_____ : نظامی گنجوی: مست می نخورده
_____ : عشقی به بلندی پرواز سیمرغ: تفسیری کوتاه درباره داستان عاشقانه زال و رودابه
- ۴۵۸ / ۴
۳۵۱ / ۱۴
۸۵۵ / ۱۱
۸۸ / ۱
۱۵۹ / ۵
- _____ : نجم آبادی، کیوان: جان، تن، روان
_____ : راز انگشتی
_____ : نذیر احمد: امیر خلف بن احمد
_____ : درباره میسری حکیم
- نامہ / ۵ / ۴۸۹
نامہ / ۷ / ۱۲۶
نامہ / ۱ / ۴۶
نامہ / ۴ / ۵۸۳
نامہ / ۴ / ۴۸
۱۸۲ / ۷
- _____ : دیوان حافظ در گور کهپور و تحشبه و چاپ آن
_____ : نظری در دیوان حافظ چاپ دکتر خانلری
_____ : نصر، سید حسین: رابطه بین تصوف و فلسفه در فرهنگ ایران
_____ : غزالی حکیم معاند فلسفه
_____ : نظامی تالش، اسعد: جامه کعبه
_____ : نفیسی، رسول: در تقابل علم و فلسفه
_____ : نوووزی، تورج: انگاره های فرهنگ بومی در سینمای ایران: نگرشی به کاربرد آیین و اسطوره در فیلمهای بهرام بیضایی
- ۳۸۲ / ۷
۱۲۵ / ۳
۷۵۰ / ۳
۶۶۷ / ۱۶
۵۵۲ / ۱۲
۵۷۷ / ۲
۳۲۴ / ۱۲
۳۷۸ / ۱۳
۶۳۴ / ۱۳
۱۵۴ / ۱۴
- _____ : نوری زاده، علی رضا: سه میلیون زائر در مسجد جمکران!
_____ : نولدکه، تنودور (ترجمه: خالقی مطلق، جلال): دیو سپید مازندران
_____ : نیازمند، رضا: باسکرویل، جوان آزاده امریکایی که در راه مشروطیت ایران جان باخت
_____ : نیازمند، محمد صدیق: سهم کشمیر در ترویج و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی (۱)
_____ : سهم کشمیر در ترویج و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی (۲)
_____ : سهم کشمیر در ترویج و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی (۳)
_____ : شاعران ایرانی نژاد مدفون در مزار الشعراي کشمیر

- _____ نفوذ زبان فارسی در زبان کشمیری، لغات و ترکیبات فارسی رایج در زبان
کشمیری
- ۸۳۸ / ۱۱
۳۳۲ / ۴ وامقی، ایرج: نقدی بر مقاله «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»
وزیری، هوشنگ: اقبال لاهوری، در نگاهی دیگر
۸۲۱ / ۱۱
۱۷۱ / ۷ ولش، کری: محمود فرشچیان، «برگزیده آثار یونسکو»
۷۲۸ / ۱۷ ولفگانگ، سزار (ترجمه ربوبی، محمد): شراب ایران: فصل فراموش شده ای از تاریخ
شراب
- ۱۸۸ / ۷ وُزَن، انا: فارسی، زبان طب در هندوستان مسلمان نشین
۵۸۶ / ۱۱ وهمن، فریدون: اسطوره برخاستن ضحاک از بند خود و پایان جهان
۹۷ / ۹ _____: حضور ایران در اسلام
۶۹۱ / ۹ _____: جمال زاده و آرتور کریستن سن
۶۵۷ / ۸ _____: میراث استاد احمد نفضلی
۱۱۸ / ۱۸ _____: نقشه های عمومی ایران از ۱۴۷۷-۱۹۲۵، تألیف سیروس علایی
هاشمی، میرجلال: یک ترتیبی در دربار شاه ایران، خاطرات سفر آنتره برینی (۱۸۸۲-
۱۸۸۴)
- ۸۶۳ / ۱۱ هارتمن، سون (برگردان کارگر، داریوش): تأثیر محتمل مفاهیم اهریمن و رستاخیز ایرانی
بر یهودیت و مسیحیت
- ۳۲۰ / ۱۴ هیلمن، ما یکل: بوف کور هدایت
۲۸۵ / ۱۰ یارشاطر، احسان: پیوستگی در تاریخ ایران
۱۴ / ۳ _____: چرا در شاهنامه از پادشاهان ماد و هخامنشی ذکر نیست
نامه / ۳ / ۱۹۱ _____: درگذشت سخن سالار
۴۶۷ / ۲ _____ (ترجمه وهمن، فریدون): رستاخیز ایران و ظهور زبان و ادبیات ملی
۲۷۳ / ۱۳ _____ (ترجمه م. کاشف): کیش مزدکی
نامه / ۲ / ۶ _____: طبع انتقادی شاهنامه
نامه / ۶ / ۴۸۱ _____: مردی که به مرگ جاودان شد
۱۳ / ۷ _____: یادداشت (۱): ۱- شعی در معرض تند باد حوادث؛ ۲- بزرگترین رمان زبان
فارسی؛ ۳- ثنای خداوند؛ ۴- میراث فرهنگی ما؛ ۵- ایران در دیده دو عکاس
نامه / ۵ / ۱۰۳ _____: یادداشت (۲): ۶- انتظار بی فرجام؛ ۷- تغییر فصل؛ ۸- نامه های ایرانی؛
۹- دستبافهای فارس؛ ۱۰- فرش اردبیل؛ ۱۱- زن و شویی خدمتگزار
نامه / ۵ / ۲۸۶ _____: یادداشت (۳): ۱۲- ابتکار زبانیخشی؛ ۱۳- آرایشی بی نام؛ ۱۴- نمکو؛
۱۵- غلامحسین بنان؛ ۱۶- کوههای اوستا
نامه / ۶ / ۱۶ _____: یادداشت (۴): ۱۷- کتابهای فارسی در ژاپن؛ ۱۸- شاعر کودکان؛

- ۱۹- نامگذاری؛ ۲۰- حق تألیف؛ ۲۱- غروب نبوغ؛ ۲۲- سرگذشت علمی دانشوران؛ ۲۳- سرنوشته عبرت انگیز
 نام/ ۶ / ۳۶۲
- _____ : یادداشت (۵): ۲۴- گزارش یک زندگی؛ ۲۵- پرداخت؛ ۲۶- عارفی از خراسان؛ ۲۷- نکونامی؛ ۲۸- باور
 نام، ۷ / ۴۲
- _____ : یادداشت (۶): ۲۹- لغتنامه فارسی، ۳۰- برگ ریزان؛ ۳۱- منتخبات
 نام/ ۷ / ۲۰۳
- _____ : یادداشت (۷): ۳۲- نقد کتاب؛ ۳۳- وصل یا فصل؛ ۳۴- فارسی در اردو
 نام/ ۱ / ۳۲
- _____ : یادداشت (۸): ۳۳* - اسب عساری؛ ۳۴- نامه‌های مردان و زنان؛
 نام/ ۱ / ۳۲۱
- _____ : یادداشت (۹): ۳۸- شراب خام و باده کهن؛ ۳۹- منظری شاهوار؛
 نام/ ۱ / ۴۷۲
- _____ : یادداشت (۱۰): ۴۰- احیای عجم؛ ۴۱- علم ریزان؛ ۴۲- بیک بازیگوش؛
 نام/ ۱ / ۶۳۷
- _____ : یادداشت (۱۱): ۴۴- آغازی نوید بخش؛ ۴۵- نیمه برتر؛ ۴۶- فهرست بازی؛ ۴۷- ظلم طبیعت و عدل بشری
 نام/ ۲ / ۴۲۳
- _____ : یادداشت (۱۲): ۴۸- غواص و ماهی؛ ۴۹- نام زندگی کافور؛ ۵۰- فریاد بی حاصل؛ ۵۱- یادگار خالقی؛ ۵۲- درس دقت
 نام/ ۲ / ۵۸۲
- _____ : یادداشت (۱۳): ۵۳- به یاد دوست
 نام/ ۲ / ۷۰۰
- _____ : یادداشت (۱۴): ۵۴- سستی گرفتن تحصیلات ایران شناسی؛ ۵۵- فرهنگ ترکی - فارسی؛ ۵۶- زبان داستان؛ ۵۷- نقش آینده
 نام/ ۳ / ۷۸۰
- _____ : یادداشت (۱۵): ۵۸- هنر جهان سوم؛ ۵۹- دختری در پاریس؛ ۶۰- احیای فرهنگستان؛ ۶۱- زبان نوظهور Farsi
 نام/ ۴ / ۲۰
- _____ : یادداشت (۱۶): ۶۲- واژه سازی برای مفاهیم نو (۱)
 نام/ ۴ / ۳۱۱
- _____ : یادداشت (۱۷): ۶۲- واژه سازی برای مفاهیم نو (۲)؛ ۶۳- نام ایران
 نام/ ۴ / ۵۴۳
- _____ : یادداشت (۱۸): ۶۴- حماسه و آشوب؛ ۶۵- هویت ملی و آبیاری؛
 نام/ ۵ / ۵۹۱
- _____ : یادداشت (۱۹): ۶۷- آثار زبان فارسی؛ ۶۸- ماجرا بر سر فلسفه
 نام/ ۶ / ۱۸
- _____ : یادداشت (۲۰): ۶۹- اعتراض بجای؛ ۷۰- داستانی بر آب چشم؛ ۷۱- مال اندوزی و آز برخی از صحابه؛ ۷۲- قازو قزوبن؛ ۷۳- غلطی مشهور
 نام/ ۷ / ۲۵۲
- _____ : یادداشت (۲۱): ۷۴- دستبرد اجل؛ ۷۵- زبان یاجوج؛ ۷۶- فصیح

* در شماره ترتیب مقاله های یادداشت های ۸ تا ۱۲ - به هنگام چاپ مقالات در ایران شناسی - اشتباهی روی داده است، بدین شرح که گاهی یک عدد ۲ بار تکرار شده است یا ...، در این فهرست، شماره ترتیب مقاله های این چند یادداشت، به همان صورت چاپ شده است.

- نمی باشد؛ ۷۷- به مناسبت بهانه؛ ۷۸؛ فرهنگ سغدی؛ ۷۹- وطن دوگانه ما
 _____ : یادداشت (۲۲): ۸۰- ادبیات فارسی در هلند، ۸۱- نقیضه سرایی،
 ۶۹۳ / ۸۲- غلطی مشهور (۲)، ۸۳- آکادمی بکس
 _____ : یادداشت (۲۳): ۸۴- زبان پهلوی؛ ادبیات و دستور آن، ۸۵- پادیاوند،
 ۴۶۳ / ۸۶- رفع اشتباه، ۸۷- عشق و رؤیا، ۸۸- تاریخ ایران باستان
 _____ : یادداشت (۲۴): ۸۹- کفر سیاسی
 _____ : یادداشت (۲۵): ۹۰- کتابی آموزنده و خواندنی؛ ۹۱- حافظ جاویدان؛ ۹۲-
 برخورد زردشتیان و مسلمانان؛ ۹۳- دل ایرانشهر؛ ۹۴- عالم درویشی؛ ۹۵-
 اصطلاحات صوفیان خوشخوار؛ ۹۶- کتابی برای اهل تحقیق؛ ۹۷-
 ۷۱۷ / ۹ کتابخانه مطالعات ایرانی
 _____ : یادداشت (۲۶): ۹۸- مشروطه ایرانی
 _____ : یادداشت (۲۷): ۹۹- خدمتی آرام و ارزنده، ۱۰۰- سیر معکوس،
 ۲۳۹ / ۱۰۱- ناشری خوش ذوق و گشاده دست
 _____ : یادداشت (۲۸): ۱۰۲- تحول زبان، ۱۰۳- نمونه ای از نثر فصیح فارسی،
 ۱۰۴- از انوری تا عبید، ۱۰۵- نقاشی چیره دست، ۱۰۶- رعدی آذرخشی،
 ۳۰ / ۱۲- دستبرد اجل، ۱۰۸- یاران زرین کوب
 _____ : یادداشت (۲۹): ۱۰۹- گنجینه مولوی شناسی، ۱۱۰- درگذشت یادگاری از
 ۵۱۷ / ۱۲ دوره زرین دانشگاه تهران، ۱۱۱- غروب ایران شناس و پهلوی دانی گرنامه به
 _____ : یادداشت (۳۰): ۱۱۲- جشن زادروز فردوسی، ۱۱۳- دنیای «شادروان پرویز
 شاپور»، ۱۱۴- چهره نوی از فرهنگ حثیم، ۱۱۵- «کج نویسی» در خط
 ۷۷۰ / ۱۲ فارسی، ۱۱۶- استادان و دانشیاران نخستین دانشگاه
 _____ : یادداشت (۳۱): ۱۱۷- کاربرد Persian و Iranian، ۱۱۸- غلطهای
 ۵۰۲ / ۱۳ مشهور (۱)
 _____ : یادداشت (۳۲): ۱۱۹- غلطهای مشهور (۲)، ۱۲۰- ناشری کامیاب و کوشا،
 ۴۷۹ / ۱۲۱- آغاز مجله ای نوید بخش، ۱۲۲- احمد بیرشک
 _____ : یادداشت (۳۳): ۱۲۳- نقد تصوف، ۱۲۴- ایران زیبا، ۱۲۵- شکنجه کتاب
 ۴۴ / ۱۵ : یادداشت (۳۴): ۱۲۶- فؤاد روحانی، ۱۲۷- فرهنگ سخن، ۱۲۸- سهم
 ۲۱۲ / ۱۶ زنان، ۱۲۹- در جستجوی صبح
 _____ : یادداشت (۳۵): ۱۳۰- داستان نویسی، ۱۳۱- مضحک غم انگیز، ۱۳۲-
 حشرات ایران، ۱۳۳- فرهنگستان مشترک، ۱۳۴- غلطهای مشهور:
 ۴۶۴ / ۱۶ معنویت شرق
 _____ : یادداشت (۳۶): ۱۳۵- نقشه های عمومی ایران، ۱۳۶- دانشنامه زبان و ادب

- فارسی، ۱۳۷- کهنه و نو، ۱۳۸- درگذشت دو دانشمند نامی، ۱۳۹- دستبردِ اجل
 ۲۱۸ / ۱۸ یابوری، حورا: آسمان بر زمین، بازتاب نمادین آرکی تایپ تمامیت و کمال، ماندالا در ساختار
 ۵۴۸ / ۳ بیرونی و درونی هفت پیکر
 ۱۱۷ / ۱۳ _____: تأملی در ساختار روانی و نقش روانیهای افزوده در تاریخ بیهقی
 ۳۵۵ / ۴ _____: «ظن» و «سر» نگاه بر بوف کور هدایت از دو منظر روان شناختی
 ۷۱۰ / ۱۷ _____: یک رؤیا و دور وایت
 ۷۵ / ۱۸ یعمایی، پیرایه: لالاییها: نخستین شعرهای نانوشتهٔ زنان
 ۴۴۲ / ۱۸ _____: ما لبتکانیم و فلک لبت باز. خیمه شب بازی و پیشینهٔ آن
 ۷۰۸ / ۲ یوسفی؛ غلامحسین: یک دم، میان دو عدم
 ۵۹۱ / ۵ یونکر، هانریش (ترجمهٔ خالقی مطلق، جلال): نامه ای از مرحوم یونکر به شادروان نوشین

برگزیده؛

- آدمیت، فریدون: کاهش قدرت روحانی
 ۴۰۹ / ۸ ارانی، تقی: وظیفهٔ وزارت معارف در آذربایجان
 ۱۴۷ / ۱۰ اسلامی ندوشن، محمد علی: از کتاب «روزها»
 ۱۴۳ / ۵ / نامه اعتصامی، پروین: نامه های پروین اعتصامی به مهکامهٔ محصص
 ۱۹۴ / ۱۳ افشار، محمود: آزر اس و آذربایجان
 ۱۵۸ / ۱۰ اقبال آشتیانی، عباس: نعمة ناساز، به بهانهٔ رسمیت دادن زبان ترکی
 ۶۳۲ / ۱۰ الهی، صدرالدین: از خاطرات ادبی دکتر پرویز ناتل خانلری دربارهٔ ملک الشعراء بهار
 ۳۹۴ / ۳ _____ (مصاحبه)
 ۳۲۶ / ۵ / نامه امامی، کریم: از آواز شقایق تا فراترها: نگاهی به شعر و نقاشی سهراب سپهری
 ۸۹۳ / ۱۲ امیرشاهی، مهشید: زن از دید داستان نویسان معاصر
 ۱۶۱ / ۱۴ ایران شناسی: دو نامهٔ احمد قوام به محمد رضا شاه پهلوی و پاسخ شاه به نخستین نامهٔ وی
 ۸۵۹ / ۱۴ _____: سالگرد انقلاب اسلامی در ایران: آن زلزله ای که خانه را لرزاند ...
 _____: گلچینی از شعر شاعران معاصر تاجیکستان: عبید رجب، سلیمشا حلیمشا،
 ۴۱۷ / ۱۴ گلرخسار، زلفیهٔ عطایی، مؤمن قناعت
 ۵۲۱ / ۱۸ _____: نامه های سردار سپه، و دفتر مخصوص شاهنشاهی به تقی زاده
 ۱۵۶ / ۱۰ بسیج خلیخالی: آذربایجان: من آن خاک بلاخیز و بلاگردان ایرانم ...
 ۷۷۵ / ۱۷ بهار، دکتر مهدی: حاکمیت فقها بر مردم به جانشینی خداوند
 ۶۵۰ / ۵ / نامه بهار از نظر منتقدان

- بهار، ملک الشعراء: دو نامه خطاب به سودا به صفدری قاجار، همسر آینده اش
 نامه/ ۵ / ۷۰۳
- _____ : شعر چیست و شاعر کیست
 نامه/ ۵ / ۶۷۲
- _____ : همچو پولاد خراسانی بود شعر بهار
 نامه/ ۵ / ۶۷۵
- _____ : یک صفحه از تاریخ: «جرم خورشید چو از حوت به برج بره شد ...»
 ۱۵۷ / ۱۰
- بیات، کاوه: استالین و فرمان تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان
 ۳۶۵ / ۱۷
- بیرشک، احمد، و داناسرشت، اکبر: «بزرگان علم در ایران»
 نامه/ ۴ / ۲۹۰
- تقی زاده، سید حسن: [تقی زاده، نفت، و دکتر مصدق] به نقل از کتابهای «زندگی طوفانی»،
 «رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی»، و «خواب آشفته نفت»
 ۶۷۸ / ۱۲
- _____ : تقی زاده و بان تورکیسم
 ۶۲۴ / ۱۰
- _____ : تقی زاده و آذربایجان
 ۶۲۶ / ۱۰
- _____ : نامه های تقی زاده خطاب به وزارت امور خارجه، در سال ۱۳۲۲ درباره
 بان تورکیسم
 ۴۱۴ / ۱۳
- حسینی، کاظم / کاشانی، آیت الله: دو نامه مهندس کاظم حسینی به آیت الله کاشانی
 و پاسخ آن
 ۷۲۴ / ۱۶
- حلیم شا، سلیم شا: مرگ حکیم فردوسی یا روز ماتم خدا
 ۴۰۲ / ۲
- خانلری، پرویز: چند برگ از «دفتر خاطرات دکتر خانلری»
 ۳۸۸ / ۳
- خانلری، پرویز: فارسی دری (معارضة فارسی و عربی - فارسی به خطهای غیر عربی)
 نامه/ ۷ / ۳۱۷
- خرمشاهی، بهاء الدین: میل حافظ به گناه
 نامه/ ۶ / ۶۶۲
- داناسرشت، اکبر، رک. بیرشک، احمد
 درودی، ایران: نقاشی عصیان من است و شکیبایی من
 دشتی، علی: حافظ رنج می برد
 ۱۵۶ / ۱۷
- _____ : «مبدأ و معاد از نظر خیام»
 نامه/ ۲ / ۳۴۰
- دهخدا، علی اکبر: چرند پرند - قندرون
 نامه/ ۲ / ۱۷۲
- _____ : سلطان الموحدین
 نامه/ ۲ / ۴۹۰
- _____ : نامه ای از علی اکبر دهخدا
 نامه/ ۶ / ۲۸۰
- رحیمی، مصطفی: چرا با جمهوری اسلامی مخالفم؟ نامه به خمینی
 ۷۸۴ / ۱۷
- رضازاده شفق: طریقه حراست آذربایجان
 ۱۴۴ / ۱۰
- رعدی آدرخشی، غلامعلی: زبان فارسی و وحدت ملی
 ۱۶۲ / ۱۰
- زرین کوب، عبدالحسین: افول یک عصر درخشان
 ۵۴۲ / ۹
- _____ : گفت و شنودی در باب ابدیت ایران
 ۴۳۵ / ۱۴
- ساعد، محمد: نامه خطاب به تقی زاده در سال ۱۳۲۲، درباره بولارد وزیر مختار انگلیس
 ۴۲۵ / ۱۳
- ساعد، محمد / طباطبائی، سید ضیاء الدین: [سه روایت] درباره توقیف احمد قوام

- و سید ضیاء الدین طباطبایی در حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷
 سعیدی سیرجانی: «پیر ما» از کتاب در آستین مرقع
 _____: سیمای دوزن
 ۴۳۴ / ۱۴
 ۱۳۳ / ۴ / نامه
 _____: کرمان دل عالم است و... (۱)
 ۱۴۰ / ۱
 ۴۹۰ / ۶ / نامه
 _____: کرمان دل عالم است و... (۲)
 ۱۴۱ / ۷ / نامه
 _____: معجزه
 ۷۶۱ / ۱
 _____: مقدمه بر چاپ دوم «بیچاره اسفند یار»، و چند شعر: «خیال او»، «یار
 گمشده»، «من و خورشید»، «گوشه گیر»، «ای چشم دل سیه»، «سوختن یا
 ساختن»، «پرستش»
 ۲۲۷ / ۷
 _____: نهان گشت کردار فرزندانگان
 ۴۴۷ / ۲
 ۹۰۷ / ۱۲
 شاپور، پرویز: کاریکلماتور (لطیفه ها و نکته ها)
 شریعتمداری، آیت الله سید کاظم: مراجع تقلید در دولت و حکومت اسلامی
 مستقیماً شرکت نخواهند داشت
 ۷۸۳ / ۱۷
 ۱۵۹ / ۱۷
 شریفی، حبیب: بیوگرافی ایران درودی
 شفا، شجاع الدین: بازیابی فرهنگی، نیاز حیاتی ایران امروز، در خدمت سازندگی
 ایران فردا
 ۳۱۴ / ۱۶
 _____: زندگی خصوصی امیرالمؤمنین ها
 ۳۶۹ / ۱۵
 _____: گفتگویی ضروری با نسل سازنده ایران فردا، از کتاب «تولد دیگر»
 ۳۹۰ / ۱۱
 شورش (روزنامه): دو تصویر: آینده مخالفان رفراندوم از نظر این روزنامه
 ۳۱۴ / ۱۸
 شهریار، محمد حسین: روزجانبازی ست ای بیچاره آذربایجان...
 ۱۵۲ / ۱۰
 صدیقی، غلامحسین: به آفرید
 ۶۵۲ / ۶
 _____: ۲۸ و ۲۹ مرداد ۱۳۳۲
 ۷۸۵ / ۱۵
 _____: درباره انحلال مجلس و رفراندوم
 ۳۰۷ / ۱۸
 صفا، ذبیح الله: ترجمه و نقل علوم در تمدن اسلامی
 ۲۸۳ / ۴ / نامه
 صورتگر، لطفعلی: آرامگاه سعدی، به مناسبت هفتصد و هفتادمین سال تولد سعدی و افتتاح
 آرامگاه نویناد وی در سال ۱۳۳۱
 ۵۵۷ / ۳ / نامه
 ۱۷۱ / ۱۷
 طاهری، هوشنگ: نقاش لحظه های اثری
 طباطبایی، سید ضیاء الدین: اعلامیه: بیان حقایق راجع به مصاحبه رفیق کافتارادزه
 ۱۴۰ / ۱۶
 _____: رک. ساعد، محمد / طباطبایی، سید ضیاء الدین
 ۶۵۶ / ۱۴
 طلوعی، محمود: خلیل ملکی
 عارف قزوینی: «ز من بگو به سلیمان نظیف تیره ضمیر...» و
 ۱۴۴ / ۱۰
 چه شورها که من به پا ز شاهنازمی کنم...

- عمادی، عبدالرحمن: سرود فارسی از ابونواس اهوازی
 نامه / ۵ / ۵۰۱
- عینی، صدرالدین: از «یادداشتها»، به کوشش سعیدی سیرجانی
 نامه / ۳ / ۵۰۲
- غنی، دکتر قاسم: [مرحوم محمد قزوینی در جلسات ادبی]
 ۱۹۳ / ۱۲
- _____ : چند نامه از ناصرالدین شاه، امیر کبیر، حاج ملا علی کنی، و آصف الدوله
 ۵۷۷ / ۱۷
- غیبی، بیژن: سرود مروارید
 ۳۱۶ / ۹
- فانح، مصطفی: سیاست انگلیس در ایران: صنعت نفت ایران در موقع جنگ دوم جهانی،
 سیاست انگلیس در ایام جنگ، بیانیه دولت انگلیس در دفاع و توجیه سیاست خود:
 «خطاب به ملت ایران»
 ۱۴۱ / ۱۵
- فرامرزی، عبدالرحمن: زبانهای محلی و وحدت ملی
 ۱۵۳ / ۱۰
- فرخی سیستانی: آتش جشن سده
 نامه / ۳ / ۱۹۰
- فروغی، ذکاء الملک، محمدعلی: حقوق در ایران
 ۶۱۹ / ۲
- قزوینی، محمد: اهمیت سیاسی زبان در آذربایجان
 ۱۵۱ / ۱۰
- کاشانی، آیت الله: رک. حبیبی، کاظم...
 ۶۲۲ / ۱۰
- کاظم زاده، حسین: پیشگام در مبارزه با پان تورکیستهای ترکیه
 ۱۴۸ / ۱۰
- کسروی، احمد: دیباچه کتاب آذری یا زبان باستان آذربایگان
 ۱۶۴ / ۱۰
- _____ : ما و همسایگانمان
 ۷۱۴ / ۵ / نامه
- گلبن، محمد: سالشمار بهار
 ۱۱۶ / ۶ / نامه
- مؤید: حشمت: به یاد هشتادمین سالگرد تولد پروین اعتصامی
 ۶۵۰ / ۱۴
- متین دفتری، احمد: خاطراتی از احداث راه آهن
 نامه / ۳ / ۴۸۰
- متینی، جلال: سعدی و عالمان دین
 نامه / ۴ / ۷۲۳
- _____ : از آثار پارسی حجة الاسلام محمد غزالی
 ۴۰۲ / ۸
- _____ : امیر کبیر
 _____ : تاریخ را ورق بزنیم:
- _____ : به مناسبت بیستمین سال حکومت «ولایت مطلقه فقیه» در ایران
 ۸۰۰ / ۱۰
- _____ : فارسی، دری، و تاجیکی
 نامه / ۶ / ۲۸۸
- _____ : نادر نادرپور، شاعر چیره دست، همراه با یازده قطعه شعر نادرپور
 ۴۰۲ / ۱۲
- _____ : هشدار به جا، ولی بی حاصل
- _____ : به مناسبت سالگرد «جمهوری اسلامی» ایران بر اساس «ولایت فقیه»
 ۷۷۳ / ۱۷
- محمدی ملایری، محمد: [دادگری عمر خلیفه دوم!]
 ۱۶۱ / ۹
- محمود، محمود: انگلستان، اوقاف اود و علمای شیعه مقیم نجف و کربلا
 ۶۵۶ / ۱۳
- مصدق، محمد: پاسخ به وزیر خارجه انگلستان درباره «کشور متحده ایران»
 ۱۵۵ / ۱۰
- ملک الشعراء بهار: تضمین غزلی از سعدی، به یادگار هفتصدمین سال تصنیف بوستان و

- گلستان
- نامه / ۳ / ۵۵۵
ملکی، خلیل: اختلاف زبان، دلیل نبودن وحدت ملی نیست
- ۱۰ / ۳۱ / ۶۳۱
موجد، محمد علی: ماجرای نفت، کودتای ۲۸ مرداد و پیامدهای آن
- نامه / ۲ / ۳۸۱
مولانا جلال الدین: از محقق تا مقلد فرقه‌هاست
- ۴ / ۱۷۴
مینوی، مجتبی: آزادگی و تسامح
- ۱۴ / ۸۷۳
نادرپور، نادر: خون و خاکستر
- ۷ / ۸۹۱
نشر، فرانتس (ترجمه غیبی، بیژن): ضحاک. گفتاری در اساطیر و شمایل سازی ایران
- ۸ / ۵۶۸
نظری، ح (غازبانی): یکی از اعضای سازمان نظامی حزب توده ایران با ما سخن می گوید
- ۸ / ۴۷۸
_____ : نخستین آشنایی با سوسیالیسم روسی
- نامه / ۲ / ۶۳۹
نفیسی، سعید: نسیم شمال، سید اشرف الدین گیلانی
- ۲ / ۸۵۷
یوسفی، غلامحسین: آخرین نامه غلامحسین یوسفی... [خطاب به جلال متینی]
- ۲ / ۸۵۴
_____ : با یاد مولوی (شعر)
- ۲ / ۸۵۵
_____ : به یادگار چهل سال محبت و وزیدن [خطاب به جلال متینی] (شعر)
- ۲ / ۸۵۳
_____ : شعر فردوسی (شعر)
- ۲ / ۸۵۸
_____ : نامه غلامحسین یوسفی به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲ / ۸۴۶
_____ : یاد مردی بزرگ و کم نظیر. درباره شعر فریدون مشیری با عنوان «امیر کبیر»

تجدد و بررسی کتاب

- ۴ / ۴۰۰
آذربئی، گیتی: دانشنامه ایرانیکا، برداخته احسان یارشاطر، جلد دوم
- ۱۶ / ۱۶۲
آصفی شیرازی، تاجماه: بیداد سکوت، نوشته فرشته کوثر
- ۹ / ۷۹۴
اسپراکمن، پال: آنچه گذشت... نقشی از نیم قرن تکاپو، نوشته عبدالهادی حائری
- _____ : اشعار عربی و فارسی، به زبان انگلیسی، به انتخاب و ترجمه
- نامه / ۵ / ۷۲۷
عمر. س. پاوند
- ۱۷ / ۵۹۰
_____ : بیست سال با طنز، نوشته رؤیا صدر
- _____ : بیست و سه سال، بررسی کارنامه سیاسی محمد، نوشته علی دشتی، ترجمه
- نامه / ۵ / ۳۵۴
_____ : به انگلیسی از اف. آر. سی. بگلی
- ۸ / ۶۰۶
_____ : پرستو: مجموعه داستان و شعر، نوشته مهتری یلفانی
- _____ : تولد دیگر: گزیده اشعار فروغ فرخزاد (ترجمه جوادی، حسن،
- نامه / ۲ / ۲۰۳
و سالی، سوزان)
- نامه / ۱ / ۶۶۲
_____ : مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، ترجمه انگلیسی به توسط حامد الگار

- _____ : خاطرات شاهزاده حمید قاجار فرزند آخرین ولیعهد قاجار، ویراستار: ۵۶۵ / ۹
- حبیب لاجوردی
- _____ : دستور وزن شعر فارسی کلاسیک، نوشتهٔ فنِ تى سِن نامه / ۴ / ۳۲۱
- _____ : سووشون، نوشتهٔ سیمین دانشور، ترجمهٔ محمد رضا قانون پرور ۱۹۴ / ۳
- _____ : شعر فارسی معاصر، تهیه و ترجمه از محمود کیانوش ۱۸۳ / ۹
- _____ : شوهر نا آشنا، نوشتهٔ راجلن، ناهید (به زبان انگلیسی) نامه / ۳ / ۳۴۲
- _____ : فهرست فیلمهای مستند و برنامه های تلویزیونی دربارهٔ ایران، نوشتهٔ
- نفیسی، حمید نامه / ۳ / ۵۳۳
- _____ : استعلامی، محمد: از نیما تا روزگار ما، تاریخ ادب فارسی معاصر، تألیف یحیی آرین پور ۸۳۰ / ۷
- _____ : حلاج، نوشتهٔ هربرت دبلیو. میسن، ترجمهٔ مجدالدین کیوانی ۹۰۴ / ۱۱
- _____ : خواجه عبدالله انصاری، نوشتهٔ دکتر عبدالغفور روان فرهادی،
- ترجمهٔ دکتر مجدالدین کیوانی ۱۸۰ / ۱۲
- _____ : روزبهان بقلی، نوشتهٔ کارل دبلیو. ارنست، ترجمهٔ دکتر مجدالدین کیوانی ۱۸۳ / ۱۲
- _____ : قرن روشنفکران، اثر میشل وینوک، ترجمهٔ دکتر مهدی سمسار ۲۱۸ / ۱۳
- _____ : کلیات عبید زاکانی به اهتمام محمد جعفر محبوب ۴۲۷ / ۱۱
- _____ : مجموعهٔ تصوف و عرفان: سهروردی و مکتب اشراق، نوشتهٔ مهدی امین رضوی،
- ترجمهٔ مجدالدین کیوانی ۶۶ / ۱۱
- _____ : اشرف، احمد: حکایت بلوچ، سیری در احوال بلوچستان، شهرها، ديه ها، آبها، کرانه ها،
- نوشتهٔ محمود زند مقدم ۸۲۲ / ۴
- _____ : سفرنامهٔ پولاک: ایران و ایرانیان، نوشتهٔ یاکوب ادوارد پولاک، ترجمهٔ
- کیکاووس جهاننداری ۷۷۹ / ۱
- _____ : الهی، صدرالدین: از خون دل نوشتهٔ ۱۳۷۵-۱۳۶۲، نوشتهٔ علیرضا
- نوری زاده ۳۷۰ / ۸
- _____ : تالار آئینه، نوشتهٔ امیرحسین چهل تن ۷۹۴ / ۵
- _____ : در کوچه پس کوچه های غربت: نوشتهٔ هما سرشار ۶۳۸ / ۵
- _____ : شاه اسماعیل اول، پادشاهی با اثرهای دیربای در ایران و ایرانی، تألیف
- منوچهر پارسادوست ۳۶۵ / ۸
- _____ : شبه خاطرات، نوشتهٔ دکتر علی بهزادی ۷۹۹ / ۸
- _____ : عطر یاس، نوشتهٔ عباس معروفی ۶۴۵ / ۷
- _____ : کسی می آید، نوشتهٔ مهری یلفانی ۶۳۹ / ۷
- _____ : کلهٔ اسب، نوشتهٔ جعفر مدرس صادقی ۷۹۷ / ۵
- _____ : امیدسالار، محمود: از دارهام تا تهران، نوشتهٔ ما یکل هیلمن ۱۹۵ / ۴

- _____ : «پایگاه ایرانی دین زرتشت»، نوشتهٔ مری بویس ۴/ ۴۰۷
- _____ : تحفة الغرائب، تألیف محمد بن ایوب الحاسب الطبری، ویراستار جلال متینی ۵/ ۸۰۹
- امیر ارجمند، سعید: غرزدگی، نوشتهٔ آل احمد، جلال، ترجمه به زبان انگلیسی
به توسط: اسپراکمن، پال
نامه/ ۲/ ۲۰۷
- _____ : مقدمه ای بر تشیع، تاریخچه و عقیدهٔ شیعهٔ دوازده امامی، نوشتهٔ موزان مؤمن،
به زبان انگلیسی
امیر جاهد، دکتر کورش: واژه‌های پزشکی پارسی ذخیرهٔ خوارزمشاهی و راهنمای...،
تألیف دکتر جامی شکیبی گیلانی
نامه/ ۵/ ۳۶۲
- _____ : دربارهٔ «کلیدر»، نوشتهٔ محمود دولت آبادی
امیرشاهی، مهشید: اولین انقلاب ایران: تشیع و انقلاب مشروطه...، نوشتهٔ منگل بیات
امیر مکرری، سبروس: سفرنامهٔ میرزا محمد حسین فراهانی به مکه، ترجمهٔ حافظ فرمانیان
نامه/ ۷/ ۱۶۴
- _____ : سفرنامهٔ میرزا محمد حسین فراهانی به مکه، ترجمهٔ حافظ فرمانیان
و التَّنیل. دانیل
۵/ ۱۹۹
- _____ : شکست شاهانه: سقوط شاه، نوشتهٔ ماروین زونیس
باثانی، سوسن: «هنر درباری ایران»، تألیف ابوالعلاء سود آور، به زبان انگلیسی
بهار، پروانه: Food of Life، تألیف باتمانقلیج، نجمیه
نامه/ ۵/ ۵۳۳
- _____ : «هنر ایران»، ویراستار ا. دلبلو. فریر
برجیان، حبیب: آنسیکلوپدی ساویتی تاجیک
۳/ ۱۹۹
- _____ : از این سو و آن سو: دستبختی از نوشته‌ها: عبدالحسین آذرنگ
از گذشتهٔ ادبی ایران: مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی...،
نوشتهٔ دکتر عبدالحسین زرین کوب
نامه/ ۱۲/ ۱۷۵
- _____ : چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، با مقدمه، تصحیح و توضیح مهران
افشاری و مهدی مداینی
نامه/ ۱۵/ ۳۹۸
- _____ : دانشنامهٔ ادب فارسی، جلد یکم: آسیای مرکزی به سرپرستی حسن انوشه
سلسله انتشارات تاریخ هخامنشی در هلند
نامه/ ۱۲/ ۶۴۸
- _____ : فرهنگ جامع نامها و آبادیهای کهن اصفهان، تألیف محمد مهربار
فرهنگنامهٔ کودکان و نوجوانان، پدید آورنده: شورای کتاب کودک
نامه/ ۱۴/ ۱۹۷
- _____ : فرهنگ مصادر زبانها و گویشهای ایرانی تاجیکستان
بهمند، فرشته: بخارای من ایل من، نوشتهٔ محمد بهمن بیگی
پارسی نژاد، ایرج: تاریخ تحلیلی شعر نو، نوشتهٔ شمس لنگرودی
نامه/ ۱۱/ ۴۳۵
- _____ : روزها در راه، نوشتهٔ شاهرخ مسکوب
نامه/ ۱۴/ ۱۸۰
- _____ : ناصرالدین: یک جمهوری مستعجل در کردستان، نوشتهٔ محمد رضا خوبروی پاک
پری، ج. ر.: ایران و عراق، ریشه‌های اختلاف، نوشتهٔ طارق اسماعیل
نامه/ ۱/ ۴۷۷

- _____ : ریشه های آوایی فارسی نو و میانه، نوشته اندرزی پیسوویچ ۴۱۳ / ۱
- پورحسینی، رضا: فرهنگ عمومی فارسی به آلمانی و آلمانی به فارسی، تألیف خسرو ناقد ۶۷۱ / ۱۴
- جمال زاده، محمد علی: تعزیه در ایران، نوشته صادق همایونی ۶۳۵ / ۲
- جوادی، حسن: ترس و لرز، نوشته غلامحسین ساعدی، ترجمه مینو ساتگیت، به زبان انگلیسی ۱۵۴ / ۴ / نامه
- خالقی مطلق، جلال: شاهنامه لکی، به اهتمام حمید ایزدپناه ۷۹۵ / ۱۷
- _____ : نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایران، از: آرتور کریستن سن، ترجمه احمد تفضلی - ژاله آموزگار ۱۴۳ / ۶ / نامه
- خرمی، محمد مهدی: آرامگاه صادق هدایت، نوشته یوسف اسحاق پور ۷۹۰ / ۵
- دباشی، حمید: بررسیهای انتقادی در ادبیات معاصر فارسی، گردآورنده و ویراستار توماس م. ریکس، به زبان انگلیسی ۵۱۱ / ۴ / نامه
- _____ : قصه بردازی صادق هدایت، نوشته ایرج بشیری، به زبان انگلیسی ۷۲۰ / ۵ / نامه
- دریابی، تورج: زرتشت و اوستای باستانی، تألیف جین کلنز، به زبان فرانسه ۲۲۱ / ۷
- دوستخواه، جلیل: آفرین فردوسی، نوشته محمدجعفر محبوب ۸۰۰ / ۵
- _____ : به سوی شاهنامه فردوسی: گام دوم، شاهنامه فردوسی، دفتر دوم، به کوشش جلال خالقی مطلق (۱) ۶۳۲ / ۴
- _____ : به سوی شاهنامه فردوسی: گام دوم، شاهنامه فردوسی، دفتر دوم، به کوشش جلال خالقی مطلق (۲) ۸۳۴ / ۴
- _____ : تحلیل روانشناختی استبداد و خودکامگی، نوشته مانس اسپربر ۸۰۵ / ۱۵
- _____ : فرهنگ، کتاب هفتم، به مناسبت هزاره تدوین شاهنامه: کوششی گروهی در شاهنامه شناسی (۱) ۸۳۲ / ۳
- _____ : فرهنگ، کتاب هفتم، ... (۲) ۱۹۸ / ۴
- _____ : فرهنگ، کتاب هفتم، ... (۳) ۴۱۵ / ۴
- _____ : معمای شاهنامه، نوشته سیامک وکیلی. شاهنامه شناسی یا معنامنای شاهنامه؟ ۳۱۶ / ۱۸
- ذبیح، سپهر: «ابعد سیاسی مذهب»، ویراستار: سعید امیر ارجمند ۷۸۸ / ۵
- رازین، م.: آشنایی با صادق هدایت، نوشته م. فرزانه ۴۰۵ / ۱
- رجب زاده، هاشم: دانشنامه ایران، گنجینه ایران شناسی، زیر نظر احسان یارشاطر، جلد هفتم، دفتر دوم ۶۵۳ / ۷
- سجادی، علی: فرهنگ لغات زبان محفی، نوشته دکتر سید مهدی سمائی ۳۸۴ / ۱۷
- سعیدی، نادر: درخششهای تیره، نوشته آرامش دوستدار ۸۳۷ / ۷
- _____ : نگاهی به پدیدار شناسی و فلسفه های هست بودن، برگرفته و ترجمه

- ۸۶۸/۶ یحیی مهدوی
- ۳۴۹/۶ شاهق حریری، مهوش: آداب صرف چای در حضور گرگ، نوشته شهرنوش پارسی پور
_____ داستان دو شهر: خاطرات یک ایرانی، نوشته عباس میلانی،
- ۳۷۴/۸ به زبان انگلیسی
- ۸۸۷/۱۳ درباره معمای هویدا، نوشته عباس میلانی
- ۴۲۳/۵ مقدمه بر فارسی، تألیف ویلر م. نکستون
- ۱۹۳/۶ ملکه های از یادرفته در اسلام، نوشته فاطمه مرنیسی، به زبان انگلیسی
- ۲۱۸/۷ هزار سال شعر کلاسیک فارسی، تألیف ویلر م. نکستون، به زبان انگلیسی
شهبازی، ع. شاپور: تاریخ سیاسی دوره هخامنشی، تألیف م.ع. دندا اما یف، ترجمه
انگلیسی
- ۶۱۲/۳ صاحب جمعی، دکتر حمید: روشنفکران ایرانی و نقد ادبی، نوشته ایرج پارسی نژاد
- ۱۸۹/۱۴ فرهنگ علوم انسانی، تألیف داریوش آشوری
- ۷۸۱/۹ ضرغامیان، مهدی: سرگذشت غم انگیز یک کتاب: دوره آموزش زبان فارسی از مبتدی
تا پیشرفته، تألیف مهدی ضرغامیان
- ۸۰۰/۹ طالقانی، محمد علی: حکایت بلوچ، ۲ جلد، نوشته دکتر محمود زند مقدم
- ۴۲۷/۱۲ عاصی، مصطفی: فرهنگ علوم انسانی (انگلیسی - فارسی)، تألیف داریوش آشوری
- ۱۷۱/۱ عالیشان، لئوناردو: دایرة المعارف ایرانیکا، جلد ۲، زیر نظر: احسان یارشاطر
- نامہ/ ۳/ ۱۶۴ _____: صبح دروغین، از نادرپور، نادر
- _____: نوحه بلبل: برگزیده ای از اشعار و حکایات اخلاقی پروین اعتصامی،
- نامہ/ ۶/ ۳۳۳ ترجمه به انگلیسی از حشمت مؤید، و مارگارت آرنت مادلونگ
- ۳۳۳/۹ عظیمی، فخرالدین: انقلاب مشروطه ایران، ۱۹۰۶-۱۹۱۱، نوشته زانت آفاری
- ۱۷۳/۱۰ علائی، سیروس: بهزاد استاد نقاشی ایرانی، پژوهش و نگارش عبادالله بهاری
_____: تاریخ نقشه نگاری، جلد ۲، دفتر اول، نقشه نگاری در جامعه های سنتی
- ۴۲۹/۵ اسلامی و جنوب آسیا
- علوی، بزرگ: تأثیر نوشته های فارسی در ادبیات انگلیسی، نوشته حسن جوادی،
به زبان انگلیسی
- نامہ/ ۵/ ۵۲۹ _____: خواب آشفته نفت، جلد سوم (از کودتای ۲۸ مرداد تا سقوط زاهدی)،
نوشته محمد علی موحد
- ۱۵۲/۱۸ فرخ، فریدون: تاریخ مختصر اسمعیلیان: سنن یک فرقه اسلامی: دکتر فرهاد دفتری
- ۱۵۷/۱۵ فروغی، محمود: دولتهای ایران از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا بهمن ۱۳۵۷، از سید ضیاء تا بختیار،
نوشته مسعود بهنود
- ۱۸۵/۳ _____: ذکاء الملک فروغی و شهرپور ۱۳۲۰، نوشته دکتر باقر عاقلی
- ۱۹۶/۲

- فرهنگ پور، پروانه: طریق صوفیانه عشق، تعالیم روحانی رومی، نوشته و بلیام چیتیک،
 به زبان انگلیسی
 نام/ شماره / ۶۸۳ / ۲ / ۴ / ۰۳
- قانون پرور، محمد رضا: اهل غرق، نوشته منیر و روانی پور
 کلیدر، نوشته محمود دولت آبادی: عروج یک باغی، راه برد روایت
 نام/ شماره / ۳۵۵ / ۷ / ۵ / ۶۶۶ / ۱۳
- در کلیدر
 عصاکش، تألیف بهمن شعله ور، به زبان انگلیسی
 قهرمانی، سعید: دیوان واجد شیرازی
 عبور از عهد پهلوی، جلد اول: در گیر و دار دو فرهنگ، نوشته پروفیسور
 ابوالمجد حجتی
 نام/ شماره / ۶۰۰ / ۸
- کاتوزیان، محمد علی هما یون: «طبقات، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران،
 نوشته منصور معدل، به زبان انگلیسی
 کاظمی، فرهاد: جمعیت‌های سری و فراماسونری، نوشته امیر نجات
 کامشاد، حسن: توپ مرواری، نوشته صادق هدایت، ترجمه به زبان انگلیسی، ویراستار:
 ابرج بشیری
 یکی بود یکی نبود، نوشته جمال زاده، محمد علی، ترجمه به زبان انگلیسی
 از حشمت مؤید، و پال اسپراکمن
 نام/ شماره / ۵۱۶ / ۵
- خردمندان در خدمت خود کامگان یا جامعه آزاد و دشمنانش، نوشته: پویر،
 کارل ریوند، ترجمه مهاجر، علی اصغر
 نام/ شماره / ۶۶۹ / ۲
- کریمی حکاک، احمد: «پیام آوران انهدام» نوشته محمد رضا قانون پرور به زبان انگلیسی
 گوشه گیر، عزت السادات: آداب صرف جای در حضور گرگ، نوشته شهرنوش پاریسی پور
 جزیره سرگردانی، نوشته سیمین دانشور
 نام/ شماره / ۳۴۹ / ۶ / ۷ / ۸۴۴
- حمام، نوشته فرنوش مشیری
 نام/ شماره / ۶۱۳ / ۱۵
- در اندرون من خسته، نوشته پری صابری
 «نمایشهای پرویز صیاد در غربت»، به زبان انگلیسی، ویراستار حمید
 دباشی
 نام/ شماره / ۱۸۶ / ۶
- لويس، فرنک: منتخباتی از صادق هدایت، به زبان انگلیسی، به سرپرستی احسان یار شاطر
 مؤید، حشمت: «ابوسعید ابوالخیر - حقیقت و افسانه»، نوشته فریتز ما بر
 نام/ شماره / ۲۹۹ / ۲
- المفصل فی الالفاظ الفارسیة المعربة...، تألیف دکتر صلاح الدین المنجد،
 به زبان عربی
 نام/ شماره / ۴ / ۴۹۸
- ایران و مغرب زمین، کتا بنامه انتقادی، تألیف سیروس غنی، به زبان انگلیسی
 بررسیهای انتقادی در ادبیات معاصر فارسی، گردآورنده ویراستار توماس
 م. ریکس (به زبان انگلیسی)
 نام/ شماره / ۵۲۵ / ۴

- _____ : بزم آورد، تألیف عباس زریاب خوبی
۸۶۰ / ۲
- _____ : پدایوند، پژوهشنامه بهبود ایران، جلد دوم، به کوشش امون تنصر
۴۴۵ / ۱۱
- _____ : تروعا، بهبودیان ایرانی در تاریخ معاصر
۷۹۴ / ۸
- _____ : «تلکس ایران به نام انقلاب»، نوشته پرس، ژیل
نامہ / ۳ / ۱۷۵
- _____ : جشن نامه استاد یارشاطر
۸۰۷ / ۴
- _____ : چهره های سرشناس در ادبیات معاصر فارسی، نوشته مایکل هیلمن
نامہ / ۱ / ۶۴۹
- _____ : خسرو و شیرین نظامی، نوشته کریستف بورگل
نامہ / ۱ / ۴۷۳
- _____ : دانشنامه ایرانی (دائرة المعارف ایرانیکا)، جلد اول، دفتر ۱ تا ۵، ویراستار:
یارشاطر، احسان
نامہ / ۲ / ۵۱۱
- _____ : در شرع و دین، تألیف د براون
۱۶۰ / ۱
- _____ : در فاصله دو نقطه، از زندگانی ایران درودی
۳۳۱ / ۱۲
- _____ : دیوان شیخ احمد جام (ژنده پیل)، به کوشش احمد کرمی
۶۴۲ / ۲
- _____ : دیوان عمید، از فضل الله عمید لویکی، مرتبه داکتر نذیر احمد
نامہ / ۵ / ۳۶۷
- _____ : دیوان محمد شیرین مغربی، به تصحیح و اهتمام دکتر لئونارد لوئیزان
۹۱۰ / ۱۲
- _____ : رؤیاهای از یادرفته، گلچین شعر فارسی هندوستان، تألیف وارث کرمانی
نامہ / ۶ / ۱۴۵
- _____ : راه دراز استانبول، نوشته مصطفی زمانی نیا
نامہ / ۶ / ۳۲۷
- _____ : رساله قدسیه طریقت صد بقان، تألیف بهمن گازرپور
۶۹۷ / ۱۸
- _____ : «روزگار غریب، عزیزم»، ویراستاران: ناهید مظفری و احمد کریمی حکاک
۳۳۰ / ۱۸
- _____ : زبان فارسی و زبان شناسی: کتا شناسی گزیده تا ۲۰۰۱: شهرام احدی،
به زبان انگلیسی
۱۶۴ / ۱۵
- _____ : سر و ته یک کرباس، نوشته جمال زاده، سید محمد علی، به زبان انگلیسی،
ترجمه و ل. هسٹین
نامہ / ۳ / ۳۲۸
- _____ : «ابوالقاسم فردوسی: شاهنامه»، دفتر اول، فصل ۱ تا ۵، ترجمه به زبان
آلمانی به توسط هلمهارت کانوس - کرده
نامہ / ۲ / ۵۲۰
- _____ : عروس افاقی، برگزیده اشعار فروغ فرخزاد، ترجمه یاشا کسلرو
امین بنانی
نامہ / ۱ / ۳۰۸
- _____ : کاغذ زر (یادداشتی در ادب و تاریخ)، نوشته یوسفی، غلامحسین
نامہ / ۳ / ۷۳۳
- _____ : مآخذ قصص و تمثیلات متنیهای عطار نیشابوری، نوشته فاطمه صنعتی نیا
۳۲۸ / ۹
- _____ : مجمل التواریخ والقصص، نسخه عکسی مورخ ۷۵۱
۴۳۲ / ۱۳
- _____ : مسیح و مسیحیت نزد ایرانیان، جلد اول، نوشته ح. ب. دهقانی تفتی
۲۰۲ / ۵
- _____ : مطبوعات و شعر جدید ایران، نوشته براون، ادوارد جی. با مقدمه: امین بنانی
(به زبان انگلیسی)
نامہ / ۳ / ۵۳۶

- _____ : منطق الطیر، ترجمه و مقدمه از دربندی، افحم، و دیویس، دیک
 نامہ / ۳ / ۵۲۹
- _____ : موعظة جهانگیری، تألیف محمد باقر نجم ثانی، تصحیح ساجده س. علوی
 ۶۲۱ / ۳
- _____ : نامہ های دکتر قاسم غنی
 نامہ / ۱ / ۵۶۹
- _____ : یادنامه پروین اعتصامی، گردآورنده علی دهباشی
 ۶۲۷ / ۵
- _____ : یادبودنامه صادق هدایت، به کوشش حسن طاهباز
 نامہ / ۴ / ۱۵۲
- _____ : یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر، جلد دوم، ویراستار: هما سرشار
 ۸۳۷ / ۱۰
- _____ : متینی، جلال: آن حکایتها، گفتگو و نقد هرمز کی با احسان نراقی
 ۶۶۴ / ۱۴
- _____ : ایران و ماوراء النہر در نوشته های چینی و مغولی سده های میانه،
 تألیف: امیلی و. برتشنا بدر، ترجمه و تحقیق: هاشم رجب زاده
 ۱۵۷ / ۱۶
- _____ : یوپک، شیدای خام، دورساله مستقل درباره دو داستان مشوی، تألیف ادوارد
 ژوزف
 نامہ / ۵ / ۷۳۶
- _____ : تاریخ ادبیات در ایران، تألیف صفا، ذبیح الله، جلد پنجم، بخش یکم
 نامہ / ۳ / ۳۳۳
- _____ : تاریخ ایران، جلد سوم در ۲ بخش، زیر نظر احسان بارشاطر، از انتشارات
 دانشگاه کمبریج
 نامہ / ۳ / ۱۷۸
- _____ : تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی تا عصر اسلامی، تألیف
 محمد محمدی ملایری، جلد اول
 ۶۳۲ / ۵
- _____ : تفسیر غزلیات حافظ (شاعری که از نو باید شناخت)، نوشته مهدی مستشاری
 ۲۰۵ / ۱۴
- _____ : جنبشهای دینی ایرانی در قرنهای دوم و سوم هجری، نوشته علامحسین صدیقی
 ۳۴۵ / ۶
- _____ : خاطرات اردشیر زاهدی، شامل اسناد و عکسها، جلد اول
 ۵۲۷ / ۱۸
- _____ : در پیکار اهریمن، نوشته شفا، شجاع الدین
 نامہ / ۲ / ۵۱۶
- _____ : درس حافظ، تألیف محمد استعلامی، ۲ جلد
 ۳۳۳ / ۱۶
- _____ : دیوان بدر شیروانی به کوشش ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف
 نامہ / ۴ / ۱۵۸
- _____ : دیوان حاج ملاهادی سبزواری، با مقدمه، تصحیح، تعلیقات سید حسن امین
 ۱۶۳ / ۸
- _____ : روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تألیف باقر عاقلی، ۲ جلد
 ۸۱۵ / ۱۵
- _____ : سفرنامه شهبانو فرح پهلوی: تألیف منصوره پیرنیا
 ۸۶۰ / ۶
- _____ : شاه تهماسب اول، تألیف دکتر منوچهر پارسادوست
 ۱۸۷ / ۱۲
- _____ : شاهنامه، دفتر ششم، به کوشش جلال خالقی مطلق - محمود امیدسالار
 ۱۵۸ / ۱۸
- _____ : شاهنامه فردوسی، دفتر یکم، به کوشش جلال خالقی مطلق
 نامہ / ۷ / ۳۳۸
- _____ : فرهنگ اشتقاقی عربی به فارسی، نوشته دکتر علی اکبر شهابی
 نامہ / ۱ / ۴۷۹
- _____ : گاهنامه سال ۱۶۹۴ ایرانی = ۸۷-۱۹۸۶ مسیحی، تهیه شده به توسط
 پاسداران فرهنگ ایران
 نامہ / ۵ / ۱۸۵
- _____ : گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی
 نامہ / ۷ / ۱۷۱

- _____ : گلستان سعدی، تصحیح یوسفی، غلامحسین
۸۸۸ / ۱
- _____ : مقالات شمس تبریزی، (شمس الدین محمد تبریزی)، با مقدمه و تنقیح و
تعلیق: محمد علی موحد
نامه / ۱ / ۳۰۴
- _____ : معایب الرجال، نوشته بی بی خانم استرا بادی، ویراستار: افسانه نجم آبادی
۴۳۶ / ۵
- _____ : منطق الطیر عطار، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی
۷۴۸ / ۱۶
- _____ : نزّهة المجالس، تألیف جمال خلیل شروانی، تصحیح محمد امین ریاحی
۵۷۴ / ۱
- _____ : نظرات و مناظرات (مجموعه مقالات)، نوشته رامین کامران
۸۰۷ / ۸
- _____ : نقش عراق در شروع جنگ، تألیف دکتر منوچهر پارسادوست
۶۲۹ / ۳
- _____ : واژه نامه انگلیسی - فارسی برای علوم انسانی، تألیف: داریوش آشوری
۳۵۲ / ۹
- _____ : یادداشتهای علم، نوشته امیر اسدالله علم، دفتر یکم، ویرایش علینقی عالیخانی
۶۱۷ / ۴
- _____ : محبوب، محمد جعفر: نامه صورتگر
۱۹۱ / ۴
- _____ : مرکوش، کینگا: سفر شب و رجعت مسیح، به زبان انگلیسی، نوشته بهمن شعله ور
نامه / ۵ / ۱۸۰
- _____ : منتظم، حسین: آمدن شاه بهرام ورجاوند، تدوین، ترجمه و توضیح از بیژن غیبی
۴۴۲ / ۱۴
- _____ : پس از هزار و چهارصد سال، نوشته شجاع الدین شفا
۳۹۲ / ۱۵
- _____ : ترجمه و گزارش سه رساله پهلوی، و دیگر خرده مقالات، از بیژن غیبی
۸۱۲ / ۱۵
- _____ : یادداشتهای محرمانه، سقوط و مرگ شاه، نوشته هوشنگ نهاوندی
۶۰۹ / ۱۵
- _____ : موحد، محمد علی: مثنوی معنوی؛ بر اساس نسخه قونیه، به تصحیح و پیشگفتار عبدالکریم
سروش
۱۸۹ / ۹
- _____ : موريس، جيمز: تاريخ طبري، جلد ۳۷، ترجمه فيليب م. فيلدز
نامه / ۶ / ۵۰۷
- _____ : مهدوی دامغانی، احمد: حدیث عشق در شرق (از سده اول تا سده پنجم هجری)،
تألیف ژان - کلودواره، ترجمه جواد حدیدی
۶۳۰ / ۷
- _____ : میثاقی، فؤاد: مهبجوری و مشتاقی، مقالات فرهنگی و ادبی فضل الله رضا
۶۲۴ / ۶
- _____ : میر صادقی، جمال: مردم شهر افسوس، نوشته مرتضی میرآفتابی
۸۰۰ / ۱۷
- _____ : میلانی، عباس: آیات هزاره نو: در شناخت فرشتگان، رُباها و رستاخیز، نوشته هارولد بلوم
۵۹۶ / ۸
- _____ : ایران و برآمدن رضاشاه: از سقوط قاجار تا حکومت پهلوی،
به زبان انگلیسی تألیف سیروس غنی
۱۹۳ / ۱۱
- _____ : تاریخ بیست ساله: کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه
ملی)، نوشته حمید شوکت
۵۵۷ / ۹
- _____ : تاریخ فکر: از سومر تا یونان و روم، نوشته فریدون آدمیت
۷۷۵ / ۹
- _____ : شریعتی و ناکجا آباد؟
۶۵۹ / ۱۲
- _____ : فرهنگ و امپریالیسم، نوشته ادوارد سعید
۱۹۵ / ۵
- _____ : فرهنگ ایران از نظر یک ایران شناس، نوشته ما بکل هیلمن، به زبان

- انگلیسی
 ۳۹۳ / ۴ _____: قیلة عالم: ناصرالدین شاه و مسأله پادشاهی ایران (۱۸۵۱-۱۸۹۶)، نوشته
- ۱۷۳ / ۹ عباس امانت، به زبان انگلیسی
- ۸۵۵ / ۶ _____: مدرنیته و اندیشه انتقادی، نگارش بابک احمدی
- _____: مقاومت شکننده: دگرگونی اجتماعی در ایران از سال ۱۵۰۰ تا انقلاب،
- ۱۷۲ / ۶ نوشته جان فوران، به زبان انگلیسی
- _____: فرزانه: داستانهایی از ایران. جنگ شیکاگو ۱۹۲۱-۱۹۹۱، به انتخاب و کوشش
- ۶۱۲ / ۴ حشمت مؤید، به زبان انگلیسی
- ۴۳۷ / ۱۴ ناقد، خسرو: پژوهشهای ایران شناسی، مجله مطالعات ایرانی به زبان آلمانی
- ۶۳۶ / ۱۰ _____: شیراز خاستگاه تریزه، نوشته صادق هما یونی
- _____: نشأت، گیتی: از ناسیونالیسم تا اسلام انقلابی، به زبان انگلیسی، زیر نظر
- نامہ / ۵ / ۵۲۴ سعید امیر ارجمند
- _____: نصر، سید حسین، و نصر، سید ولی رضا: «سایه خدا و امام غائب: مذهب، سیاست، ...»،
- نامہ / ۵ / ۱۷۱ نوشته سعید امیر ارجمند، به زبان انگلیسی
- _____: نصر، سید ولی رضا: دیوان انوری: کتاب جیبی برای اکبر، ترجمه شمیم، ان ماری، و
- نامہ / ۳ / ۱۸۲ کری ولش، استوارت
- _____: نظامی، اسعد: با بهای اصلاحات جدید در ایران ۸۰-۱۸۷۰، نوشته نشأت، گیتی،
- نامہ / ۲ / ۳۶۷ به زبان انگلیسی
- _____: نوروزی، نورج: تحقیقات ایران شناسی در امریکا (جشن نامه دکتر محمد علی جزایری)
- _____: وهمن، فریدون: ادبیات فارسی، مجموعه سخنرانیهای دانشگاه کلمبیا، شماره ۳، زیر نظر
- نامہ / ۲ / ۸۶۶ احسان یارشاطر
- _____: تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تألیف احمد تفضلی
- نامہ / ۷ / ۷۷۱ _____: شبنمی روزی. چند گفتار درباره شعر پروین اعتصامی، با مقدمه و کوشش
- _____: حشمت مؤید
- _____: مطالعات ایرانی - بهبودی ۲، سخنرانیهای کنفرانس مطالعات ایرانی -
- نامہ / ۵ / ۴۱۵ بهبودی در سال ۱۹۷۸، زیر نظر شانول شاکد و امون نتضر
- _____: نون والفلم، نوشته جلال آل احمد، ترجمه انگلیسی به توسط م. ر. قانون پرو
- نامہ / ۱ / ۷۸۴ هادی، عبدالله: کلیات اشعار ترکی شهریار به انضمام حیدر بابای سلام
- _____: یآوری، حورا: «حجاب و کلام»، نوشته فرزانه میلانی، به زبان انگلیسی
- نامہ / ۷ / ۱۶۷ _____: در حضر، نوشته مهشید امیرشاهی
- _____: کلیدر، نوشته محمود دولت آبادی (به زبان انگلیسی)
- نامہ / ۶ / ۱۵۲ یزدانفر، فرزین: «گلچینی از نما یشنامه های ایرانی»، گردآوری و تألیف م. ر. قانون پرو

- جان گریمین
_____ : داستانهای نویسندگان زن در ایران بعد از انقلاب، ترجمه انگلیسی از نریا
پاک نظر - سولیوان
۶۴۸ / ۲
۴۱۰ / ۴
یوسف، سعید: اشعار عاشقانه احمد شاملو، ترجمه فیروزه پاپن - متین
۵۴۷ / ۱۸

ایران شناسی در غرب

- اسپراکمن، پال: بیم از رقص: رقص بداهه یک نفری در جهان ایرانی، نوشته آنتونی شی
_____ : جام گناه، گزینۀ اشعار سیمین بهبهانی، ترجمه فرزانه میلانی و کاوه صفا
_____ : نه شرقی نه غربی، سفر یک زن در جمهوری اسلامی ایران، نوشته
کریستیان برد
امید سالار، محمود: ادبیات نهفته فارسی، گزینۀ ای از اشعار ممنوعه، تألیف و ترجمه پال
اسپراکمن، به زبان انگلیسی
_____ : ایران و مطالعات ایران شناسی، مقاله هایی در بزرگداشت ایرج افشار،
ویراستار: کامبیز اسلامی
_____ : شاعر و پهلوان در حماسه فردوسی، نوشته الگا ام. دیویدسن،
به زبان انگلیسی
برجیان، حبیب: شیر و اورنگ: داستانهای شاهنامه فردوسی، جلد اول، بازنویسی به نثر:
احسان یارشاطر، ترجمه از فارسی: دیک دیویس
_____ : صورتگری داستانها در کتب چاپ سنگی فارسی، نوشته اولریخ مارزلف
_____ : مجله تمدنهای باستانی از سکائیه تا سبیر به
_____ : مطالعات ایرانی و الانی، جشن نامه استاد واسیلی ایوانویچ آبایف
_____ : ملاحظاتی در زبان و مردم شناسی زردشیان یزد، نوشته فریدون وهمن
و گارنیک آساطوریان
_____ : میراث آسیای مرکزی: از عهد باستان تا استقرار ترکان، تألیف
ریچارد فرای
پری، جان: ایرانیان استانبول، زیر نظر: ثبیری زرکن و فریبا زرین باف شهر
پژهان، ساسان: تمبرهای مشهد به روایت کارمن
ترابی، سید محمد: باغی در صدا، ایران ۱۳۵۱-۱۳۷۳ تألیف ریکاردو زببولی به زبانهای
فارسی و ایتالیایی
تفضلی، احمد: هیر بدستان و نیرنگستان، ترجمه و ویراسته فیروزه کوتوال و فیلیپ کرینبورک
۴۴۸ / ۱۲
۹۱۸ / ۱۱
۹۰۲ / ۱۳
۸۶۹ / ۷
۶۷۵ / ۱۱
۴۳۶ / ۷
۴۴۲ / ۱۲
۸۸۳ / ۱۴
۸۰۹ / ۹
۹۱۶ / ۱۲
۱۸۱ / ۱۵
۹۰۸ / ۱۱
۱۷۸ / ۸
۸۹۷ / ۱۳
۸۷۲ / ۷
۱۷۵ / ۸

- ۱۶۵ / ۱۶ _____: فضلای، حمید: تجدید ایرانی در تبعید. کتابنامه مجله کاوه، تألیف تیم اپکنهانس
- ۷۷۱ / ۱۶ _____: جلال الدین رومی: اشعاری از دیوان: نوشته یوهان کریستف بورگل
- ۳۹۶ / ۱۷ _____: حافظ، رومی، عمر خیام. زیباترین اشعار ایران در دوره کلاسیک،
ترجمه سیروس آنا بای
- ۳۹۴ / ۱۷ _____: رومی: مهتاب روی زیبا، مخواب!، ترجمه مونیکا هوتز شتراسه
- ۳۴۸ / ۱۶ _____: مجموعه سکه های ساسانی، نوشته میسایل آرام - ریکا گیزلین
- ۴۱۸ / ۱۵ _____: توکلی، احمد: دریای خزر در قرن بیست و یکم، نوشته بهمن آقایی دیا
- ۲۰۰ / ۱۲ _____: دریایی، تورج: «در چهارراه مذاهب آمیخته»، تقدیم به قلیب ژینو
دوستخواه، جلیل: زمان و زادگاه زرتشت، پژوهشی درباره مزدایی گری، نوشته گرادو
نیولی، ترجمه سید منصور سید سجادی
- ۴۱۴ / ۱۵ _____: نیولی، ترجمه سید منصور سید سجادی
- ۷۶۷ / ۱۶ _____: رهایی، رسول: انقلاب غیر قابل تصور ایران، نوشته چارلز کورزان
شاهق (حریری)، مهوش: «جان کلام رومی»، ترجمه کلمن بارکس و جان موین، به زبان
انگلیسی
- ۸۵۷ / ۷ _____: انگلیسی
- ۳۷۰ / ۹ _____: فوجی، موریو: دانشنامه ایران، دفتر ۳ و ۴ از جلد هفتم، زیر نظر احسان یارشاطر
لندولت، هرمان: علم اشراق، قطب الدین شیرازی و سنت اشراق در فلسفه اسلامی،
نوشته جان والبریج
- ۸۷۳ / ۶ _____: مؤید، حشمت: الآداب الاجنبیه، مجله فصلیه بصدورها اتحاد الکتاب العرب، عدد مزدوج
خاص بالادب الفارسی
- ۸۷۷ / ۶ _____: خاص بالادب الفارسی
- _____: الرسالة القشیریه فی التصوف (ترجمه به زبان آلمانی)، مقدمه و ترجمه و
تعلیقات به قلم ریشارد گرامیش
- ۶۲۸ / ۶ _____: ایام محبس علی دشتی، زندگی در دوره رضاشاه، تألیف ج. ای. کنورتر،
به زبان انگلیسی
- ۱۶۴ / ۷ _____: با مهر زرین، درباره نامه، نامه نویس، نامه بر در شاهنامه، تألیف
یورکن اهلرس، به زبان آلمانی
- ۶۷۱ / ۱۳ _____: برای رشدی: مقالاتی از نویسندگان عرب و مسلمان در دفاع از آزادی
سخن، به زبان انگلیسی
- ۳۵۹ / ۶ _____: ترجمه سفرنامه ناصر خسرو» به آلمانی، به توسط اتوفون ملتسر، و به انگلیسی
- ۱۹۸ / ۹ _____: به توسط دکتر ویلر تکستون
- ۶۳۳ / ۶ _____: درویشان چرخان، نوشته شمس فریدلندر، به زبان انگلیسی
- _____: رساله فی تحقیق تعریب الکلمة الاعجمیه، تألیف: ابن کمال پاشا الوزیر، ضبط
و تحقیق: محمدسواعی
- ۳۵۴ / ۶ _____: رومی عاشق نیست تنها، ترجمه سی غزل مولانا رومی به توسط ملتسر و

- ۱۶۹ / ۸ روزن تسوایک
 _____: شاعر یهودی پارسی گویِ عمرانی و گنج نامه او، تحقیق و ترجمه دیوید
- ۸۲۰ / ۸ (داود) بروشلمی، به زبان انگلیسی
- ۶۱۰ / ۸ _____: طبیعت در زبان استعاری شاهنامه، تألیف یورگن اهلرس
- ۱۷۵ / ۱۵ _____: فردوسی: افسانه های رستم از شاهنامه: یورگن اهلرس
- _____: آن روزها، برگزیده اشعار فروغ فرخزاد به انتخاب و ترجمه آلمانی
- ۱۹۸ / ۶ از کورت شارف
- ۱۹۴ / ۱۲ _____: فصلنامه ایران زمین، صدای فرهنگ ایران، سال یازدهم
- _____: فهرست دستنویسهای فارسی در کتابخانه ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش
- ۳۸۹ / ۱۷ دروین، تألیف ایرج افشار
- _____: فهرست دستنویسهای فارسی در کتابخانه های ایتالیا، تألیف آنجلو پیه
- ۲۰۰ / ۶ موتسه، به زبان ایتالیایی
- _____: کاربرد اصطلاحات و واژه های عامیانه فارسی در آثار صادق هدایت،
- ۴۳۶ / ۱۳ تألیف فخرالزمان شیرازی محمودیان، به زبان آلمانی
- _____: کتیبه های ایران و ماوراء النهر از آغاز اسلام تا پایان سده پنجم، نوشته
- ۲۰۳ / ۶ شیلا بلر، به زبان انگلیسی
- _____: گوی و جوگان یا حالنامه، اثر عارفی، متن فارسی و ترجمه انگلیسی،
- ۴۳۸ / ۱۲ به کوشش ویلر نکستون و حسین ضیایی
- _____: مجمل التواریخ والقصص، ویرایش سیف الدین نجم آبادی -
- ۴۴۰ / ۱۳ زیگفرید وبر
- ۳۴۱ / ۱۶ _____: مرآة المعانی، اثر جمالی دهلوی، ترجمه سید گهراب به زبان انگلیسی
- ۸۶۵ / ۷ _____: من بادم و تو آتش، زندگی و آثار رومی، به قلم آنماری شیمیل
- _____: ویس و رامین، جلد ۳: متن، جلد ۲: واژه نامه، جلد ۱: فرهنگ بسامدی،
- ۱۸۲ / ۱۰ به کوشش امیکو اوکادا
- ۲۰۲ / ۱۱ _____: هفت اورنگ سلطان ابراهیم میرزا، تألیف ماریانا سیمپسن
- ۸۴۹ / ۷ متینی، جلال: آموزش خط نستعلیق، تألیف ویلیام ال. هُنوی و براین اسپونر
- _____: منتظم، حسین: تاریخ شاهنشاهی پارس، از کوروش تا اسکندر، تألیف پی یر بریان،
- ۸۵۵ / ۱۰ به زبان فرانسوی
- ۱۸۴ / ۱۵ _____: درباره اسلام به طور کلی، به ویژه در جهان نوین، نوشته ژان کلود بارو
- _____: زنان ترک فرمانروا و نائب السلطنه ها در کشورهای اسلامی، نوشته بحر به
- ۶۸۰ / ۱۱ اوجک، به زبان فرانسوی
- ۷۵۵ / ۱۶ موحد، محمد علی: همه آدمهای شاه، نوشته استغن کینزر، و اشاره ای به دو ترجمه فارسی آن

- مولوی نژاد، صالح: خمسة نظامی گنجوی، معرفی یک نسخه خطی، نوشته فرانسیس ریشار میلانی، عباس: پیدایش رمان فارسی، تألیف کریستف بالایی
 ۶۲۲ / ۱۵
 ۸۴۶ / ۱۰
 _____: مطالعات صفوی، زیر نظر: ژان کالمار؛ ایران صفوی: تاریخ و سیاست در
 ۸۱۱ / ۸
 یک جامعه اسلامی، زیر نظر چارلز ملویل
 ناصری پور، محمد: شکوه ایران، زیر نظر ای. بوث گلپرن، ویراستار: نصرالله پورجوادی
 ۴۰۸ / ۱۵
 ناقد، خسرو: قصه های مشدی گلین خانم، به اهتمام مارتسولف، اولریش
 و امیر حسینی - نیتها، آذر، به زبان آلمانی
 ۵۷۰ / ۹
 نوروزی، نورج: ابن سینا و عرفان: اشارات و تنبیهات، نوشته شمس عنانی، به زبان انگلیسی
 ۳۷۴ / ۹
 _____: حامل عرش خداوند: زندگانی و اندیشه علاء الدوله سمنانی، نوشته جمال
 ۳۸۱ / ۸
 جی. الیاس
 _____: روزبهان بقلی: عرفان و... ولایت خاصه در تصوف ایرانی، تألیف کارل
 ۸۶۰ / ۱۰
 دلبیو. ارنست
 وهمن، فریدون: مادیان هزار داستان، کتاب هزار داوری، به کوشش آناهید پریخانیان،
 ۱۸۸ / ۱۰
 ترجمه نینا گروسیان، به زبان انگلیسی
 یوسف، سعید: متممهای فعلی و افعال مرکب در فارسی. تحلیلی بر بنیان نظریه ولانس
 ۴۱۴ / ۱۵
 [ارزشبافتی]، نوشته شهرام احدی، به زبان آلمانی
 _____: طوطی سیاه، کلاغ سبز (مجموعه ای از داستانهای کوتاه)، نوشته هوشنگ
 ۱۷۴ / ۱۷
 گلشیری، ویراستار: حشمت مؤید

گلشیری در آثار فارسی

- احمدی، رامین: معرفی ۴ کتاب از کسرا عنقای: بر پلکان برج قدیمی؛ دروازه بیچک و مه؛
 ۸۳۴ / ۸
 نم سفالهای عتیق؛ به دنبال سنجاقکها
 الهی، صدرالدین: معرفی ۸ کتاب: دوازدهمی (مجموعه ۷ داستان)؛ سقوط آزاد؛ سفر دولاب
 (سه کتاب از بهمن فرسی)؛ بهار کلمه؛ نور کلمه و فروتنی خدا؛ اسید غربت؛ مادرم زیبا
 ۴۲۶ / ۴
 نشد، (۵ کتاب از رضا فرمند)؛ جشن تولد (مجموعه داستان)، مهری یلفانی
 _____: معرفی ۳ کتاب: آوا در کاواک، مجموعه شعر، بهمن فرسی؛ لباس رسمی
 ترس (مجموعه ۶ داستان کوتاه)، ناصر شاهین پر؛ قمر در عقرب (مجموعه ۸ داستان کوتاه)،
 ۶۸۴ / ۷
 هوشنگ عاشورزاده
 _____: معرفی ۳ کتاب: خاطرات و حکایتها، جلد اول، هفتاد خاطره و حکایت از
 زبان رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ جلد دوم، ۴۷ خاطره و حکایت از زبان رهبر معظم انقلاب

- اسلامی؛ پائیز در پرچین باغ؛ در کوچه ها، بازارها، ۲ کتاب از منیر طه
 ۶۳۲ / ۸
 _____: معرفی یک کتاب: به گل نشستگان (مجموعه داستان)
 ۸۳۳ / ۸
 _____: معرفی هشت مجموعه شعر از بانوان ایرانی: آواز ارغوانی بیشه؛ صدف
 تنهایی؛ کیوتران سحر؛ از ازدحام رنگ و شور و عاطفه؛ به جرمی که زن شدم؛ و سپس آفتاب
 (رباعی و غزل)؛ سجود ستاره؛ مقصد
 ۵۸۹ / ۹
 _____: معرفی ۶ کتاب: در همسایگی «خرس» دیپلماسی خارجی ایران از سوم
 شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، احمد میرفندرسکی؛ و هنوز قصه بر یاد است؛ دمل؛
 ۶۵۸ / ۱۰
Leid und Hoffnug (رنج و امید)؛ تسلیم؛ پگاه نخستین؛ معاشرت آبا
 _____: معرفی ۴ کتاب: موج در موج (مجموعه شعر)، ژاله اصفهانی؛ آتشکده سرد،
 اشعار نصرت الله نوح سمنائی؛ تماشای حیرت، شعر از اصغرواقدی؛ بر شیب تند عصر،
 مسعود احمدی
 ۲۲۷ / ۱۱
 _____: معرفی ۲ کتاب: سه نظر درباره یک مرگ (مجموعه داستان)، مینا اسدی؛
 زنانه و چند داستان، الهه بقراط
 ۹۳۹ / ۱۲
 _____: معرفی ۱ کتاب: مقدمه ای بر ادبیات فارسی در تبعید، ملیحه تیره گل
 _____: معرفی ۴ کتاب: از انحصار طلبی انقلابی، تا: سرکوب دولتی - تجربه انقلاب
 اکتبر. سالهای گذشته از ۱۹۱۷ تا مرگ لنین، نوشته حمید شوکت؛ یادداشتهای مجنون خانه،
 الهه بقراط؛ فردا می بینمت، سودا به اشرفی؛ حجله سخن، شعر اکبر صدیف
 ۶۹۱ / ۱۳
 دباشی، حمید*؛ غلط نویسیم؛ خراج در قفه اسلامی؛ شاعر آینه ها؛ خاطرات مصدق؛
 الجمل؛ فیلم و سیاست در جهان سوم
 ۱۸۳ / ۱
 _____: شراب نیشابور؛ حافظ نامه؛ رستاخیز و تجدد؛ المجدی فی انساب الطالبین
 ۴۱۶ / ۱
 _____: اسلام و تجدد؛ نامواره دکتر محمودافشار؛ مجاهدین خلق، دکتر اروند
 آبراهامیان؛ زمستان ۶۲، اسماعیل فصیح
 ۵۸۵ / ۱
 _____: شرح غزلهای حافظ، دکتر حسینعلی هروی؛ تاریخ یهودیت، ناشر دانشگاه
 کمبریج؛ ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیه، ملا صدرا؛ شعر درباری فارسی در قرون وسطی،
 جولی میثمی
 ۷۹۹ / ۱
 _____: هفتاد سخن، مقالات پراکنده دکتر پرویز ناتل خانلری، ۲ جلد؛ سنگ صبور،
 صادق چوبک، ترجمه به انگلیسی محمد رضا قانون پرور
 ۲۰۹ / ۲
 _____: ایرانیان و ادب عرب؛ خط نگاری
 ۶۵۷ / ۲
 _____: معرفی ۳ کتاب: صدای شالیزار (مجموعه شعر و مقاله درباره برنج و
 برنجکاری)؛ اسناد و فرامین منتشر نشده قاجاری از دوران فتحعلیشاه قاجار؛ ویرگیهای

* توضیح آن که کتابهای معرفی شده به توسط دباشی، حمید در ۵ شماره ایران شناسی، در زیر عنوان «نگاهی
 به چند کتاب»، در «فهرست ۲۵ ساله مجله» در زیر عنوان «گلگشتی در انتشارات فارسی» چاپ شده است.

دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی

۴۲۶ / ۳

متینی، جلال: معرفی ۲۰ کتاب فارسی: شاهنامه فردوسی، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر دوم؛ فرهنگ زفان گویا؛ آیین جوانمردی؛ خراسان و ماوراء النهر (آسیای میانه)؛ ایران، ۲۵ قرن در آینه‌زمان؛ هماهنگی برای یگانگی؛ زندگی طوفانی، خاطرات سید حسن تقی زاده؛ ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق (۱۵۱۴-۱۹۸۰)؛ شاهنشاه؛ الفبای نوین فارسی (Kimmie Script)؛ زبان فارسی در آذربایجان؛ گزارش سفارت کابل، سفرنامه ابوالحسن قندهاری در ۱۲۸۶ و اسناد مربوط به آن؛ نامواره دکتر محمود افشار؛ معرفی کتاب، کتابهای فارسی منتشره در خارج از کشور (۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹)؛ گلگشت در شعر و اندیشه حافظ؛ رنسانس ایران، دانشگاه ملی ایران و شاه؛ زبان و دگرذیسی فرهنگی؛ ضحاک در چشم انداز یک تعبیر؛ شاعری در برج عاج؛ صدای پای واژه‌ها

۸۷۵ / ۲

_____ معرفی ۱۷ کتاب: سفارتنامه‌های ایران (گزارشهای مسافرت و مأموریت سفیران عثمانی در ایران)؛ احمد جام نامقی (زنده پیل)؛ نامه نگاری ساده به فارسی؛ دیوان ملک الشعراء بهار، به کوشش مهرداد بهار؛ موسیقی در شعر سپید فارسی؛ دیوان کمال خجندی؛ نامه‌های عبدالرحمن جامی؛ حلاج؛ صدای پای آب سهراب سپهری (با ترجمه فرانسه و انگلیسی و آلمانی)؛ چوپان، ادوارد ژوزف؛ سفری به دربار سلطان صاحبقران؛ درباره قیام زاندارمیری خراسان به رهبری کلنل محمد تقی خان پسبان

۲۰۴ / ۳

_____ معرفی ۶ کتاب: داستان بهرام چوبینه؛ گزیده‌ای از شعر عربی معاصر، به انتخاب دکتر مصطفی بدوی، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر یوسف بکار؛ سخنها را بشنویم، دکتر محمد علی اسلامی ندوشن؛ سهراب سپهری، طرحها و اتودها؛ اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ترجمه دکتر جواد شیخ الاسلامی؛ پیوند (مجله)

۴۲۶ / ۳

_____ معرفی ۱۸ کتاب: داستانهای کوتاه منظوم از آثار ستانی، نظامی، عطار، مولوی، سعدی و جامی؛ عابدی نامه، به مناسبت هفتادمین سال استاد امیر حسن عابدی؛ تحقیق درباره سعدی؛ گزارش زادگاه زرتشت و تاریخ اساطیری ایران و...؛ هفتاد مقاله، ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، جلد اول؛ دوازدهمی، مجموعه هفت داستان کوتاه، بهمن فرسی؛ کلمه الله هی العلیا (دختر فضل الله نعیمی حروفی)؛ بهین نامه باستان (خلاصه از شاهنامه فردوسی)؛ گنجینه مقالات: دکتر محمود افشار؛ حماسه در راز و رمز ملی؛ اسطوره زال، تبلور تضاد و وحدت در حماسه ملی، از محمد مختاری؛ هزار و یک حکایت تاریخی؛ ریشه‌های تاریخی امثال و حکم؛ سرود و تذرو؛ سروده تشاری تونی؛ سرود آزاد (مجموعه شعر)، دکتر فخرالدین مزارعی؛ عقده‌های زندگی، شهنواز اعلامی؛ دهکده چم، سروده شهنواز اعلامی؛ ترانه‌های جدایی (مجموعه شعر)، شهنواز اعلامی

۶۳۷ / ۳

_____ معرفی ۱۶ کتاب: بهمن نامه: ایرانشاه بن ابی‌الخیر، ویراسته دکتر رحیم

عقیقی؛ بندش: فرنیخ دادگی؛ فرهنگهای فارسی، و فرهنگ گونه‌ها: دکتر سید محمد دبیرسیاقی؛ یادداشتها، مجموعه مقالات دکتر غلامحسین یوسفی؛ ای کوته آستینان؛ علی اکبر سعیدی سیرجانی؛ ته بساط: سعیدی سیرجانی؛ بهارستان، نورالدین عبدالرحمن جامی؛ هفت منظر، عبدالله هاتفی؛ مجله دانشکده، ملک الشعراء بهار؛ خاطرات تاج السلطنه؛ روابط بازرگانی ایران و روس؛ گاتها یا سرودهای آسمانی زرنشت؛ منظومه ایرانی، محمد مختاری؛ داور و عدلیه؛ در کنار پدرم، مصدق؛ یاشاسین آشکارلیق! (زنده باد فاش‌گویی!)

۸۴۹ / ۳

_____ معرفي ۱۷ کتاب: ایران، لوک پیر، به همراه نمايشنامه «ایرانیان»، نوشته و ترجمه دکتر محمد علی اسلامی ندوشن؛ نامه نامور، گزیده شاهنامه فردوسی، دکتر محمد علی اسلامی ندوشن؛ یکی قطره باران، جشن نامه استاد دکتر عباس زریاب خوبی؛ فلسفه اشراق به زبان فارسی (حیات النفوس)؛ ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی؛ عین الوقایع، تاریخ افغانستان در سالهای ۱۲۰۷-۱۳۲۴ق؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول، خاطرات ارتشید سابق حسین فردوست؛ آخرین سفر شاه، سرنوشت یک متحد امریکا؛ کاخ تنهایی، ثریا اسفندیاری؛ در سپیده دم سمنگان؛ جهان بینی حماسه کوراوغلو؛ فرهنگ واژه‌های تازی به پارسی؛ پاسداران فرهنگ ایران

۲۰۷ / ۴

_____ معرفي ۶ کتاب: نامه دکتر محمود افشار، جلد ۶؛ کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او؛ لبر یخته‌ها؛ بدالله رویایی؛ درآمدی بر شعر معاصر کردی [عراقی]؛ مسیح و مسیحیت نزد ایرانیان؛ زندگی، اشعار و عقاید نسیمی شاعر و متفکر حروفی

۴۳۰ / ۴

_____ معرفي ۱۱ کتاب: یغمای سی و دوم. یادنامه حبیب یغمائی؛ سرو سابه فکن، درباره فردوسی و شاهنامه؛ بیچاره اسفندیار، گزارش سعیدی سیرجانی؛ چشم اندازی از ادبیات و هنر؛ تاریخ عرفان و عارفان ایرانی...؛ باده عشق، اشعار عارفانه حضرت امام خمینی (قدس سره) و نامه ای عرفانی از آن عزیز. به خانم فاطمه طباطبائی؛ پرده‌هایی از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی؛ شاهنامه شاه طهماسب (شاهنامه هوتون)؛ برگ سبز، جلد دوم؛ احمد افشار؛ حماسه گذشتگان؛ شعر معاصر تاجیکی؛ شهربانو تاجبخش

۶۵۴ / ۴

_____ معرفي ۱۴ کتاب: داستان رستم و سهراب. روایت نقالان، ویرایش دکتر جلیل دوستخواه؛ آفرین فردوسی، دکتر محمد جعفر محبوب؛ در آرزوی خوبی و زیبایی، گزیده بوستان سعدی، دکتر غلامحسین یوسفی؛ دامنی از گل؛ گزیده گلستان سعدی، دکتر غلامحسین یوسفی؛ مثلها و حکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری، دکتر رحیم عقیقی؛ گزند باد، سید عطاءالله مهاجرانی؛ سراینده کاخ نظم بلند، پنج گفتار در زمان و زندگی فردوسی؛ مهدی سیدی فرخند؛ هفتاد مقاله. ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، جلد ۲؛ فهرست بیانه‌ها و جزوه‌ها؛ فهرست نشریه‌های فارسی ایرانیان در خارج کشور؛ فهرست فراخوانها و اعلامیه‌ها (از: مرکز اسناد و پژوهشهای ایرانی، پاریس)؛ مشعر، تألیف خان آرزو؛ یک پژوهش در مورد ارزشیابی نام دختران ایرانی از دیدگاه جامعه

۸۵۵ / ۴

شناسی زبان؛ زنان سراینده ایران. دیروز، امروز، فردا

_____ : معرفی ۱۲ کتاب و مجله: سرایندگان شعر پارسی در قفقاز؛ گنجینه مقالات؛ جلد ۲؛ مقالات ادبی؛ تاریخی و اجتماعی، دکتر محمود افشار؛ یافته های ایران شناسی در رومانی (مجموعه مقالات)؛ ادبیات فارسی، نوشته برتلس، ترجمه سیروس ایزدی؛ افسانه ها: «شیخ ریا» و «یک شب و دو منظره»، سعیدی سیرجانی؛ جهاننگشای جوینی، به کوشش دکتر خطیب رهبر؛ چنگیز تارابی، خوارزمشاه، حسن صباح، به کوشش دکتر خطیب رهبر؛ تاریخ ادبیات ایران؛ سال اول آموزش متوسطه عمومی؛ ادبیات و علوم انسانی؛ نیمه ز ترکستان؛ نیمه ز فرغانه؛ گامی در بازشناسی ترکمنستان؛ تاجیکستان؛ ازبکستان؛ کردها و کردستان؛ فصلنامه هستی؛ فصلنامه زنده رود؛ رود کی - دوره تازه

۲۰۵ / ۵

_____ : معرفی ۱۴ کتاب: تاریخچه فرقه جمهوری انقلابی در ایران و «گروه ارانی» (۱۳۰۴-۱۳۱۶)، به همراه جزوه بیان حق (۱۳۰۶)؛ ارمنستان؛ آذربایجان؛ گرجستان] از استقلال تا استقرار رژیم شوروی (۱۹۱۷-۱۹۲۳)؛ شاهنامه فردوسی (چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملی فلورانس)؛ مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی مشهور به رومی (چاپ عکسی از روی نسخه قونیه)؛ پیرامون زبان و زبان شناسی (مجموعه مقالات)؛ شهر مه آلود (مجموعه شعر عسکر حکیم از تاجیکستان)؛ مجلس مکتوب (یا: دومکتوب)، عبدالکریم شهرستانی؛ فردوسی و شاهنامه؛ مجموعه سی و شش گفتار؛ رسم و راه سامورایی، آیین نامه سلحشوران ژاپنی (هاگا کوره)؛ یادداشتهایی در زمینه فرهنگ و تاریخ، دکتر غلامحسین یوسفی؛ مصدق باز مصلوب - چند مقاله سیاسی، ایرج پزشکزاد؛ تفسیر (عم جزو)، جزو آخر قرآن کریم به فارسی؛ کلید پنج گنج نظامی؛ یادداشتهای علم - جلد دوم

۴۴۳ / ۵

۱۳۴۹-۱۳۵۱

_____ : معرفی ۱۳ کتاب و مجله: تاریخ عالم آرای امینی؛ دیدگاهها؛ قافله سالار سخن، به یاد دکتر خانلری؛ جنگ مازندران و هفتخان رستم؛ آذری، یا زبان باستان آذربایگان، احمد کسروی؛ آیت عشق، شعر معاصر تاجیک، به انتخاب دکتر تورج اتابکی؛ معرفه الاسطراب معروف به «شش فصل»؛ به ضمیمه عمل و الالقاب؛ فرهنگ مردم شاهرود؛ یادمان جلال آل احمد؛ افسانه، در گستره ادبیات داستانی؛ ادبیات فارسی در میان هندوان؛ مسیح و مسیحیت نزد ایرانیان در شعر فارسی دوران سبک کهن (کلاسیک)، جلد ۲؛ داستانهایی چینی، به اهتمام دکتر دبیر سیاقی

۶۴۸ / ۵

_____ : معرفی ۱۳ کتاب: درگزین تا کاشان؛ واژه های دخیل در قرآن مجید؛ شاعران همعصر رودکی؛ گل صد برگ (برگزیده مانیوه شو؛ شعرهای قدیم ژاپن)؛ گل رنجهای کهن؛ برگزیده مقالات درباره شاهنامه فردوسی، نوشته جلال خالقی مطلق؛ قند پارسی، هجده گفتار ادبی و تاریخی از نذیر احمد؛ سلام به حیدر بابا؛ شهریار بی تاج و تخت؛ دیوان بویه؛ یادنامه استاد دکتر غلامحسین صدیقی، گردآوری دکتر پرویز ورجاوند؛ خلد برین (ایران در

- روزگار صفویان)؛ فرهنگ نامهای شاهنامه؛ برخی از مثلها و تعبيرات فارسی (ادبی و عامیانه) ۸۲۴ / ۵
- _____ معرفي ۱۵ کتاب: تاريخ خوي، تأليف دكتور محمد امين رياحي؛ بوي جان (مقاله هايي درباره شعر عرفاني فارسي)؛ مجموعه مقالات سمينار «زبان فارسي و زبان علم»؛ گزيده اشعار سبک هندی؛ فارسي بياموزيم. کتاب اول، همراه «کتاب روش تدريس»، ليلي ايمن (آهي)؛ گفتارهاي ادبي و اجتماعي، دكتور غلامعلي رعدي آذرخشي؛ از ميان داستانها؛ گزيده شصت سال داستان نويسي در ايران؛ شهر روشن زرتشت در گزارش گاتها؛ گلستان ژاينی (چوره نورو گوسا)؛ فلسفه: شيوه بریدن از عقیده؛ پهلوان، عارف؛ رند - فردوسی؛ عطار؛ حافظ؛ تخمه آتش، منوچهر جمالی؛ خاندان شيخ الاسلام اصفهان از علامه محقق سبزواری تا دكتور علي شيخ الاسلام؛ کليله و دمنه؛ (گزينه سخن پارسي)، دكتور خطيب رهبر؛ پيام آزادي (قصائد)، عبدالعلي اديب برومند
- ۲۱۰ / ۶
- _____ معرفي ۱۶ کتاب و نوار و مجله: فانوس خيال، شاهرخ گلستان؛ سرگذشت سينماي ايران؛ مشروطه اي که نبود، احمد توکلي؛ خرده مقالات، (شماره هاي ۱-۴)، بيژن غيبی؛ بر گيوند، اشعار عسگر حکيم؛ سفرنامه تاجيکستان، نسيم خاکسار؛ ستاره سرخ، ارگان مرکزی فرقه کمونيست ايران (۱۳۰۸-۱۳۱۰)؛ بحران دموکراسي در ايران؛ و دوازده مقاله ديگر، ناصر زماني؛ تاريخ روابط روس و ايران، محمد علي جمال زاده؛ واژه نامه گويش يورجند، دكتور جمال رضائي؛ آشوب يادها: سعیدی سیرجانی؛ گناه سعیدی سیرجانی، کمیته دفاع از سعیدی سیرجانی؛ زبان فارسی در آذربایجان؛ ذیل تاریخ گزیده؛ کبود (مجله)؛ آفتاب (مجله)؛ قند پارسی (مجله)
- ۳۶۳ / ۶
- _____ معرفي ۱۳ کتاب و مجله: رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی و...؛ به تاراج هيچ؛ بلوچستان در سالهاي ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ قمری؛ سرچشمه هاي فردوسي شناسي، دكتور محمد امين رياحي؛ بوستان سعدي (گزينه سخن پارسي)، دكتور خطيب رهبر؛ سوگواري و مراسم آن در ايران؛ خاطرات سرتيب علي اکبر درخشاني؛ از جنگهاي گيلان و لرستان تا واقعه آذربايجان؛ حقوق زن در ايران (۱۳۴۶-۱۳۵۷)، مهناز افخمي؛ کتابها و نشریه های مهاجرت؛ معرفي کتاب (مجموعه دوم)؛ زندگي و آثار نزاری؛ فوزیه، حکایت تلخکامی، قصه جدایی؛ مهر (فلسنامه)، دكتور مهמוד رزايان
- ۶۳۸ / ۶
- _____ معرفي ۱۲ کتاب: عطر مردگان، داستان بلند؛ منطق الطير (چاپ عکسي از نسخه تورينو، ایتالیا)؛ الفتوح؛ مباحثی در باب تجدد در ايران، عباس ميلاني؛ نگاهی نو به سفرنامه ناصر خسرو، فيروز منصوري؛ داستان انقلاب، محمود طلوعی؛ يادنامه استاد معنوی؛ با نگاه فردوسي (مباني نقد خرد سياسي در ايران)؛ نهضت امام خميني، سيد حميد روحاني (زيارتي)؛ جلد سوم؛ تاريخ جهاننگشاي نادری (چاپ عکسي)؛ خرده مقالات (شماره هاي ۵-۱۰)، بيژن غيبی؛ بوف کور، چاپ جديد
- _____ معرفي ۱۵ کتاب: برگزيده اشعار استاد بازار صابر؛ تاجيکستان؛ بهاي

آزادی؛ قرآن سروده ای به سبک پارسی، محمد حسن عباسی؛ روضه المذنبین و جنة المشتاقین، احمد جام، تصحیح دکتر علی فاضل؛ ترکیب در زبان فارسی، دکتر مصطفی مقربی؛ مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری؛ نامه های شگفت انگیز از کشیشان ژوئیت؛ مهستی گنجی ای بزرگترین شاعره پارسی سرا؛ ایران در آستانه سال ۲۰۰۰؛ جغرافیای سیاسی خلیج فارس (گذشته، اکنون، آینده)؛ آشنایی با شهر تاریخی اصفهان؛ فهرست تطبیقی نسخه های کهن غزلیات حافظ، اصغر مهدوی؛ ترجمه ای بر «فروردین یشت» اوستا «زردشت کرد»؛ زبان فارسی: زبان علم (خلاصه مقالات سمینار بین المللی)؛

۴۵۸ / ۷

رازهایی در دل تاریخ، شاه اسماعیل شاعر نبوده و دیوانی هم نداشته است، فیروز منصوری
_____ معرفی ۱۲ کتاب و مجله: داستان انقلاب (تألیف و ترجمه)، محمود طلعی؛ یادداشتهای علم (جلد سوم)؛ بگشای راز عشق، گزیده کشف الاسرار میبدی، دکتر محمد امین ریاحی؛ مسیح و مسیحیت نزد ایرانیان، جلد سوم: در نظم و نثر و هنر معاصر؛ لا به، مجموعه اشعار؛ احسان طبری؛ ما بچه های خوب امیر به: روایتی تازه از انقلاب، علیرضا نوری زاده؛ در حسرت روشنایی؛ روانکاری و ادبیات؛ فرهنگ لغات سه زبانه: ترکی استانبولی - انگلیسی - فارسی محق؛ کیمتة ۳۰۰، کانون توطئه های جهانی؛ نامه فرهنگستان، فصل نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ پیوند (مجله)

۶۷۲ / ۷

_____ معرفی ۱۴ کتاب و مجله: شاهنامه فردوسی (دفتر چهارم)، به کوشش جلال خالقی مطلق؛ فرهنگنامه شعری: بر اساس آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم، ۳ جلد، دکتر رحیم عقیقی؛ سرگذشتها: از شیخ صنعان تا مرگ در زندان؛ ارزدهای دو سر (وینامی که من دیدم)؛ خرده مقالات (جزوه ۳؛ شماره های ۱۱ تا ۲۹)، بیژن غیبی؛ فرهنگ لسان الشعراء؛ داوری، سخنی در کارنامه ساواک، سرتیب منوچهر هاشمی؛ سالار زنان ایران؛ طبقات شاهجهانی، طبقه ناسعه؛ طبقات شاهجهانی، طبقه عاشره؛ زلال بقا، سروده علی باقرزاده (بقا)؛ دفتر هنر؛ ویژه هنر و ادبیات: ویژه صادق چوبک؛ پوششگران. برای گسترش نوآفرینیهای فرهنگی.

۸۷۹ / ۷

_____ معرفی ۱۴ کتاب: فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، دکتر محمد محمدی ملایری؛ خاطرات علی امینی نخست وزیر ایران (۱۳۴۰-۱۳۴۱)؛ مقاله ها و رساله ها، غلامرضا رشید یاسمی؛ مهرة سرخ، سیاوش کسرای؛ آذربایجان و آران (آلبانیای قفقاز)، دکتر عنایت الله رضا؛ گفت و گوهای ارتشید قره باغی؛ هزار و دومین شب؛ مآخذ اشعار در آثار بهائی؛ کلیات آثار ادیب قاسمی کرمانی؛ شاهنامه فردوسی، ویراسته مهدی قریب؛ نوروز جمشیدی؛ دیوان غزلیات حافظ شیرازی، توسط امیر ناصر بانکی؛ عادت پذیرهای زبانی، اشکان آویشن؛ یادباوند، پژوهشهای بهبود ایران

۱۸۲ / ۸

_____ معرفی ۱۵ کتاب: بازنگری در تاریخ قاجاریه و روزگار آنان، ابونصر عسجد؛ سراب جانشین پسر، خسرو معتضد؛ سرگذشت حاجی بابای اصفهانی؛ ده هزار مثل فارسی و

بیست هزار معادل آنها، دکتر ابراهیم شکورزاده؛ ترفی ژابن، تلاش آگاهانه یا معجزه؛ تاریخ کیش زرتشت، اوائل کار؛ خاطرات شاپور بختیارنخست وزیر ایران (۱۳۵۷)؛ نامه صورتگر، شامل مقالات و اشعار دکتر لطفعلی صورتگر؛ ازدحام رنگ و شور و عاطفه (مجموعه شعر شکوه سپه زاد)؛ تماشای حیرت، برگزیده ها و غزلها، اصغر واقدی؛ معاهدات و قراردادهای تاریخی دوره قاجاریه؛ دیوان اشعار اشرف مازندرانی؛ ممالک و مسالک؛ پیام آرمان. دیوان شعر پروفیسور کاظم فتحی

۳۸۷ / ۸

_____ معرفی ۱۲ کتاب و مجله و زمین و زمان، مجموعه شعر، نادر نادرپور؛ نقطه گذاری در نوشتار فارسی، ناصر مجد؛ باباطاهر نامه، هفده گفتار و گزینۀ اشعار؛ تاریخنگاران ایران، پرویز اذکائی؛ اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته های پهلوی، دکتر رحیم عقیقی؛ نامه های خان احمدخان گیلانی، نیمه دوم سده دهم هجری؛ بوی جوی مولیان، یادداشت های سفر تاجیکستان، مسعود سپند؛ زنان نامدار تاریخ ایران (مهرداد علیا، مادر ناصرالدین شاه)؛ چون سیوی تشنه، ادبیات معاصر فارسی؛ آذربایکان در آئینه زمان با تاریخ آذربایجان، نادر پیمانی؛ شاهنامه فردوسی، ویراسته مهدی قریب و محمد علی بهبودی؛ خط نو، فصلنامه کنوانسیون اروپا فارسی (Urofarsi)

۶۱۹ / ۸

_____ معرفی ۹ کتاب؛ فردوسی (زندگی، اندیشه و شعر او)، دکتر محمد امین ریاحی؛ فرهنگ مثلث های فارسی با معادلهای انگلیسی و فرانسه، احمد ابریشمی؛ کهنه سر باز، سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی؛ راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی (همراه با واژه های فارسی در شعر جاهلی) آذرتاش آذرنوش؛ تاریخ کیش زردشت، جلد دوم؛ هخامنشیان، مری بویس؛ رویدادها و داوری، ۱۳۲۹-۱۳۳۹، مسعود حجازی؛ اسناد و پژوهش های تاریخ سازمانهای سوسیالیستی و کمونیستی در ایران، حمید احمدی، برلن، جلد ۳؛ بررسی طنز در ادبیات و مطبوعات فارسی؛ مکت (مجله)

۸۲۵ / ۸

_____ معرفی ۱۷ کتاب و مجله؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، دکتر فرهاد دفتری؛ دایرة المعارف فارسی، بخش دوم جلد دوم (حرف م - ی)، دکتر غلامحسین مصاحب؛ فارسی (برای سالهای ۲؛ ۳؛ ۴؛ ۵؛ ۶؛ ۷؛ ۸ دبستان و مدرسه راهنمایی)، اشکان آویشن؛ تاریخ فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی (جلد دوم؛ بخش اول؛ دل ایرانشهر)، دکتر محمد محمدی ملایری؛ دل نامه بهار، دکتر هادی بهار؛ فرهنگ پنج زبانه امثال و حکم (فرهنگ تطبیقی امثال و حکم فارسی با معادلهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی)، احمد ابریشمی؛ صفت، دکتر خطیب رهبر؛ پارسی نامه، ویژه هشت سدمین سال عطار؛ اسم گل؛ منتخب اشعار کمال اجتماعی جندقی «گلستانگ»؛ کتاب گیلان، گروه پژوهشگران ایران؛ آسمون ریسمون، ایرج پزیشکراذ؛ ماهی سیاه کوچولو، صمد بهرنگی؛ سیمرغان بلند آشیانه؛ چرا حافظ، دکتر علیقلی محمودی بختیاری؛ منطق عارفان؛ میراث ادبی (مجله)؛ جنبش (مجله)

۲۰۳ / ۹

- _____ معرفی ۱۴ کتاب: شاهنامه، دفتر پنجم، به کوشش جلال خالقی مطلق؛ چهارده مقاله در ادبیات، اجتماع، فلسفه و اقتصاد، دکتر محمد علی همایون کاتوزیان؛ خُرده مقالات؛ جزوه ۴؛ شماره های ۳۰-۳۷، بیژن غیبی؛ خاطرات یک فرهنگی، محمد صدیق اسفندیاری؛ تن پهلوان و روان خردمند، شاهرخ مسکوب؛ نامه های دکتر مصدق، گردآورنده محمدترکان؛ ۵۵ سند فارسی از دوره فاجار، هاشم رجب زاده؛ شمع جمع، شرح و تفسیری بر بخشی از غزلیات امام خمینی (قُدس سرّه الشریف)؛ دیوان باباطاهر عربیان؛ نقطه ها (مجموعه مقاله ها)، محمود ملکی؛ جنایتهای یک رئیس جمهور یا جنجال ایران کنتر؛ خاقانی در ایوان مداین و گزینشی ایرانی از دیوان خاقانی، علیقلی محمودی بختیاری؛ فمینسیم، دموکراسی و اسلام گرای، نیره توحیدی؛ فلسفه روشنگری؛ بورژوازی مسیحی و روشنگری ۳۷۹ / ۱
- _____ معرفی ۹ کتاب و مجله: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی؛ نامه هایی از تهران (۱۳۶۷-۱۳۷۳)؛ فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی، فارسی - فرانسه، به انضمام پاره ای اعلام تاریخی و جغرافیایی، ابراهیم شکورزاده؛ خُلوّاره (ترانه ها)، جلال خالقی مطلق؛ کتابشناسی همدان (از ۱۲۷۰ ق. ه. تا ۱۳۷۰ ه. ش. ۱)؛ ۲۱ گفتار درباره شاهنامه فردوسی؛ گلستان (فصلنامه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در امریکای شمالی)؛ فند پارسی، ویژه نامه حافظ؛ اباختر (دفتر یکم) ۵۸۱ / ۱
- _____ معرفی ۱۴ کتاب: ایران و تنهائش، محمد علی اسلامی ندوشن؛ پیر گنجبه در جستجوی ناکجا آباد، عبدالحسین زرین کوب؛ چهره آسیا، رنه گروسه؛ نامه های دوستان، گردآوری محمود افشار؛ تاریخ انقلاب جنگل؛ فرهنگ نوین گزیده مثلثهای فارسی، احمد ابریشمی؛ فرهنگ مثلثهای فارسی و انگلیسی، احمد ابریشمی؛ حقیقت ساده (خاطراتی از زندانهای زنان جمهوری اسلامی ایران)؛ آفرینش و رستاخیز؛ پژوهشی معنی شناختی در شناخت جهان بینی قرآنی؛ واژه های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ واژه های عمومی (۱)؛ خشت خام، شعرهای محمد علی همایون کاتوزیان؛ نگاهی به گوشه هایی از تاریخ ایران؛ هفت طرح و دو شعر، بیژن غیبی؛ یک آسمان پرنده؛ گزینة اشعار فریدون مشیری ۸۱۳ / ۱
- _____ معرفی ۱۹ کتاب و مجله: استعمار بریتانیا و مسئله ارون رود؛ در باغ روشنائی، گزیده حدیقه الحقیقه، دکتر احمد مهدوی دامغانی؛ فرهنگ اصطلاحات فلسفه علوم اجتماعی، انگلیسی - فارسی؛ آسمان و خاک؛ الهیات شعر فارسی از رودکی تا عطار، تاجماه آصفی؛ روزگاران ایران، دکتر عبدالحسین زرین کوب؛ خاطرات بزرگ علوی، کتاب نخست از مجموعه تاریخ شفاهی چپ ایران؛ خاطرات امیر تیمور کلالی؛ فرهنگ نامه های ایرانی؛ دانشگاه دهلی و سهم آن در گسترش زبان و ادبیات فارسی؛ ویژه نامه فرهنگ فارسی در هند از دیدگاه زبان و ادبیات و هنر؛ مجله تحقیقات فارسی، دانشگاه دهلی؛ از کنار این تنها دریچه نامتروک؛ گذری بردیوان صابر کرمانی؛ پالپال، شعر مسعود سپند؛ درون و برون، شعر محمد حسن منطقی؛ لحظه های بی وقت، شعر محمد حسین مدل؛ زمزمه در باد، شعر فریدا صبا؛ دل

- ۱۹۲ / ۱۰ و اندوه بی پایان خوبان، شعر آریا آریا پور؛ کلید آذرخش، شعر اسماعیل نوری علا
- _____ معرفنی ۱۵ کتاب و مجله: داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع (سالهای ۱۳۰۰-۱۳۱۵)، شاهرخ مسکوب؛ مطالعات گرجی - ایرانی (مجموعه مقالات)؛ خاطرات عبدالمجید مجیدی؛ برنامه انزلی اتمی ایران تلاشها و تنشها؛ زنان در تبعید، مهناز افخمی؛ تجدد و تجدد ستیزی در ایران (مجموعه مقالات)، عباس میلانی؛ از اسطوره تا تاریخ، مهرداد بهار؛ افسانه حشاشین یا اسطوره های فدائیان اسماعیلی، فرهاد دفتری؛ قصه نیاز؛ مجموعه شعر، هوشنگ رهنما؛ ملاحظاتی در تاریخ ایران، علی میرفطروس؛ گفتگوها، علی میرفطروس؛ دیدگاهها، علی میرفطروس؛ رستم می میرد؛ مجموعه داستان؛ خاطرات سرهنگ جلیل بزرگمهر و کیل مدافع دکتر محمد مصدق در دادگاههای نظامی؛ فصلنامه مطالعات آسیایی «شرق شناسی»
- ۴۳۷ / ۱۰
- _____ معرفنی ۱۴ کتاب و مجله: سخنواره، پنجاه و پنج گفتار پژوهشی به یاد دکتر پرویز نائل خانلری؛ خاطرات سرگرد هوایی پرویز اکتشافی؛ یادنامه ابوالحسن صبا؛ تاریخ اجتماعی ایران؛ جلد نهم؛ فرقه های مذهبی ایران، مرتضی راوندی؛ بررسی گویش بیرجند، واجشناسی - دستور، دکتر جمال رضایی؛ نه مقاله در جامعه شناسی تاریخی ایران نفت و توسعه اقتصادی، محمد علی هما یون کاتوزیان؛ نامه های لندن از دوران سفارت تقی زاده در انگلستان؛ فرهنگ نوین منتهای فارسی رایج در کرمان، احمد ابریشمی؛ از رابعه تا پروین زنان شاعر فارسی زبان، پروین شکبیا؛ گنجینه ای از هنرهای ظریف ایرانی؛ هفت عادت مردمان کامیاب؛ خیام نامه؛ فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستانهای ایران؛ بخارا (مجله فرهنگی؛ هنری)
- ۶۴۴ / ۱۰
- _____ معرفنی ۱۱ کتاب و مجله: آذربایجان در ایران معاصر، تورج اتابکی؛ تجارب الهم؛ نامه های برلن از بزرگ علوی در دوران اقامت آلمان؛ در ستایش دیوانگی؛ عبور از عهد پهلوی، جلد دوم، پرفسور ابوالمجد حجتی؛ نویافته هایی در ارتباط با محمد مصدق، مهپور شما؛ از سپاهیکری تا سیاستمداری (زندگی نامه سپهبد فضل الله زاهدی)؛ زنان سرابنده معاصر، پروین شکبیا؛ پلنگینه پوش؛ درد زمانه، خاطرات محمد علی عمویی؛ کلک (ماهنامه فرهنگی - هنری (دوره جدید)
- ۸۶۶ / ۱۰
- _____ معرفنی ۱۰ کتاب و مجله: برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری؛ ارج نامه ایرج؛ سرزمین مهر و ماه؛ در رکاب مولوی؛ در آخرین روزهای رضاشاه؛ تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰؛ جناح بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶؛ جنگ آینده امریکا (ترجمه کتاب *The Next War*)؛ پشتازان شعر و ادب فارسی (از حنظله بادغیسی تا فردوسی)؛ فرهنگ ایرانی؛ جامعه مدنی؛ و دغدغه دموکراسی؛ کاوه (مجله به زبانهای فارسی و آلمانی
- ۲۱۳ / ۱۱
- _____ معرفنی ۱۴ کتاب و مجله: نقدی بر فدرالیسم؛ اصفهان تصویر بهشت؛ سفرنامه

باران، نقد و تحلیل شعر دکتر شفیع کدکنی؛ مثل شناسی و مثل نگاری، احمد ابریشمی؛ کلیات سبک شناسی؛ قطعه و قطعه سرایی در شعر فارسی؛ گرامیداشت و عرض سپاس به استاد عالیقدر جناب پرفسور احسان یارشاطر؛ امپراتوری عثمانی و سنت اسلامی؛ گزیده هایی از تذکرة الاولیاء، فراهم آورده جان آربری؛ ۱۰۰۱ مثل فارسی - انگلیسی؛ داستانهای کوتاه ایران و سایر کشورهای جهان؛ تاریخ خوزستان ۱۸۷۸-۱۹۲۵؛ دانش (مجله)، دانشگاه کشمیر؛ ایران شناخت (مجله)، ایران شناسان کشورهای مشترک المنافع ۴۵۳ / ۱۱ قفقاز

_____ معرفی ۱۶ کتاب و مجله: جشن نامه استاد ذبیح الله صفا؛ ستیز و مدارا (ضد حکومت اسلامی)، رامین کامران؛ تأثیر پند پارسی بر ادب عرب؛ پژوهشی در ادبیات تطبیقی؛ اخلاقیات، مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری، شارل هانری دو فوشه کور؛ صادق هدایت و مرگ نویسنده؛ تعالیم مغان؛ گفتاری چند در معتقدات زرتشتیان؛ ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، عنایت الله رضا؛ بازتاب اسطوره در بوف کور (ادب یا مادیانه جان؟)؛ هفت پیکر؛ خاطرات مهندس احمد زیرک زاده؛ شیعی گری و ترقی خواهی؛ نقش روحانیت در نهضت ملی ایران؛ از جیحون تا خوش، گزارش سفر به ماوراء النهر؛ نوروز جمشید، پژوهشی نوین از پیدایی نوروز؛ حواصل و بوتیمار؛ با گامهای خسته... در دشتهای دور، سروده حسن شهباز؛ مجله تحقیقات فارسی؛ بخش فارسی دانشگاه دهلی

۶۸۲ / ۱۱

_____ معرفی ۱۲ کتاب و مجله: هفت لشکر (طومار جامع نقالان) از کیومرث تا بهمن، مهران افشاری؛ شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، پیگولوسکا یا، ترجمه عنایت الله رضا؛ خواجه رشید الدین فضل الله، هاشم رجب زاده؛ یادگار زیران، بیژن غیبی؛ بهزاد، زندگی و آثار استاد بهزاد مینیاتور، محمد ناصری پور؛ دانشنامه کوچک ایران، ژاله متحدین؛ شوکران اصلاح، دفاعیات عبدالله نوری در دادگاه و بزه روحانیت؛ تاریکخانه اشباح، آسیب شناسی گذار به دولت دموکراتیک توسعه گرا، اکبر گنجی؛ زندگینامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما؛ نشر دانش (مجله)؛ کارنامه (مجله)؛ خراسان پژوهی (مجله)

۹۲۲ / ۱۱

_____ معرفی ۱۱ کتاب و مجله: تیسفون و بغداد در گذرگاه تاریخ؛ «ظرفنامه» حمدالله مستوفی به انضمام شاهنامه ابوالقاسم فردوسی (به تصحیح حمدالله مستوفی)؛ انسان در شعر معاصر (درک حضور دیگری)، محمد مختاری؛ رباعیات حکیم عمر خیام؛ به اهتمام صادق هدایت؛ خاطرات جعفر شریف امامی؛ باغهای خیال - هفت قرن مینیاتور ایران؛ با سعدی در بازارچه زندگی، صدرالدین الهی؛ صنعت گاز و نفت ایران از آغاز تا آستانه انقلاب؛ از اورشلیم تا اورشلیم، پژوهشی در تاریخ یهودیان؛ خانه ای پر از گل سرخ؛ طاووس (فصلنامه هنر ایران)

۲۰۵ / ۱۲

_____ معرفی ۱۰ کتاب: تاریخ امپراتوری هخامنشیان (از کورش تا اسکندر)، پی بر

بریان، ترجمه مهدی سمسار؛ میرزا احمد خان قوام السلطنه در دوران قاجاریه و پهلوی؛ دستور خط فارسی؛ مختارنامه؛ شبان بزرگ امید، بررسی زندگی و آثار سیاوش کسرابی؛ نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، گفتگو با ایرج کشکولی؛ خرده مقالات (جزوه ۵ / شماره های ۳۸-۴۱)، بیژن غیبی؛ خیر آبادنامه - ۲۵ سال با روستاییان ایران؛ ایران از دیده سیاحان اروپایی (از قدیمترین ایام تا اوایل عهد صفویه)؛ هنر و آگاهی، مجموعه مقالات برتونوری علا

۴۵۴ / ۱۲

_____ : معرفی ۷ کتاب: رباعیهای خیام (به اهتمام و ترجمه پروفیسور حسین صادقی)؛ کوههای ایران؛ گلرخان سیه چشم - داستان زنان نامدار شاهنامه فردوسی؛ اختیارات شاهنامه، متنی گزیده از قرن پنجم هجری؛ زبانهای ایرانی، آرانسکی، ترجمه دکتر علی اشرف صادقی؛ هزار سال وزن (ریم) در موسیقی ایرانی؛ هشتاد و دو نامه به حسن شهید نورایی، نوشته صادق هدایت

۶۹۶ / ۱۲

_____ : معرفی ۱۲ کتاب و مجله: هزار بیشه، مجموعه ای از مقالات، سخنرانیها و نقدها و مصاحبه های مهشید امیرشاهی؛ یادداشتهای علم (جلد چهارم)؛ دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی؛ کاربرد واژگان در سخن فارسی؛ محاکمه رضاشاه در برابر تاریخ، جهانگیر موسوی زاده؛ چند گفتار و نوشتار، پروین شکبیا؛ خاطرات محمد علی مجتهدی؛ تاریخ دریانوردی و نیروی دریایی ایران از گذشته های دور الی عصر پهلوی، در یادار فرج الله رسایی؛ مدیتیشن یا چگونه خود کاوی کنیم؛ نا گفته ها و کم گفته ها از دکتر محمد مصدق و نهضت ملی ایران، جلیل بزرگمهر؛ تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران؛ نقد کتاب؛ مقدمه ای بر ادبیات فارسی در تبعید

۹۲۴ / ۱۲

_____ : معرفی ۱۲ کتاب: نامه های بهار، به کوشش علی میرانصاری؛ قرآن مجید، همراه با ترجمه فارسی، حسینعلی کوثری؛ شاهنامه فردوسی همراه با حسیه نظامی؛ کمدی خدایان، هفت خان آخرت؛ شعر غم، رباعیهای عامیانه بیرجندی؛ ادب پهلوانی؛ المخترات من الرسائل؛ تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، جلد سوم (۱)؛ تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی - پیوستها، دکتر محمد محمدی ملایری؛ پژوهشهای ایران شناسی، نامواره دکتر محمود افشار، جلد یازدهم؛ صعود و سقوط تیمورتاش به حکایت اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس؛ صنعت پتروشیمی ایران، از آغاز تا آستانه انقلاب

۲۲۵ / ۱۳

_____ : معرفی ۱۵ کتاب و مجله: از زبان داریوش!... تحقیقی از خانم پروفیسور هایدماری کخ؛ دوازده قرن سکوت! تأملی در بنیان تاریخ ایران، کتاب اول بر آمدن هخامنشیان، ناصر پورپیرا؛ کورش کبیر، آلبرت شاندر؛ گزارش شطرنج، بیژن غیبی؛ آذربایجان در موج خیز تاریخ؛ خاطرات سیاسی سید محمد علی شوشتری (خفیه نویس رضاشاه پهلوی)؛ میکونوس، «متن رأی دادگاه»؛ تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و

مدرسه دارالفنون؛ ایران و جهانی پرتلاطم، فریدون زندفر؛ واژه نامه شاهنامه؛ پرویز اتابکی؛ مرثیه ای بر ایگناسیو سانچز مخیاس؛ فصل نامه سنگ، دوره دوم، سال ۵؛ نافه، نامه ادبی و فرهنگی؛ نامه؛ بهارستان، مجله مطالعات و تحقیقات نسخه های خطی؛ مکث، گاهنامه فارسی،

مکث دهم

۴۴۶ / ۱۳

_____ معرفي ۱۲ کتاب و مجله: چهل گفتار در ادب و تاريخ و فرهنگ ايران، دکتر محمد امين رياحی؛ جای پای زروان، خدای بخت و تقدیر؛ بهبودیان ایران در تاریخ معاصر؛ تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی؛ هفت گفتار، علی میر فطروس؛ امنیت در خاورمیانه جهت گریه های نوین؛ من یک شورشی هستم، خاطرات زندان، عباس سماکار؛ گنجینه دستنویسهای اسلامی در ایران؛ روش ساختن سه نار؛ انسان شناسی؛ خراسان پژوهی، فصلنامه مرکز خراسان شناسی آستان قدس رضوی

۶۷۸ / ۱۳

_____ معرفي ۱۰ کتاب: علم چیست؟، دکتر رضا صابری؛ مصدق در پیشگاه تاریخ؛ تک درخت، مجموعه مقالات، هدیه به محمد علی اسلامی ندوشن؛ خاطرات مهدی حائری یزدی، فقیه و استاد فلسفه اسلامی؛ سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران ۱۳۴۰-۱۳۵۰، مصاحبه با علینقی عالیخانی؛ جاده بزرگ ابریشم، ادوارد شوارنادزه؛ خوشه هایی از خرمن ادب و هنر، شماره ۱۲؛ سیاست پردازی و نیرنگ؛ فارس شناخت. ویژه احمد اقتداری (فصلنامه فرهنگی - پژوهشی بنیاد فارس شناسی)؛ نامه ایران باستان، مجله مطالعات ایرانی، مرکز نشر دانشگاهی، سردبیر تورج دریایی

۹۰۶ / ۱۴

_____ معرفي ۱۵ کتاب: تاريخ و فرهنگ ايران در دوران انتقال از عصر ساساني به اسلامي، جلد چهارم، دکتر محمد محمدی ملایری؛ دیوان حافظ بر اساس نسخه نویافته بسیار کهن، به کوشش سید صادق سجادی؛ شعبان جعفری، مصاحبه با خانم هما سرشار؛ پیامبران خرد، در پیکار با تاریکی هزاره ها؛ بررسی ادیان ثلاثه؛ تاریخ سیاسی ائمه؛ قتل کسروی، ناصر باکدامن؛ حماسه ایران، یادمانی از فراسوی هزاره ها، جلیل دوستخواه؛ قله های قدرت در دو دهه پایانی دودمان پهلوی؛ شاه، امیر عباس هویدا، اردشیر زاهدی؛ تجاوز عراق، خیانت خودی، حمایت بیگانه؛ اقلیت ها، محمد رضا خوبروی باک؛ خاندان امام خمینی؛ گزارش گمان شکن، شرح و ترجمه؛ گلستان سعدی، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر؛ شیوه نگارش، دکتر مرتضی کاخی

۲۱۰ / ۱۴

_____ معرفي ۱۳ کتاب و مجله: اران از دوران باستان تا آغاز عهد مفعول، عنایت الله رضا؛ شعر زندان، برگزیده و شرح اشعار مسعود سلمان، پرویز اتابکی؛ یاد یار مهربان. مرزهای شرقی شعر پارسی از تاجیکان و رارود تا هند؛ سفرنامه کاراما؛ کاروان عمر، خاطرات احمد اقتداری؛ نصرت نامه ترخان؛ بنیادهای اسطوره و حماسه ایران؛ از پیله تا پرواز، مجموعه شعر مهدی هرنندی؛ درس تجربه، ۲ جلد: ۱- خاطرات ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهوری ایران، گفتگو با حمید احمدی، ۲- تحقیقی درباره تاریخ انقلاب ایران،

۴۴۶ / ۱۴

نوشته حمید احمدی؛ سپند (مجله)؛ فصلنامه کرمان؛ تلاش (مجله)

_____ معرفی ۱۸ کتاب و مجله: حاصل اوقات، دکتر احمد مهدوی دامغانی؛ تفسیر سوراآبادی، ۵ جلد، به تصحیح سعیدی سیرجانی؛ واپس ماندگیهای ایران، سببها و چاره‌ها؛ زن در گرداب شریعت (زن و بنیادگرایان اسلامی در ایران)؛ گفته نشده‌ها درباره روح الله خمینی؛ چهره‌ها و یادها، خاطراتی از گذشته... محمود طلوعی؛ شاه اسماعیل دوم و شاه محمد، دکتر منوچهر پارسادوست؛ برگزیده اشعار، سروده طویبا اعلامی نائینی (شهنواز اعلامی)؛ احوال و آثار میر عمادالدین الحسنی السیفی القزویی؛ چکیده تاریخ تجزیه ایران، دکتر هوشنگ طالع؛ از پنجره‌های زندگانی (برگزیده غزل امروز ایران)، محمد عظیمی؛ تاریخچه مکتب پان ایرانیسم؛ نصرت الدوله و میلپسو، پایان مأموریت امریکایی‌ها در ایران (مجموعه اسناد نصرت الدوله فیروز)، به اهتمام ناصرالدین پروین؛ فتوت و اصناف، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، مهران افشاری؛ در سوگ امیر؛ خرده اوستا گات‌ها کلیله و دمنه، سروده دکتر علی محمد آقا محمدی؛ نامه انجمن، فصلنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۶۷۷ / ۱۴

_____ معرفی ۱۶ کتاب؛ هزاره‌های گمشده، جلد اول: اهور مزدا، زرتشت و اوستا؛ هزاره‌های گمشده، جلد دوم: هخامنشیان به روایتی دیگر؛ هزاره‌های گمشده، جلد سوم: خشیارشا تا فروپاشی هخامنشیان، دکتر پرویز رجیبی؛ گنجینه حماسه‌های جهان، ترجمه علی اصغر سعیدی؛ یا مرگ یا تجدید (دفتری در شعر و ادب مشروطه)، ماشاء الله آجودانی؛ گوشه‌هایی از تاریخ فراماسونری ایران؛ جامعه، دولت و جنبش زنان ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، جلد اول: مصاحبه با مهرانگیز دولت‌شاهی؛ شواهد النبوة، عبدالرحمان جامی؛ بیرجند نامه - بیرجند در آغاز سده چهاردهم خورشیدی، دکتر جمال رضایی؛ پژوهشهای ایران شناسی، نامواره دکتر محمود افشار، جلد سیزدهم؛ ترانه‌های خیام، فرهنگ آرایه‌های ادبی (بیان) در شاهنامه فردوسی؛ خزعبلات عصر جدید (شبه علم و ضد علم در دوران پست مدرن)، رضا صابری؛ کتاب ماه. تاریخ و جغرافیا: ۵۶-۵۷ ویزه ژاپن، ماهنامه تخصصی؛ خرد شاد. هومن اصل شاداندیشی در فرهنگ ایران، منوچهر جمالی؛ افسانه خوان عرفان، نگاهی به اندیشه، آثار و افکار پروفیسور انه ماری شیمیل

۸۹۱ / ۱۴

_____ معرفی ۱۶ کتاب؛ نامه‌های تهران، شامل ۱۵۴ نامه از رجال دوران به سید حسن نقی زاده؛ نامه‌های خلیل ملکی؛ آیا خدا مرده است؟! هوشنگ معین زاده؛ قلمدان و سایر صنایع روغنی ایران؛ تشیع سرخ؛ شاه اسماعیل صفوی، روح الله موسوی خمینی؛ استبداد و استبداد ستیزان، پیرامون کتاب «افغانستان در مسیر تاریخ»؛ باغی بزرگ از وصال تا فروغی، خاطرات هوشنگ وصال؛ تبریز زیر چکمه‌های ارتش سرخ، قوام السلطنه و نجات آذربایجان، جهانگیر موسوی زاده؛ چینی نازک تنهایی، مجموعه چهارده داستان از نویسندگان جهان، ترجمه فرزین یزدانفر؛ زندگی نامه محمد مصدق، مهدی شمشیری؛ چهار سخنگوی وجدان ایران؛ فردوسی، مولوی، حافظ، سعدی، محمد علی اسلامی ندوشن؛ چهل

گفتار از چهل استاد در ایران شناسی، ویراستار: پروفسور سید حسن امین؛ فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، منسوب به قطران، تصحیح دکتر علی اشرف صادقی؛ مجمع الاقوال فی الحکم و الامثال (نسخه برگردان)؛ تاریخ پزشکی معاصر ایران از تأسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی؛ دکتر سید جواد هدا بیتی؛ نامهای مستعار نویسندگان و شاعران معاصر ایران، عباس مافی ۱۹۰ / ۱۵

_____ معرفی ۱۴ کتاب و مجله: کلیات عید زاکانی، تصحیح پرویز اتابکی؛ سقوط ساسانیان، تورج دریایی؛ طنز و طنزینه هدایت، دکتر محمد علی همایون کاتوزیان؛ سه رساله تاریخ با کالبد شکافی توطئه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، پس از نیم قرن سکوت، حمید سیف زاده؛ اسرار قتل میرزا علی اصغر خان اتابک، مهدی شمشیری؛ یادواره شهرخوی، محمد علی کریم زاده تبریزی؛ یادمانده ها، از بزرگ علوی تارحمان هاتفی؛ رضاشاه پهلوی، از آذنت تا زوهانسورگ؛ جامعه، دولت و جنبش زنان ایران ۱۳۴۲-۱۳۵۷، مصاحبه با مهناز افخمی؛ نامهای فارسی برای خانواده ها و سازمانها؛ یک نیستان ناله، کمال زین الدین؛ گذار از طوفان: مرتضی زریخت، گفتگو با حمید احمدی؛ برزویه، دفتر فرهنگی دانشی، پارسی - آلمانی؛ نقد و بررسی کتاب فرزنان، ماهنامه آموزشی، اطلاع رسانی... (مجله) ۴۲۴ / ۱۵

_____ معرفی ۱۴ کتاب و مجله: ژنرال «بیطرف» عباس قره باغی؛ فرهنگ جامع نامها و آبادیهای کهن اصفهان؛ ۲۵ سال در کنار پادشاه، خاطرات اردشیر زاهدی؟؛ شب دریا، مجموعه داستان، عبدالرحیم احمدی؛ تسخیر تمدن فردگی، سید فخرالدین شادمان؛ یاد پاینده، مجموعه ۴۶ گفتار پژوهشی؛ ما هم در این خانه حقی داریم (خاطرات نجمی علوی)؛ سخنهای دیرین (سی گفتار درباره فردوسی و شاهنامه)، دکتر خالقی مطلق؛ فتوت نامه ها و رسائل خاکساربه (سی رساله)، مهران افشاری؛ تاکهای عاشق (رمان)؛ داستان هفت خان، اسفندیار و رستم و اسفند بار؛ حافظه تاریخ، افشار طوس که بود، چگونه کشته شد؟، حمید سیف زاده؛ دانشنامه، فصلنامه دانشگاه شهید بهشتی؛ سمرقند، فصلنامه فرهنگی، ادبی، هنری ۶۳۶ / ۱۵

_____ معرفی ۱۴ کتاب؛ مسکو، زمستان سرد ۱۳۲۴، دکتر هوشنگ طالع؛ رازهای ناگفته (اردشیر زاهدی)، مصاحبه کنندگان: پری اباصلتی، هوشنگ میرهاشم؛ ناگفته هایی از دولت دکتر مصدق، محمد ابراهیم امیر تیمور (کلالی)؛ بلای سلمان رشدی و آیات شیطانی در ایران؛ شناخت مظفرالدین شاه و احمد شاه بر پایه اسناد؛ قانون قوه باه (آداب زناشویی)، رهنمودهای چهارده معصوم؛ خاطرات محمود فروغی؛ خاطرات دکتر مظفر بقایی کرمانی؛ آیین جوانمردی یا فتوت؛ در روشنی بارانها، تحلیل و بررسی شعرهای محمد رضا شفیعی کدکنی؛ در رکاب سیمرخ، مجموعه شعر قلندر طالقانی؛ فهرست موضوعی از چاپکرده ها و نوشته های ایرج افشار؛ تشتی سرشار از لائورد، گزیده ای ازها یکوسرایان ژاپن، ترجمه ع. سالک؛ امنیت ملی، مردم سالاری، اقتصاد، ارتش، فرهاد یزدی ۸۲۱ / ۱۵

_____ معرفی ۱۴ کتاب و مجله: گفته‌ها و ناگفته‌ها، تحلیلی از گزارش عملیات پنهانی سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، محمد علی موحد؛ آنچه باید از مصدق بدانیم، از تولد تا پایان نخست وزیری، محمد مجزا؛ سفرنامه قفقاز و ایران، ارنست اورسل، ترجمه علی اصغر سعیدی؛ یادمانده‌ها از بربادرفته‌ها، دکتر محمد حسین موسوی؛ پژوهشهای ایران شناسی، نامواره دکتر محمود افشار، جلد ۱۴؛ نگاهی به تاریخ؛ تراژدیهای ناتمام در قاب قدرت (خوانشها و پژوهشها)؛ نوشتار ۲۰۰۳-۵، محمد ربوبی؛ شاهین کویر، حماسه تقی خان درانی، نوشته علی اصغر مظهری؛ در میهمانی حاجی اقا و داستان یک اعتراف؛ تلاش (ویژه نامه مهشید امیرشاهی)؛ تاریخ شفاهی نشر ایران؛ تاریخ معاصر ایران، فصلنامه تخصصی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

۱۶۹ / ۱۶

_____ معرفی ۱۴ کتاب و مجله: ریشه‌های کمونیسم روسی و مفهوم آن، ترجمه عنایت الله رضا؛ خانه‌دایی یوسف؛ تاریخ و فرهنگ ساسانی؛ تاریخ تمدن و فرهنگ ایران کهن؛ هزار حکایت صوفیان و...، گنجینه نسخه بر گردان فارسی؛ فرهنگ بیست هزار متل، حکمت، اصطلاح؛ عاشقانه‌ها و کیبود، مهدی اخوان ثالث؛ باغ بی برگی، یادنامه مهدی اخوان ثالث؛ درباره جمالزاده و جمالزاده شناسی؛ عوامل سقوط، علی دستقی؛ دانه نهفته؛ فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجیکستان؛ گزیده اسناد روابط ایران و امریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۷ م.)؛ نقد و بررسی کتاب فرزانه، ماهنامه آموزشی

۳۵۳ / ۱۶

_____ معرفی ۱۳ کتاب و مجله: پان ترکیسم، یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری؛ رضاشاه کبیر، سفرنامه خوزستان و سفرنامه مازندران؛ نردبان شکسته، شرح توصیفی و تحلیلی دفتر اول و دوم مثنوی معنوی، عبدالحسین زرین کوب؛ طرحی از یک زندگی، پوران شریعت رضوی؛ فارسی قعی؛ خرم‌مدن‌بان و آفریدن جهان خرم؛ برابری تقویمها و ساعتها؛ قانون خوردن و آشامیدن، رهنمودهای چهارده معصوم، قانون فصد و حجامت به انضمام زالوانداختن و کی کردن (داغ زدن)، رهنمودهای چهارده معصوم؛ روایت ناگفته، بازنگاری خاطرات زنان تاجیک و افغان از جنگهای داخلی؛ آیین بهایی، پیام آسمانی برای صلح و سعادت جهانی؛ مجموعه کامل تمام شماره‌های نشریه «راه رضاشاه بزرگ»؛ سخن عشق، شماره ۲۰، فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی

۵۷۸ / ۱۶

_____ معرفی ۱۱ کتاب و مجله: آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه، دکتر هوشنگ نهاوندی؛ آزادی (مجموعه مقالات و مصاحبه‌ها)، دکتر احسان نراقی؛ نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی؛ جمعیت فداییان اسلام، و نقش آن در تحولات سیاسی اجتماعی ایران؛ سفر با بالهای آرزو، شکل‌گیری جنبش چریکی فداییان خلق، انقلاب بهمن و سازمان فداییان اکثریت؛ جان، تن، روان؛ علمای شیعه و قدرت سیاسی؛ در سوک آبی آنها (جستارهای ادبی)؛ شهر بی‌شاه در فرهنگ ایران؛ اندیشه‌های کیمیا، در شعر و فلسفه برای صلح و عدالت؛ تلاش (ویژه نامه رضاشاه)

۷۷۶ / ۱۶

_____ معرفي ۱۳ کتاب و مجله: شکوه تخت جمشید، شامل فیلم (DVD) و کتاب همراه؛ مصدق از زبان خودش «در پس پرده مذاکرات»، دکتر سیروس ابراهیم زاده؛ تجربه مصدق در چشم انداز آینده ایران؛ حاکمیت ملی و دشمنان آن، دکتر فخرالدین عظیمی؛ برخی منظره ها و مناظره های فکری در ایران امروز، علی میرفطروس؛ سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان، تورج دریایی؛ پهلوان نامه گرشاسپ، به کوشش سجاد آیدنلو؛ نامه هایی درباره ایران و ترکیه آسیا، سفرنامه زی. ام. تانکوانی، ترجمه علی اصغر سعیدی؛ عرفان، زیبایی شناسی و شعور کیهانی؛ درباره آذربایجان و بعضی از مسائل ایران و جهان؛ چگونه ملت سیمرغ می شود؟؛ بخارا (جشن نامه زین العابدین مؤتمن)؛ جهان کتاب، ماهنامه با روش خبری

۱۸۱ / ۱۷

_____ معرفي ۱۰ کتاب: گلاب اندر قدح: نگاهی دیگر به زندگی و اشعار حافظ، جواد عامری؛ فره آیزدی در آیین پادشاهی ایران باستان، ابوالعلاء سودآور؛ پرورنده صالح (درباره اللهیار صالح)؛ مقالاتی در حدیث دیگران، دکتر احمد مهدوی دامغانی؛ فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای اتحاد جماهیر شوروی؛ رضاشاه و شکل گیری ایران نوین. دولت و جامعه در زمان رضاشاه؛ جشنه فیاض به مناسبت نکوداشت دکتر علی اکبر فیاض؛ جداول تاریخهای ایرانی، هجری قمری و میلادی و تبدیل آنها به یکدیگر، دکتر قدرت الله تمدنی؛ تخته نرد از دیدگاه تاریخ و ادبیات؛ سکولاریته در فرهنگ ایران یا عروسی انسان با جهان، منوچهر جمالی

۳۹۸ / ۱۷

_____ معرفي ۱۴ کتاب و مجله: کتابفروشی، یادنامای بابک، به خواستاری ایرج افشار؛ سفرنامهچ، گلگشت در وطن، نوشته ایرج افشار؛ ایران و اسپانیا، جای پای ۲۵۰۰ ساله فرهنگ ایران در اسپانیای باستانی...، شجاع الدین شفا؛ خاطره ها و یادداشتهای نه ایچی اینووه، ترجمه دکتر هاشم رجب زاده؛ صیاد سایه ها، مجموعه مقالات و مصاحبه ها، عباس میلانی؛ با یاد دکتر قاسم معتمدی؛ ایران، هویت، ملیت، قومیت، مجموعه مقالات؛ بشارت، خدا به زادگاهش باز می گردد، هوشنگ معین زاده؛ مسائل تاریخی زبان فارسی، مجموعه مقالات، دکتر علی اشرف صادقی؛ تلاش (تکاپوی فرهنگی در دوره رضاشاهی)؛ افزار (مجله)، نامه درونی انجمن فرهنگی ایران زمین؛ ایران مهر، ماهنامه فرهنگی؛ ماهنامه حافظ، پژوهشی، ادبی، تاریخی...؛ صوفی، فصلنامه خانقاه نعمت اللهی

۵۹۶ / ۱۷

_____ معرفي ۱۵ کتاب و مجله: تاریخچه جبهه ملی. چرا جبهه ملی تشکیل شد؟ چگونه جبهه ملی منحل گردید؟ برزوی طیب و منشأ کلیل و دمنه، فرانسوا دوبلوا، ترجمه دکتر صادق سجادی؛ آینه اوهام (جلد دوم ضد خاطرات)، آندره مالرو، ترجمه سیروس ذکاء؛ چرا جنگ؟ مکاتبات آلبرت اینشتین و زیگموند فروید؛ مصدق از دید ناشیفتگان، دکتر سیروس ابراهیم زاده؛ حدیث عشق، دکتر اصغر مهدوی از او و با او؛ زندگی در آینه، گفتارهایی در نقد ادبی، حورا یآوری؛ فرهنگ افعال متداول فارسی و انگلیسی، هوشنگ

آموزگار؛ راه آهن سرتاسری ایران - رضاشاه بزرگ و محمد مصدق؛ تخیل آفریننده؛ گفتارهای موترال در باب ادب و فرهنگ ایران، به کوشش محمد فاضل؛ فارسی ۱ و ۲ و ۳ با نوارهای صوتی و ویدئوهای آموزشی، مهدی مرعشی؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد؛ خواندنی، ماهنامه فرهنگی... ۸۰۵ / ۱۷

_____ معرفی ۱۲ کتاب: اختیارات، اصلاحات و لوایح قانونی دکتر محمد مصدق، مسعود کوهستانی نژاد؛ از باد کوبه و چیزهای دیگر؛ تمرکز زدایی و خودمدیری، محمد رضا خوبروی پاک؛ یگانه متفکر تنها: مصطفی شاعیان؛ نیچه نه. فقط بگو: مشد اسماعیل، پرویز کلاتری؛ درباره بوف کور هدایت، دکتر محمد علی هما یون کاتوزیان؛ تاریخ بیهقی، چاب چهارم؛ فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲؛ تاریخ زبان فارسی، تدوین فرهنگ جهانبخش؛ شطرنج از دیدگاه تاریخ و ادبیات؛ نامه فرهنگستان، فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از بهار ۱۳۷۴ تا شهریور ۱۳۸۴؛ زبانهای ایرانی، ضمیمه نامه فرهنگستان ۱۶۵ / ۱۸

_____ معرفی ۱۳ کتاب و مجله: نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق، تحقیق جلال متینی؛ در خلوت مصدق، نوشته شیرین سمیعی؛ گوشه های نادیده و یا فراموش شده از محمد مصدق، محمد مجزا؛ در سایه بیم و امید، رویدادهایی از سازمان افسران وابسته به حزب توده ایران، دکتر ماشاء الله ورقا؛ آقا لطفعلی صورنگر شیرازی؛ بهار، پنجاه سال بعد، مجموعه بزرگداشت پنجاهمین سالگرد ملک الشعراء بهار، سوربن؛ روایت خاطرات اردشیر زاهدی فرزند توفان، منصوره پیرنیا؛ گزیده هفته نامه باباشمل، دوره یکم و دوم، به کوشش دکتر هوشنگ طالع؛ زندگی نامه اللهیار صالح، خسرو سعیدی؛ آزادی و عشق در سینما، بهمن مقصدلو؛ از دیدار خویشتن، یادنامه زندگی احسان طبری؛ محمد رضاشاه پهلوی و بازیگران دوران سلطنت او، نادر پیمایی؛ فصلنامه فرهنگ و ادبیات (ویژه حقوق بشر) ۳۳۷ / ۱۸

_____ معرفی ۱۲ کتاب و مجله: نکته هایی پیرامون فروری حکومت مصدق و نقش حزب توده ایران، دکتر ماشاء الله ورقا؛ برگزیده کاریکلماتور پرویز شاپور؛ مارکوبولو در ایران، نوشته آلفونس گابریل، ترجمه کیکاوس جهاننداری؛ کشف الحقایق، محمد نسفی؛ شاهد بازی در ادبیات فارسی، دکتر سیروس شمیسا؛ تاریخ در ادبیات، علی میرفطروس؛ هشت مقاله در تاریخ و ادب معاصر، دکتر محمد علی هما یون کاتوزیان؛ تبار شناسی استبداد ایرانی، هوشنگ ماهرویان؛ این سوی ذهن، آن سوی مردمک، بهمن مقصدلو؛ فانوس کوچک جهان و آنارشی با عشق و شور، پتر بم، برگردان دکتر عبدالرضا سالک؛ دفتر هنر (مجله)، بیژن اسدی پور؛ نشر دانش (مجله)، سردبیر احمد سمیعی (گیلانی) ۵۵۱ / ۱۸

_____ معرفی ۱۲ کتاب: فولاد قلب. زندگینامه دکتر محمد مصدق، مصطفی اسلامی؛ وصیت در حقوق اسلامی (شیعه)، محمد مصدق؛ سوء استفاده از کلام خدا. خاورمیانه در دوران بنیادگرایی، مصطفی دانش؛ ضرب المثلهای دری افغانستان، دکتر عنایت الله

شهرانی؛ رساله تدا بیر شاه و وزیر، در احوالات آقا محمد خان قاجار و وزیر او حاجی ابراهیم کلانتر اعتماد الدوله، نوشته زین العابدین کوهمره ملقب به امیر، تصحیح مهین دخت حاجیان پور (همبلی)؛ ستوده نامه، ۲ جلد: به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان - محمد رسول دریاگشت؛ دسیسه، القاصم الجبارین: دکتر اسد آرام؛ در فصاحت پرواز، (مجموعه سه دفتر شعر): احمد شیرازی نیا؛ ناکجا دوران، دفتر شعر، علی کمالوند؛ شاهنامه فردوسی، چاپ عکسی (نسخه برگردان) از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا به شماره Add.21,103؛ تاریخ تجزیه ایران، تلاش نافرجام برای تجزیه آذربایجان: دکتر هوشنگ طالع؛ افسانه های بختیاری؛ ویکتوریا دقیقان

۷۰۱ / ۱۸

خاطرات

آیتی، عطا: از خاطرات منتشر نشده آدولف نیکلا از اوضاع نظامی و اجتماعی ایران

۸۳۹ / ۸

در نیمه قرن نوزدهم

نامه / ۱ / ۴۷۰

باستان، دکتر نصره الله

۸۹۲ / ۶

بهار، مهرداد: [خاطرات سیاسی]

نامه / ۲ / ۳۴۷

پهلوی، رضاشاه: مازندران در ۷۵ سال پیش (از سفرنامه مازندران)

۶۰۴ / ۱

حالتی، منوچهر: «گوشه ای از تاریخ نمایش در ایران»

دکتر غنی، قاسم: حادثه ای که هفتاد سال پیش در راه تهران تا سبزواری برای وی

نامه / ۱ / ۶۰۹

روی داده است

نامه / ۲ / ۶۵۱

دکتر فووریه: دکتر فووریه از وضع پزشکی صد سال پیش ایران سخن می گوید

۶۶۰ / ۵

لاجوردی، سید محمود: زندگی حاج سید محمود لاجوردی، نوشته دکتر منوچهر فرهنگ

۳۷۹ / ۱۸

متینی، جلال: از حزب رستاخیز تا اولان باتور، خاطرات سالهای خدمت (۱)

۳۷۷ / ۶

_____ درباره دکتر علی شریعتی در دانشگاه مشهد (فردوسی)، (۲)

۸۳۵ / ۵

_____ : دکتر علی شریعتی در دانشگاه مشهد (فردوسی)، (۱)

۶۷۸ / ۱۸

_____ : محکوم به اخراج از دانشگاه، خاطرات سالهای خدمت (۲)

اسناد تاریخی

امین، ایرج (تهرانی، محمد رضا): اسناد منحصر به فرد منتشر نشده درباره پول و تجارت در

۸۶۳ / ۱۲

دوره ناصری (۱) [نیز رک. تهرانی، محمد رضا]

- بیگدلی، گیو: فرمان شاه عباس اول دربارهٔ بیلاق خرفان
 _____ نامهٔ تیمورتاش دربارهٔ اعطای یک قطعه مدال تاجگذاری به یدالله خان
 ۵۸۳ / ۱۸
- اسلحه دار مخصوص شاهنشاهی
 تهران، محمد رضا: اسناد منحصر به فرد منتشر نشده از دوران قاجاریه (ناصری)
 ۵۸۴ / ۱۸
- [نیز رک. امین، ایرج]
 _____: اسناد منحصر به فرد منتشر نشده دربارهٔ دارالشورای کبری (مجلس دربار
 ۱۵۳ / ۱۲
- اعظم)(۱)
 _____: اسناد منحصر به فرد منتشر نشده دربارهٔ دارالشورای کبری (مجلس دربار
 ۸۲۵ / ۱۰
- اعظم)(۲)
 _____: اسناد منحصر به فرد منتشر نشده دربارهٔ دارالشورای کبری (مجلس دربار
 ۱۸۰ / ۱۱
- اعظم)(۳)
 سعیدی سیرجانی: شیوه اجرای عدالت در دوران پیش از مشروطیت، از کتاب «وقایع
 ۴۱۵ / ۱۱
- اتفاقیه»
 نامه / ۳ / ۱۳۵
- کریم زاده تبریزی، محمد علی (۱): فرمان مورخ ۱۱۹۹ آقا محمدخان قاجار؛ نامهٔ اتابک اعظم
 ۱۸۷ / ۱۶
- میرزا علی اصغر خان خطاب به ناصرالدین شاه؛ نوشته ای از مظفرالدین شاه
 _____ (۲): معرفی ۵ سند: سندی از آستانهٔ مقدسهٔ صفیهٔ صفویه؛ فرمان مظفرالدین
 شاه در مورد برقراری مقرری برای بازماندگان میرزا محمود مستوفی با مهر مصدق
 السلطنه؛ دربارهٔ جمع و خرج مالیات و متوجهات دیوانی؛ فرمان احمد شاه دربارهٔ
 ۳۷۰ / ۱۶
- فتح الله خان گیلانی
 _____ (۳): فرمان کریم خان زند، فرمان نادرشاه افشار؛ دستخط ناصرالدین میرزا
 ۷۰۹ / ۱۶
- (۴): دستخط و رقم عباس میرزا؛ دستخط ناصرالدین شاه به امین السلطان؛
 دستخط مظفرالدین شاه به اتابک امین السلطان
 ۳۵۸ / ۱۷
- _____ (۵): «قانون تفسیر اصل سی و هفتم متمم قانون اساسی موضوع کلمهٔ ایرانی
 الاصل...» و «قانون تصویب اعطاء صفت ایرانی به الاحضرت فوزیه»
 ۱۲۵ / ۱۸
- _____: سند فوق العاده مهم و ارزنده دربارهٔ بحرین: نامهٔ حسنعلی خان امیر نظام گروسی
 ۵۷۷ / ۱۸
- به ناصرالدین شاه
 متینی، جلال: اسناد تاریخی دورهٔ قاجاریه: پنج نامه از میرزا تقی خان امیرکبیر، به نقل از
 یادداشت‌های دکتر قاسم غنی، جلد دهم
 نامه / ۲ / ۱۶۶
- _____: اسناد تاریخی دورهٔ قاجاریه: محمد علی شاه استخاره می کند، نوشتهٔ احمد
 توکلی، مجلهٔ یادگار
 ۵۰۲ / ۲
- _____: دربارهٔ سیاست دولت انگلیس در ایران، به نقل از «پنجاه سال نفت ایران»،
 نوشتهٔ مصطفی فاتح
 نامه / ۶ / ۲۸۳

نبرای ایران شناسی

- ۹۰۰ / ۷ اتابکی، تورج: دومین کنفرانس اروپایی ایران شناسی، بامبرگ، آلمان
- ۸۶۱ / ۳ _____: چهارمین کنفرانس اروپایی پژوهشهای آسیای میانه، بامبرگ، آلمان
- ۹۰۲ / ۷ استعلامی، محمد: کنفرانس بین المللی آسیا در قرن ۲۱
- ۲۲۰ / ۴ اسلامی ندوشن، محمد علی: بیانیه هیأت مؤسس «ایرانسرای فردوسی» در طوس
- ۵۷۴ / ۱۸ افشار، ایرج: نامه خطاب به انجمن بین المللی مطالعات ایرانی در سپاسگزاری از اهداء نخستین جایزه انجمن به وی
- _____، صدرالدین: گزارش از یک گردهم آیی فرهنگی الهی، صدرالدین: گزارشی از یک گردهم آیی فرهنگی
- ۴۶۶ / ۱۱ به مناسبت پایان دهمین سال انتشار مجله «ایران شناسی»
- ۳۶۱ / ۱۸ ایران شناسی: آیت الله منتظری: دانشگاه محل تحصیل علم است نه قبرستان
- ۶۵۷ / ۳ _____: آثار هنری دوران ساسانی در بخش «هنر اسلامی»
- _____: استمداد از یونسکو برای جلوگیری از تخریب آرامگاه کوروش و آثار باستانی پاسارگاد
- ۶۱۳ / ۱۷ _____: اعطای دکتری افتخاری دانشگاه تهران به کلمن بارکس
- ۳۶۱ / ۱۸ _____: انتقاد وزیر ارشاد اسلامی از «فردوسی زدایی»!
- ۳۶۳ / ۱۸ اهدای جایزه ادبی و تاریخی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی به استاد
- ۸۴۶ / ۱۵ کورویانانگی، ژاپن
- _____: اهدای جوایز موقوفة دکتر محمود افشار در سال ۱۳۷۰ به دکتر دبیرسیاقی و دکتر ظهورالدین احد
- ۹۰۹ / ۵ _____: اهدای سیزدهمین جایزه ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار یزدی به استاد
- ۳۷۷ / ۱۶ ریچارد نلسون فرای
- _____: برگزاری هفدهمین جلسه سالانه MESA در شیکاگو (۳ تا ۶ نوامبر ۱۹۸۳)
- نامہ / ۱ / ۶۷۴ _____: بزرگداشت استاد ذبیح الله صفا
- ۴۳۶ / ۳ _____: بزرگداشت دکتر محمد مصدق از سوی جمهوری اسلامی
- ۳۵۹ / ۱۸ _____: بنیاد رژه ایرانیان
- ۳۵۸ / ۱۸ _____: بنیاد کیان و دانشنامه ایرانیکا
- ۴۳۴ / ۳ _____: پرده برداری از پیکره باربد، در تاجیکستان
- ۶۶۸ / ۲ _____: جمهوری آذربایجان و ادعای مالکیت بر ۷ استان ایران
- ۳۶۲ / ۱۸ _____: جوایز موقوفات دکتر محمود افشار یزدی
- ۶۸۳ / ۳ _____: حرف کدام را باور کنیم؟
- ۳۶۰ / ۱۸ _____

- ۸۲۷ / ۱۷ _____: حوزه علمیة طهران! ورود بدون عبا ممنوع
- _____: رئیس دانشگاه اصفهان: من آمده ام در دانشگاه هیأت سینه زنی و مجلس
- ۱۸۸ / ۱۸ هفتگی روضه زنانه درست کنم
- ۶۶۷ / ۲ _____: سخنرانیهای ماهانه بنیاد فرهنگی محوی در لندن
- ۱۸۵ / ۱۸ _____: صوفی کُشی
- ۶۵۶ / ۳ _____: غارت آثار باستانی ایران
- ۴۳۲ / ۳ _____: کنفرانس ادبیات فارسی در دانشگاه تکراس در آستین
- ۹۱۳ / ۵ _____: کنفرانس انجمن مطالعات ایرانی
- _____: کنفرانس سالانه بنیاد کیان با همکاری مجله ایران شناسی: «فارسی، عربی، اسلامی! به کدام نام باید خواند؟»
- ۹۲۲ / ۶ _____: کنفرانس سیری در فرهنگ ایران و اسلام، با همکاری U.C.L.A. و بنیاد کیان
- ۹۱۴ / ۵ _____: کنفرانس مسائل زبان و خط فارسی، بنیاد کیان با همکاری مجله ایران شناسی
- ۹۱۵ / ۵ _____: کنفرانس «هنر و تاریخ ایران» در U.C.L.A.
- _____: کنگره بزرگداشت شاهنامه فردوسی به انگیزه گذشت یک هزار سال از
- ۶۶۶ / ۲ سرایش آن، کلن
- _____: کنگره فردوسی، در لوس آنجلس و شهر واشنگتن، توسط بنیاد کیان با همکاری مجله ایران شناسی
- ۸۱۲ / ۱ _____: کنگره نظامی گنجه ای، در لندن، از طرف بنیاد فرهنگی محوی، ژنو
- ۶۵۵ / ۳ _____: «کنگره نظامی گنجوی شاعر بزرگ پارسی سرای قرن ششم، در شهر واشنگتن و لوس آنجلس
- ۴۳۳ / ۳ _____: کوروش! آسوده بخواب
- ۸۲۴ / ۱۷ _____: کوسه ریش پهن!
- ۳۶۳ / ۱۸ _____: مؤسسه نجات خانه های تاریخی ایران
- ۶۷۰ / ۲ _____: موزه استادحسین بهزاد
- ۹۱۱ / ۵ _____: موزه ایران، در حومه هامبورگ
- ۹۱۲ / ۵ _____: موسیقی چیست؟ وزیر ارشاد اسلامی: موسیقی ضجه های انسان در فراق بهشت است!
- ۸۲۶ / ۱۷ _____: نمايشگاه آثار هنری دو خواهر ایرانی در نیویورک
- ۴۳۷ / ۳ _____: نوروز در برلن
- ۹۱۱ / ۵ _____: «نه شرقی، نه غربی»، احداث مقبره شهدای گمنام در دانشگاهها
- ۱۸۳ / ۱۸

- _____ هر دم از این باغ بری می رسد: وزارت آموزش و پرورش در خدمت
- آیت الله مصباح یزدی
۸۲۵ / ۱۷
- پارسی نژاد، ایرج: «فرهنگ جامع فارسی به ژاپنی» تألیف کوریواناگی
۸۴۸ / ۱۵
- ترابی، سید محمد: کنگره بین المللی بزرگداشت نظامی گنجوی، در تبریز
۴۶۷ / ۳
- تفضلی، حمید: یادواره حافظ و گوته در شهر وایمار
۴۶۲ / ۱۳
- خالقی مطلق، جلال: نمایش عروسکی زال و رودابه در هامبورگ
۹۰۶ / ۷
- دباشی، افسانه: یادبود فروغ فرخزاد در تکراس
نامه / ۶ / ۱۶۷
- دباشی، حمید: پروین اعتصامی در شیکاگو، گزارش یک کنفرانس
۱۹۱ / ۱
- دوستخواه، جلیل: جشنواره فرهنگ و هنر ایران در دانشگاه کلمبیا
۴۵۰ / ۶
- _____ جشن هزاره شاهنامه در تاجیکستان
۹۱۷ / ۶
- _____: «حمام خسرو آقا را که می شناختید؟»...
۶۹۴ / ۷
- _____: کتابخانه و موزه فردوسی در اصفهان
۹۱۵ / ۵
- _____: گل افشان فرهنگ ایرانی، در بهاران نیمکره جنوبی
۹۱۹ / ۶
- رجب زاده، هاشم: کنفرانس «سفرنامه های فارسی سده نوزدهم»
۴۵۳ / ۶
- _____: کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی: هزاره تدوین شاهنامه» در تهران
۲۱۱ / ۳
- _____: مجلس مشترک ایران شناسی پژوهندگان ایرانی و ژاپنی
۵۷۰ / ۱۸
- سجادی، علی: کنفرانس بین المللی ایرانیان در گالوت
۸۴۲ / ۱۵
- فانی، کامران: گامی دیگر در راه «ایران زدایی»
۱۹۷ / ۱
- قانون پرور، محمد رضا: بزرگداشت استاد محمد علی جزایری در دانشگاه تکراس
۴۵۲ / ۶
- کاشف، منوچهر: سمینار تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران در دانشگاه کلمبیا
۴۳۱ / ۱
- کنگره و سمینار جهت آنالیز و احیاء شعر و ادبیات ایرانی، در کتابخانه مرکزی شهر میلان
(۲۹ دسامبر ۱۹۸۳)
- کوهدامنی، بیرنگ: طرح آیین نامه انجمن فرهنگیان افغانستان (در لندن)
۹۰۳ / ۷
- گروپ، گرد: گام نخستین برای تأسیس «موزه ایران» در آلمان
۶۵۲ / ۳
- گودرزیبا، سعید: نمايشگاه آثار بهمن فرسی
۵۹۵ / ۱
- متینی، جلال: اقدام به جای فرهنگستان ایران
۶۸۹ / ۷
- _____: بزرگداشت نظامی گنجوی در مسکو و سن پترزبورگ
۴۳۶ / ۴
- _____: پرده برداری از تندیس فردوسی در دوشنبه
۸۸۲ / ۴
- _____: تأسیس بنیاد عینی در تاجیکستان
۸۸۵ / ۴
- _____: جشن بارید در تاجیکستان، دوشنبه ۲۳ تا ۲۹ آوریل ۱۹۹۰
۲۱۷ / ۲
- _____: خلیج فارس، نمايشگاه استاد تاریخی و سیاسی ایران درباره خلیج فارس
۸۱۱ / ۱
- _____: سخن نا به جای وزیر
۶۹۱ / ۷

- _____ : سمینار تاریخ علوم و فلسفه عربی! ۸۰۸ / ۱
- _____ : فعالیتهای ادبی در بخش فارسی دانشگاه کراچی ۸۸۶ / ۴
- _____ : کانون فرهنگی مولانا، بروکسل ۶۹۳ / ۷
- _____ : مفهوم عدالت در ادبیات کهن فارسی، سخنرانی در MESA، اکتبر ۱۹۹۲ ۸۸۷ / ۴
- _____ : نشریات تاجیکستان به خط فارسی: پیوند، تاجیکستان، مهر ۸۸۴ / ۴
- _____ : بزرگداشت هزاره شاهنامه فردوسی، بر اساس قطعهنامه یونسکو ۲۰۰ / ۱
- _____ : هنر و فرهنگ ایران در قرن پانزدهم میلادی، مؤسسه اسمیت سونین و گالری ساکлер در شهر واشنگتن ۱۹۹ / ۱
- _____ : گرامدداشت هزارمین سال سرایش شاهنامه فردوسی و دویستمین سال تولد روکرت مترجم بخشی از شاهنامه، در آلمان ۵۱۹ / ۶ / نامه
- _____ : معرفت، مینا: کنفرانس دولت و تهران، دویستمین سال پایتخت شدن تهران ۵۹۹ / ۱
- _____ : یوری، حورا: کنفرانس سیرا (CIRA) با همکاری دانشگاه کلمبیا: جمهوری اسلامی - ده سال پس از انقلاب ۴۲۴ / ۱

طرح

- _____ : محصص، اردشیر: از میان آلبومهای شخصی ۴۰۷ / ۱۱
- _____ : پائیز پدر سالار ۵۶۲ / ۸
- _____ : پنج طرح ۳۸۶ / ۱۶
- _____ : جنگ و صلح ۸۳۰ / ۱
- _____ : چند طرح درباره مطایبات عبید زاکانی ۶۱۴ / ۲
- _____ : حکومت بر اوضاع مسلط است ۸۲۹ / ۱
- _____ : رباعیات حکیم عمر خیام ۶۰۵ / ۳
- _____ : شش طرح بر مبنای نقاشی قاجار ۷۰۲ / ۱۳
- _____ : فرهنگ لغات و اصطلاحات ۷۹۶ / ۱۰
- _____ : کافه تریا، تهران سالهای ۱۳۴۰ ۳۶۵ / ۱۸
- _____ : لطائف و حکایات عبید زاکانی ۸۶۵ / ۴
- _____ : لطائف و ظرائف ۶۸۲ / ۵
- _____ : موش و گربه عبید بر بنای نقاشیهای قاجار ۳۸۲ / ۳

فهرست

- ۶۶۶ / ۴ اخوان زنجانی، جلیل: یکی دخمه کردش ز سَم اسپنور
- ۶۸۰ / ۵ افشار، ایرج: درباره داش آکل، «آکل» و «کلو»
- ۶۴۲ / ۸ امیدسالار، محمود: درباره سیرالملوک ابن المقفع
- ۸۷۵ / ۷ _____: گش شورانیدن در شاهنامه
- ۴۰۳ / ۹ _____: «گش شورانیدن» و «ستیخ»
- ۲۳۷ / ۱۳ _____: یک تصحیح قیاسی در داستان اسکندر
- ۶۹۶ / ۱۳ ایران شناسی: آرم جمهوری اسلامی ایران با توضیحاتی عالمانه و شگفت انگیز!
- ۷۰۱ / ۱۱ _____: «آن کس که تو را آورده، به تو می گوید: برو!»، و چند نکته دیگر
- _____: انتشار نخستین ترجمه قرآن کریم به زبان آذری از طرف جمهوری اسلامی ایران
- ۶۰۲ / ۱۶ _____: بررسی طرح آموزش زبان ترکی در مدارس آذربایجان شرقی!
- ۶۰۲ / ۱۶ _____: به یاد سقوط حکومت دست نشاندۀ پیشه‌وری در آذربایجان
- ۶۹۹ / ۱۱ _____: پنجمین کنگره جهانی آذربایجانها در شهر مالمو - سوئد
- ۷۰۰ / ۱۳ _____: تبدیل خانه‌علی شریعتی به مرکز فرهنگی
- ۴۷۳ / ۱۳ _____: چند کلمه درباره آیین سبک و «کاندا»
- ۴۷۰ / ۱۳ _____: «حرکت بیداری ملی آذربایجان جنوبی» چه می گوید؟
- ۵۹۶ / ۱۶ _____: خانه دکتر محمد مصدق اثر ملی اعلام گردید
- ۴۷۴ / ۱۳ _____: دیوان ترکی نظامی گنجوی!
- ۶۰۰ / ۱۶ _____: زدودن نقش شیر و خورشید از پرچم ایران، و انتخاب نقشی شبیه «کاندا»، علامت سبک‌ها به جای آن
- ۴۶۷ / ۱۳ _____: سابقه موسیقی غربی در ایران
- ۷۰۳ / ۱۱ _____: نصب تندیس علی شریعتی
- ۲۲۰ / ۵ پرهام، باقر: داش آکل یا داش آکل؟
- ۶۸۱ / ۵ تنکابنی، فریدون: «داش آکل» یا «داش آکل»
- ۴۴۶ / ۶ خالقی مطلق، جلال: اهمیت کتاب «آیین کوروش» در پژوهش فرهنگ ایران باستان
- _____: برخی از باورداشتهای همسان میان مآخذ هخامنشی و روایات شاهنامه:
- ۴۲۲ / ۸ پژوهنده را راز با مادر است، فال بد، معجزات
- ۶۷۶ / ۵ _____: برخی از شیوه‌های تحقیر
- ۹۰۲ / ۵ _____: تبدیل مصوت مرکب au/ou به o
- ۶۸۰ / ۵ _____: جای پای آدم

- _____ : چند نکته در آیین بار در دربار ماد و هخامنشی ۴۴۲ / ۶
- _____ : دو نکته در آیین بار ۶۶۴ / ۴
- _____ : زروان و مهبود ۲۱۹ / ۵
- _____ : سه پایه و آیین بست نشستن ۲۱۹ / ۵
- _____ : سیاوخش گردد نه سیاوش کرد ۲۱۷ / ۵
- _____ : فر کلاه ۶۶۵ / ۴
- _____ : کسی را به جای خود خوانیدن ۹۰۰ / ۵
- _____ : قاعده تبدیل الف کشیده به واو معلوم در زبان گفتار ۹۰۲ / ۵
- _____ : کنایه نظامی به مذهب فردوسی، دو نکته در آیین بار، فر کلاه ۶۶۳ / ۴
- _____ : کیکاوس و دیاکو ۹۱۳ / ۶
- _____ : کیکاوس و کیاگسار ۹۱۵ / ۶
- _____ : گش جنبیدن ۶۷۹ / ۵
- _____ : مرداس و ضحاک ۹۱۲ / ۶
- _____ : نام و ننگ، خداوند نام، فوردین نه فرودین ۸۷۳ / ۴
- _____ : ورن چشمی ۹۰۱ / ۵
- _____ : و باز نکته ای در آیین بار ۶۷۸ / ۵
- _____ : یک ضرب المثل کهن ۶۷۸ / ۵
- _____ : یک ضرب المثل کهن دیگر ۶۷۹ / ۵
- _____ : دوستخواه، جلیل: از «زویا» تا «رؤیا» ۲۲۵ / ۶
- _____ : الله اکبر، دیداری و شنیداری! ۲۲۳ / ۶
- _____ : چاپ مطلبی در «بغل دست»! ۲۲۴ / ۶
- رضا، عنایت الله: دو توضیح درباره چاپ دوم آذربایجان و اران (آلبانیای قفقاز): درباره نوشته بلعمی و یعقوبی راجع به آذربایجان و اران ۶۳۸ / ۸
- _____ : روشنفکران قفقاز و محمد امین رسول زاده ۶۴۱ / ۸
- سجادی، علی: اعتراض ایرانیان به کاربرد «خلیج عربی» ۶۰۳ / ۱۶
- شاهق، مهوش: چگونه مولانا جلال الدین رومی خانمی آلمانی از آب درآمد ۲۳۶ / ۱۳
- کاشف، منوچهر: باز هم درباره «داش آکل» ۲۲۷ / ۶
- _____ : داش آکل، نه داش آکل ۸۷۰ / ۴
- _____ : درباره دو تصویر ناصرالدین شاه در انگلستان ۸۴۳ / ۸
- _____ : کارت تبریک نوروز ۶۷۰ / ۶
- مؤید، حشمت: سراجی سگری، حلقه ای دیگر در نسنامه غزل «زلف آشفته» ۶۷۹ / ۴
- متینی، جلال: آذربایجان و اران ۶۳۶ / ۸

- _____ : آیا حقیقت دارد؟ نشانه‌ها بی‌از کمال خردمندی
۶۷۵ / ۶
- _____ : اسلام ایرانی و هنر ایرانی
۸۴۹ / ۸
- _____ : اگر مأموران سیاسی ایران به وظایف فرهنگی خود آشنا باشند
۲۱۸ / ۱۰
- _____ : انجمن نسون، کارت تبریک نوروز از سال ۱۲۸۴ خورشیدی
۱۹۳ / ۸
- _____ : «ایران» در بیتی که بر زبان ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷-۴۴۰ ه.ق.) گذشته
_____ : است
۴۴۹ / ۶
- _____ : با یکی دیگر از مداحان پان تورکیسم آشنا شویم
۲۱۴ / ۱۰
- _____ : برابره‌های فارسی چند واژه سینمایی
۸۴۷ / ۸
- _____ : برای ثبت در تاریخ: معجزه در مشهد
۴۲۶ / ۸
- _____ : پروانه و شمع و گل
۲۲۱ / ۱۰
- _____ : تعزیه ای استثنائی در دوران صفویه
۹۰۳ / ۵
- _____ : حرف راست را از «حزب توده» بشنویم!
۸۵۴ / ۸
- _____ : دو سرود از ساخته‌های ملک الشعراء بهار
۲۱۹ / ۱۰
- _____ : سانسور برادرانه!
۹۰۵ / ۵
- _____ : سندی معتبر در ترک بودن نظامی گنجوی!
۸۷۶ / ۴
- _____ : عسلی جدید
۶۷۲ / ۶
- _____ : کوشش برای تجزیه آذربایجان در آن سوی ارس
۲۱۶ / ۱۰
- _____ : گرانی بیحساب کتاب
۴۳۰ / ۸
- _____ : مسعودی مروزی
۲۲۱ / ۵
- _____ : «مه فوردین، روز هم فوردین»
۲۲۱ / ۵
- _____ : نکته‌ها، شعرها، و تصویرها به مناسبت بیست و سومین سالگرد پیروزی
_____ : انقلاب اسلامی در ایران (در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷)
۹۲۰ / ۱۳
- _____ : نیاکان هموطنان آذربایجانی ما چه کسانی هستند؟
۳۹۳ / ۹
- _____ : وای به وقتی که بگنند نمک!
۸۴۴ / ۸
- _____ : هر از گاه، هر از گاهی
۶۷۶ / ۶
- _____ : یکی دخمه کردش ز سم ستور
۸۷۸ / ۴
- _____ : نوروزی، تورج: آیا همه نامداران فارسی زبان «ترک» بوده اند
۳۹۱ / ۹

نامداران نظر

آبرامیان، هومر: رد دعوت دانشگاه حیفا در اسرائیل در اعتراض به عنوان نادرست

- ۱۸ / ۷۱۳ «مرکز مٹیرو میریام عزری برای بررسبهای ایران و خلیج» در آن دانشگاه
آریا، شایان: اعتراض چند تن از دانشجویان ایرانی به کاربرد Arabian Gulf در درس
انگلیسی
- نامه / ۶ / ۶۹۴
_____: «درباره Farsi Language»
- نامه / ۷ / ۱۸۱
_____: «درباره Farsi Language»
- ۱۰ / ۲۲۵ آصفی شیرازی، تاجماه: درباره فیلمنامه «پردۀ نئی» نوشته بهرام بیضایی
آموزگار، جمشید: نامه اعتراض درباره کاربرد «خلیج عربی» به جای «خلیج فارس» از سوی
رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده امریکا
- ۱۱ / ۴۷۴
_____: «خلیج فارس» نه «خلیج عربی»
- ۴ / ۸۹۷ آیرن، بیژن: اختلاف روایت در کتاب کاخ تنهایی و خاطرات ملکه ثریا
احمد، مهدی: تذکر درباره علی اکبر داور
- ۱۵ / ۶۵۴ احمدی، الف: درباره بیمارستان نمازی شیراز
- ۱۸ / ۵۸۶ احمدی، رامین: درباره «موج سوم در ترازو»
- ۳ / ۶۶۳ اخوی، حسن: درباره مقاله «از آذربایجان تا خلیج فارس»
ارمجان، یحیی: پیامبر نقابدار خراسان در امریکا!
- نامه / ۵ / ۷۴۳
_____: درباره ترجمه «روسپیگری در ایران»
- ۲ / ۲۴۸
_____: در مقاله مؤید، حشمت، شیخ جام درست است یا شیخ خام؟
- ۴ / ۴۴۶ اسلامی، کامبیز: درباره مقاله «داستان عوامانه هفت پیکر بهرام گور»
اسلامی ندوشن: محمد علی: پاسخ به تیموری، سعید
- ۴ / ۸۹۶
_____: پیر ایران و جاودانه جوان
- ۲ / ۴۶۳
_____: حافظ و ریاضی
- ۳ / ۶۵۹
_____: درباره بزرگداشت دکتر ذبیح الله صفا
- ۲ / ۲۲۵
_____: درباره پروین اعتصامی
- ۴ / ۸۹۵
_____: درباره مقاله آزادگی و تساهل نظامی گنجوی
- نامه / ۷ / ۳۷۶
_____: اسامیرنوا، لیدیا: درباره «شرفنامه شاهی»
- ۹ / ۲۲۰ اعلامی، شهناز: جشن نوروزی آموزشگاه پروین اعتصامی
- ۶ / ۶۸۴
_____: دو شعر کوتاه درباره ایران
- نامه / ۳ / ۱۸۷ افشار، مهندس احمد: درباره دستنویس مرحوم مزین الدوله در سال دوم مجله
افشار، ایرج: پیشنهاد به کار بردن «ترنج» و «شمسه» به جای «آذین» در مقاله کامبیز
اسلامی، و توضیح درباره مقاله تورج اتابکی: «مصاحبه ایرانیه»
- ۵ / ۴۵۶
_____: توضیح درباره چند موضوع
- ۳ / ۸۶۷
_____: توضیح درباره شعر قاضی هجیم
- ۱۸ / ۵۸۶
_____: چند یادآوری
- ۷ / ۹۰۷

- _____ : درباره تاریخ چاپ کتابهای صبحی مهتدی در مقاله محمود امید سالار
۶۸۶ / ۵
- _____ ، محمد دبیرساقی ، جلال متینی : درباره سفرنامه ناصر خسرو
۷۹۴ / ۱۷
- _____ : درباره لفظ کمینه
۸۵۵ / ۸
- _____ : ملاحظاتی درباره دو شماره ایران شناسی
۵۹۷ / ۹
- _____ : یادداشت‌هایی درباره سه شماره ایران شناسی
۶۶۵ / ۱۰
- افشار فاسملو: دکتر امیر اصلان: درباره جعل و دستبرد در طبع و نشر: کتاب «سروها در باد»
در ایران
۷۹۷ / ۱۷
- اکبری، عبدالله: خطاب به جلال متینی: چرا با هر چه عنوان اسلام و اسلامی دارد
مخالفت می کنید؟
۴۴۷ / ۳
- الغوضی، محمد صدیق: طرح چند پرسش: ۱- کتاب به آفرید به چه زبانی ست؟ ۲- کاف
پهلوی به گاف مبدل شده است؟ ۳- مأخذ شعر محمد بن وصیف سگزی چیست؟
۴- درباره طرز نگارش (ه)، ۵- درباره اندر
نامه / ۲ / ۲۱۳
- _____ : درباره «سرود فارسی از ابونواس اهوازی»
نامه / ۶ / ۳۴۶
- الهی، صدرالدین: پاسخ به پارسا، محمد رضا
_____ : پاسخ به: پروین، ناصرالدین
۹۲۵ / ۶
- _____ : پاسخ به مهدوی دامغانی، احمد درباره کُرخ
_____ : عباس: درباره علم المعاد صدرالدین شیرازی
نامه / ۴ / ۴۷۶
- امضاء محفوظ: تأییدمقاله «چرا اسلامی!»
_____ : پاسخ به رونوشت نامه افسانه نجم آبادی، درباره کتاب معایب الرجال
نامه / ۵ / ۶۶۶
- _____ : پاسخ به نامه دکتر حمید صاحب جمعی
نامه / ۱ / ۸۵۳
- _____ : توضیحی درباره مقاله «راز رویین تن شدن اسفند یار»
نامه / ۱ / ۴۸۷
- _____ : درباره تلفظ غزالی به صورت مشدد یا بدون تشدید
نامه / ۱۳ / ۲۴۰
- _____ : «درباره گناه از کیست؟ از فوکو!» نوشته باقر پرهام
_____ : مهدی: پیشنهاد تشکیل انجمن حافظ
نامه / ۱ / ۶۲۲
- _____ : خاطره ای از ملک الشعراء بهار در دهکده لزن Leysin
_____ : داود: درباره تغییر خط در ترکیه (به نقل از روزنامه کیهان، لندن)
امیرقاسمی، امین، سید حسن: ایرج میرزا مشنوی «زهرة و منوچهر» را از ترجمه فرانسوی «ونوس و
آدونیس» سروده شکسپیر گرفته است نه از ترجمه فارسی آن به توسط دکتر صورتگر
نامه / ۶ / ۱۶۴
- _____ : درباره شیخ حسن خان عاملی، نوشته احمد مهدوی دامغانی
۷۱۲ / ۷
- _____ : درباره «دو تصویر ناصرالدین شاه در انگلستان»
۲۱۵ / ۹
- _____ : زادگاه استاد بدیع الزمان فروزانفر
۱۹۷ / ۸
- _____ : زادگاه استاد بدیع الزمان فروزانفر
۴۰۶ / ۹
- _____ : درباره مقاله مهدی حائری یزدی: «درآمدی بر کتاب اسفار،
۴۰۶ / ۹

- الحکمة المتعالیة...»
 ۶۴۶ / ۸
 ۸۷۵ / ۳ ایران شناسی: آزماست که بر ماست (کاربرد «خلیج» به توسط یکی از هموطنان)
 اقدام به جای دکتر جلال مهدویان، درباره تذکر به یکی از موزه های نروز،
 درباره کاربرد Gulf
 ۸۵۶ / ۱۵
 ۲۰۲ / ۱۷ _____: باز هم درباره آذربایجان: دیروز و امروز. بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا
 ۴۳۷ / ۸ _____: پاسخ به حسن شایگان نیک، درباره لفظ «کمینه»
 ۴۶۳ / ۲ _____: پاسخ به دکتر کاظم خوئی
 ۸۷۴ / ۳ _____: ترجمه مقاله «آذربایجان کجاست؟» به زبانهای روسی و ارمنی
 ۶۸۸ / ۵ _____: توضیح درباره علت نقد و معرفی کتاب معایب الرجال بی بی خانم استرابادی
 ۶۹۱ / ۶ _____: توضیح درباره کتاب معایب الرجال، ویراسته افسانه نجم آبادی
 ۸۷۵ / ۳ _____: خبر دیگری درباره آذربایجان
 ۴۴۷ / ۳ _____: درباره «اقدام شایسته»
 ۴۶۴ / ۱۴ _____: درباره «شهادت» دکتر علی شریعتی
 ۴۶۶ / ۲ _____: درباره مأخذ مقاله ارنست رنان (در شماره ۴، سال اول مجله ایران شناسی)
 ۲۲۴ / ۵ _____: گله به جای مشترکین مجله، در ایران از پست
 ۲۲۷ / ۳ ایرن، ابرج: مقصود از «عقد شرعی» در شاهنامه
 ۸۲۲ / ۱ ایروانی، کریم: درباره خلیج فارس، راه سازی در ایران باستان...
 ۷۴۵ / ۵ / نامه باتمانقلیج، نجمیه: درباره انتخاب واژه «فسنجان» در روی جلد کتاب Food of Life
 ۳۷۶ / ۷ / نامه باستانی پاریزی، درباره میرزا ابوالحسن جلوه
 ۶۹۸ / ۱۴ برجیان، حبیب: پاسخ به دکتر ترابی
 _____: رونوشت نامه خطاب به نامه پارسی (مجله رسمی وزارت فرهنگ
 و ارشاد اسلامی)
 ۴۵۶ / ۱۰
 ۳۷۸ / ۲ / نامه برهان، ابن یوسف: چند پیشنهاد
 ۵۳۳ / ۴ / نامه _____: کوه البرز در شاهنامه فردوسی و توضیحاتی درباره مقاله «روایات مختلف
 درباره کودکی و جوانی فردون»
 بقایای کرمانی، ملکه: برای آشنا ساختن جوانان ایرانی مقیم خارج به فرهنگ ایران
 کاری بکنید
 ۳۴۸ / ۳ / نامه
 ۵۴۴ / ۳ / نامه _____: درباره جنبش زن ایرانی
 ۴۷۰ / ۱۲
 بهار، دکتر علی: «مولانا جلال الدین، زاده افغانستان» (۱)
 بهشتی، پروانه: تجلیل از افرادی مانند عباس یمنی شریف و احمد بیرشک، در ایران نامه
 کار شایسته ای ست
 ۶۹۴ / ۶ / نامه
 ۱۸۴ / ۷ / نامه _____: کودکان ما در غربت

- بهشتی، فیروز: درباره مقاله قهرمانی، سعید: ماههای آخر زندگی زرین کوب
 بی امضاء: درباره «نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند»، نوشته سهراب سراوانی
 _____: درباره ماردوشی ضحاک
 یارسا، محمد رضا: درباره مقاله «تک نگاری یک روزنامه: «دانش»...» نوشته الهی،
 صدرالدین
 _____: درباره مقاله «کعبتین...»، نوشته محمد جعفر محبوب
 پاسداران فرهنگ ایران: توضیح درباره «گاهنامه سال ۱۳۶۵» (۱ ایران نامه، سال ۶، شماره ۲
 پرشاد، منوچهر: درباره بیت «نشان از دو کس دارد آن نامدار...»
 _____: نظر سید حسین نصر درباره هنر اسلامی حجت است
 پروین، ناصر الدین: پاسخ به دکتر هوشنگ صادقی نژاد
 _____: پاسخ به نامه مصطفوی جباری: برنامه تلویزیونی «درباره ایرج میرزا»...
 _____: درباره «پس از خواندن کتابی: از کاخهای شاه تا زندانهای انقلاب»
 _____: درباره روزنامه صور اسرافیل چاپ اروپا
 _____: صور اسرافیل اروپا و سروش اسلامبول
 پزشک زاد، ایرج: درباره مقاله «نگاهی به آثار سعیدی سیرجانی»، نوشته جلال متینی
 پیشداد، دکتر امیر: یادداشتی از انوشیروان سپهبدی درباره آتاتورک و احمدشاه
 پیما، نادر: توطئه تجزیه ایران، تحت عنوان «بررسی مسائل قومی اقلیتها»
 تابان، تورج: پیشنهاد اختصاص چند صفحه ایران نامه به معرفی پژوهشهای خارجیان درباره
 ایران
 ترابی، دکتر حسین: درباره «بگشتی» یا «بگشتی» در شاهنامه
 _____: ملاحظاتی درباره نامهای ایرانی و اصالت آنها در مقاله حبیب برجیان
 تنکا بنی، فریدون: درباره «اورمیه» در مقاله رسول رهایی: «سیمای شهری با دو نام».
 به عقیده مجتبی مینوی «غرر السیر» تألیف ثعالبی نیست.
 _____: درباره «مدح شبیه به ذم» در مقاله عباس میلانی.
 توفیق، کیوان: درباره قطعه «اشک یتیم»، پروین اعتصامی
 توکلی، احمد: آذری - ترکی و آذربایجان شمالی!
 _____: تذکر درباره عدم ارتباط assassin با اسمعیلیه
 _____: پاسخ به خواجه تورانس، درباره زنان در دوره ساسانیان
 _____: پیشنهاد: «آذربایجان قفقاز» به جای جمهوری آذربایجان
 _____: درباره دادن نام آذربایجان به قفقاز و اران قفقاز
 _____: درباره آذربایجان ایران و شوروی
 _____: درباره ایران زدایی

۹۴۳ / ۱۲

نامه / ۵ / ۱۹۱

نامه / ۵ / ۱۹۲

۹۲۴ / ۶

۷۰۳ / ۷

نامه / ۶ / ۵۱۸

۴۴۳ / ۱۵

نامه / ۵ / ۱۹۰

۲۰۳ / ۱۷

۲۳۰ / ۱۲

۶۶۹ / ۴

۸۵۴ / ۲

۴۳۹ / ۳

۷۰۷ / ۷

۲۳۳ / ۱۱

۱۹۱ / ۱۸

نامه / ۵ / ۷۴۵

۹۶۱ / ۱۳

۶۹۷ / ۱۴

۲۰۶ / ۱۷

۱۹۴ / ۱۷

۸۱۶ / ۱

۴۵۱ / ۴

نامه / ۲ / ۶۹۳

۹۳۶ / ۱۱

۴۷۳ / ۷

نامه / ۵ / ۷۴۳

۴۶۵ / ۲

۴۳۸ / ۱

- _____ : درباره بار ۸۵۶ / ۲
- _____ : درباره ترجمه مقدمه شاهنامه به عربی، در مقاله مهدوی دامغانی، احمد ۶۷۸ / ۵
- _____ : درباره تصحیح شاهنامه، به مناسبت معرفی دفتر ششم به توسط متینی، جلال ۵۸۵ / ۱۸
- _____ : درباره مازندران شاهنامه نامه / ۳ / ۳۴۴
- _____ : درباره مقاله « پروانه و شمع»، نوشته متینی، جلال ۴۷۳ / ۷
- _____ : درباره مقاله جوادى، حسن: چگونه ممکن است اسکندر در هفت سال هفتاد شهر ساخته باشد؟ نامه / ۲ / ۴۸۸
- _____ : درباره مقاله «سیاست دینی خسرو دوم (پرویز - ابرویز)»، ۳۱۰ / ۱۵ و ۴۴۳
- _____ : نوشته عنایت الله رضا
- _____ : درباره منظومه سرو و تذرو، با اشاره به مقاله «سرو و تذرو» نامه / ۴ / ۱۶۷
- _____ : معرفی دستنویسی از «سلسله الذهب» جامی نامه / ۵ / ۱۹۶
- _____ : موقعیت جغرافیایی مازندران در شاهنامه فردوسی نامه / ۳ / ۳۴۴
- _____ : نظر استاد مینوی صد در صد پذیرفته نیست، پاسخ به تنکابنی، فریدون ۱۹۵ / ۱۷
- _____ : نکته ای درباره «بار» نامه / ۷ / ۱۸۳
- _____ : یادداشتی دیگر بر مقاله «ایران در گذشت روزگاران» ۲۲۴ / ۱۰
- _____ : خواجه توریانس، آراکل: زنان در دوره ساسانیان ۷۰۹ / ۱۱
- _____ : دکتر کاظم: اعتراض به نامه ع. هادی که به فرهنگ آذربایجان اهانت کرده است ۲۳۰ / ۲
- _____ : فرشته: پاسخ به مهدوی دامغانی، تاجماه ۸۲۲ / ۱
- _____ : توضیحی درباره « پروین اعتصامی در شیکاگو»، نوشته دباشی، حمید ۴۴۰ / ۱
- _____ : دباشی، حمید: پاسخ به داوران، فرشته ۶۲۰ / ۱
- _____ : دباشی، حمید: پاسخ تلفنی به اظهار نظر میلانی، عباس، و غیائی، حسین: درباره مقاله «تأملی بر صناعت روایت در گلستان» ۶۹۰ / ۶
- _____ : دوستخواه، جلیل: تأیید نظر شاهرخ گلستان، در مورد «اخبار مویتون» ۹۰۹ / ۵
- _____ : درباره «ویژه نامه فردوسی» ۴۵۲ / ۴
- _____ : دو تذکر درباره مقاله های «ایران در گذشت روزگاران» و «روسیگری در ایران» ۲۲۵ / ۵
- _____ : دوستدار، آرامش: درباره نقد کتاب درخششهای تیره ۶۵۳ / ۸
- _____ : دهقانی تفتی (اسقف): درباره به کار بردن Persia نامه / ۶ / ۵۱۴
- _____ : جواب بر نقد حشمت مؤید درباره کتاب مسیح و مسیحیت... ۴۶۱ / ۵
- _____ : درباره پروین اعتصامی ۸۵۳ / ۲
- _____ : معرفی نقاش (در مقاله پیتز چلکوفسکی در سال ۲، ش ۲، ایران شناسی) ۲۲۵ / ۳
- _____ : نامه ای به روزنامه Independent درباره کاربرد Farsi به جای Persian در

- زبان انگلیسی
 دولتشاهی: دربارهٔ کلمهٔ «بتستان» در مقالهٔ خالقی مطلق، جلال
 نامہ / ۵ / ۵۴۴
 رادمرد، دکتر ژاله: دربارهٔ علت مرگ پروین اعتصامی
 ۷۱۲ / ۱۳
 رجب زاده، عسکر علی: همدلی و همزبانی
 ۶۶۲ / ۳
 رجب زاده، هاشم: دشواریهای خط فارسی و ژا پنی
 ۲۳۰ / ۴
 _____: فرهنگ تازه و ارزندهٔ انگلیسی - فارسی
 ۲۹۶ / ۸
 رستگار، حمید: دربارهٔ مسجد مقدس جمکران!
 ۲۰۳ / ۱۷
 رستگار، نصرت الله: دربارهٔ نقد کتاب «وگر تنهاست عاشق نیست تنها» نوشتهٔ حشمت مؤید
 ۶۴۹ / ۸
 رضا، عنایت الله: دربارهٔ نامهٔ خالقی مطلق، جلال دربارهٔ مقالهٔ «سیاست دینی خسرو دوم
 (پرویز - ابروین)»
 ۸۵۱ / ۱۵
 روشنگر، مجید: دربارهٔ مقالهٔ «زبان و خط ما»، نوشتهٔ متینی، جلال
 ۹۰۸ / ۷
 رهایی، رسول: پاسخ به فریدون تنکا بنی
 ۲۰۷ / ۱۷
 زرنگار، محمد: دربارهٔ «ویژه نامهٔ حافظ شیرازی»
 نامہ / ۷ / ۳۷۳
 _____: دربارهٔ مقالهٔ Farsi Language
 نامہ / ۶ / ۶۹۳
 زند، فرخ زاد فرزین: «آریانژاد، آریامهر»، دربارهٔ مقالهٔ خالقی مطلق، جلال:
 «۱ ایران در گذشت روزگاران»
 ۲۲۳ / ۱۰
 زهتاب، نادر: دربارهٔ نقطهٔ گذاری، تألیف مجد، ناصر
 ۲۱۶ / ۹
 س.س.: دربارهٔ سمینار فروغ فرخزاد: اگر دختران و پسران ما به تقلید از فروغ و
 برادرش بپردازند چه قیامتی برپا خواهد شد!
 نامہ / ۶ / ۵۱۵
 _____: دربارهٔ «علوم عربی»، جنگ ملیت بزرگان، نامگذاری خلیج فارس، کشمکش
 چهارده قرن میان ایران و دنیای عرب
 نامہ / ۶ / ۵۱۴
 _____: دربارهٔ کتاب «راه درازاستانبول»
 نامہ / ۷ / ۱۸۱
 سالمی، دکتر محمد حسن: آیت الله کاشانی در دادستانی ارتش نگفته است من فتوای قتل
 رزم آرا را صادر کردم
 ۴۱۹ / ۱۷
 سبط، محمد تقی: دربارهٔ مقالهٔ احمد مهدوی دامغانی در زیر عنوان «نامه ای از مرحوم دکتر
 قاسم غنی به...»
 ۶۸۴ / ۶
 سجاد پور، دکتر کمال: دربارهٔ «انگشتی زنهار» در مقالهٔ کیوان نجم آبادی
 ۲۳۱ / ۱۲
 _____: دربارهٔ مقالهٔ «نگرشی تطبیقی بر اسطورهٔ عشق در فرهنگهای کهن»، نوشتهٔ
 محمد ضیمران و فریدهٔ سیحون
 ۴۶۷ / ۶
 _____: دربارهٔ واژهٔ voyeurism در مقالهٔ خالقی مطلق، جلال
 ۶۸۰ / ۶
 سعیدی، علی اصغر: دربارهٔ مقالهٔ محمد جعفر محبوب: «کعبتین، سه شش، سه یک، دو
 شش، دو یک»
 ۶۵۴ / ۸

- _____ معرفی یک قطعه شعر مجعول ترکی به نام نظامی گنجوی
 ۵۹/۵
 نامہ / ۴ / ۳۳۲ سود آور، ابوالعلاء: مخالفت با مقاله «چرا اسلامی؟!»، در «ایران نامه»، سال ۴، شماره ۱
- _____ درباره مقاله «نگاهی دیگر به سنتی کهن: زورخانه»، نوشته الهی، صدرالدین
 ۷ / ۴۷۲
 نامہ / ۷ / ۱۸۵ در مقاله کاظمی موسوی، احمد، تاریخ درگذشت امام یازدهم ۲۶۰ است نه ۲۵۶
- _____ سہیم، ہایدہ: یہودی نہ جہود
 سیحون، فریدہ: رک. ضمیران، محمد
 ۱۷ / ۲۰۵
 سیف زادہ: حمید: تابعت سویس دکتر محمد مصدق
- _____ درباره درگذشت دکتر مظفر بقایی کرمانی
 ۱۷ / ۱۹۵
 ۱۱ / ۷۰۹
 شاہ پوریان، رضا: اوحدالدین کرمانی
- _____ «مرید جام می» نه «غلام جام می»، در مقاله مؤید، حشمت
 ۱۲ / ۲۲۸
 _____ «ملک اشرف» نه «تیمورتاش» در مقاله ہاشم رجب زادہ
 ۱۲ / ۲۲۸
- _____ شاہق، ابوالحسن: تقی زادہ و کتابخانہ مجلس سنا
 ۴ / ۲۲۷
 ۶ / ۶۷۹
 شاہق (حریری)، مہوش: پاسخ بہ مصطفوی، محمد حسین
- _____ درباره مترجم موش و گربة عبید زاکانی
 ۳ / ۴۴۴
 ۶ / ۲۳۴
 شاہگان نیک، حسن: «بالہای عقاب گشودہ تر بہتر» درباره پرویز ناتل خانلری
- _____ تبصرہ ای بر مقالہ عباس میلانی
 ۳ / ۴۴۰
 ۴ / ۲۲۸
 _____ درباره «سنتز» و «مطمورہ انہماک»
- _____ درباره «مساعده» در ترکیب «شاش مساعده»
 ۹ / ۲۱۹
 ۹ / ۸۲۶
 _____ [درباره مقاله «توطئه عظمی» نوشته ابوالعلاء سودآور و نامہ ایرج افشار]
- _____ درباره مقاله «نگاهی دیگر به سنتی کهن: زورخانه»، نوشته الهی، صدرالدین
 ۷ / ۷۰۲
 ۸ / ۴۳۵
 _____ درباره «یادداشتہای توفی» ایرج افشار، و مقالہ صدرالدین الہی
- _____ شفا، شجاع الدین: شما در «ایران نامه» مرا بد عادت کردہ اید کہ ہر بار مجلہ را از آغاز
 تا پایان بخوانیم
 ۳ / ۱۸۶
 شکیبایی گیلانی، دکتر جامی: اعتراض بہ مجلہ تاہم درباره کاربرد «خلیج» بہ جای
- _____ «خلیج فارس»
 ۵ / ۵۴۶
 ۶ / ۳۴۱
 _____ درباره «سرود فارسی از ابونواس اہوازی»
- _____ درباره واژہ روسی «آبراز» در نوشتہ صدرالدین عینی. این کلمہ
 روسی ست نہ تاجیکی
 ۴ / ۱۶۳
 ۳ / ۵۴۴
 ۵ / ۵۳۸
 _____ شہابی، علی اکبر: یعقوب بن اسحاق کندی یہودی نبودہ است
- _____ چند یادآوری درباره احادیث و خلیج فارس
 _____ شہابی، فرخ / شیرازی، ناصر: سورن ملیکیان در مقالہ ای نشان دادہ است کہ چگونہ آثار
 ہنری ایران در زیر نامہای مجعول و نادرست معرفی می گردد
 ۱۲ / ۴۷۱

- شهرزوی المونی، سید ضیاء الدین: درباره مقاله جیهه ملی و قتل رزم آرا
 _____: درباره بررسی کتاب علی رهنما به توسط عباس میلانی
 ۱۹۲ / ۱۸
- _____: درباره مقاله «جشن بهاری زنان»
 ۱۹۰ / ۱۸
- _____: یاد خیری از دکتر قاسم معتمدی
 ۱۹۳ / ۱۸
- _____: «سد سیوند»
 ۱۹۳ / ۱۸
- شیرازی، ناصر. رک. شهابی، فرخ
 صاحب جمعی، دکتر حمید: درباره مقاله «اعجام صحیح در تصحیح انتقادی متن»، نوشته
 امید سالار، محمود: در شماره تابستان ۱۳۸۲
 ۸۵۳ / ۱۵
- _____: درباره مقاله «سعدی در شب وصل»، نوشته محمد علی هما یون کاتوزیان
 ۳۷۲ / ۱۸
- _____: نگاهی دوباره به «زبان و اندیشه»
 ۳۹۲ / ۱۷
- صادقی تژاد، دکتر هوشنگ: در انسیکلوپدی امریکانا، فردوسی طوسی نیز شاعر افغانستان
 معرفی شده است
 ۹۴۰ / ۱۳
- _____: درباره مقاله «خاطرات تاج السلطنه و...»، نوشته ناصر الدین پروین
 ۲۰۲ / ۱۷
- _____: در روزنامه نیویورک تایمز، مولانا جلال الدین، ترک معرفی شده است
 ۲۳۳ / ۶
- صبا، سیاوش: «ایران نامه» را به خط استادانه خود نوشته و برای ما فرستاده اند
 نامه / ۲ / ۳۷۵
- صفا، ذبیح الله: تأیید مقاله «چرا اسلامی؟!»
 نامه / ۴ / ۳۲۹
- _____: درباره «علوم عربی»
 نامه / ۵ / ۳۷۹
- _____: درباره کتاب «شیوه های نقد ادبی» نوشته غلامحسین یوسفی
 نامه / ۷ / ۱۷۹
- _____: درباره مقاله «از آذربایجان تا خلیج فارس»
 نامه / ۵ / ۷۴۲
- _____: مقاصد سوء استعمارگران درباره ایران و زبان فارسی
 نامه / ۵ / ۷۴۲
- ضمیران، محمد، و سیحون، فریده: پاسخ به سجاد پور، کمال
 ۴۶۷ / ۶
- طلالقانی، محمد علی: ایرانیان باستان و دریانوردی، اشاره به مقاله غیبی، بیژن
 طهماسبی، دکتر ناصر (مجله علم و جامعه) ده اعتراض به جلال متینی: مقاله «زبان
 فارسی، زبان رسمی تمام مردم ایران است» مقاله ای «سیاسی ست نه فرهنگی و این
 امر با ادعای بنیاد که غیر سیاسی ست متناقض است»، آیا مقصود شما از این مقاله
 «دفاع از حکومت خاندان پهلوی و یا لاقابل حمله به نیروهای چپ نبوده است؟»،
 ترکی «زبان» است نه «لهجه» و... «هر آینه به علت «مصالحی!» از چاپ این
 نامه در ایران نامه خودداری نماید به هیچ وجه گله ای از شما نخواهم داشت.»
 نامه / ۱ / ۶۷۱
- ع. ه: درباره مخاطب ملک الشعرا بهار در شعر «فلان سفیه...»
 نامه / ۶ / ۱۶۳
- عالمی، مسعود: پیشنهاد چاپ داستان کوتاه در ایران شناسی
 ۴۳۸ / ۱
- عسکری، منوچهر: اعتراض به معرفی مولانا جلال الدین به عنوان «صوفی ترک»
 ۸۷۴ / ۳
- عفیفی، رحیم: درباره بزرگداشت استاد ذبیح الله صفا
 ۲۲۱ / ۴

- علوی، بزرگ: تأیید مقاله «چرا اسلامی!»
 نامہ / ۵ / ۱۹۰
 _____: درباره پرویز نائل خانلری
- غروی، محمد: از مقاله «چرا اسلامی!» در مقاله خود بهره فراوان برده ام
 نامہ / ۴ / ۴۷۸
 _____: تأیید مقاله «چرا اسلامی!»
- غیائی، حسین: درباره مقاله «تأملی بر صناعت روایت در گلستان...» نوشته دباشی، حمید
 نامہ / ۶ / ۶۹۰
 غیبی، بیژن: «خلیج عربی» در نقشه چاپ شده در کتاب مجموعه مقالاتی از زبان شناسان
 نامہ / ۱۲ / ۴۶۹
 نام آور درباره هر یک از زبانهای قدیم و جدید ایرانی
- فاتح، دکتر حسن: چرا در «ویژه نامه حافظ شیرازی» مقاله ای بی امضا چاپ شده است؟
 نامہ / ۷ / ۳۷۱
 فتحی، دکتر: درباره «ویژه نامه حافظ شیرازی»
- فرویدی، حسین: باز هم سخنی درباره آذربایجان
 نامہ / ۵ / ۵۴۱
 _____: «پارسی گویان» در اصطلاح غزالی
- _____: پاسخ به پروین، ناصرالدین
 نامہ / ۲ / ۸۵۵
 _____: پیشنهاد تحقیق درباره معنا سنجی دوره پیش از مشروطیت و دوره مشروطیت
- _____: سخنی درباره «دایرة المعارف ایرانی» و «روابط حسنه»
 نامہ / ۱ / ۴۳۳
 _____: «صنعت توزیع» در شعر فارسی
- فکوری، ابراهیم: رابطه زبان و اندیشه از دیدگاه روان شناسی
 نامہ / ۱۷ / ۳۹۴
 قهرمانی، سعید: باز هم ذکر جمیل شاملو
- _____: پاسخ به بهشتی، فیروز و حجاریان، محسن، درباره «ماههای آخر زندگی
 نامہ / ۱۲ / ۹۴۴
 زرین کوب»
- _____: درباره پروین اعتصامی
 نامہ / ۱۳ / ۷۰۸
 کاتوزیان، محمد علی هما یون: پاسخ به صاحب جمعی، دکتر حمید
- کاردوش، هاشم: درباره اظهار نظر نذیر احمد درباره محمد رضا جلالی نائینی در مقاله
 نامہ / ۱۸ / ۳۷۴
 «ماجرای چگونگی کشف یک نسخه قدیمی دیوان حافظ در گور کبپور...»
 (ايران نامه، سال ۵، ش ۳)
- کارگر، داریوش: درباره اشتباهی که در مقاله «باز سپید و آتشکده گمشده جاماسپ»
 نامہ / ۶ / ۵۱۵
 روی داده است
- _____: توضیح درباره فدائیان اکثریت
 نامہ / ۱۷ / ۶۰۶
 کاشانی، سید محمود: برخلاف روایت دکتر باقر عاقلی، آیت الله کاشانی در دادستانی ارتش
- _____ نگفته است فتوای قتل رزم آرا را صادر کردم
 نامہ / ۱۷ / ۶۲۰
 کاشف، منوچهر: درباره شماره اول، سال ششم مجله ایران شناسی، که «به یاد علی اکبر
- _____ سعیدی سیرجانی» منتشر گردیده است
 نامہ / ۷ / ۷۰۵
 _____: درباره یادنامه سعیدی سیرجانی
 نامہ / ۸ / ۲۰۲

- کاظمی موسوی، احمد: نظر سود آور، ابوالعلاء درباره تاریخ درگذشت امام یازدهم
 صحیح است
 ۲۴۰ / ۱۳
- کامران، رامین: درباره مقاله «تاریخ در تاریخ بیهقی» نوشته میلانی، عباس
 کاوه، الف: آیا «لئوناردو عالیشان» نام مستعار نیست؟
 نام / ۳ / ۳۴۵
- _____ : درباره مقاله «کتابهای درسی در جمهوری اسلامی ایران»
 کریمی حکاک، احمد: درباره نقد کتاب پیام آوران انهدام
 نام / ۳ / ۳۴۵
- _____ : چند سؤال درباره فرهنگ ایران
 کلهبر، فری: طرح چند پرسش
 نام / ۵ / ۱۹۲
- _____ : چند سؤال درباره فرهنگ ایران
 کمالی، حسین: پاسخ به ح. منتظم، درباره کنت دوگوبینو
 نام / ۳ / ۵۴۱
- _____ : درباره «یادنامه حجة الاسلام محمد الغزالی الطوسی»
 گلرخسار: ما دوباره خط فارسی را در تاجیکستان زنده می کنیم
 نام / ۵ / ۵۴۷
- _____ : تذکری در مورد مقاله «درخت دانش بی پایان» جلیل دوستخواه درباره
 گلستان، شاهرخ: تذکری در مورد مقاله «درخت دانش بی پایان» جلیل دوستخواه درباره
 نام / ۳ / ۲۲۷
- _____ : اخبار بریتیش موویتون
 ۹۰۹ / ۵
- _____ : درباره کاربرد «خلیج عربی» در CBS News و اظهار نظر Mare
 لاجوردی، حبیب: درباره کاربرد «خلیج عربی» در CBS News و اظهار نظر Mare
 نام / ۲ / ۸۵۷
- _____ : Nostrum درباره آن
 لطفی، بهمن: در مجله، چند صفحه به ترجمه پارسی کلمات روزمره اختصاص داده شود
 نام / ۲ / ۴۸۶
- _____ : پاسخ به دهقانی تفتی، ح. ب.
 مؤید، حشمت: پاسخ به استعلامی، محمد: «شیخ جام درست است یا...»
 نام / ۱۲ / ۲۲۶
- _____ : پاسخ به دهقانی تفتی، ح. ب.
 نام / ۲ / ۸۵۴
- _____ : پاسخ به دهقانی تفتی، ح. ب.
 نام / ۵ / ۴۶۲
- _____ : پاسخ به رستگار، نصرت الله
 نام / ۸ / ۶۵۱
- _____ : پاسخ به مهدوی دامغانی، احمد
 نام / ۱ / ۶۲۵
- _____ : پاسخی کوتاه به امنون تنصر
 نام / ۱۱ / ۹۴۲
- _____ : تأیید نظر شاپوریان، رضا، «مرید» صحیح است
 نام / ۱۲ / ۲۲۸
- _____ : درباره پروین اعتصامی
 نام / ۱۳ / ۷۱۲
- _____ : درباره «چهار نامه عاشقانه»
 نام / ۱۳ / ۴۷۷
- _____ : درباره داستان رجم زن زناکار
 نام / ۳ / ۸۷۰
- _____ : درباره «کانون هنر و فرهنگ» در کلن
 نام / ۲ / ۳۷۷
- _____ : درباره سلطان احمد شاه
 مافی، فرهاد: درباره سلطان احمد شاه
 نام / ۱۷ / ۴۱۷
- _____ : اقدام درخور تقدیر دکتر کاظم ابهری درباره تغییر Farsi به Persian در
 متینی، جلال: اقدام درخور تقدیر دکتر کاظم ابهری درباره تغییر Farsi به Persian در
 نام / ۶ / ۹۲۳
- _____ : پاسخ به افشار، ایرج: درباره کمینه
 استرالیا
 نام / ۸ / ۸۵۵
- _____ : پاسخ به اکبری، عبدالله: شما نه با تعالیم اسلام آشنا بی دارید و نه نوشته های

- مرا به دقت خوانده اید
- _____ : پاسخ به العوضی درباره طرز نگارش «ه»
 نام / ۲ / ۲۱۹
- _____ : پاسخ به العوضی درباره «اندر»
 نام / ۲ / ۲۲۰
- _____ : پاسخ به برهان، ابن یوسف، درباره کوه البرز در شاهنامه...
 نام / ۴ / ۵۳۵
- _____ : پاسخ به توفیق، کیوان، درباره قطعه «اشک یتیم» پروین اعتصامی
 نام / ۷ / ۱۸۷
- _____ : پاسخ به سهیم، هایده: حق باشماست
 نام / ۱ / ۶۷۲
- _____ : پاسخ به طهماسبی، دکتر ناصر: با آن که مطالب نامه شما سیاسی ست آنها را نقل کردیم. «بنیاد» غیر سیاسی ست، ولی هدف ما زنده نگاهداشتن زبان و ادب فارسی ست. البته «ترکی» زبان است. بیش از ده بار در مقاله به این موضوع اشاره کرده ایم. اگر در صفحه ۲۳۸، «لهجه آذری» به کار برده ایم، مقصود یکی از لهجه های ایرانی ست نه زبان ترکی»
 نام / ۸ / ۲۰۳
- _____ : پاسخ به کاشف، منوچهر: درباره یادنامه سعیدی سیرجانی
 نام / ۴ / ۳۳۷
- _____ : پاسخ به کسانی که عنوان «هنر اسلامی» را درست می دانند با توجه به شیوه تقسیم بندی آثار هنری در موزه ها، نظر اسلام درباره صورتگران و تصویر جانداران و...
 نام / ۷ / ۷۱۱
- _____ : پاسخ به نامه ع. هادی درباره مقاله «زبان و خط ما»
 نام / ۱۱ / ۹۳۷
- _____ : پاسخ به نامه تنصر، امون، درباره نقد جلد دوم کتاب پادیاوند
 نام / ۱۰ / ۲۲۷
- _____ : تصحیح یک عبارت در مقاله «جمال زاده و مخالفان او»
 نام / ۶ / ۶۹۱
- _____ : تغییر لفظ Farsi به Persian در چند مؤسسه دانشگاهی و علمی
 نام / ۳ / ۴۴۳
- _____ : توضیح درباره «تبصره ای بر یک مقاله»
 نام / ۶ / ۳۴۵
- _____ : توضیح درباره «سرود فارسی از ابونواس اهوازی»، نوشته: عبدالرحمن عمادی (ایران نامه، سال ۵، ص ۵۰۱)
- _____ : توضیح درباره مقاله «شوبنیست»
 نام / ۸ / ۲۰۶
- _____ : توطئه تخریب حظیره القدس
 نام / ۱۸ / ۳۷۰
- _____ : چاپ یکی از مقاله های ایران شناسی در مجله ره آورد، (شماره ۶۴، تابستان و پائیز ۱۳۸۲، بی اطلاع و موافقت «ایران شناسی»)
- _____ : خبر روزنامه رعد درباره موافقت احمدشاه با قرارداد ۱۹۱۹
 نام / ۱۵ / ۸۵۰
- _____ : خطر بان تورکیسم برای امنیت ملی ایران
 نام / ۱۷ / ۸۲۹
- _____ : درباره پروین اعتصامی
 نام / ۳ / ۸۷۱
- _____ : درباره شعر ترکی نظامی!!
 نام / ۱۳ / ۷۰۹
- _____ : درباره «فرّ خدایی» و «فرّ شاهی» در مقاله «شاهنامه و موضوع نخستین انسان»
 نام / ۵ / ۴۵۸
- _____ : درباره مقاله «بویه پرواز» و مرغ افسانه ای به نام رخ
 نام / ۲ / ۶۹۰
- _____ : درباره مقاله «بویه پرواز» و مرغ افسانه ای به نام رخ
 نام / ۴ / ۱۶۸

- _____ درباره نامه مافی، فرهاد
نامه / ۱۷ / ۴۱۸
- _____ در زبان اعتماد به حافظه
نامه / ۸ / ۱۹۶
- _____ : ذکرى از برنده رخ در سفرنامه ابن بطوطه
نامه / ۴ / ۱۶۸
- _____ : نامه اعتراض درباره کاربرد «خلیج عربی» به جای «خلیج فارس» از سوی
رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا
نامه / ۱۱ / ۴۷۴
- _____ : نقل بخشی از مقاله «ایران و مسأله آذربایجان» نوشته دکتر محمودافشار
یزدی، در مجله آینده، جلد ۳، شماره نهم، ۲۴ اسفند ۱۳۰۶
نامه / ۶ / ۱۶۵
- _____ : نوشته مجله همبستگی نسبت به ایران خصمانه است و برخلاف اسناد تاریخی
_____ : یک سند معتبر دیگر درباره «آران» و «آذربایجان»
نامه / ۳ / ۲۲۹
- _____ : ارجاع به مآخذ، در زیرنویس، خلاصه هر مطلب ذکر شود
محبوب، محمد جعفر: اشاره به مقاله بسیار جالب دکتر خالقی مطلق. بهتر است به جای
نامه / ۲ / ۵۳۱
- _____ : پاسخ به العوضی درباره شعر محمد بن وصیف سیستانی
نامه / ۲ / ۲۱۹
- _____ : درباره «علوم عربی!»
نامه / ۵ / ۵۴۶
- _____ : درباره مقاله نذیر احمد با عنوان «ماجرای چگونگی کشف یک نسخه قدیمی
دیوان حافظ در گور کهپور...»
نامه / ۴ / ۵۳۲
- _____ : محرم خواه، علی اکبر: ویژگیهای ایران
مختاریان، بهار: درباره مقاله «سیاوخش و بالدر...»
نامه / ۱۲ / ۷۰۶
- _____ : مزین، مهرداد: درباره دستنویس مزین الدوله
مشیری یزدی، محمد: در صورت امکان درباره دو عیب ما ایرانیان:
فحاشی و تعارفات اغراق آمیز توضیحی بدهید
نامه / ۴ / ۱۶۶
- _____ : پاسخ قسمت اول: رجوع شود به بخش «مقاله ها»: محمود امیدسالار: «نکاتی درباره فحش
و فحاشی در زبان فارسی»
نامه / ۱۴ / ۲۲۸
- _____ ، قطعه ای شعر ژاپنی: باران، همچنان بارید...
مصطفوی جباری، محمد حسین: برنامه تلویزیونی «درباره ایرج میرزا» در سال ۱۳۵۱
نامه / ۱۵ / ۲۰۹
- _____ در مقاله پروین، ناصرالدین
نامه / ۱۲ / ۲۲۹
- _____ : درباره نقد کتاب، توسط خانم شاهرخ حریری، مهوش
نامه / ۲ / ۵۳۱
- _____ : درباره مقاله «سابقه القاب و عناوین...»، نوشته متینی، جلال
نامه / ۳ / ۱۸۶
- _____ : درباره مقاله «روش پرورش و آموزش...» علی اکبر شهابی
معزی، دکتر خلیل: درباره مقاله مهدوی دامغانی، احمد، «نامه ای از مرحوم دکتر
قاسم غنی به...»
نامه / ۶ / ۶۸۴
- _____ : مکى، جلیل: اعتراض به کاربرد Arabian Gulf به ناشر Cambridge
نامه / ۹ / ۲۲۰

- منتظم، حسین: فرهنگ ربایی، داستان کهنسالی که سرِ دراز دارد
 ۹۱۰ / ۵
 _____: کنت دوگوبینو
- منشی زاده، د: نکاتی دربارهٔ مقاله «فربدون»، نوشتهٔ جلال متینی
 ۷۰۸ / ۱۱
 نامہ / ۵ / ۳۷۷
 موسوی، میر حسین: دربارهٔ هنر اسلامی
- مولوی نژاد، صالح: دربارهٔ بررسی کتاب علی رهنما به توسط عباس میلانی
 نامہ / ۴ / ۴۶۶
 ۴۷۷ / ۱۳
 _____: سید احمد خراسانی در دانشکدهٔ ادبیات مشهد
- مهدوی، ابراهیم: تفاوت ضبط کلمات در حافظ قزوینی - غنی با آنچه ما پیش از آن
 ۸۸۵ / ۱۰
 خوانده بودیم
- مهدویان، دکتر جلال: دربارهٔ کاربرد نادرستِ *Pioneers and Islamic Medicine*
 ۳۷۴ / ۷ / ۳۷۴
 نامہ / ۱۷ / ۸۲۸
 مهدوی دامغانی، احمد: تصحیح کلمه ای در ترجمهٔ حدیث نبوی: «بُوَانه» که مترجم آن را
 نامفهوم معرفی کرده است، بُوَانه نام آب و تبه یا کوهی ست در مغرب شهر «بنیع»...
 نامہ / ۷ / ۳۷۷
- _____: پاسخ به رونوشت نامهٔ افسانهٔ نجم آبادی، دربارهٔ کتاب معایب الرجال
 ۶۹۵ / ۵
 _____: تشکر از خالقی مطلق، جلال، و ذکر این که عدم ترجمهٔ مقدمهٔ شاهنامه
 به عربی قرینه ای ست بر شیعی بودن فردوسی
- _____: تصحیح یک غلط چاپی در مقالهٔ الهی، صدرالدین: کُره نه کُره
 ۲۲۵ / ۵
 _____: توضیح دربارهٔ دو مورد در مقالهٔ نقد کتاب «در شرع و شعر» نوشتهٔ
 مؤید، حشمت
- _____: توضیحی دربارهٔ مقالهٔ خود دربارهٔ «مروری بر تاریخهای ادبیات عربی»
 ۶۲۳ / ۱
 ۶۹۳ / ۶
 _____: سهیل انگاری در بیان اصول نا کجاست؟ (دربارهٔ مقالهٔ وامقی، ایرج)
 ۸۸۹ / ۴
 مهدوی دامغانی، تاجماه: نکاتی دربارهٔ مقالهٔ «شعر «غیر شخصی» پروین اعتصامی»
 نوشتهٔ داوران، فرشته
- _____: مهران، رحمت: توضیحی دربارهٔ مقالهٔ خالقی مطلق، جلال: «ایران درگذشت روزگاران» (۱)
 ۴۵۴ / ۵
 مهربان روز: مسألهٔ آذربایجان
- _____: میرزا آقا عسگری: مصاحبه با آلبرت کروموف دربارهٔ زبان فارسی و تاجیکستان
 ۲۲۱ / ۴
 میرزا رضی (نقل از سفرنامهٔ شاردن)
- _____: میرعلاتی، احمد: دربارهٔ حملات موشکی عراق به میدان نقش جهان اصفهان
 نامہ / ۴ / ۴۷۴
 ۶۹۰ / ۶ / ۳۷۷
 میلانی، عباس: پاسخ به: شهروزی، ص. ض و مولوی نژاد، صالح
- _____: پاسخ به کامران، رامین
 ۴۶۳ / ۶
 _____: توضیحی دربارهٔ نقد کتاب «فرهنگ ایران از دیدگاه یک ایران شناس»
 ۶۷۹ / ۴
 _____: دربارهٔ مقالهٔ «تأملی بر صناعت روایت در گلستان...» نوشتهٔ دباشی، حمید
 ۶۸۷ / ۶
 _____: مقصود من از «مدح شبیه به ذم»، آن نیست که در معانی و بیان مذکور است.
 ۱۹۴ / ۱۷
 نادرپور، نادر: دربارهٔ عبارتی در نقد و بررسی کتاب «فرهنگ ایران از دیدگاه یک

- ایران شناسی»
 نادزاد، دکتر جهانگیر: ضرورت معرفی شاعران و نویسندگانی که در آثارشان رگه های
 حس ملی و هویت ملی آشکار شده است
 نام/ ۲ / ۴۸۵
 تنصر، امون: درباره نقد کتاب پادیاوند... به توسط مؤید، حشمت
 نام/ ۱۱ / ۹۳۹
 نثری، علی: تصحیح یک خطا در شماره ۳ سال ۸
 نام/ ۸ / ۸۵۵
 نجم آبادی، افسانه: اعتراض به نقد و بررسی کتاب معایب الرجال ویراسته افسانه نجم آبادی
 نام/ ۵ / ۶۹۰
 نشأت، گیتی: درباره مقاله «Farsi Language»
 نام/ ۶ / ۶۹۳
 نصر، سید حسین: توضیح تلفنی: نظر آقای یحیی ذکاء درباره خرید شاهنامه شاه طهماسبی
 صحیح نیست زیرا چکی به مبلغی در حدود بیست میلیون دلار از طرف دفتر شهبانو
 فرح که ریاست آن دفتر را به عهده داشتیم برای خرید شاهنامه صادر شد ولی
 به علت اوج گرفتن ناآرامیها در کشور، بنده به شهبانو پیشنهاد کردم خرید شاهنامه
 به این مبلغ در این زمان صلاح نیست
 نام/ ۱۱ / ۷۰۷
 _____: عنوان «هنر اسلامی» صحیح است، عطف به مقاله «چرا اسلامی!»
 نام/ ۴ / ۳۳۰
 نوشته متینی، جلال
 نام/ ۷ /
 نظامی، ا: ملاحظاتی درباره لطائف عبید زاکانی در رساله دلگشا
 نام/ ۲ / ۳۷۶
 نگهبان، عزت الله: پیشنهاد چاپ کتاب حفاریهای مارلیک به زبان فارسی
 ورجاوند، پرویز: جنگ و نابودی آثار باستانی
 نام/ ۳ / ۶۶۰
 وزیرزاده، آسیه: درباره کاربرد دو کلمه
 نام/ ۳ / ۸۷۳
 وصال، هوشنگ: اقدام شایسته مجله درباره کاربرد، Persian نه Farsi
 نام/ ۶ / ۶۹۳
 _____: درباره مقاله «Farsi Language»
 نام/ ۲ / ۴۶۵
 _____: درباره هنر ایرانی و هنر اسلامی
 نام/ ۴ / ۳۳۵
 هادی، ع: کاربرد «هنر اسلامی» درست است
 نام/ ۱ / ۴۳۵
 _____: پیرامون انجمن فرهنگی آذربایجان
 نام/ ۶ / ۴۶۹
 _____: درباره مقاله «بالحای عقاب گشوده بهتر»، نوشته شایگان، حسن
 نام/ ۷ / ۷۱۰
 _____: درباره مقاله «زبان و خط ما» نوشته متینی، جلال
 نام/ ۴ / ۶۶۷
 _____: یک پیشنهاد درباره هجوناومه منتسب به فردوسی
 نام/ ۱۲ / ۴۷۰
 هدایتی خوشکلام، منوچهر: «مولانا جلال الدین رومی» (!)
 نام/ ۱۲ / ۲۲۹
 _____: نظر شاپوریان، رضا، درباره «مرید جام» صحیح است
 نام/ ۶ / ۶۹۰
 هما یونفر، عزت الله: درباره خاطرات جلال متینی درباره دکتر علی شریعتی
 هیئت، دکتر جواد: درباره مقاله آذربایجان کجاست؟ نوشته جلال متینی
 نام/ ۲ / ۶۷۳
 یارشاطر، احسان: پاسخ به العوضی: درباره کتاب به آفرید
 نام/ ۲ / ۲۱۴
 _____: پاسخ به العوضی: درباره کاف و گاف
 نام/ ۲ / ۲۱۶

- _____ : نامه اعتراض درباره کاربرد «خلیج عربی» به جای «خلیج فارس» از سوی
رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا
۴۷۴ / ۱۱
- _____ : درباره مقاله ماشاء الله آجودانی با عنوان «ملیت گرایی در بوف کور»
یکی از ارادتمندان سید محمد رضا جلالی نائینی: توضیح درباره دیوان حافظ تصحیح نذیر
احمد
نامہ / ۶ / ۵۱۵
- _____ : تبلیغ برای ازدواج پسران آذربایجانی با دختران قفقازی
یکی از خوانندگان: درباره آذربایجان شوروی و جمهوریهای آسیای اتحاد جماهیر شوروی
نامہ / ۵ / ۷۴۰
- _____ : درباره مقاله مهدوی دامغانی، احمد: «نامه ای از مرحوم دکتر قاسم غنی به...»
و ذکر نام فرزندان دکتر شیخ حسن خان عاملی
نامہ / ۶ / ۶۸۷
- _____ : مخاطب ملک الشعراء بهار در شعر «فلان سفیه...» محمد ضیاء هشترودی
است نه نیما
نامہ / ۶ / ۳۴۷
- _____ : نقل قطعه ای از کتاب «صاحبیه» درباره زاهدان ریایی
معرفی آزاد کابلی
نامہ / ۵ / ۳۸۰
- _____ : معرفی نقاش در مقاله چلکوسکی، پیترو: شاهنامه فردوسی و تبلیغات انگلیسی
معرفی آزاد کابلی
۸۹۷ / ۴
- _____ : مقایسه رفتار هیأت حاکمه پیش با رفتار رئیس جمهور فعلی درباره آذربایجان
یکی از مشترکان: درباره اطلاع بعضی از حواشی سرمقاله ویژه ملک الشعراء بهار؛ اصطلاح
شوخ طبعی؛ ترجیح لفظ «امانت» به جای «وفاداری» در ترجمه fidalite
نامہ / ۶ / ۳۴۸
- _____ : درباره نوشته مرصانه مجله همبستگی، «نشریه فدراسیون سراسری
شوراهای پناهندگی و مهاجرین ایرانی»
۲۲۹ / ۶

دکتر علی شریعتی

در دانشگاه مشهد (فردوسی)

۱۹۳ صفحه

در ۱۳ بخش همراه ۴ پیوست

و متن نامه ۴۰ صفحه ای دکتر شریعتی خطاب به ساواک خراسان

حاطرات

جلال متینی

Arash Forlag
Siktgaton 1
162 50 Vallingly, Sweden
Tel.:46-8-294150

Xerion
Box 54009
418 11 Goteberg, Sweden
ناشر: اکسریون

محل فروش در امریکا:
شرکت کتاب، لس آنجلس
Tel.:(310)477-7477

نگاهی
به کارنامهٔ سیاسی

دکتر محمد مصدق

تألیف
جلال مسینی

شرکت کتاب



Ketab Corp.
1419 Westwood Blvd.
Los Angeles, CA 90024 U.S.A.
Tel: (310)477-7477



جلال خالقی مطلق

یادداشت‌های شاهنامه

(در دو جلد)

یادداشت‌های شاهنامه که دکتر جلال خالقی مطلق سال‌ها به تالیف آن مشغول بود در ۹۳۱ صفحه در دو جلد در دسترس خواستاران قرار گرفته است. داشتن این دو مجلد برای هر دوستدار شاهنامه و هر علاقمند به ادبیات فارسی ضروری است. «این نخستین باری است که یکی از آثار زبان فارسی موضوع موشکافی و تحقیقی چنین دقیق و جامع قرار می‌گیرد» (از مقدمه احسان یارشاطر بر «یادداشت‌های شاهنامه»).

یادداشت‌های شاهنامه شامل توضیح واژه‌ها و نام‌ها، منشا و تحولات تاریخی آن‌ها و طرز نگارش واژه‌ها، معنی هر بیت با تفسیر لازم، نقل امثله و شواهد از متون متعدد دیگر، نقد آراء دانشمندان ایرانی و خارجی درباره کلمات، ابیات و اشخاص شاهنامه، توضیح و مقایسه داستان‌ها و اساطیر شاهنامه و همچنین فهرست کامل نام‌ها و واژه‌هاست.

قیمت هر جلد در قطع بزرگ و جلد طلاکوب ۶۰ دلار

توزیع توسط:

Eisenbrauns, Inc.
P.O. Box 275
Winona Lake, IN 46590
USA

Tel: (547) 269-2011 Fax: (547) 269-6788
U.S. Fax Orders (800)736-7921
Email: orders@eisenbrauns.com
Website: <http://www.eisenbrauns.com>



کتابفروشی

شرکت کتاب

۷ روز هفته

۱۰ صبح تا ۸ شب

- مجموعه ای بی نظیر از بهترین کتاب های فارسی و انگلیسی مربوط به ایران
- مجموعه ای بی نظیر از کتاب ها و نوارهای آموزشی فارسی و انگلیسی
- مجموعه ای بی نظیر از نشریات فارسی منتشره در سراسر جهان
- انشريات روزانه، هفتگی، ماهنامه ها و فصلنامه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری
- انواع تابلوهای خوشنویسی (اصل و چاپ)
- بیش از ۱۰۰۰ عنوان نوار و کامپکت دیسک موسیقی اصیل، سنتی فولکلور و کودکان که مجموعه آن را در هیچ کجا پیدا نمی کنید
- مجموعه ای از زیبا ترین کارت های تبریک و کارت پستال برای مناسبت های مختلف
- بزرگترین کتابفروشی ایرانی در خارج از کشور

(310) 477-7477

خارج از لوس آنجلس

1-800 FOR-IRAN

3 6 7 - 4 7 2 6

Website: www.ketab.com

۲۳۳۳ وُود - لوس آنجلس

1419 Westwood Blvd.,
Los Angeles, CA 90024

بین Wilshire و Santa Monica

E-mail: ketab@ketab.com



ENCYCLOPÆDIA IRANICA

Edited by
Ehsan Yarshater

Center for Iranian Studies
Columbia University

VOLUME XIV
Fascicle 1

ISFAHAN IX—ISLAM IN IRAN

Published

Published by
ENCYCLOPÆDIA IRANICA FOUNDATION
New York

Distributed by
EISENBRAUNS INC.
Winona Lake, Indiana
(574) 269-2011

Please visit our website at
www.iranica.com

- Hanaway, William L.: *Recurrent Patterns in Iranian Religions: From Mazdaism to Sufism*, by Association pour l'Avancement des etudes Iraniennes 8/14
 _____: *Banquets d'Orient*, ed. Gyselen, R. 7/ 31
- Heck, Paul L.: , *The Persian Presence in the Islamic World*, by Richard G. Havannisian and George Sabagh 13/ 33
- Hunger, Hermann: *Die Sterne des abd-ar-Rahman as-Sufi*, by Gotthard Strohmouer N/6/27
- Katz, Marion: *The Divine Guide in Early Shi'ism: The Source of Esotericism in Islam*, by Amir-Moezzi, M.A. 8/16
 _____: *An Introduction to Koranic and Classical Arabic*, by W. M. Thackston 6/ 25
 _____: *The History of al-Tabari*, vols: XIX and XXIX, by al-Tabari 4/ 7
- Mazzaoui, Michel, M.: *On Islam and Shi'ism*, by M.A. Jazayeri 5/ 45
- Milani, Abbas: *Closed Circuit of History*, by Mohasses, Ardeshir 3/ 89
- Russell, J. R.: *Thr Culture of the Sakas in Ancient Iranian Khotan*, by Baily H. W. N/1/685
 _____: *The Manichaeen Hymn cycles Huyadagman and...*, by Sundermann, Werner 3/ 57
- Shaked, Shaul: *Zoroastrianism in Armenia*, by Russel, James, R. 2/ 65
- Sharma, Sunil: *World View in Pre-Revolutionary Iran: Literary Analysis of Five Iranian Authors in the Context of the History of Ideas*, by Claus V. Pedersen 15/ 27
- Siavoshi, Sussan: *The making of the Iran's Islamic Revolution: From Monarchy to Islamic Republic*, by Milani, Mohsen 3/ 3
- Sprachman, Paul: *Iran and American Rekindling a Love Lost*, by Badiozamani, Badi and Badiozamani, Ghazal 18/9
 _____: *The Spirit of Wisdom (Menog i Xrad): Essays in Memory of Ahmad Tafazzoli*, ed. Daryae, Touraj and Omidsalar , Mahmoud 16/ 9
 _____: *A History of Literary Criticism in Iran (1866-1951)*, by Parsinejad, Iraj 15/ 1
 _____: *Nader Naderpour Iranian Poet, Thinker, Patriot*, by Mafi, Farhad 15/13
- Walbridge, John: *Resurrection and Renewal: The making of the Babi Movement in iran, 1844-1850*, by Amanat, Abbas 3/ 3
- Walbridge, Linda S.: *Law of Desire*, by Haeri, Shahla 3/ 59
- Whitcomb, Donald: *Half the World: The social Architecture of Safavid Isfahan, 1590-1722*, by Blake Stephen, P. 13/ 9
 _____: *Iranian Cities: Formation and Development*, by Kheirabadi, M. 13/11
- Walker, Paul E.: *Knowledge and Illumination: A Study of Suhrawardi's Hikmat al-Ishraq*, by Hossein Ziai 4/ 3

- _____ : "The Islamic Revolution in Iran as Seen Through Political Caricatures (2)" 4/ 49
- Vanzan, Anna: "Literati and Society in Zand and Early Qajar Iran According to Ahmad Gorji Akhtar's *Tazkereh-ye Anjoman Ara*" 9/ 37
- _____ : "The Memories of Taj al-Saltaneh: A Window onto the Qajar Period" 2/ 91

Book Reviews:

- Ahmadi, S, Wali: *The Poetics of Alfarabi and Avicenna*, by Salim Kemal 4/ 73
- Babaie, Sussan: *The Feather of Simorgh: The "Licit Magic" of the Arts in Medieval Islam*, by Johann Christoph Burgel 5/ 27
- _____ : *The Great Mosque of Isfahan*, by Oleg Graber 5/ 48
- Beard, Michael: *From Durham to Tehran*, by Micheal C. Hilmann 4/ 71
- Behl, Aditya: *The Legacy of Mediaeval Persian Sufism*, by Leonard Lewisahn 6/ 9
- Blair, Sheila S.: *Miniature Painting in Ottoman Baghdad*, by Milstein, Rachel 3/ 93
- Cobb, Paul, M.: *The History of al-Tabari*, vols: XXXIII and XXXVI, by al-Tabari 7/ 34
- _____ : *The History of al-Tabari*, Vols: XIX and XXVI, by al-Tabari 4/ 5
- Chelkowski, Peter: *Closed Circuit History*, by Mohassess, Ardeshir 1/ 92
- Cole, Juan, R. I.: *Authority and Political Culture in Shi'ism*, ed. by Amir Arjomand, Said 1/ 99
- Davis, Dick; Ricardo Che Non St. Spegne... in memoria di Alessandro Bausani, Napoli, 1995 10/43
- _____ : "Annali di Ca' Foscari: Rivista della Facolta di Lingue e Letterature... (xxxv, 3, Venezia 1966) 10/45
- Donnet, Fred M.: *The History al-Tabari*, vol XVIII, translated and annotated by Michael G. Morony N/6/11
- Floor, Willem: "Circulation des monnaies, des marchandises et des biens," ed. Rika Gyselen 8/35
- Frye, Richard, N.: *An Historical Geography of Iran*, by Barthold W. N/5/9
- Guo, Li: A Review of Ibn Kammuna: *al-Tanqihat fi Sharh al- Talwihat*, by Ziai, Hossein and Alwishah, Ahmad 15/43
- _____ : *The History of Al-Tabari*, Vol. XXXIX, translated and annotated by Ella Landau-Tasseron 10/13
- _____ : *The History of al-Tabari: An Anotated Translation*, vols. VIII, X, XI, XVI, XVII, by al-Tabari 9/22
- Gabbay, Alyssa: *Esther's Children. A Portrait of Iranian Jews*, by Sarshar, Houman 14/ 25

*Twenty-five Year Cumulative Index

Articles:

Adibi, Hossein: "Demographic Analysis of Iranian Population in Australia"	9/ 11
Clinton, Jerome, W.: ["The Response to Michael, C. Hilmann's Article: "Translation as Interpretation: The case of Ferdowsi's Rostam and Sohrab"]	1/ 71
Frye- Richard, N.: "A Persian MS on the Kafirs of Pakistan"	2/ 61
Ghanoonparvar, Mohammad Reza: "On Savushun and Simin Daneshvar's Contribution to Persian Fiction"	3/ 77
Hanaway, Jr. William, L.: "national Consciousness and the Search for Self in Recent Tajik Poetry"	3/ 21
_____ : "The king, the Poet, and the past"	3/ 49
Hilmann, Michael Graig: "Translation as Medievalism, The Case of Nezami's <i>Haft Paykar</i> "	8/1
_____ : "Translation as Poetry: The Case of Ferdowsi's Siyavosh"	5/ 3
_____ : "Ferdowsi's Sohrab as a laudable Anti-patriarchal Force in Iranian Culture"	2/ 27
_____ : "Hedayat's <i>The Blind Owl</i> : An Autobiographical Nightmare"	1/1
_____ : "Translation as Interpretation: The Case of Ferdowsi's Rostam and Sohrab"	1/ 53
Machaeava, Arazgozel: "Persia - India- Central Asia: Critical Approaches to post-Classical Persian Literature"	7/ 1
Momeni, Jamshid: "Size and Distribution of Iranian Ethnic Group in the United States: 1980"	N/ 2/17
Ram, Haggay: "The Islamic Revolution in Iran as Seen Through Political Caricatures (1)"	4/ 21

* All articles and book reviews in this index have been published in *Iranshenasi*, unless noted with letter "N" in right column, referring to *Iran Nameh*. In the right-hand columns, numbers on the left refer to volume of publications, numbers to the right refer to page number in that volume.

(Tudeh Party). But, as everyone knows now, after a short time Ayatollah Khomeini was able to put an end to these leftist vigilantes, and they were forced to flee the scene. Later Matini learned the names of the members of the Commission that ended his thirty-year service to education in Mashhad. He recognized two of them and remarks in his memoirs that the “Pahlavi-selected Chancellor of Ferdowsi University” under no circumstances had done them any harm.

that took place during the last months of the Pahlavi regime disrupted classes.

After Ayatollah Khomeini appointed Mehdi Bazargan Prime Minister, Dr. Khanlari informed Matini that he had resigned as chancellor of the Academy. Matini said that he too would resign his position.

Soon after the victory of the Islamic Revolution, there were many changes at the University in Mashhad. The revolutionaries appointed Dr. Sirus Sahami, associate professor of geography, as Chancellor. Though a learned man, Dr. Sahami was not reasonable or measured in the way he administered the University. He appointed an unqualified man as Vice Chancellor for Education and Research at the University. Not long afterwards, Dr. Sahami himself was removed from his post and imprisoned.

In the climate of post-Revolutionary Iran, true believers and opportunists came to the fore in both the public and private sectors. Working under the supervision of the religious authorities, these individuals soon began “purging” institutions of undesirable elements. At the University, they gave themselves the impressive title of “The Revolutionary Commission for the Purification of the University of Mashhad.” The Commission charged Matini with three crimes, for which he was expelled from his University position and denied his pension. Matini decided to write directly to Mehdi Bazargan protesting his expulsion and reminding the Prime Minister of the time when he himself was expelled from his university position (when he openly backed Prime Minister Mohammad Mosaddeq), but was never denied his pension benefits. Matini also reminded Bazargan of his universally acknowledged status as a professor and expert in the field of Persian literature and textual editing. If he was guilty of anything, wrote Matini, it was for three things:

1. Being a scrupulous teacher with very high standards;
2. Being a strict but honest administrator who refused to engage in cronyism.
3. Never, despite having the right to do so, retaliating against any faculty members who plotted against him. Needless to say, Bazargan never responded to his letter.

Matini adds that the Commission, like many others like it in state and private institutions, offered certain persons the opportunity to settle old scores. It was said that their active members were Mojahedin-e Khalq (People’s Crusaders, headed by Mas’ud Rajavi) or Communists

This part of his story begins in spring of 1974 when he was a professor and Dean of the Faculty of Arts and Humanities at the University of Mashhad (known then as Ferdowsi University). At that time he was appointed Vice Chancellor for Education and Research at the University. Soon thereafter the post of chancellor became vacant, and the Government decided that one of the three vice-chancellors would replace him. Matini and the two others traveled to Tehran for interviews with the Minister of Science and Higher Education, Dr. Sami'i. During his interview, Matini stated that because of family obligations, he would be unable to assume the post. Despite this, a few days later he was instructed to return to Tehran to be presented to the Shah as the new Chancellor. Years later, in an interview in the US, Dr. Sami'i stated that a majority of the professors at the University had voiced their support Dr. Matini, and this was the reason why they had gone against the candidate's expressed desire not to be appointed to the post.

Matini recalls that administering a major university like the one in Mashhad was an extremely difficult task. It was quite different from today's Iran where with impunity one can appoint a cleric without an academic background to be chancellor of Tehran University, expel a number of experienced faculty, and disqualify superb applicants merely on the basis that they have a record of political activity. During his tenure as Chancellor, Matini threatened to resign if the authorities did not listen to his ideas on how to run the University sensibly. The threats proved effective; however the challenges of the job grew daily until Matini approached an old friend, Dr. Qasem Mo'tamedi, appointed toward the end of the Pahlavi regime as Minister of Science and Higher Education. Once Dr. Mo'tamedi satisfied himself that Matini was not angling for a higher position by threatening to quit, he advised his friend to write a personal letter to Prime Minister Hoveyda outlining his difficulties and requesting that he be only a full-time faculty member. Eventually Matini's resignation was accepted and a successor was appointed.

After remaining a full-time professor at the Faculty of Arts and Humanities for about a year, Matini was offered a one-year position by Dr. Parviz N. Khanlari, chancellor of the Iranian Academy of Letters and Art. Matini had been an affiliate of the Academy and was slated to become its Vice Director. The University in Mashhad agreed to Matini's transfer so long as he spent two days every two weeks teaching in the graduate Persian literature program; however, the demonstrations

The article also speaks of the Sufi women's circles from the Qoshayri family and the women novices of the Abu Sa'id retreat.

How Iranian Poets View the Deaf

Rouzbeh Ghahreman

In recent years Deaf Culture, which includes the history, narratives, values, tendencies, norms, and languages of the deaf has attracted intense interest.

Research in the West indicates that a great deal of information about deafness comes via poetry.

It appears that the first references to the deaf in Iran also come through poetry. In such poetry we have words such as *lal* (dumb) and *kar* (deaf), which from sociological and cultural standpoints are very important. The number of poems specifically about deafness is very small; the contents of the poems can be divided as follows:

1. Narrative, which can be subdivided into a. satires as in the poetry of Anvari and Qa'ani; b. advice poems such as that of Jalal al-Din Rumi entitled "The Deaf Man's Visit to Neighbor in Distress"; and c. moral poems such as Sa'di's poem about the famous Sufi Sheikh Hatam Asamm or "Hatam the Deaf."
2. Descriptive, informed by the biographies or characteristics of the deaf found in the poetry of Sa'eb and others of the Isfahani school.
3. Lyrical, like the poetry of Dr. Ra'di Azarakhshi on his brother or that of Mohammad Qahreman to his son, Rouzbeh

In this detailed article, the author gives many examples of each kind of poetry dealing with the deaf and deafness.

Expelled from the University: Memoirs of Years of Service, Part II

Jalal Matini

In this section of his memoirs, Matini describes how he was forced to leave the University of Mashhad and denied his pension, after nearly thirty years of service to secondary and post-secondary education.

Hormozgan, Bushehr and some parts of Sistan and Baluchestan were labeled "Arabistan," and in many Arab countries the Persian Gulf is known as the Arabian Gulf. The Islamic Republic has made absolutely no move to protest these clear affronts to its territorial integrity.

The threats to Iranian integrity also appear in the United States. Michael Ledeen, head of the American Enterprise Institute, has spoken of separatism from Iran as a conference attended by representatives of Iranian minorities, and Ralph Peters in his article "Blood Borders" speaks of changing the boundaries of Middle Eastern countries, including Iran. He proposes a new map that gives parts of Iran to Azerbaijan, Kurdistan and Iraq. Even though it is fully aware of these threats, the government of Iran has not issued a word in protest.

Women in Hadith and Mysticism from the 11th to the 13th Centuries

Zahra Taheri

The author notes in this comprehensive article that the number of women who played a part in the development and spread of Islamic culture, as opposed to men, is quite small. Despite this there are many sources that mention women who were active in the intellectual and spiritual sides of Islam. In addition to the diverse texts that mention women in passing, there is the work by 'Abd al-Rahman Sullami (d. 1025) that lists eighty learned, Sufi women from Khorasan and Mesopotamia, or the work of 'Abd al-Karim Sam'ani (d. 1167) in which there is a chapter devoted to sixty women who were his teachers and from whom he learned hadith.

Some of these women were taught by members of their own families and some were taught by famous scholars, males who were their contemporaries. Some of the women were also writers of scholarly treatises. Twenty-two women were from some of the great religious families of Nishapur, and fourteen of those belonged to four principal families, which played key roles in the spiritual and political life of the city. One of the points the author finds noteworthy is that a seminar conducted by one of these women named Fatema was not solely devoted to women; men were among her students.

Musa, which had been Iranian territory during Qajar times but had been taken away by the British. As a result of the 1975 Algerian Accord, the Shah was able to have the thalweg for the entire length of the Shatt al-Arab recognized as the official boundary between Iran and Iraq.

During his flight back to Iran from France, Ayatollah Khomeini was asked by a reporter about his feelings about returning to Iran after so many years in exile. His response, "Nothing," was telling. After coming to power and being asked about various threats to Iranian territorial integrity, he said that in Islam the concepts of nationalism and nationhood are without foundation, even un-Islamic. He added that nationality and nationhood are issues that the architects of imperialism and their agents propagandize. Khomeini's words served as the basis for Islamic Republican policy in later years. Of course, it occurred to some to ask, if that were the case, why Muslim countries around the world took their borders very seriously and why did many Muslims not merely consider themselves part of the great Ummah (faith community).

Matini refers to an interview the Iranian Oral History Project at Harvard conducted with Ayatollah Ha'eri Yazdi, a relative and student of Khomeini. In the interview he states that Khomeini's grandfather came from Kashmir and settled in Khomein in Iran. He did not speak Persian properly or spoke it infrequently with a Kashmiri or Indian accent. Khomeini also wrote poetry under the pen name "Hendi." Finally, one of his brothers, a lawyer, used the family name Hendi. Matini adds that at the Education Centers sponsored by clergymen (Howzeh'ha-ye 'Elmiyyeh) in Iran and Iraq, students did not study Persian language and literature or the history of Iran; thus the graduates of such centers were not fluent in the language. Not knowing much about Iran would make them indifferent to its fate.

The campaign against Iranian nationalism was also joined in Persian textbook writing from the beginning of the Islamic regime. Verses from the Persian national epic *Shahnameh* were even excised from them, as was the lion and sun from the flag of Iran. The name of the Iranian Red Lion and Sun Society was changed to the Red Crescent Society (as it is called in Arab countries). State officials began to revise the history of the Constitutional Movement and the narrative of pre-Islamic Iran. Most importantly, the territorial integrity of the country was ignored. Things reached such a state that many of the newly formed countries of the region such as Kuwait, Azerbaijan, Qatar and the United Arab Emirates began to attack Iran's integrity in their textbooks and official literature. For example in school books in the United Arab Emirates Khuzestan,

Abstracts of Persian Articles*

The “Arab Kingdom” of Iran

Jalal Matini

The lead article in this issue is devoted to the Islamic Republic’s indifference to the territorial integrity of Iran. The specific incident mentioned in the article occurred at the 2006 Asian Games held in Doha (Qatar). The announcer introduced the Iranian athletes as coming from al-Mamlakat al-Arabiyyah al-Iraniyah or “The Arab Kingdom” of Iran. Though representatives from the Iranian parliament as well as high-ranking officials from the country were present, none objected to this act of hostility, nor did they object later on.

Matini surveys the history of dismembering Iran from the beginning of the Qajar period (1779) through the Pahlavis (ruled 53 years) to the present Islamic Republic (28 years). During the Qajar period significant parts of Iranian territory in the Caucasus region and in eastern Iran were ceded to Russia and the British. Reza Shah prevented the British tool, Sheikh Khaz’al, from detaching the oil-rich regions in southern Khuzistan. In the 1937 treaty with Iraq, Iran also tried to have the thalweg in the Shatt al-Arab recognized as the boundary between the two countries. The Iraqis, however, with the backing of the British, recognized the thalweg only near Abadan. During Mohammad Reza Shah’s reign, the Soviets tried to detach Azerbaijan from Iran; however Iranian resistance, referring the issue to the UN Security Council, and the US’s unstinting support prevented the Soviet attempt. Later Iran was able to regain control of the islands of Greater and Lesser Tonb and Abu

* All translations, unless otherwise stated, are by Paul Sprachman.

Twenty-five Year Cumulative Index

A prominent part of this issue of *Iranshenasi* is a cumulative index of twenty-five years of the journal. Responding to recent requests on the part of some readers, I have created an index in the hope that it would allow scholars easy access to the contents of the journal. Here I would like to thank my learned friend Mr. Ali Sajjadi, without whose help compiling the index would have been impossible.

One may ask: Why create a twenty-five year index, when the journal is not even eighteen years old? I note that before becoming the editor of *Iranshenasi* (spring 1989), I spent six and half years editing *Iran Nameh* (fall 1982-winter 1988), which was published by the Foundation for Iranian Studies. Most of the researchers who contributed to *Iran Nameh* continued their collaboration with the new journal and thus I am indebted to their quarter century of contributions.

Jalal Matini

Contents

Iranshenasi

New Series

Vol. XVIII, No. 4, Winter 2007

Twenty-five Year Cumulative Index

Persian

Articles	589
Book Reviews	697
Short Reviews	701
Communications	713
Twenty-five Year Cumulative Index	715

English

Abstracts of Persian Articles by:

Jalal Matini	The "Arab Kingdom" of Iran	33
Zahra Taheri	Women in Hadith and Mysticism from the 11 th to the 13 th Centuries	37
Rouzbeh Ghahreman	How Iranian Poets View the Deaf	38
Jalal matini	Expelled from the University: Memoirs of Years of Service (Part II)	38
	Twenty-five Year Cumulative Index	42

Iranshenasi

A JOURNAL
OF IRANIAN STUDIES

New Series

Editor :

Jalal Matini

Associate Editor :

(in charge of English Section)

William L. Hanaway

University of Pennsylvania

Book Review Editor :

Heshmat Moayyad

Advisory Board :

Peter J. Chelkowski,

New York University

Djalal Khaleghi Motlagh,

Hamburg University

Heshmat Moayyad,

University of Chicago

Roger M. Savory,

University of Toronto

Former (deceased) Advisors:

Mohammad Djafar Mahdjoub

Zabihollah Safa

The views expressed in the articles are those of the authors
and do not necessarily reflect the views of the Journal.

All contributions and correspondence should be addressed to:

The Editor: Iranshenasi

P.O.Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A

Telephone : (301) 279-2564

Fax : (301) 279- 2649

**Requests for permission to reprint more than short
quotations should be addressed to the Editor.**

Annual subscription rates (4 issues) are \$48.00 for individuals,

\$38.00 for students, and \$90.00 for institutions.

The price includes postage in the U.S. For foreign mailing, add \$18 for surface mail.

For Air mail add \$16.50 for Canada, \$37.00 for Europe,
and \$41.00 for Asia, Africa, and Australia

Iranshenasi

A JOURNAL OF IRANIAN STUDIES

New Series

Twenty-five Year Cumulative Index

Abstracts of Persian Articles by:

Rouzbeh Ghahreman

Jalal Matini

Zahra Taheri